علی نشابوری برای سلطان غورغیاث الدین محمد بن سام نوشته (٤ مجله موزه ایران باستان) بعدمی آید که در خط نسخی شیوه های ریحان و رقاع وتوقیع بهم آمیخته شده است (شکل ٧٤)

درکتابخانهٔ خطی کابل مجموعه رسایل متفرقه موجود است که از بامیان بدست آمده ودرسنه ٦١١ هـ بخط دولتشاه بن حبشی تولکی نوشته شده وخط آن نسخی دور ازشیوهٔ هنر یست و آثار کوفی دران مشاهده نیست وازین برمی آید که ازه مین اوقات شیوهٔ نسخی وتعلیق آمیزش یافته بود (شکل ٧٥)

درقرن ١١و١٢ که آسیای میانه وخراسان درتحت اقتدار سیاسی غزنویان ـ سلجوقیان ـ خوارزمشاهیان ـ غوریان بود، هنر خط نویسی کوفی ونسخی وثلث بافروغ آنها در خراسان فراوان پرورش دیده بود، واگر ما بقایای این نوع خطوط رادر غزنه وهرات وبست وبلخ ومشهدوسمرقند ودیگربلاد خراسان ـ بمعنی وسیع آن وقت ـ ببینیم میفهمیم که قرن ١٢ زمان ریعان هنری خطوط عربی است که خامهٔ هنروران چیره‌دست خراسان ، این هنر ارزنده و بدیع را ازنشابور تا بخارا و سمرقند و شاش وطراز و غزنه وویهند کنار سند پرورانده است . حتی بهمت غزنویان و غوریان افغانی این متاع گرانبها در اواخر قرن ١٢ بقلب هند ودهلی نیز رسیده بود. که درسنه ٥٩٦ هـ ١١٩٩م یک‌کاپی منارجام غور در مسجد قوة الاسلام بنام منار قطب ساخته شد (شکل ٧٦) که اینک بحیث نمونهٔ نفوذ هنرورسم الخط تزئینی خراسانی تاکنون دردهلی باشکوه ووقار عظیمی ایستاده وما می بینیم که بعدازمدت سه قرن هنر خراسان از هرات وغور وغزنه بقلب هند نیز رسیده بود ودر تحت اثر قوی محرکات سیاسی وعقیدوی واقتصادی گسترش ونشو نما می یافت و اغلب شاهان ومقتدران می خواستند بابنای کاخها ومنار هاو مساجد مجلل ومزین مراتب قدرت خود را تبارزدهند وبران ابنیهٔ معظم بجای تصاویر انسانی ، خطوط نظرربای بسیار زیبا ونقوش مواد غیر حیه رابنو یسند و برای این کارخط کوفی برازندگی تمامی داشت . و حتی تماماً بشکل گل کاری ونقاشی بدیعی درامده میتوانست.

خط کوفی باانواع متکامل خود برابنیه بصورت تزئینی ودرنسخ قرآن وکتب دیگر مقارن با خط نسخی نشو ونما نمود، وتا آغاز قرن ١٣ وخروج مغل درتمام کشورهای اسلامی بافروغ خود مورد

استعمال و تبارز هنری مردم بود. مثلا در کنبد مرقد ملک غیاث الدین غوری درمسجد جامع هرات رقاع ریحانی بسیار زیبا وتاهی برابر رقاع وریحان وثلث ومحقق وثلث خاص لتیبه نویسی با الف های تشیده وهم محقق شجری وثلث طغراء ثلث تعلیق نما ودیگر شیو های مخلوط این خطوط دیده میشود وهم خط نسخ ا نقد ر مهذب و پرورده گردید که شکل کامل هنری را گرفت ونمونهٔ آن در قرآن خط عبدالله صیر فی ۷۲۰ هـ ۱۳۱۹ م تنجینهٔ مشهد رضوی دیده میشود. (شکل ۷۷)

اگرچه چنگیزیان درمدت نیم قرن اول خروج خود، بسا ابنیهٔ کتابها را در سمرقند وبلخ ومرو ونشابور وهرات وسیستان و دیگر بلاد معمور آنوقت ازبین بردند ودرین جمله هنرمندان وعلما نیز تلف شدند وبرخی به ممالك دور دست عثمانی وهند گریختند، ولی بعدازیك قرن حکمرانان مغل نیز با ثقافت وهنر خراسانی در ماوراء النهر و افغانستان وایران آشنا یی یافتند، ودرین میانه برخی از حکمرانان محلی مانند آل کرت هرات وامرای پارس ازدر مدارا با مغلان پیش آمدند وبه حفظ هنر وکلتور خود توجه کردند. چنانچه از آثار این دوره درهرات نمونه های کرانبها ی خطاطی برمقابر وابنیه دورهٔ آل کرت باقیست واین آثار هنری رامایك حلقهٔ وصل وپیوستگی هنری بین دورهٔ قبل از مغل وآغاز رنسانس هنری تیموریان میدانیم. که مواریث گرانمایه هنری مردم عصر غزنویان وسلجوقیان وغوریان را به رنسانس تیموریان انتقال داده اند.

از آثار خطاطی این دوره خط ثلث عالی بشیوهٔ قدیم بر لوح مزار خواجه شهاب الدین عبدالله غازی وزدانی هرات است در سنه ۷۴۴ هـ ۱۳۴۳ م وخط توقیع نمای مزارجوانی در خاك شیخ ابو العلا در محرم ۷۵۹ هـ ۱۳۵۷ م وخط توقیع تعلیق نمابر مزار طغرل بن امیران فوشنجی درر باط پی غربی هرات از ۷۵۶ هـ ۱۳۵۵ م وخط رقاع تعلیق نمای سلطان شاه درسنه ۷۷۷ هـ ۱۳۷۵ م برظرف هفت جوش جامع هرات که بامر سلطان غیاث الدین محمد کرت ساخته شده است (شکل ۷۸)

فراموش نباید کرد: که در مدت پنج قرن اول دورهٔ اسلامی، هنگامیکه خط کوفی باانواع آن در عراق وخراسان وماوراء النهر پرورده میشد، یك شیوهٔ خاص شمالی آن از قفقاز تاخوارزم در شمال وجود

داشت کـه پیچیدگی و ابهـام‌واعـو جاج خاصی دران‌مشهوداست ونمونهٔ قدیم آنرا د ر سال ٤٧١ ه‍۱۰۷۸م بر کتیبهٔ چـهار سطـر ی مسجدالرشید بن محمد بن‌ابی بکردرباکو توان دید (شکل ۷۹) وبعد اران برکتیبهٔ آرامگاه یـو سف بن‌کبیر در ٥٥٧ ه ۱۱٦۱م نو عی‌ازین شیوه دیده میشود (شـکل ۸۰) وبقایای همین روش مهذب شـده بر لوحهٔ قبریست که در٦٧٠ه ۱۲۱۷ م کنده‌شده (۱). وهم دراور گـنـج کهنه درقرن ۱۲ بالای مدخل‌عمارت‌مشهور به‌قبر فخر الدین رازی (؟) نوعـی ازان درکنـده کـار ی گـل‌پخته بانقوش ظریف گل وبو تـه موجوداست . (شکل ۸۱)

حدس من اینست : که این نوع‌کوفی نویسی شمالی قفقازوخوارزم مبداء خط ناشناسی است‌که‌نمونـهٔ‌متأخر آن در یك مصحف مشهـد رضوی موجوداست و دا نشمنـد گلچین معانی آنرا «خـط با بـری» اختراعی محمد بابرشاه مـو سس‌سلسلهٔ تیموری هندمی‌داند .

خط بابری :

مورخان دورهٔ تیموریان هندمانندعبدالقادر بداونی در منتخب‌التواریخ وعلاءالدوله قزوینـی در نـفا یس‌المآثر وابوالفضل در اکبر نا مـه وخواجه نظام الدین احمد هـرو ی‌درطبقات اکبری وخو د بـا بـر درتزك خود خبرمیدهند : که ایـن پـادشاه (۸۸۸-۹۳۷ ه ۱٤۸۳ - ۱٥۳۰م) خطی اختـراع کـرده ونسخهٔ قرآن بدان خط نوشته و به مکه فرستاده بود (۲).

در کتابـخانـهٔ مشهد رضـو ی‌مصحفی بخط ناشناخته با کا غـذ وتذهیب کشمیری موجود ا سـت(نمبر ٥٠) وقفی شاه حسین صفو ی در ۱۱۱۹ ه که نخستین بار درنا مه‌آستان قدس (نـوروز ۱۳٤٤ ش) معرفی شد. ودانشمند گلچین‌معانی‌آنرا بهمان خط اختراعی بابر شا ه شمرد* (۳) .

در تحقیق این خط میرمن‌دانشمندصباحت عظیم جانوا رئیس موسسه تحقیقات شرقی اکادیمی او ز بـك(تـاشکند) در جنوری ۱۹٦٤ بـه

---

(۱) مسلم کالگرافی ۲۲-۲۳

(۲)منتخب ۱ر۳٤۳ واکبر نا مه۱ر۱۱۸ وطبقات ۲ر۲۷

(۳) گنجینهٔ قرآن ۱۷۸

مجلس بیست وششم بین المللی مستشرقان دردهلی مقالتی تقدیم داشت که بابراین خط را در سنه ۹۱۰ ه ۱۵۰٤م اختراع کرد ونمونه الفبای آن در کتاب خطی عجایب الطبقات محمد طاهربن قاسم موجود است که درسنه ۱٦٤٥ م در بلخ بامر سید ندرمحمدخان تالیف شده ،و نسخ متعدد خطی آن در کتابخانهٔ تحقیقات شرقی اکادیمی علوم اوزبکستان محفوظ میباشد . (۱)

درین مقاله عکسی از عین نسخه خط بابری داده شده (شکل ۸۲) که ابدا بانسخهٔ مصحف آستان قدس (شکل ۸۳) برابری ندارد (۲) و اشکال حروف عجایب الطبقات کلیدی برای حل اشکال حروف این مصحف شده نمیتواند و ما اختلاف اشکال هردو متن را در (شکل ۸٤) نشان داده ایم .

بهر صورت مبدأ خط مصحف مشهدرضوی بیقین معلوم نیست ، ولی شباهت تام آن باخط بالای درب عمارت اورگنج (شکل ۸۱) بنظر می‌آید وشاید ربطی باشیوهٔ شمالی قفقازی داشته باشد .

---

(۱) مجلهٔ سنترل ایشیار یویو جلد ۷ص ۲-۱۹٦٤م

(۲) عکس چهار صفحهٔ این مصحف شریف بوسیلهٔ جناب آقای محمود فرخ دانشمند وشاعر معروف خراسان بمن رسیده است که درینجا ازیشان صمیمانه تشکر میکنم.

دورهٔ عروج خطوط

در اواخر قرن ۱٤ امیر تیموردرآسیای میانه امپراتوری و سیعی تشکیل داد، که تمام مما لک ماوراء النهر و افغانستان و ایران رادر بر میگرفت . چون مردم این امپراتوزی مواریث هنری دو ر ۀ غزنویان وغوریان وخوارزم شاهیان وسلجو قیان رابا آثار هنر اسلامی ازغرب وهنر چینی وهندیو مغو لی‌ازشرق پیش روی داشتند، هنگامیکه شاهرخ پسر امیر تیمور در آغازقرن ۱۵ درهرات مر کز امپراتوری خودبنشست ، وی مواریث هنر رادرسمرقند وهرات پرو رانید و این شهر مرکز رنسانس هنری آسیای‌میانه‌گردید ومخصو صاً هنر کتاب نویسی بمعراج خودرسید و ابنیهٔ‌عظیمی که‌بران کتیبه های ز یبا بانواع خطوط تز ئینی موجود است‌ساخته شدند . واین مکتب هنری هرات تااواخر عصر سلطان هنرپرور حسین بایقرا واواخر قرن ۱۵ درهرات دوام کرد. وبعد ازان دیده‌میشود که هنرهای خطاطی، نقاشی، مصوری ،کتاب سازی ، میناتو رازین پرورشگاه رنسانس هنر ی به بخارا و اصفهان وتبریز و هندانتقال‌کردند.

درین رنسانس هنر استعدادخلاق‌مردم هرات وتمام مللامپرا تو ری تیموریان هرات ازمرزها ی چین‌تاتبریزکار میکرد ، و بنابرین هرات رادران اوقات مرکزی باید پنداشت‌که خلاقیت هنری تمام این مردم دران جا فعالیت داشت و هزارا ن‌نفر هنر مند ـ خطاط ـ مصو ر ـ مذهب ـ نقاش ـ جلدساز ـ معما ر ـ کاشی‌ساز ـ رنگ ساز و غیره در تحت پرورش رجال هنر خواه امپراتوری تیموریان به تخلیق آ ثار خا لد هنری می‌پرداختند .

رنسانس هنری هرات آ ثا رجاویدانی رادرشقوق مختلف هنری آفرید ، که این کتاب کو تاه‌حوصلهٔ‌شرح آنرا ندارد وباید اندران باره کتابها نوشته وپرداخته آید ، و لی‌من دراینجا دو شهکار جهانی این مکتب هنر را یاد آوری‌میکنم:

اولین اثر خالد این د بستان‌نسخهٔ خطی شاهنامهٔ فر دو سی موزهٔ گلستان تهران است در سنه۸۳۳ هـ ۱٤۲۹م بخط جعفربایسنغری که از لحاظ خط ـ نقاشی‌ـمصوری‌ـ کاغذ ـ تذهیب ـ جلد وصحافی به تشخیص متخصصان بین المللی ،گرانبها ترین کتب جهان شمر ده

شده ونمایندۀ عالی ترین‌مرحلۀ‌کتاب‌سازی انسا نیست . (شکل ۸۵)
دوم مسجد گو هر شاد آستان‌قدس مشهد است که بهمت ملکۀ
دربار هرات گو هر شاد وشهزادگان‌هنرمند وهنر دوست تیموری در۱۲
سال تحت نظر قوام الدین معمـا رساخته شده وازنظر معماری سبك
خاص خراسانی و تزئین و کا شــی‌کاری وخطاطی درزمرۀ دوازده بنا ی
بسیار عالی تاریخی دنیا وشهکـا رهای انسانی گـذشته محسوبست و
بنای آن در حدود ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م‌ختم شده است . (شکل۸۶)
چون مو ضوع مشخص ا یــن‌جستجو ی ماتنها خطـا طی دو رۀ
تیمور یان هرات است ، بنابر یــن‌از خلا قیت های دیگر هنری ایــن
دوره گذشته وتنها دربارۀ خطاطی‌نمی شرح میدهیم :
گفتیم که هنر خطاطی دربین ملل‌مسلمان ازقرن ۸ بدینطرف مرا حل
تکامل خودرا در مدنیت اسلا مــی‌بنحو احسن پیمود و بجای هنــر
مصوری مکتب گندهارا و ما نــی‌وسوابق تصویر سازی امپرا توری
نوشانی وساسانی وبیــزانتین وجریانهای هنر چینی وبودا یی هــم
ایستاد و بنابرین در ابنیۀ دینی‌بطورتزئینی بکار رفت. اگر چه شاهان
درکاخهای شاهی خویش گا هــی‌دیوار های نگارین و مصو ر هــم
داشتند که‌بر بقایای قصــر هـا ی‌لشکری بازار بست تصاویری‌نمایان
است (شکل ۸۷)وهم‌بیهقی مور خ‌دربار غزنه ازیك خانـۀ مصــور،
نگارینی که‌شهزاده مسعود در با غ‌عدنانی هرات ساخته بودخبرمیدهد،
ولــی ایــن‌عمل شهـــزاده مـوردباز پرس ورنجش پدرش سلـطا ن
محمود واقع گردید (۱) واز همیــن‌داستان می‌دانیم که گویا برابنیـۀ
دولتی تصاویر رنگین را با احتیاط‌بکار می‌بردند ، ولی ابنیۀ دینی و
معابد ومقابر ازان خالی بود، وبجای‌تصاویر ، انواع خطو ط تز ئینـی
وگل کاری ها ونقوش غیر جاندارا بکار می بردند که همین عـا مـل
دینی واخلاقی محرك پــرو ر ش وایجاد ورواج انواع خطوط تزئینــی
در هنر اسلامی گردید ، وهزارا ن‌نسخۀ‌خطی مزین ومنقش ومطلا ر ا
از قرآن نوشتند و یابر ابنیۀ خـودانواع خطو ط تزئینی ونقا شی های
گوناگون راباقی گـذاشتند و همین‌نظر دینی موید پیدایش خطـــو ط
وخطاطان بسیار ماهر چیره د ست‌وخلاقی‌گردیدوبرابنیه‌دینی هنر د ر
قالب عقیدۀ دینی ریخته شد ،وتوجه‌بهنر خطاطی در عصر تیموریا ن

---

(۱) تاریخ بیهقی ۱۲۱

بدرجه یی بود که شهزاد گان این‌خاندان مانند بایسنغر وابرا هیم وبدیع الزمان نیز خطاطان ما هـــربوده‌اند .

از آغاز قرن ۸ تاقرن ۱۶ درمدت۷قرن از خــط کــو فی و نسخــی سادهٔ اوایل دورهٔ اسلامــی فــروع‌هنری بوجود آمد، که نامهای انواع آن خطوط به‌پنجاه میرسد ، و لــی‌درقرن ۱۵ م «اقلام‌سته » ذ یــل بطور خطو ط ا سا ســی و جــو ـداشت:

نکارمن خط خوشی مینویسد بغایت خوب ودلکش‌مینو یسد
مناشیرومحقق ، نسخ وریحان رقاع وثلث هرششی مینویسد

برابنیه وکتب دورهٔ تیموریـــان‌خط کوفی باآنواع تزئینی آن نمودار است از انجمله خط مشجر مشکو ل‌بیرونی گنبد گور امیر تیمور را در سمرقند ۸۰۷ هـ ۱۴۰۴م وهم د رمدرسهٔ الغ‌بیگ ۱۴۲۰م و مر قــد خواجه احمد یسوی در تر کستان‌زقرن ۱۴ وهــم بربرخی از ابنیهٔ تیموریان در هرات وبلخ و کوهسان‌هرات وانواع معــقلــی و مقفــل و هندسی آن درخشت کاریها ی‌مسجدگوهرشاد ومدرسهٔ الــغ بیگ وشاه زنده سمرقند ودیگر ابنیهٔ آ نو قتوهمچنین درســر ســور هـــا ی قرآنی مکتوب این عصر تــو ا ندیده.وازین برمی آید که‌کوفی نویســی درین عهد به‌تکامل نهایی خــو درسیده بود. (شکل ۸۸)

درپهلوی تکامل وتنوع هفت‌قرنهٔ‌خط کوفی، تهذیب وهنری شــد ن نسخی نیز جریان داشت ودر کتاب‌های فارسی روش کوفی مخلو ط با نسخی درجریان این قرون دیــده‌میشود، ولی چو ن نسخی جنبــهٔ تزئینی کمتر داشت بر ابنیه آنــرا نمی نوشتند واز تهذیب و هنری گردیدن کوفی ونسخی بود کــه‌ثلث با فروع خود محقق وریحا ن ورقاع بوجود آمد، وبرای نــوشته‌های دفاتر ومناشیر خطی ازامتزا ج نسخی وفروع ثــلث بنام **توقیـــع**یا **مناشیر** رواج یافت که نــوشتن آن سهل وزود وبدون تکلفات‌هنری‌وبدیعی بود . ونمونهٔ اینگو نه خلط وامتزاج فروع ثلث رادر نسخــهٔ‌کتاب التفهیم البیرونی (کتابخا نهٔ مجلس تهران) توان دید که د ر۵۳۸ هـ ۱۱۴۳م نوشته شده است . (شکل ۸۹)

خطاطان وهنر مندان خــلا ق درامتزاج این شیو ه ها و پیدا یش اسلوبها ی خصو صی هنری در هرعصر دستی داشتند وبنابر یــن

امتیاز انواع ایـــن خطوط ممـزوج وتعیین نام هر شیوه دشوار است.
برابنیه و مقابر و کتب مر بوطـ نسا نسں تیمو ریان در مملکتی که مـورخ دربـار آن عصر عبدالرزاق سمرقـندی آنـرا **خراسان** گوید نمونه‌های ذیل دیده میشود :

اول : انواع متعدد ومتکامل کوفی که چند نمونۀ آن گفته شد.
دوم: ثلث بسیارپخته ومتکامل مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکـل ۹۰) و شصت ورق قـرآن بخط شیخ محمـد طغرائـی تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰۶ مو شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳م (شکل ۹۱)و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱٦م (شکل ۹۲)و قرآن به خط نسخ وثلث و رقاع بسیار عالی عبدالله طباخ هـروی مورخ ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) درگنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیــه نیز انواع متکا مـل و بسیار زیـبای خـط ثلث نمایان است مانـنـد خطو ط ثلث و ریحان و محقق و رقـاع منارها ومسجد جامع وگازرگاه هرات و ابنیه دیگرآن شهر وثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابدال در قندهار و خطوط متعـدد ثلث و ریحان با یسنغـر بـن شاهرخ برپهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجـد گـو هرشاد مشهـد در سنه ۸۲۱هـ ۱۴۱۸م .(شکل۸٦)
ابنیۀ دورۀ تیموری در گازرگاه هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط ثلث و کـوفـی و معقلی و ریحان و رقاع ونسخی و محقق و توقیع مظا هـر بـر جستـۀ هنـر خـط نویسی رنسانس تیموریان است ،واز آن جمله سنگ تاریخ مصلای هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی عصر شاهرخ است کـه در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱هـ ۱۴۳۷ بقلم جلال جعفر نوشته شده است(شکل ۹۴)واین شخص فرزند خطـاط معروف جعفر با یسنغر یست که نمونـه‌های خطوط پدر وپسر هردو برابنیۀ هرات موجود است ،همچنین قبرشیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸هـ ۱۴۳۴ م در گازرگاه خط ثلث بسیار عالـی دارد .و مادر ینجا نمونـۀ بسیار عالی خط ثلث را از بقایای بنای محرابی در هرات گرفته ایـم (شکل ۹۵) کـه در قصبـۀ حوض کرباس غربی شهر هرات درمسجد

کوچك کهنه یی باقی مانده استوآنرا نمونهٔبسیار گرانبهای خطاطی و سبك تزئین بنا از هرات دورهٔتیموریان گفته میتوانیم ،که شاید خط یکی از اساتید مانند جعفریاپسرش باشد .

وهم بربالای محراب مسجد بلندومدرسهٔ میر عرب بخارا خط ریحان جلی بسیار عالی کتیبه نویسی ازقرن ۱٦ (شکل ۹٦) وبر اطراف طاق نماز گاه بخارا نمونهٔ معقلیقرن ۱٦ (شکل ۹۷) و در مدرسهٔ میر عرب بخارا ومسجد بی بی خانمسمر قند اواخر قرن ۱٤ نمونهٔ

بسیار عالی جلی ثلث (شکل ۹۸) و همچنین ثلث جلی ومتوسطمتمایل بریحانی برلوح مرمرین حکیم ترمذیدر قرن چهارده وخط رقاع ریحانی بسیار عالی در مقبرهٔ جنوبی او زگند ۱۱۸٦ م نمایان است .(شکل ۹۹)

در ینجا باید یاد آوری کرد :کهازآغاز قرن۱٤ در ترکستان شیوهٔ خاصی در ثلث وریحان و رقاع و نسخی بوجود آمده بود که «شیوهٔ ترکستانی» باشد و آنرا مخلوطی ازثلث وریحان و محقق توان گفت کهنمونهٔ آن قرآنباترجمهٔترکی چغتایی بخط محمد بن شیخ یوسف اباری سید الخطاط ۷۳۷ ه۱۳۳٦م گنجینهٔ قرآن مشهد رضوی است (شکل ۱۰۰)و در همینگنجینهٔ قرآن بخط ثلث شیوهٔ ترکستان قرآنی از قرن ۱٦ نیزموجود است (شکل ۱۰۱) که این شیوه خاص ترکستانی را درخطوطقرن ۱٤ ـ ۱۵ در آسیا ی میانه فراموش نباید کرد مخصوصاً نمونهبسیار زیبای جلی متمایل بهتعلیق درتاریخ یکیاز بناهای شاه زندهٔسمرقند در۷٦۲ ه۱۳٦۰ موبرسنگ مرقد قثمبن عباس درسنه ۱۳۳٤م، بربالای ایوان قبر بیان قلی خان در بخارا ۱۳۵۹ م.(شکل ۱۰۲) .

سوم : چنانچه گفته شد خطوط عربی درخراسان تحول یافت ودر طول قرن سیزده علاوه بر اقلام سته یك قلم جدید دیگر (که کاملا محصول ذوق و سلیقهٔ مردمخراسانبود) متدرجاً بوجود آمد ، که آنرا **تعلیق** گفتند ومخلوطیبود ازنسخ ورقاع و توقیع و چون این خط در مراسلات سرکاری وعامه استعمالگردید آنرا **ترسل** هم گفتند ومولانا جامی گفت :

کاتبان را هفت خط باشد بطرز مختلف

ثلث وریحان ومحقق ،نسخ،توقیع ورقاع

بعد ازان **تعلیق** آن خطست کش اهل عجم

ازخط توقیع استنباط کردند ، اختراع

تعلیق نسبت به خطوط دیکر پیچیده بود وبنابرین قا آنی آنرا بازلف خوبان تشبیه نمود: «ای زلف توپیچیده تر ازخط **ترسل**» خط تعلیق بر کتیبه وابنیه نوشته نمی شد ،وکاهی در کتب وعموما در مراسلات استعمال میشد .

از صفحهٔ اخیر نسخهٔ خطی طبقات الصوفیه کتابخانهٔ نا فذ پاشا دراستانبول که با نسخی پخته به خط دمتاش بن عبدالله د ر شعبان ۶۷۲ ه ۱۲۷۲م غالباً در خراسان نوشته شده ثابت می آید که خط نسخی درین زمان متمایل به تعلیق کشته بود ، زیرادرین صفحهٔ اخیر نسخه سطوری مشابه به خط تعلیق از قلم همین کاتب دیده میشود(شکل ۱۰۳) وبنا برین آغاز تعلیق را یك قرن پیش از خروج امیر تیمور باید دانست، زیرا برگور همین امیر درسمرقند خطی که تعلیق نسخ آمیز متمایل به ثلث باشد دیده می شودوهم نمونهٔ نسخ تعلیق آمیزصفحات اخیر نسخهٔ اسرار التوحید کتابخانه سلیم آغادر استانبول است که در سنه ۷۰۰ ه ۱۳۰۰ م به خط محمد صالح برای قاضی علی جوینی در خراسان نوشته شده ، که آن رانمونه رواج تعلیق گفته می توانیم .

(شکل ۱۰۴)

از کتیبهٔ مرقد قثم بن عباس د رسمرقند نیز پدید می آید که در حدود ۱۳۳۴م خط نسخی وثلث ماوراء النهر نیز به تعلیق متمایل بود وبمادراشکال (۴۹-۵۰-۶۹- ۷۰ -۷۵) نمو نه های تحول خط نسخی و کو فی رابه تعلیق بالتدریج دیده می توانیم وشاید نمونهٔ تبدیل تدریجی نسخی به تعلیق همان قباله زمین باشد که دکتور هورنل Hoernle یافت ومر گلیوث Margoliouth تاریخ آنرا ۴۰۱ ه ۱۰۱۰ م خواند(۱) وهم بیلین Belin در کتیبهٔ فارسی مسجد کهنه ارض روم بر دیواری نوشتهٔ منقوری یافته بود که درسنه ۳۱۵ ه ۹۶۰ م نوشته شده(۲) وخط

---

(۱) جورنال ایشیاتیک سوسایتی ۷۶۱ بابت اکتوبر ۱۹۰۳ م

(۲) همین مجله ۲۷۶ طبع ۱۸۵۲م

این کتیبه رواج خط وزبان آرامی رادر وادی ار غنداب درحدود ۲۵۰ ق.م ثابت میسازد وواضح میگرداند ، که سلطهٔ آشو کا تا قندهار هم رسیده بود ودرین جاعلاوه برخط آرامی رسم الخط وزبان یونانی هم باقی بود . (عکس نمبر ۵)

ترجمهٔ تحت اللفظی مضمون یونانی کتیبه اینست :

« درپایان ده سال پیه‌ده سی(۱)(آشو کا) پادشاه ، به انسانها اصول دیانت رانشان دادو از آن وقت انسانها رادر تمام روی زمین متدین تر ومسعودتر ساخت . وپادشاه ازکشتن زنده گان خودداری کرد وسایر انسانها وتمام شکاریان و ماهیگیران از شکار وماهیگیری دست گرفتند وکسانیکه در عقیده راسخ نبودند در حدود ضعف خود منحرف شدند. وانسانان، خلاف گذشته مطیع پدر ومادر و پیران شدند. وبعد ازین بارفتاری چنین بهتر زندگانی خواهند کرد، و بیشتر مستفید خواهند شد . »(از روی ترجمهٔ فرانسوی شلوم برژه (۲) رئیس باستان شنا سی فرانسه . آریانا ۸ ر ۱٦ سنه ۱۳۲۷ ش)

دوم : کتیبهٔ مهم دیگر که فقط چند سطر آن باقیست درگذر گاه درو نته بین وادی لغمان وننگرهاردرشرق کابل برسنگ مثلث نما بی بدست آمده، که درموزهٔ کابل موجود است وخط آن آرامی وزبان پراکریت است ، مشتمل برنصایح احتراز از قتل حیوانات ، که یکی از فرامین اخلاقی آشو کا باشد . (عکس نمبر ٦)

درحدود کو هپایهای شمالی جلال آباد درجاییکه اکنون بند درونته است ، زایر چینی سونگ یون (۳) در سال ۵۲۱ م ازکتیبه یی ذکر میکند ، که مردم همان وقت می‌گفتند که آنرا بودا نوشته بود، وحروف بیگانهٔ آن روشن و خوانا بنظر می‌آمد .

(سی ـ یو ـ کی(٤)۱ر۷۳ طبع کلکته ۱۹٦۳ م) چون این کتیبهٔ آرامی را ازحدود درونته آورده اندوباهمین جاییکه سونگ ـ یون گوید مطابقت دارد ممکن است مرادهمین کتیبه بوده و حروف بیگانهٔ

---

(1) PIYADASI=SAN: PRIYADAR'S IN
(2) D. SCHLUMBERGER
(3) SUNG-YUN
(4) SI-UY-KI

مدور ،متمایل به‌نسخ و نستعلیق(؟)(توقیع) داشته است، که‌حلقهٔوصل با کوفی زاویه دار شمرده می‌شود،واز اسناد جدیدی که‌در بارهٔ قدمت شیوهٔ تعلیق بدست آمده . سطو رآخرین نسخه قرآنیست که‌در حوت ۱۳۴۸ ش از ذخیرهٔ قرآنهای آستان‌رضوی مشهد دریك پسخانهٔ مسدود یافته شد واین عبارت در آخر آن به‌خط تعلیق خوانده میشود: «فرغ من کتبه‌یوم الثلثا السابع من ذی‌الحجه‌روز بهمن من شهراسفند از مدسنة خمس عشر واربع مائه» واقف این‌نسخهٔ قرآن ابوالوفانام‌داشت که درهمین سنه ٤١٥هـ وقف کرده‌است (۱) ،وازین هم برمی آید که خط تعلیق دراوایل قرن پنجم‌هجری‌هم نوشته می شد ،وهم شیوه های توقیع و تعلیق گاهی باهم‌آمیخته‌بود.

ازین اسناد حدس بایدزد ، که‌مبادی خط تعلیق قدیمتر است ودر قــرن ۱۳ ـ ١٤ راه خـــو د را به رواج عمومی وهنری شدن‌تزئینی کشوده است ، که‌نمونه‌های آن را در خطوط بسیـار استادانـهٔ زیبای تعلیق نویسان دورهٔ تیموریان خواجه‌تاج‌الدین و خواجه اختیارهروی‌منشی سلطان حسین بایـقرا وعبـدالحی‌منشی ابوسعید میرزا وخواجه‌عبدالله مروارید هروی توان دید .(شـکل۱۰۵ ـ ۱۰٦) .

چهارم: در نصف اخیر قرن ١٤م‌ازامتزاج و تلفیق هنری نسخ‌وتعلیق خطی بسیار زیبا ودارای ارزش‌بدیعی‌به‌وجود آمده بود، که‌آنرا نستعلیق گویند ،ونام آن‌هم دلالت بر آمیزش‌نسخ وتعلیق دارد .

اگرچه واضع نستعلیق را میرعلی‌تبریزی قبلهٔ الکتاب (حدود ۷۹۰ هـ ۱۳۸۸ م)دانند وخطاط سلطان علی‌مشهدی گفته است :

نسخ تعلیق گرخفی و جلـی‌است
واضع‌الاصل خـواجه میرعلی‌اسـت
وضـــع فرمـود او ، ز ذهن‌دقیـق
ازخط‌نسـخ و ز خـــط تعـلیـــق

مگربه قول ابوالفضل علامی دردیباچهٔ (مرقع شاهی) بـر خـی از قطعات خط نستعلیـق پیش‌از عصرتیمــو ر یعنــی ۷۷۱ هـ ۱۳٦۹ م

---

(۱) این نسخه‌را نویسندهٔ ایـن‌سطور درحمل ۱۳٤۹ دیده‌ام .

بنظر آمده وخود نویسندهٔ ا یـــن سطور هم نمونه های نستعلیق ر ا پیش ا ز یـــن عـــصر د یـــده ام . چنـــا نچـــه کتـاب مجمع ـ النوادر تالیف محمد عو ض یـــن بختـی شو ع بخط نستعلیق نگاشته ۷۸۵ هـ ۱۳۸۳م دیده شده ، کـــه معاصر میرعلی است درکمال نفاست و نضـــج ، وباید پیش از ین عصر مراتب آغاز وپختگی را طی کـرده باشد. وهم نسخهٔ خط نستعلیـــق بسیار مهـذب وپختهٔ زیبای طبقات ـ الصو فیه انصاری در کتابخانه نورعثمانیه استانبو ل بقلم نستعلیـــق نیمه جلی درویشی صو فی در۸۳۹هـ۱٤۳۵م موجوداست (شکل ۱۰۷) که معاصر اواخر عمر مـیر علـــی تبریزی باشد . و اگـر واضـع آن خط رامیر علی بدانیـم نتوانیم گفت: که در همان عصر نستعلیق نویسا ن معاصرش هم بدان درجه پختگـــی ونضـــج هنری نستعلیق ر سیـد ه باشند. واز ین روست که غـــلا م محمد هفت قلمی دهلوی مولف ه تذکرهٔ خوش نویسان » درحدود ۱۲۳۹ هـ۱۸۲۳ م می نویسد : «که پیشتـر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند ، لیکن این مرد بزرگوار قواعد در خط نستعلیـــق مقرر نمود.»(۱) بنابرین زمان آغاز نستعلیـــق هـنری راحـــد ود ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م تعیین باید کرد، در حالیکه اساس آن درخط تعلیق پیش ازسه قرن گذاشته شده بود.

ماسندی دردست داریم که نمونهٔ نستعلیق نویسی را دراواخـر قرن هشتم هجری بخط یك هروی نشان میدهد ، بدین معنی که نسخهٔ خطی کتاب عجایب المخلوقات فا ر سی به نستعلیق خالص مورخهٔ ربیع الاول سنه ۷۹۰هـ درکتابخانهٔ ملی پار یس موجود است (۳۳۲ تکملهٔ فارسی) که درآخر آن نوشته اند: بتا ریـخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عفی عنه .»

این کتاب برای کتابخانهٔ سلطان احمد خان (شیخ اویس ایلکـا نی ۷۸٤ـ۸۱۳ هـ) نوشته شده اســت(یا دداشتهای قزویـنی ۷ـ۲۰۳)

بهر صورت در عـصر تیـمور وشاهرخ خط نستعلیق که زیباتر ین خطوط بوده وهم زادهٔ قـر یحـــهٔ تابناك مردم خراسان است ، د ر مملکت تیموریان ز و اج کا مـــل یا فت وبرابنیه وکتب مستعمل گردید. و در دربار تیموریان شـا گـر دا ن میرعلی که استاد ومرتب این خـــط

---

(۱) تذکرهٔ خوش نو یسان ۴۳ طبع کلکته ۱۹۱۰ م

بود (شکل ۱۰۸) بعدازعبدالله‌پسرهنر مندش پرورش یافتند ، کــه ازانجمله مولاناجعفر و پســر شــیخ‌جلال ومولانا اظهر متو فا ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵م وپسرش محمد و سلطا ن‌علی بن محمد مشهدی ومیر علــی هروی ومحمد او بهی و ســلطا ن‌محمد خندان وسلطان محمد نــور و دیگر مشاهیر نستعلیــق نویسانند(شکل ۱۰۹ـ۱۱۰ـ۱۱۱ـ۱۱۲) کــه بعداز قر ن ۱۶ سبك نستعلیــق‌ایشان ازهرات به ماوراء النهــر، ایران وهند و عثمانی نیز ا نتقا ل‌یافت.

نفایس آثــا ر هنری نستعلیــق‌نویسی برابنیهٔ تیموریان در هرات فراوان است . مانند لوح قدیم‌مرقدمولاناجامی منسوب بخط میرعلــی هروی ولوح مزارشیخ‌زین العابد ین‌خوافی ۸۳۸هـ ۱۴۳۴ م و لــو حــهٔ سنگ مرمر بــا خط نستعلیــق‌بسیار جلی وعالی در رواق حو ض زمــزم گازرگاه هــرات و قطعــات‌سنگ مرمر مرقد هــرات ۸۵۹ هـ ۱۴۵۴م والواح نستعلیــق‌گازر گا هبر قبر رستم محمد خان و خــط نستعلیق سلطان علی مشهدی بــرگور امیر غیاث الدین منصور پدر سلطان بایقــرا ۸۸۲ هـ ۱۴۷۷ م وچهار قبر دیگر شهزادگان تیمور ی بخط همین سلطان علی. وچند مرثیه‌دراندرون گنبد آرامگــاه شــهزاد ه بایسنغر درخیابان هرات و دو بیت‌بقلــم بسیار قوی جلی نستعلیــق برمرمر سپید مرقد پیر هرات بخط‌حسن خان شاملو . (شکل ۱۱۴)

درین عصر عموماً کتابها را بــه‌نستعلیق خوش می‌نوشتندونستعلیق نویسان مکتب هرات ، آثارگرانمایه‌وشهکار های خطی بوجودآورده‌اند، که ازانجمله جــعفر بایسنــغــر ی‌شهکار هنری خودیعنی نسخهٔ‌نفیس شاهنامهٔ‌بایسنغری‌رادرسنه ۸۳۳ هـ۱۴۲۹ م نوشت که‌درموزهٔ گلستان تهران است . (شکل ۱۱۵) و هــم‌سه‌ورق مجمو عهٔ خطو ط نستعلیق وریحان ونسخی وثلث و رقــا ع‌وشکسته ونستعلیق با مضا ی‌اوست درموزهٔ ملی تهران (شکل۱۰۹) وهم‌هشت نمونهٔ دیگر خط او بر کتب ودواوین شعرا والبم هادر موزیــم‌های دنیا موجوداست .

پنجم: خط تعلیق ونستعلیق د وطول قرن ۱۵ وخروج امیر تیموردر پهلوی نسخ وفروع ثلث در سر تاسر مملکت تیموریان رواج دا شت وکاتبان دفاتر وامور عامه در ضمــن‌چابك نویسی از امتزاج و در هــم شکستن هردو خطی بو جودآوردند که‌آنرا شکسته یاشکسته نستعلیق گویند.

اسلوب شکسته نویسی نیز درطول قرن ۱۵ـ۱۶ رنگ فنی‌وهنری رفت ومامی بینیم که در عصر تیموریان هرات علاوه براقلام شش اساسی ودو قلم تعلیق و نستعلیق‌یك قلم نهم شکسته مستقلاافزوده شد و استاد جعفر با یسنغری‌در اوراق نمونهٔ خطوط مذکورهٔ خویش که درموزهٔ ملی تهران‌است‌دو سطر بسیار زیبا ونفیسی را بهمین شکسته نستعلیق هم‌نوشته است (شکل ۱۰۹) که‌پختگی این شیوه رادر عصر شاهرخ میرساند.وبعد ازان میرزا فصیحی هروی، شفیعای هروی ومرتضی قلی‌شاملوهروی ودرویش عبد المجید طالقانی وغیره از هنرمندان نامور این‌طریقه‌اند وبرخی ازشکسته نویسان چون شیوهٔ خاصی داشتند، آنراشکسته آمیز ومنسوب به‌شفیعای هروی **خط شفیعه** هم‌گفته‌اند.

ولی خط شکسته برای کتاب‌وکتیبه‌نویسی کمتر استعمال شده ورواج آن تاکنون هم برای‌مراسلات‌عامه ودفتری بوده ، و گاهی بطور نمونهٔ هنری و تزئینی برقطعات زیبا نوشته شده است (شکل ۱۱۶) .

خوشنویسان متأخر

دربارهٔ خوش نویسان وخطاطان متأخر افغانستان چند کتاب درین اخیر نشر شده که شرح حال و نمونه های خط خطاطان متأخر را به تفصیل نوشته و آورده اند:

۱ـ هنر خط در افغانستان دردوقرن اخیر تألیف بناغلی عزیز الدین وکیلی فوفلزائی طبع کابل ۱۳٤۲ ش که خود ازاساتید معاصر هنر خط اند ودرین کتاب تذکرهٔ بسا خطاطان افغانستان رانوشته و هم نمونه های فراوان انواع خطوط خود را داده اند که ازان مهارت اودر اکثرخطوط قدیم و جدید ظاهر است و قدرت خامهٔ او مسلم .

۲ـ گنجینهٔ خطوط درافغانستان ازجناب آخوند میرمحمد علی هروی طبع کابل ۱۳٤٦ ش که وی نیزاز اساتید هنر خطاطی است وانواع خطوط رابقلم خودنوشته است .

۳ـ تعلیقات بردیباچه دو ست محمد کتابدار ازمرحوم فکری سلجو قی هروی ، که کتابی مفیداست ودران ذکر برخی از خطاطان متاخر بانمونه های خطوط ایشان آمده است ، این کتاب از سنه ۱۳٤٦ تا ۱۳٤۸ درمجلهٔ آریانا طبع کا بل نشرگردیده ودرسنه ۱۳٤۹ یکجا بطور کتاب علاحده هم انتشاریافته است که قسمت اخیر آن بعد از وفات مر حوم فکری بهمت فر زندهنرمند او حسین وفا سلجو قی نشر گردیده است. این پدروفرزندهردو از خوش نویسان وخطاطان گرانمایه معاصر ند.

برای اینکه کتاب حاضر از ذکر خطاطان گرانمایهٔ متاخرو معاصر خالی نماند ، نمونه‌های خطوط برگزیدگان گرامی این گروه را نیز آورده ایم:

شکل ۱۱۷ : نمونهٔ خط میرعبدالرحمن هروی استاد نستعلیق در قرن سیزدهم هجری .

شکل ۱۱۸ : نمونهٔ خط مرحوم سید عطامحمد قندهاری استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۱۹: نمونهٔ خط مرحوم میرزامحمد یعقوب کابلی استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۲۰ : نمونهٔ خط مرحوم شیخ محمد رضا هروی استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری.

شکل ۱۲۱ : نمونهٔ خط ښاغلی محمد داؤد حسینی استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری.

شکل ۱۲۲ : نمونهٔ خط ښاغلی سید محمد ایشان حسینی استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری.

شکل ۱۲۳ : نمونهٔ خط ښاغلی عزیز الدین فوفلزائی استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری.

شکل ۱۲۴ : نمونه خط ښاغلی آخوند محمد علی هروی استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری.

شکل ۱۲۵ : نمونهٔ خط ښاغلی حسین وفا سلجوقی جوان هنرمند معاصر.

رسم الخط پښتو

زبان پښتو که‌بیش از ۱۵ملیون گوینده درافغانستان وپښتونستان دارد باوجودیکه‌ازالسنهٔقدیم آریاییست‌ولی آثار خطی آن‌ازرمان کهن باقی نمانده ومعلوماتی نداریم ، که قبل ازرواج‌خط وحروف عربی (نسخی ـکوفی) این زبان چه رسم الخطی دا شته‌است ؟

از آثار یافته شدهٔ خطوط آرامی‌ـیونانی ـدیوه ناگری ـ خروشتهی دربارهٔ خط قدیم پښتو سراغـــی‌بدست نمی آید .

ازسنگ نو شته های توچـــی وجغتو وروز گان که بخط شکستـهٔ یونانی و یك لهجهٔ شرقی دری قدیم(تخاری) است میدانیم ، که‌درمحیط زندگانی افغانان خطوط یو نانــی وشاردا + ناگری وخروشتهی‌روا ج داشت . ولی معلوم نیست که آثارادبی قدیم پښتو دراوایل‌اسلام‌بکدام خط نوشته می‌شد ؟

از آثار ادبی کهن زبان پښتـوکه‌ازقرن ۷ـ۸ـ۹م باقیمانده رو شن می‌آید ، که این زبان در غــز نــه‌وغور ودربارهای سوریـان غـور و لودیان ملتان وهم درقبایل پښتون‌کوه سلیمان، لسان ادب و شعــر بوده ، ولی ازرسم الخط کهن آن،قبل از روا ج خط عربی خـبــر ی نداریم .

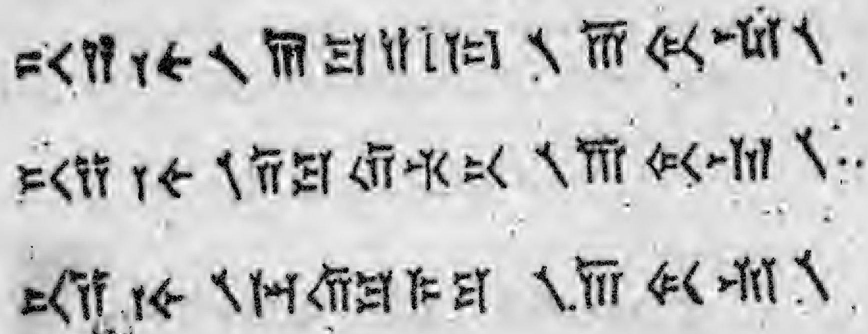
در سنگ نوشتهٔ بیستون پارس‌که‌با مرداریوش هخامنشی (۵۲۲ ـ ۴۸۶ ق .م) بخط میخی بزبا ن فرس‌قدیم کنده شده، درستون چهار م (سطر ۶۳ـ۶۴) یك حماسهٔ‌اخلاقی‌مضبوطســت ، که به‌عقیدهٔ برخــی از دانشمنـــدا ن یـــك قطـعه سه مصراعی است ، که‌هر مصراع آ ن شش هجا دارد . (۱)

الفاظ وکلمات ایـن سه مصرعٔ‌منظوم اگر بغور ودقت تحلیل‌گردد، باندك تحول لهجوی عینا به‌پښتوی‌امروزی برمیگر دد ، ومیتوان آنـرا به مصر اعهـــا ی شش هجا یی‌پښتو تبدیل کرد، درحالیکه اصالت کلمات وریشه های کهن آن بجـــاباشد ، ودرپښتو هم امروز باند ك تحولی مستعمل !

---

(۱) گنجکا ویهای علمی و اد بی‌طبع تهران ۱۳۲۹ مقالهٔ دکتور معین ص ۴۲

این سه مصراع در اصل کتا بـه‌بخط میخی چنین است : (۱)



اگـر بـه خـط امـروزی پښتوبنویسیم ، چنین‌میشود :
نی‌اړیکه اوم (نه ـیی‌ـاـړی‌ـ که ـ وم)
نی دروجنه اوم (نه‌ـیی‌ـ درو ـجه ـ نه ـ وم)
نی زورکړه‌اوم(نه‌ـیی‌ـ زور‌ـکه‌ـړه ـ وم)
تقطیـع متن فرس قدیم بخـــط‌انگلیسی چنین است :

مصراع ۱:	naiy	a	rai	Ka	â	ham = ٦
	نی	ا	ری	که	آ	هم
مصراع ۲:	naiy	drau	ja	na	â	ham = ٦
	نی	درو	جه	نه	آ	هم
مصراع ۳:	naiy	zūr	Ka	ra	â	ham = ٦

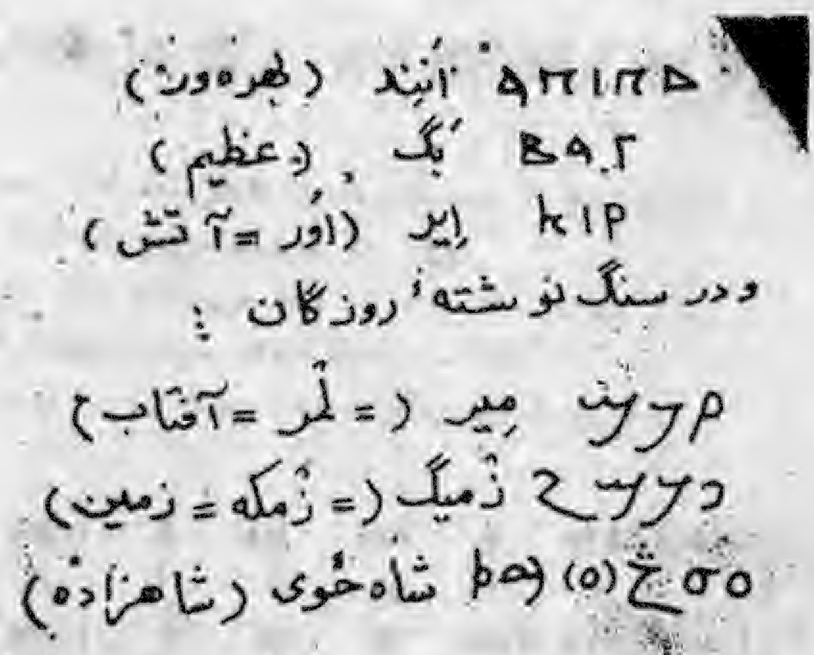
اکنون‌باید دید، که‌چگونه ا یـن‌متن قدیم به‌آسانی به پښتو بـــر میگردد ؟

نی (نه‌یی)اړیکه‌وم (دهیچااړیکی‌اومانع نه‌وم)
نی (نه‌یی) درو جنه وم (نه ماد جا سره دروه در لوده)
نی (نه یی) زورکړه وم (نه پرچازور کړونکی وم)
چون اصل‌ـ کتابه همه بخط میخی‌قدیم عهد هخامنشی است ،بنابری

(۱) نوشته های فرس قد یم‌د: خط میخی ٦٧ طبـع دانشگاه پهلوی شمیراز ، ازنورمن شارپ واو لـــدبرشن ۱۲۹ تا لیف کنـت طبـــع امریکا ۱۹۳۵م.

بوان گفت : که یك نمونهٔ نو شتهٔ کلمات وجمله بندی بسیار قریب به پښتو در خط میخی قد یم موجود است ، وهم دررسم الخط یونانی مروج عصر عروج کوشانیان دراوایل عهد میلادی درزبان تخاری یالهجهٔ شرقی دری قدیم ، که بسیار نزدیك به پښتو بود، رسم الخط برخی ازکلمات مشترك پښتو وتخاری درسنگ نو شته ها باقی مانده که ازان لااقل شکل مخطو طبرخی از کلمات پښتو را توان دریافت .

مثلا درسنگ نو شتهٔ بغلان کلمات :(۱)



چون بعداز دورهٔ خطوط قدیم ،درعصر اسلامی بافتوح عربی رسم الخط کوفی ونسخی با قرآن و اسلام بافغانستان آمد ،واین رسم الخط قرآن بقایای خطوط قدیم رابشدت وسرعت در نوردید، بنابرین باید گفت : که‌اگر مطلبی رابزبان پښتو می‌نوشته اند ، شاید بهمان رسم الخط نو وارد کو فی یانسخی بود.

ازقدیمترین کتاب نوشته شدهٔ تذکرة الاولیاء سلیمان ماکو بن بارك خان (ساکن ارغسان قندهار) که‌درسنه ۶۱۲ ق تالیف شده وفقط هفت صفحهٔ آن بدست آمده، و درسنه ۱۳۲۰ ش درکتاب پښتانه شعراء (جلد اول طبع کابل) عین‌آنرا عکاسی ونشر کرده ام ، وحتما

(۱) هفت کتیبهٔ قدیم طبع کابل۱۳۴۸ش از حبیبی.

کتابت بعد از سال هزارم ق است پدید می‌آید. که کتابهای پښتو را بخط رایج الوقت می‌نوشته‌اند.

خط این صفحات تذکرة الاولیاءمخلوطی است از نستعلیق + نسخی بسیار ابتدایی وناپخته ونازیبا ، که‌خواندن آن‌هم مشکل است، ونوشتن این صفحات را بعد ازسال هزارم قمری هجری تخمین توان کرد . (شکل ۱۲۷)

اما قدیمترین کتاب دارای تاریخ‌کتابت که‌بزبان پښتو باقیمانده ، همان نسخهٔ واحدهٔ خطی خیرالبیان تالیف بایزید انصاری مشهور بـه پیر روښان (۹۳۱-۹۸۶ ق) صوفی‌نبرد آزمای آزادیخواه قرن دهم است ، که‌بخط فقیر بهار تویی (۱) بتاریخ ۲۰ رمضان ۱۰۶۱ ق برای بی‌بی خیر خاتـون نـوشته شده ونسخهٔ خطی واحد آن اکنـون در کتابخانهٔ توبنگن المان غربیست ،وخط آن نستعلیـق متوسط است، که ارزش هنری فـراوان نـدارد .(شکل ۱۲۸)

بهر صورت از ملاحظهٔ صفحات‌تذکرة الاولیاء وخیر البیان‌وبرخی ازنسخ قـدیم پښتو که در حـدودسال هزارم هجری کتـابت شـده میدانـیم ، کـه‌شیوهٔ نسخـی + نستعلیق رادر نوشتن پښتو بکار می‌برده اند وهمین شیوه درتمام نسخ قدیم کلیات خوشحال خان‌ختك وآثار منظوم ومنثور دودمان او هم‌دیده میشود .

چنین بنظرمی آید، که پیش از پیر روښان ،مردم بارسم الخط پښتو کمتر آشنایـی داشتـند ،وچون مردم پښتو زبان، قرنها باحمله آوران شرقی و غربی‌دست‌بگریبان بودند، باکتاب و نوشتن کمتر سرو کاری داشتـه انـد ، واندرین گیرو دار تحـمل فـرسا رسم الخط پښتو نیز مهجور مانده‌بود .

دولت شاعر پښتو دربارهٔ مرشدخود پـیر روښـان (حدود ۹۸۰ ق) گوید :

افغانی لفظ مشکـل و، لـوست‌کوینی نشه
ور تـه و شو ه کنند ه د یـا رلس حر فـو نه

یعنی : «لفظ افغانی مشکل بود،خوانده ونوشته نمی‌شد ، پس ۱۳

---

(۱) در اصل توی است کـه‌آنرا سهواً طوسی خوانده اند. ولی تویی منسوب بست به‌توی نام جاییکه‌در وادی ماوراء خیبر بود.

آن هم شاید همین رسم الخط آرامی(که برای چینیان بیگانه بـــو د) باشد.

سوم ـ درنومبر ۱۹٦۹م بنا‌علی‌دانیل بورگویس بلژیکی، در شله نك فرغه‌یی سه‌کیلو متری مهتر لام‌لغمـــان کتیبـهٔ سوم آرامی راکشف وعکاسی نمود، که‌بر صخرهٔ دا من‌کوهی در (٦) سطر کنده شده، و این جای درشمال غربی جلال آبا دبرکنار شمالی دریای کابل دروادی لغمان نزدیك مزاری بنا م مهتـــرلمك یامهتر لام واقع‌است ، ومردم باین قبری که‌درحدود ده مترطو لدارد عقیدت تام دا رند، و حتـــی برخی آنرا گوریکی از انبیاء قدیم‌شمارند .

هیون ـ تسنگ زایر چینی کـه‌بـتاریـخ ۱۵ اگست ٦۳۰م ازرا ه کاپیسا بدینجارسیده و مدت ســه‌روز توقف کرده بود (۱) گوید :که درینجا درحدود ده سنگها را مـه(معبد) واقع است ، که‌اکثر آ ن به مذهب کبیر بودایی تعلق دارد ،درحالیکه برخی ازمعابد دیوا هـای مختلف هم موجوداست .(۲)

نام این وادی در چینی لان‌ـپو،ودرسنسکریت لمپاکه بود ، و در همین حدود دو کتیبهٔ دیگر بخــطدیوه ناگری نیز موجود است که‌در یکی از آن (سطرسوم) کلمه لمك..دیده میشود ، وممکن است بانا م اینجا بی‌تعلـق نباشد و مادرمبحث‌خط دیوه نا گـری شرح خـوا هیم داد.

اما اصل کتیبهٔ آرا مـی شــش‌سطری محتاج خوانش و تحقیـــق دانشمندان آرامی شناس است که‌بگمان اغلب یکی از فرامین اخلا قی اشو کا خواهد بود، زیرا درسطـراو ل کلمهٔ ا ـل آن مانندکتیبهٔ‌آرامی قندهار (اشوکا) بنظر می‌آید ، که‌مضمون کتیبه مثلث نمای درو نته هم بخط آرامی عـبارت از همـــان‌نصایح اخلاقی بودایی است در حفظ جانوران واحتراز ازکشتنا ر جـــاندار .

این کتیبه مکشو فهٔ جدید چون‌بسیار روشن وواضح است و جز یك حرف سطر چهارم آن آسیـب‌ندیده ، بنا برین در خوانش آن هم مشکلی نخواهد بود .

چون مضمون این کتیبه تاکنو نخوانده وتحلیل نشده ، بنابر ین درینجا فقط به‌آوردن عکس آن‌اکتفامیکنیم . (عکس ۸ ۷)

---

(۱) جغرافیای قدیم هنداز‌کننگهم۱ر۷۵
(۲) سی ـ یو ـ کی۲ر۱٤٤

حرف آنرا ترتیب داد. » وازیـــن برمی آید ، که اصوات مخصو ص پښتورا باشکال خاص در الفبـا ی عربی و فارسی جای داده باشد .
کتاب خیر البیان بایزید به‌چهارزبـان پښتو ــ عربی ــ فارسی ــ پنجابی تالیف شده، ودر آغـا زآن بایزید ١٤ صفحه را وقـف شر ح اصوات خاص پښتو نموده واشکالی را بیانی داشته که مادر شکل(١٢٦) درستون خاص نوشته ایم. و لــی این رسم الخط خیر البیان بانسخه های خطی مخزن اسـلام اخونـــددرویزه که درهمان عصر در مقابل خیر البیان تالیف شده تفا و تـــی دارد ، ودر شیوهٔ خط هم اکثـــ نسخ قدیم خطی مخزن برسم الخـط نسخی اند ، وتفاوت اشکال حرو ف خاص پښتو رادر جـدول (١٢٦)ملاحظه کرده میتوانید .
درقرن ١١و١٢ هجری دو مر کزکتاب نویسی پښتورا میشنا سیم ، کــه یکـی در ملتـان بـو دو درآنجا مخصوصاً نسـخه هـا ی مخزن اسلام اخوند درویزه (متو فا١٠٤٨ ه) راکه یکی از مخـالفان سرسخت بایز ید پیر روښان‌است‌می‌نوشته اند، ومن نسخه هـــا ی متعدد مخزن اسلام رادیده ام، کـه‌درملتان بخـط کا تبـان متعـــد د نوشته است مـثـلا در ١١٤٤ق و١١٦٧ق .
مـر کـز دوم کتاب نو یسی دراکوړهٔ ختك و مقر خاندان خوشحال خـا ن بـود ، کـــه بسا نسخ‌خطی کلیات خوشحال خان در ینجا به امر افضل خان بن اشرف خان‌بن‌خوشحال خان بقلم شیـخ محمداعظم نو مسلم بخط نستعلیـق ملیحـــی‌نوشته شده است.وازان جمله‌نسخه بیـت در حدود ١٥٠٠ صفحه کـه‌همین شخص بتاریخ ١٨ جـمادی الثانیه ١١٤٢ه بامر اسد خـــا ن‌ختك نوشته واکنون در نسخ خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل مو جود است .
درجملهٔ نسخ قدیم پښتو، دیوان‌دولت لمرید پیر روښان (حـدو د ١٠٥٨ ه) وسلوك الـغزاة تـالیف‌ملا مست زمند (حدود ١٠٠٠ ه) هم درکتابخانهٔ خطی کا بل‌مو جودبود، وهم کتابی منظو م بسبـــك خیر البیان در قندهار نزد مر حوم‌دوست محمد بریخ بود، که ایـــن نسخه هانیز بخط نستعلیق نوشته‌شده‌اند .
در قرن ٩ـ١٠ ه از هنگامیکـــه‌نسخه های خطی پښتو باقیمانده ، شیوهٔ نستعلیق رسم متبع‌کاتـبا ن‌پښتو بود ولی گاهی درنسخ خطی مخزن اسلام اخوند درویزه عبارات‌پښتو را به رسم‌الخط نسخی وفارسی را به‌نستعلیـــق نوشته اند ، وبعدازان هم تاحدود ١٢٠٠ه گاهی به

نستعلیق وزمانی به‌خط نسخ دیده‌میشود ، مثلا نسخه های دیوان پښتوی احمدشاه بابا به نستعلیق‌خوشی موجودند (نسخه خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل ونسخهٔ خطی کتابخانهٔ تاشکند) ولی بعد از آغاز قرن ۱۲ اکثر نسخه هارابه خطنسخی خوبی نوشته اند، وهنگامیکه فن طباعت درهند و افغانستان‌رواج‌یافت ، نیز تمام کتب پښتو رابه خط نسخ نوشته و طبع‌کرده اند ،وهم در اروپا حروف پښتو را به شیوهٔ نسخ زیبا ساخته اند، کـه‌نمونهٔ آن چاپ گلشن روه تالیف راورتی (طبع هرتفورد ۱۸۶۰م)ودپښتو‌نخوا ها رو بهار تالیف دار مستتر (طبع پاریس ۱۸۸۸م)است . وهم کلید افغانی تا لیف پادری هیوز (طبع لا هو ر۱۸۹۳) .

درنوشتن شیوهٔ نسخ یانستعلیق‌خط پښتو بافارسی وعربی فر قی ندارد ، ولی چنانچه گفتیم پیر روښان در اوقات تالیف خیر البیان چند صفحهٔ آن کتابرا به املا ی‌اصوات مستعمل در پښتو اختصاص داد، وشاید این اشکال را ازروایات‌قدیم رسم الخط پښتو درین رساله شرح داده باشد .

اخوند درویزه نیز دربارهٔ اشکال‌اصوا ت مخصو ص پښتو چنین شرح میدهد :

«دیگر معلوم بـا د که چون‌حروف در الفاظ افغانی‌وهندوی ثقیل می‌آیند بنابران علا متی‌بران آورده میشو د تا معلوم گردد، که این همان حر ف‌ثقیل است . چنانچه ب چون ثقیل شود ، سه‌نقطه درتحت‌او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ت چون ثقیل شودجزمك درتحت آن داده ټ میشود وگاهی ج چون ثقیل شود ،سه نقطه در تحت اونهاده چ میشود ، وگاهی چون ثقیل‌ترشود ، سه‌نقطه برفوق او نهاده څ میشود . و گاهی د‌چون‌ثقیل شود، جزمك‌درتحت اوایزاد گردد‌ډ میشود. وگاهی‌ر مهمله‌چون ثقیل شود،جزمك در تحت‌آن‌ایزادگردد ړمیشود.وگاهی‌ز معجمه‌چون ثقیل شود سه نقطه بر فوق او داده ژمیشود ، وچون ثقیل ترشود یك نقطه برفوق ویك نقطه‌درتحت ایزاد گردد ، ږ میشود، وگاهی س مهمله چون ثقیل‌شود ، یك‌نقطه برفوق و یك نقطـه درتحت آن نـهاده ښ‌میشود ، و ك عربی چون‌عجمی شـود ، سرکشش کـاف راآندکی طرف تحت‌کج کرد، ګ

عجمی میشود . . .» (۱)

در املای حروف پښتو که‌اصوات‌خاص این زبان را نمایندگی‌میکند، ودر عربی وفارسی آن اصوا ت‌نیست هشت حرف خاص موجود است :

ټ – ځ – څ – ډ – ړ – ږ – ښ – ڼ

ازین حروف خاص درشرح با لاذکر (ځ – ڼ) نیست، وتامدتی‌حرف اول را (ځ) یابدو نقطه بالاوپایین‌وحرف دوم راهم‌به شکل‌نړ نوشته‌اند

در رسم الخط خیرالبیان ا ین‌حروف راچنین می‌نوشته اند :

ټ – څ – خ (یك نقطه زیر شکل‌د)ډ– ړ–ږ(ژ)ږ(بین‌دیك نقطه)ښ– ڼ

اما دررسم الخط خاندان‌خوشحال‌خان چنین است :

ټ (ط ز یـــر آ ن یـــك همزه) ځ (ح در بین دو نقطه و یك همزه) څ (ح زیر آن همزه) ډ (بالای‌د یك همزه) ړ (بالای ر یك همزه) ږ (ژ) ښ(ش) ڼ(بالای‌نون‌یك‌همزه). (برای شرح رجوع به شکل۱۲۶)

دواوین و کتابهای چـاپ شدهٔ‌پښتو درین قرن اخیـر تمـاماً بـه نسخی نوشته وطبـع شده، و تاکنون همین شیوهٔ نسخی در چاپ وقلم متبع است .

درشیوهٔ نسخی پښتو ، کو چکی‌کشش های حروف باگردی دوایـر وخانه ها وسادگی نوشته پـدو ن‌رعایت تزئین مراعات شده وامروز استاد ترین خطاطان این شیوه‌جناب‌استاد عزیز الدین پوپلزایی است .

(عکس ۱۲۹)

درشماره های شمس النهار که‌بعداز ۱۲۹۰ ازبالا حصار کا بـل بزبان دری وخط نستعلیق خـــوب‌میرزا عبدالعلی چاپ ونشر میشــد نیز دیده میشود که اگر کلمهٔ پښتویااسمی ویاجمله‌یی ازین زبان د ر ضمن انشاء دری آید ، آنرا بـــه‌نستعلیـــق نی ، بلکه با نسخـــی خوب ودلکشی می‌نویسند ، و لی‌بالعکس برمهر میر منشی دربارامیر شیر علی خان (محمدنبی واصل)به‌نستعلیـق بسیار زیبا وپسند یده کلمات‌پښتو (لوکښل)رابادبیرالملك‌نوشته اند.

بهرصورت : رسم الخط متبـع‌ومروج زبان پښتو نسخی بود ، ولی گاه گاهی بانستعلیق هم‌نوشته اند.واین امر البته به ذوق ومهارت‌کاتب مربوط بوده است.

---

(۱) مخزن ۱۳۷ طبع پشاور۱۹۶۹م

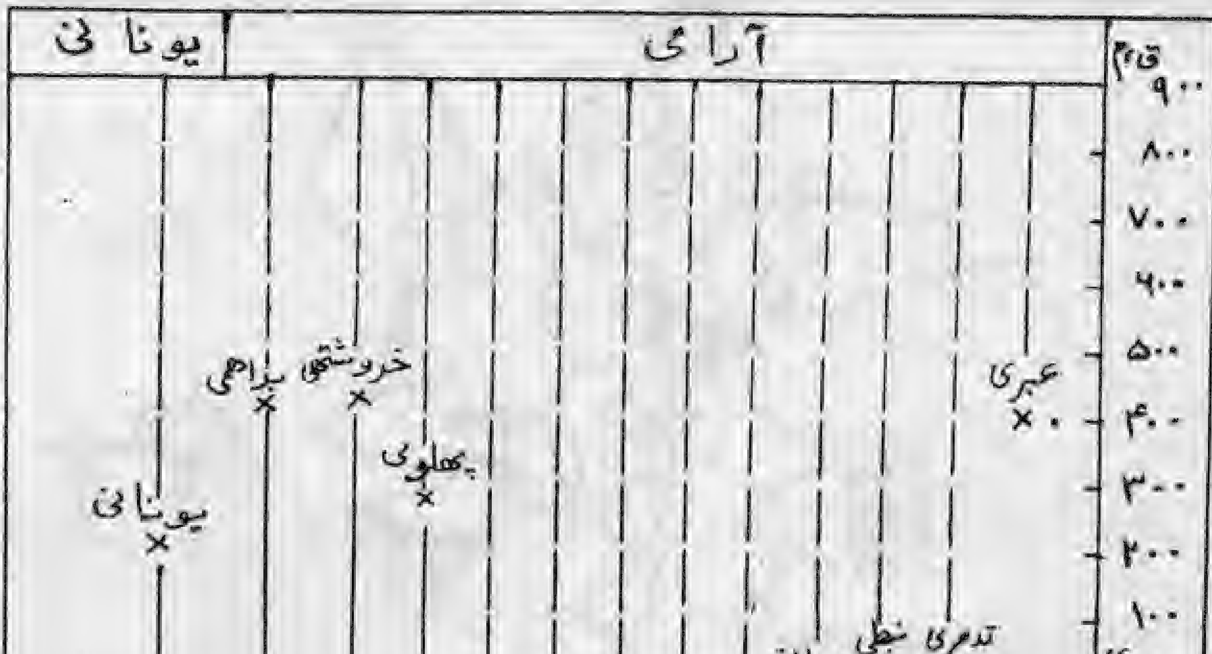
عکسها



↑
شکل (۲)
برصخرهٔ کوه
هزارسم
سمنگان



شکل (۱) ←
برصخرهٔ کوه
درهٔ الی شنگ
لغمان



شکل سوم پیدایش خطوط

× علامت خطوطی که در افغانستان قدیم بوده .

تسلسل خطوط بر ریشهٔ اصل .

دوام خطوط و تحول آن بشکل دیگر .

دوام آن تاکنون در افغانستان .

قطع استعمال خطوط در افغانستان .



شکل ٤

کتیبهٔ آرامی مکشوفه از تکسیلا
که جون مارشل درحفریات آنجاکشف
کرد ، وتاریخ آنرا به حدود ۵۰۰ـ
ق . م میرسانند .

عکس این سنگ‌نوشتهٔ بسیار
قدیم از کتاب رهنمای تکسیلا تالیف
جون مارشل گرفته‌شده‌است .



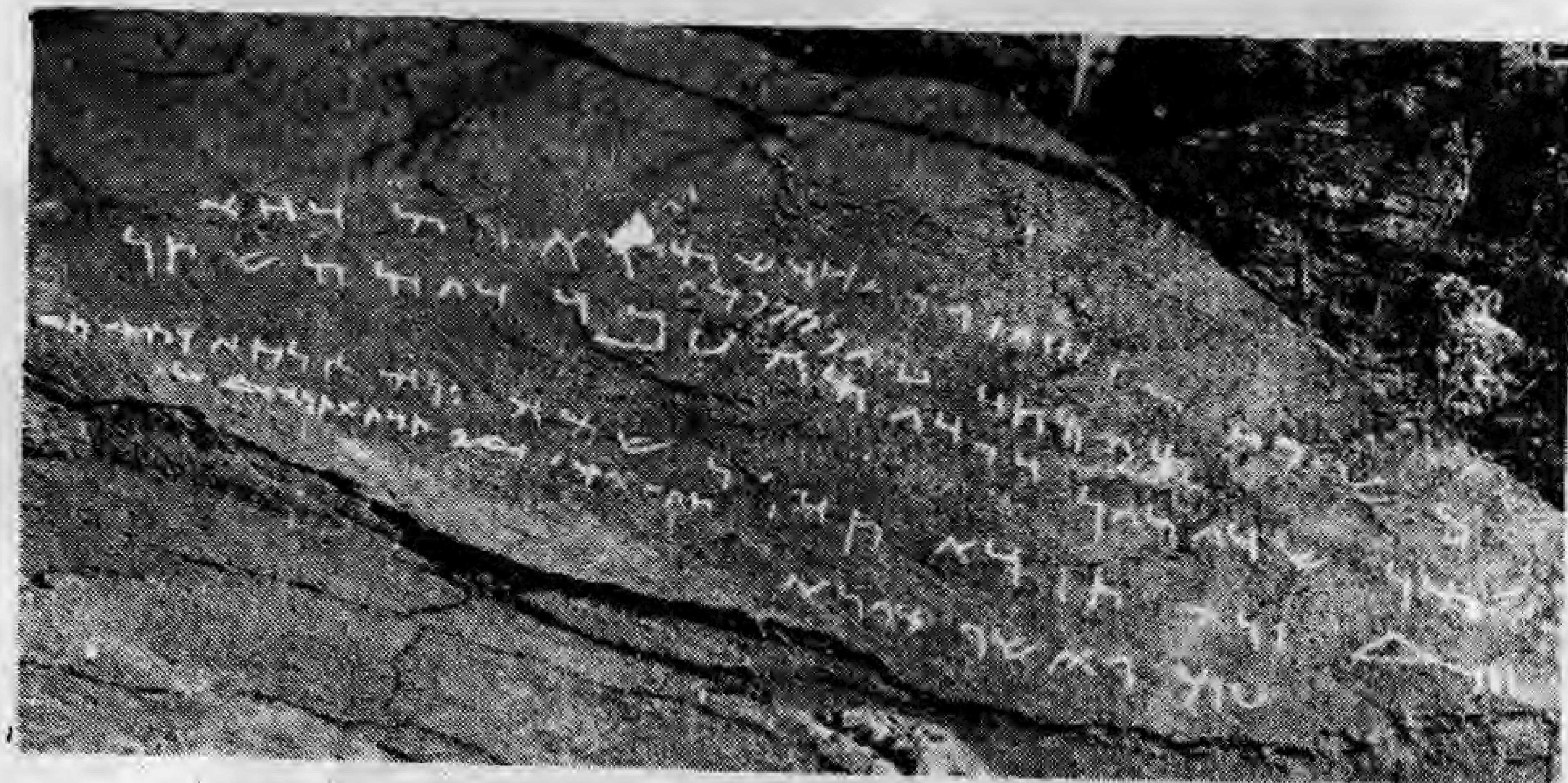
عکس ۵ سنگ نوشته یونانی و آرامی اشوکا در قندهار



عکس ۱۲



سنگ نوشتهٔ آرامی دروته



۷ـ سنگ نوشتهٔ آرامی لغمان



کیداره ←



→ ورهران



پیرو ←

عکس ۷ خطوط براهمی بر مسکوکات کیداریان

نوشته های خط براهمی

خط براهمی (۱) نیز ازخطوط قدیم هنداست که بقول بعضی ریشهٔ قدیم هندی دارد ونام آن به برهما منسوبست . وجمعی از علماء آنرا مانند خرو شتهی از مبدأ آرامی شمرده اند که درتمام هندوسیلون (۲) عمومیت داشت وشباهت آنرا بخطوطی (۳) که بر کتیبه میشع (۴) بن کموش پادشاه موآب (۵) (۸۵۰ ق . م) کشف شده میدانند ، که بوسیلهٔ تاجران ودریانوردان بابلی بهند غربی رسیده بود ، ومبداء تمام الفباها ی کنونی هندی گردید، وازچپ براست نوشته میشد .

بسا کتیبه های قرن ٤ قبل المیلاد وبعد آن درهند موجود اند، که ازانجمله سنگ نوشته های متعدد آشوکا بدین رسم الخط اند، ویك کتیبهٔ کرنول ضلع مدراس (مکشوف ۱۹۲۹ م) نصف سطور ازراست بچپ همدارد ، ولی ازکتیبهٔ آرامی ویونانی قندهار و کتیبهٔ آرامی لغمان ثابت می آید ، که نفوذ خط براهمی در عصر

آشوکا (حدود ۲۵۰ ق.م) به آنجا رسیده بود، ودرازمنهٔ قبل المیلاد تنهادر شمال غرب هند ووادی اندوس رواج داشت . چنانچه بر مسکوکات شاهان یونانی باختردران وادی دیده میشود ، و ملکه اگاتهو کلیس (٦) وانتی ماکوس (۷) (حدود ۲۵۰ تا ۱٤۰ ق . م) بجای خرو شتهی بر یکطرف مسکوکات خود ، خط براهمی راهم نوشته اند . (کیمبرج هستری آف اندیا) (۸) رواج رسم الخط براهمی ، در سرزمین های شرقی افغانستان ،درمدت هفت قرن متواتر مقارن باخرو شتهی ویونانی وپهلوی ودیوه ناگری دیده میشود .چنانچه

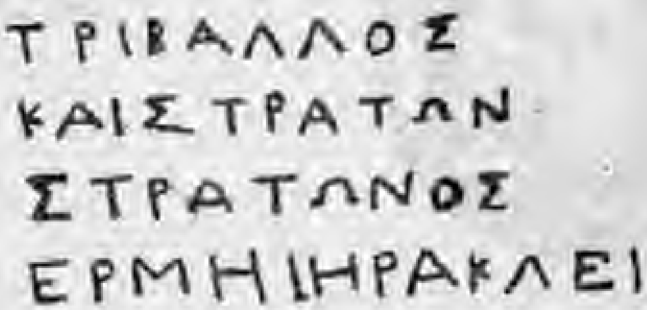
---

(1) Brahmi. (2) Celon (3) Phonetic.

(4) Mesh'a. (5) Moab.

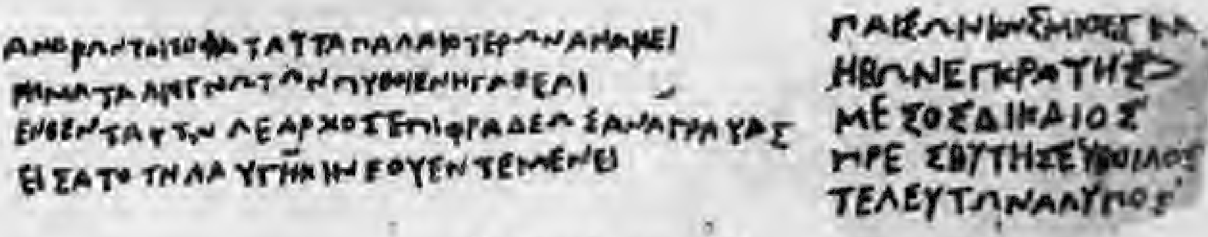
(6) Agathocles. (7) Antimachus

(8) Cambridge History of India. I.P. 62/449.



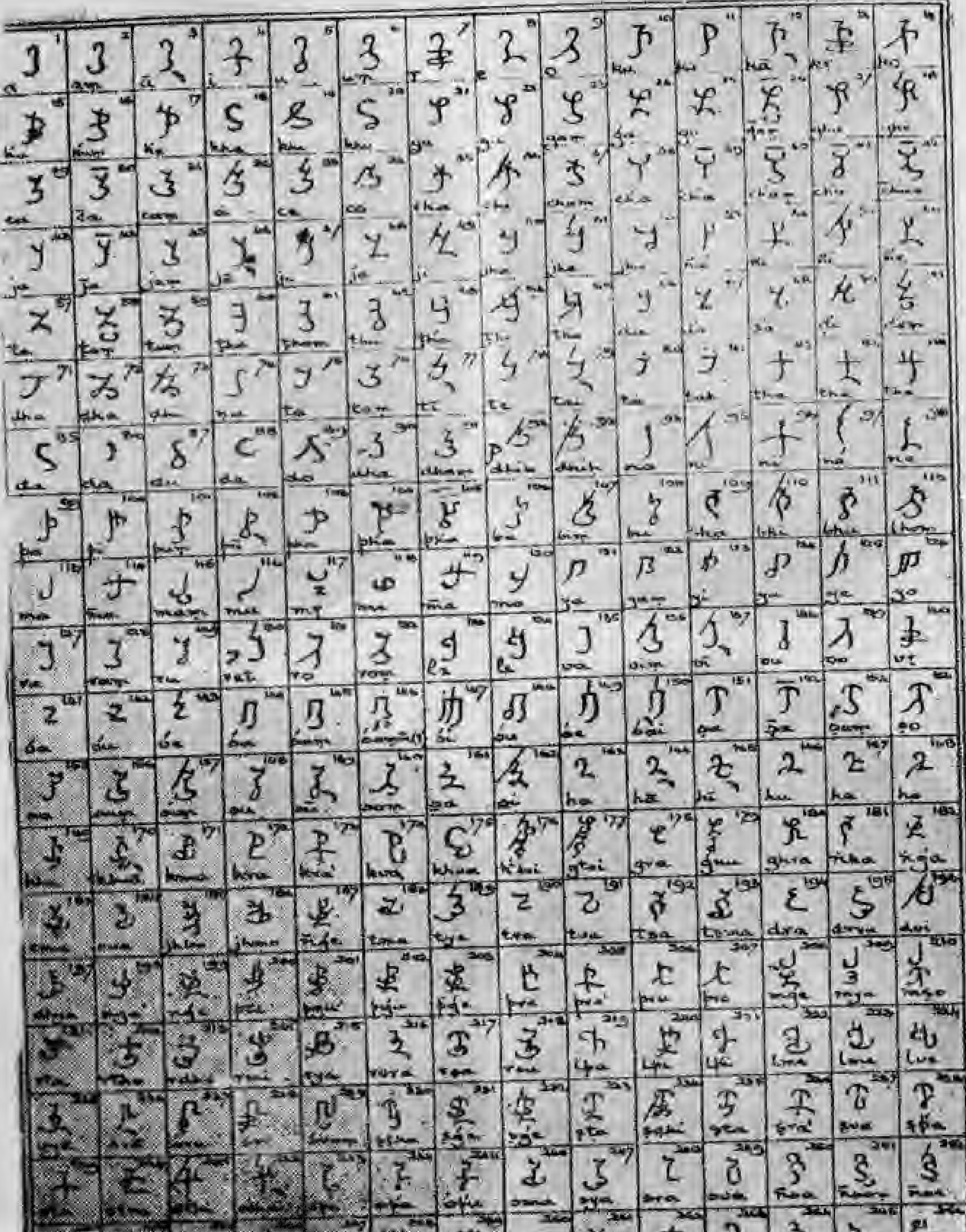
شکل (۸) کاپی از اصل

نمونهٔ خط یونانی قبل از میلاد در افغانستان، که از طرف تریبالوس در جمنازیم آی خانم نوشته شده است



شکل (۹) کاپی از اصل

کتیبهٔ منبر یک یونانی در آی خانم ولایت تخار شمال شرقی افغانستان



شکل ۱۰ حروف خروشتهی از آریانا انتیکوا



شکل ۱۱ نوشته های خروشتهی برظرف‌مکشوف از خوات وردک

شکل نمبر ۱۳ حروف یونانی در نوشته های مکشوفهٔ افغانستان

عدد	یونانی	کنوخ	انگلیسی	امثله
۱	ΔΑΟΑ ΑΔΟ	آ-ا-ا فتحه	A-Ā	ΒΑΓ (تا) ΤΑΔ تاد - ΑΒ آب بگ (خداوند) ΧΑΝ (خان)
۲	Β Β Β Β Β	ب	B	ΒΟϹΑΡ بوسن (نام) ΠΑΜΟΒΑΡΓ نامو برگ (بد) (نامور)
۳	Π Π Π Π Π Λ	پ	P	ΠΟΥΡ پوهر (پور) ΒΑΓΠΟΡ بغپور ΠΟΡ پور
۴	Φ Φ Φ Φ Φ	ف	F	ΦΡΕΙϹΤΑΡ فریستار (پرستار) ΦΑΡΡ فر ΦΡΟ فرومان ΦΟΖΟ فزرگ (بزرگ)
۵	Τ Τ Τ Τ Τ Τ Τ Τ	ت	T	ϹΤΑΔ شتاد (ایستاد) ΟΤ اوت (واو عطف) شتر (بزرگ) ΟΟϹΤΑΡΑΝΙΔ بستارنید (گسترانید)
۶	Θ Θ Θ Θ	ث - خ	TH	ΑϹΑΓΓΗΙΘ اسنگیث (سنگی)
۷	Χ Χ Χ Χ Χ	خ	KH	ΧϷΟΠ خشون (سلطنت) ϷΑΓΑΝ (خاگان) ΧΑΝ خان
۸	Δ Δ Δ Δ Δ Δ	د	D	ΚΙΡΔ کرد (ساخت) ΔΡΔ کرد ΔΑΡΑΝ دهرمه (تقوی)
۹	Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ	ر	R	ΧΙΡΓΟΜΑΠ خرگومن (خرمن) ΡΑΟ سرای ΜΕΡ درمزد
۱۰	Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ	ز	Z	ΖΟ از ΖΟΑΡ قزل ΖΑΗΖ مهادز (مهادز) ΖΜΙΓ زمیگ (زمین)
۱۱	څ	ځ څ	TS	ΟϹΟ څوی (پسر) ΖΑΟ څ زاول

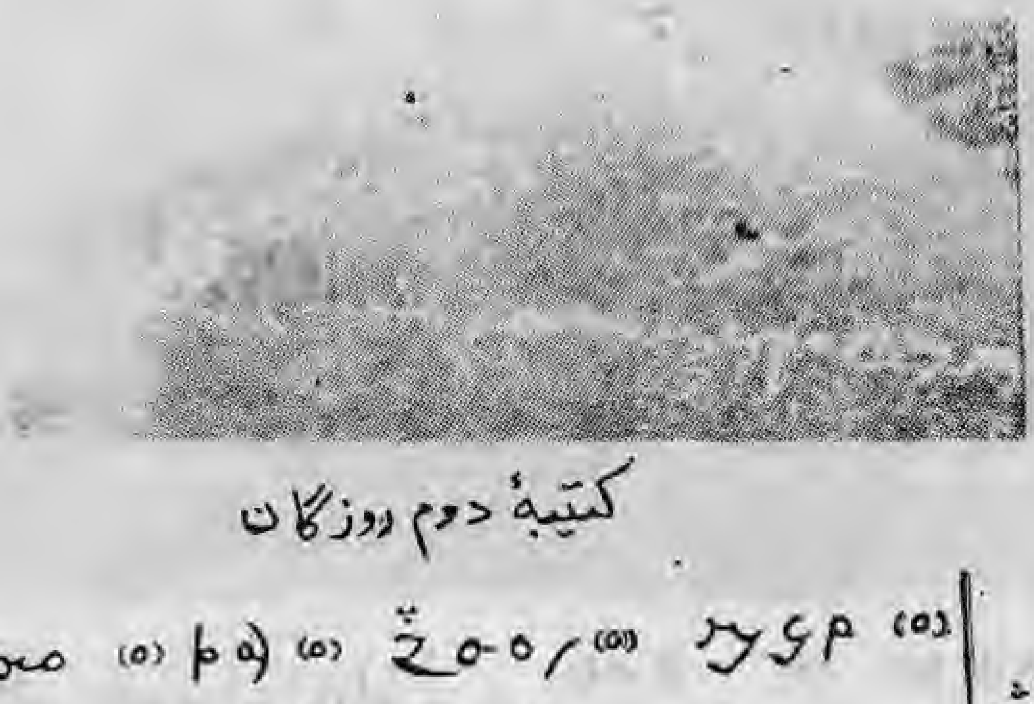
۱۲	[illegible]	س	S	۹۵ساد (چاه) [illegible] (جامعه) [illegible] سرای [illegible]
۱۳	[illegible]	ش	<u>SH</u>	شاد (شاه) [illegible] اشک (هشتم) [illegible] شاه XPOΠ خشون
۱۴	[illegible]	ش	X	۹۸ سال (شاد) [illegible] کوشا
۱۵	[illegible]	ک	K	KIΔ کید (که) [illegible] نکه (نام) [illegible] نکه [illegible] کرد
۱۶	[illegible]	گ	G	BAΓ بگ [illegible] گی مل [illegible] بگ (بک) [illegible] گومان (پهلوان زاده)
۱۷	[illegible]	غ	<u>GH</u>	[illegible] تغیور [illegible] الغ
۱۸	[illegible]	نگ	NG	BAΓΛAΓΓ نگ لنگ (تعلات) [illegible] سنگه (جامعه)
۱۹	[illegible]	ل	L	۸۸ مال (وقت) [illegible] الغ [illegible] مالیر (تماذر)
۲۰	[illegible]	م	M	ΦPOMAH فرومان (فرمان) [illegible] مهر [illegible] ماه
۲۱	[illegible]	ن	N	[illegible] اند (ظهره ور) [illegible] عو (نیایش) [illegible] کوشان
۲۲	[illegible]	ه	H	ΠOΨP پوهر (پور) [illegible] مهر [illegible] دهرمه (تقوی)
۲۳	[illegible]	ی إ	E	EIΔ إید (هست) HIΔEIH پدین (بدین) EIP اید (اوز آتش) در کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان BAΓEAC بگیش (خدائی)

ᵚᵓᵋᵹ وَشُوگَد (صحیا) (ᵚ وِیگ (یک) [illegible] نُوُ (نیایش)	W	و	ω	ω	۲۴
۱- واو خفیف مانند Xoadh خُوَدی (خدا - شاه) ۲- ضمه : مانند KARHpKo کُنِک (در حالت اضافی) [illegible] Zopzo بُرْزُ بِر ۳- واو معروف : مانند Rop بُود (نام) nosi/xt نُوْ بِجِنْت [illegible] گُوْمُل (جای) ۴- الف مضموم : مانند or - od اوت - اود (واو عاطف - و) ۵- فاصله بین کلمات : مانند (o)ᵽa(o) ᴚ۹ᵋ بگ - شا(شاه بزرگ) ۶- خاتمه کلمات : مانند (o)Ma ما (ماه) (o)AB آب (o)cᴛᵋᵹ شُتَر (عظیم)	o u	و اُ ـُ . ضمه	o ᴅ ᴅ ᴜ o ᵹ ᵽ		۲۵
Xoadh خُوَدِی KARHpKI کُنِنگِی ARDh2 اَنْدِیز (فراوان)	i	ی کسره	h		۲۶
۱- کسره : HIᴅ پِد (به) KIᴅ کِد (که) [illegible] بِعَد (معبد) ۲- اضافت و بنوت ، بعد از فاصله ° pIzoᴛᴙpr (o)Boᵋᴀp بُرْشیز و گُرگ ، یعنی پسر شیز و گرگ . ۳- ی معروف : [illegible] زِیک دژمهر [illegible] و یا [illegible]	״	״	ا) ɂ ᴄ ɾ ʮ		۲۷

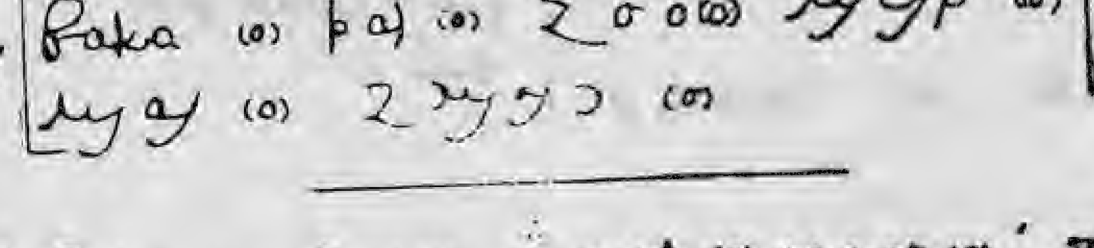




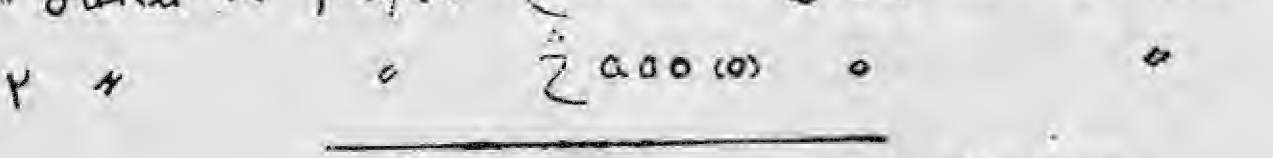
شکل (۲) سنگ نوشتهٔ اول دوزگان



کتیبهٔ دوم دوزگان



دوخوانش نوشتهٔ اول دوزگان

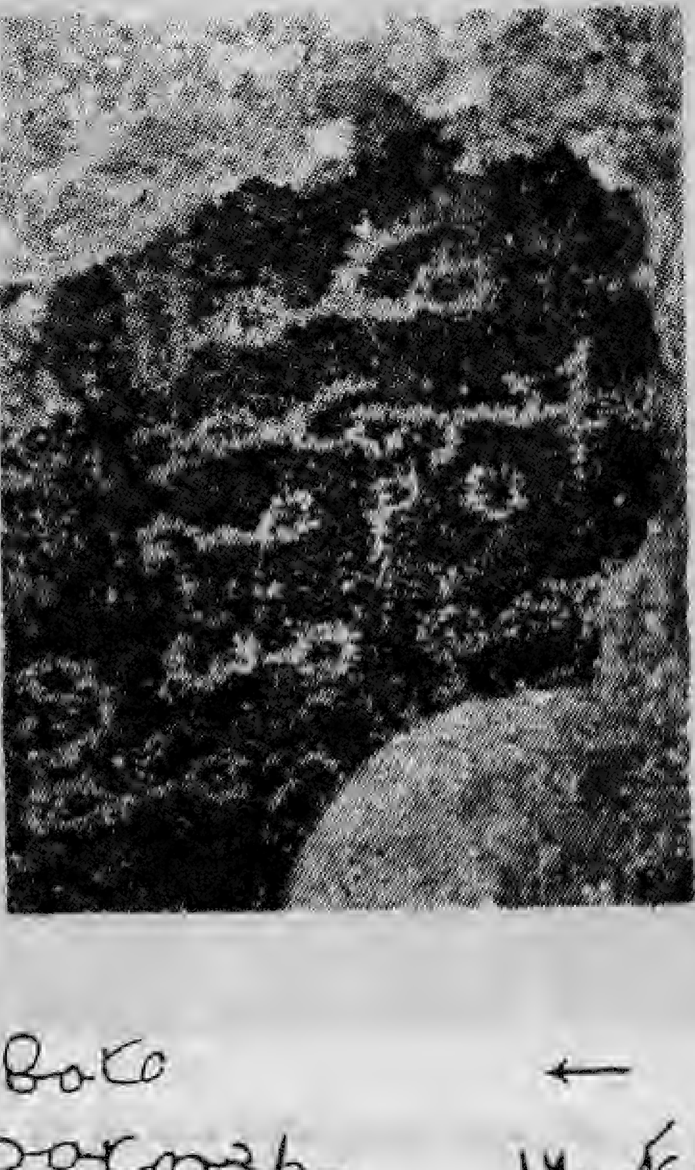


دوخوانش نوشتهٔ دوم دوزگان ↑



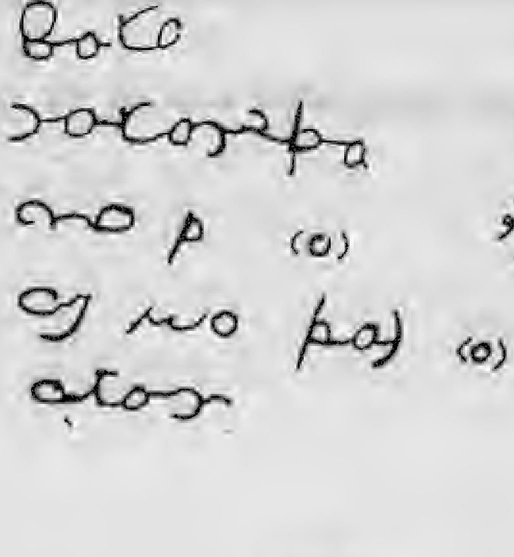
NAMW	(O)	BOD	عکس ۲۶- نوشتۀ اول
NAMW	(O)	DHARMA	جغتو بحروف انگلیسی
NAMW	(O)	SANGA	←

← عکس ۱۶ اصل نوشتهٔ دوم جغتو



نقل خطی این نوشته در پایین است ↓

← نقل خطی عکس ۱۶ نوشتهٔ دوم جغتو



درقرن چهارم میلادی هنگا میکـــه کوشانیان کو چك درین سرز مین حکم میراندند، جای خر و شتهـی‌راهمین رسم الخط براهمی گرفتـــه بود، وبرمسکوکت کیدازه(۱) بخطبراهمی کیــداره کوشانــه شا (۲) نــوشته ا ست . و همچنان بـــرمسکو کات شاهان دیگر این‌خاندان مـــانــد پیـر و (۳) ـ و ا ر ه‌شاهی (٤) ـ ورهران (٥) ـ بـود ها بلـه (٦) ـ بهاسه (۷)تاریکـه (۸) ـسد هـنـی (۹) نوشته های براهمی وگاهی مقار ن‌باپهلوی هم دیده میشود (مجلـــهٔ مسکوکات) (۱۰) وازین‌برمی آیــدکه‌درقر ن ٤م رواج خط برا همـــی وپهلوی در عصر کیداریان بدرجه‌یی‌بودکه بر مسکو کات خو یش، خـط یونانی وخرو شتهی ونـــا گـــر ی‌رانبو شته اند (رجوع بـــه‌عکس ۷) ولی بعداز انکه درقــر ن پنجــم‌هونان هفتلی سلطه کیدار یان ر ا خاتمه دادند، این رسم الخط کمتــربنظرمی آید.

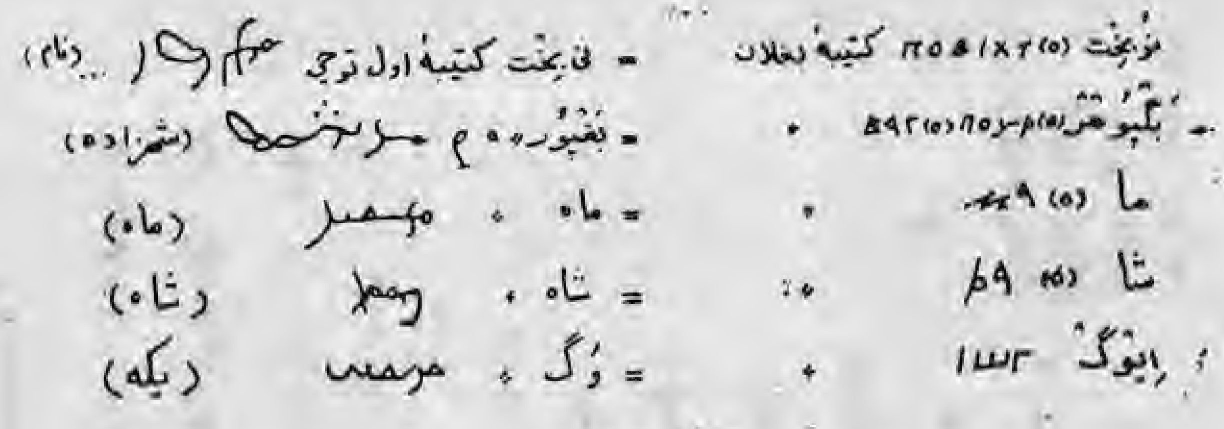
مطالعه وکشف ا سرا ر خـــطبرا همی بوسیله‌جیمس‌پرنسیپ(۱۱) در سا لها ی ۱۸۳٤ تا ۳۸ م انجام‌گرفت که آنرا ازروی کتیبه هـای متعدد ستو نهای معبد سا نچـــی‌هند ومنار اشوکا دردهلی خوا ند . والفبای آنرا ترتیب داد واکـنو ن‌آنرا ازروی همان قواعد مر تبـــه بسهو لت میخوانند .

---

(1) Kidara.
(2) Kidara Kushanasha
(3) Piro
(4) Varashahi.
(5) Varahran.
(6) Buddha Bala.
(7) Bhasa.
(8) Tarika.
(9) Sadhni.
(10) Numismatic Supplement 1937 Culcutta.
(11) James Prinsep.

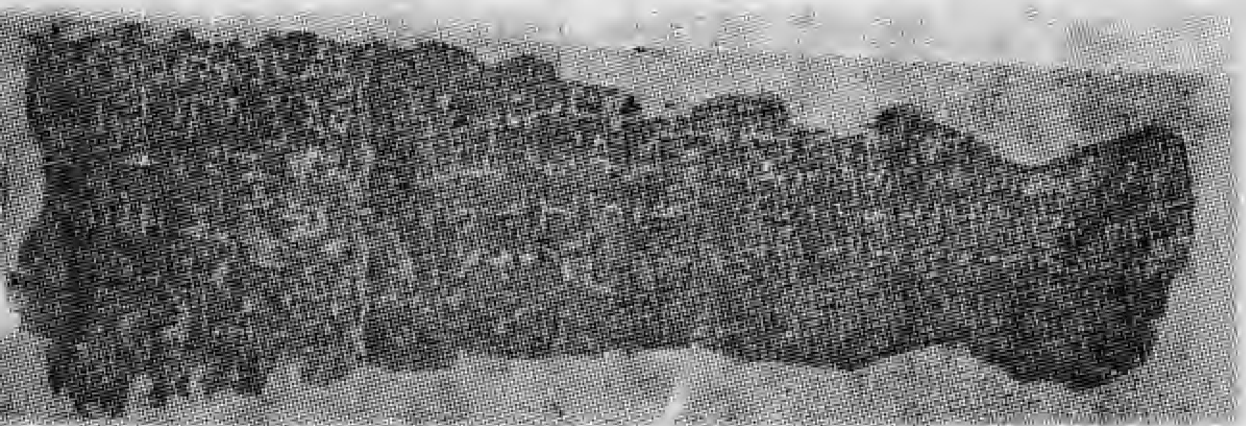


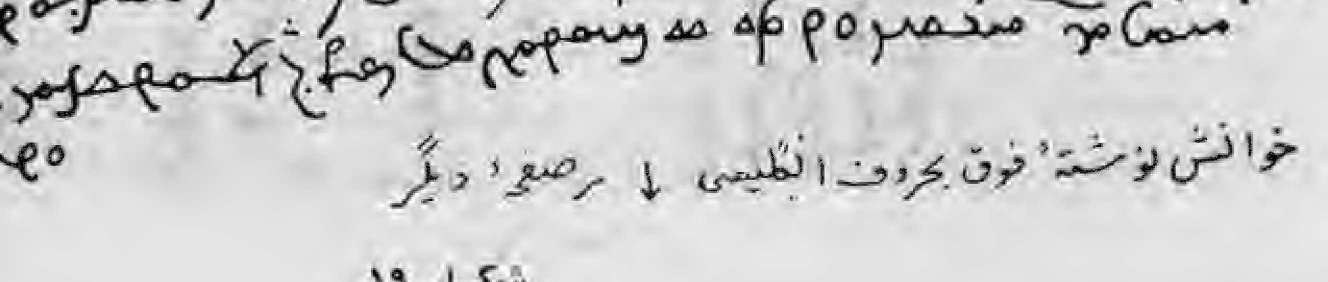
شکل ۱۷ یك حصة سنگ نوشتة دشت ناور



شکل ۱۸

فرق املای کلمات در کتیبه های مکشوفهٔ یونانی افغانستان





خوانش نوشتهٔ فوق بحروف الفبی ↓ در صفحهٔ دیگر

شکل ۱۹

1-(OM NAMAḤ SAMVATSARE AȘHTATRIMSA) TITAME
SAMVAT 38 BHĀDRA-

2-(PADA MĀSA SUKLA PAKSHA SAPTA)MYĀM SUDI TATRA

3- DIVA-(SE)........NAINA- CHANDRA BHUPA *

4- .... SA YA .... DDA ......

5. .... KULA - NARAPA KHOJANA- PUTRA

٨

مربوط شکل ۱۹
خوانش قسمت
سنسکریت طرف
چپ نوشتهٔ
تخاری

1- Z (o) XSHON (o) X + i ÷ 8 ÷ MAH (o) ASHANG (o)

MAHSHAN (o) M ... NIBIXT (o)

2-GOMAL (o) BAĠ (o) POR. (o) WIĠ (o) MINAN (o)

GOMAN (o) KALD (o) BO-

3-STARANIDAM KIRD (o) GILRANIDAN (o)

MALIZ (o) OD (o) NIBIXT-

٧

مربوط شکل ۱۹
خوانش متن
تخاری کتیبه
بحروف انگلیسی

4- BIHAR (o) FZRAĠ (o) BOSTARANID (o)

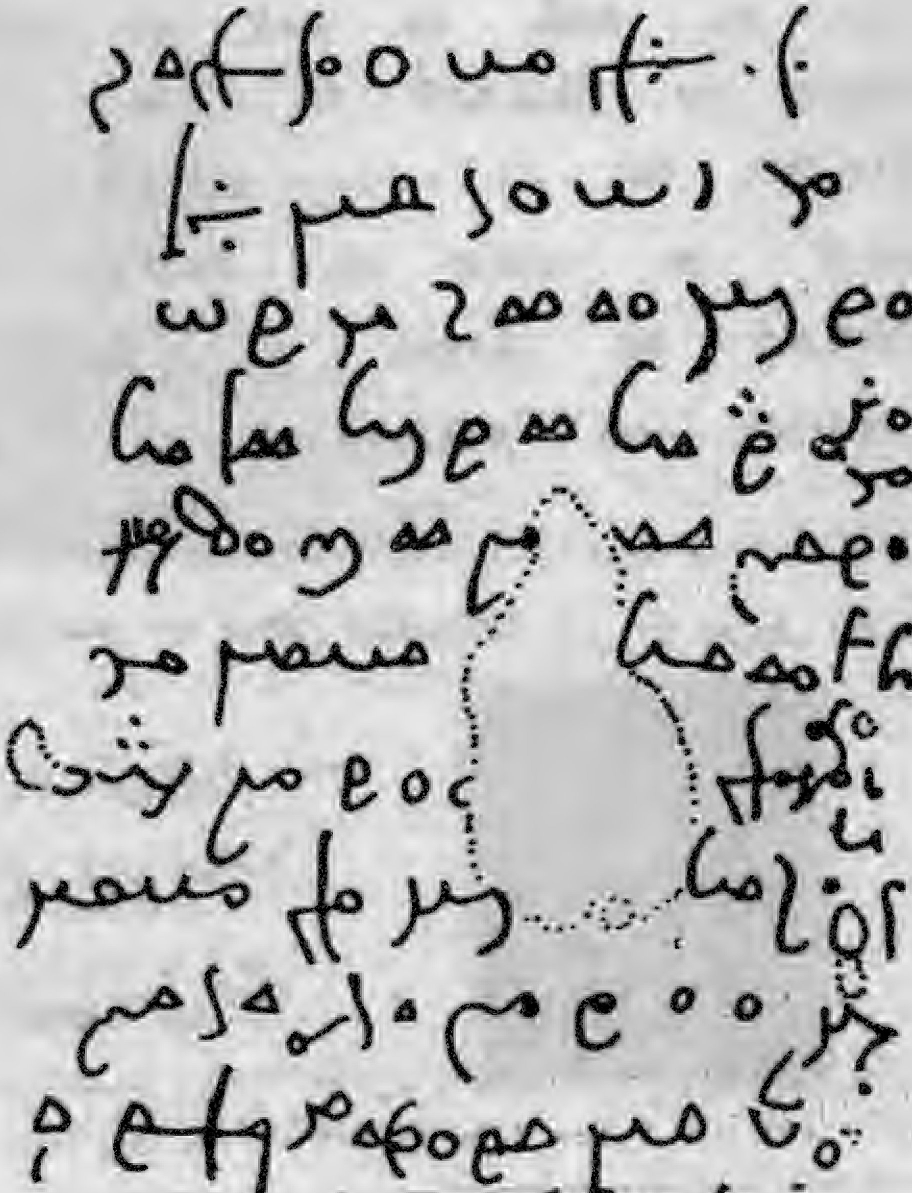
FROMAN (o) GOKA....

5- STAR (o)

بالا : عربی
←
عکس ۲۰
کتیبهٔ سوم
توچی

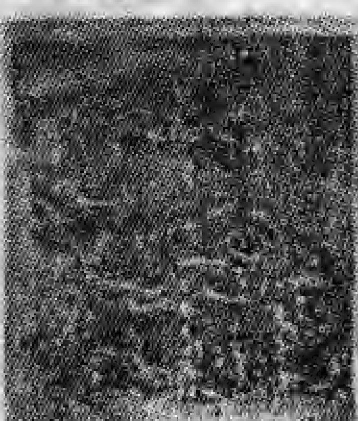


عکس ۲۰
نقل خطی کتیبهٔ
سوم توچی
متن تخاری
ترتیب گوبل
↓

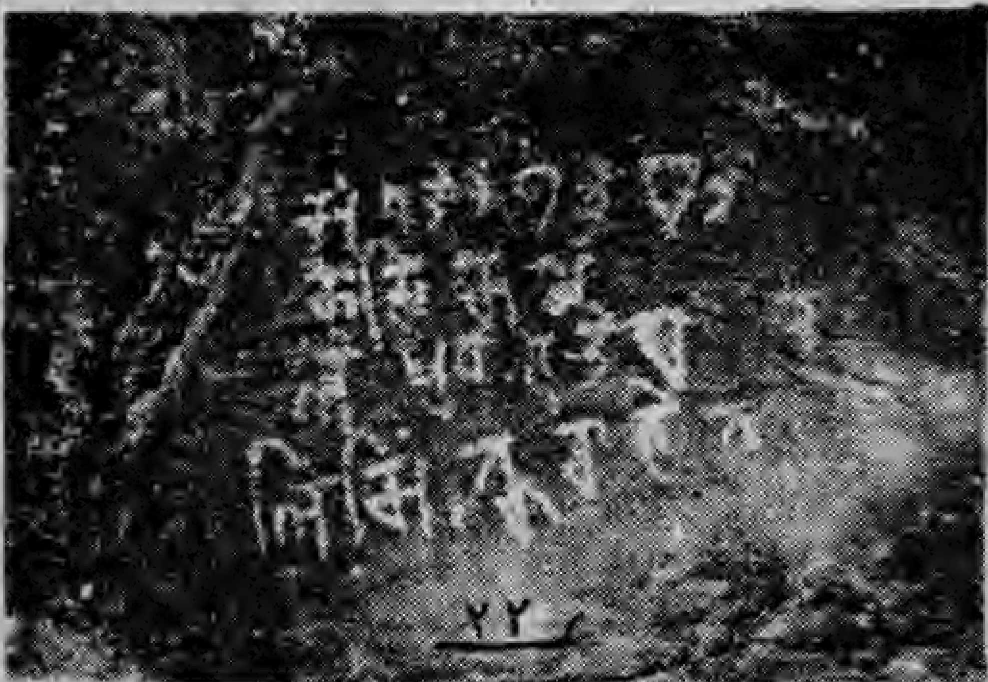


1- Z (o) XSHON (o) X÷Î ..
2- E ÷ MAH (o) WIG (o)
3- WRMZD (o) OD (o) MIR (o)
4- KALD (o) KIRD (o) KASHÂN (o) GO-
5- MAL (o) BAĞ (o) POR (o) STAR (o)
6- GOMAN (o) (GO) KAD (o) SHAH (o)
7- (B) O SAR (o) ------------ XÂGÂN (o)
8- MAN (o) XÂN (o) KAZAL (o)
9- SÂUHO (o) SARÂI (o) BOST-
10- ARÂNID (o) FROMÂN (o)
11- STAR (o)

مربوط شکل ۲۰ خوانش سنگ‌نوشتهٔ نمبر ۲۰ بحروف انگلیسی



عکس ۲۱ متن تخاری ←
بر سنگ پارچه جدا شده
از کتیبهٔ سوم توچی



شکل ۲۲نوشتهٔ دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشتهٔ آرامی‌نمبر ۷



شکل ۲۳ نوشتهٔ دیوه‌ناگری لغمان نزدیک نوشتهٔآرامی نمبر ۷



شکل ۲٤ سنگ نوشتهٔ عربی وسنسکریت تـوچی

1. (OM NAṂAḤ SAMVATSA)RE DVĀṚIṂSATI
2. (TAME). SAṂVAT 32 KĀRTI-
3. (KA) MĀSA BAHULA TITHAU DVI (TI-
4. (YA) YĀṂ VADI 2 ATRA DIVA-
5. (SE) ----------------

(۱۰۰)

ترجمه

ادوم - سلام - در سال ۳۲ سموت در ماه
کارتیکه (سپتمبر و اکتوبر) بروز
دوم نصف تاریک .
همین روز

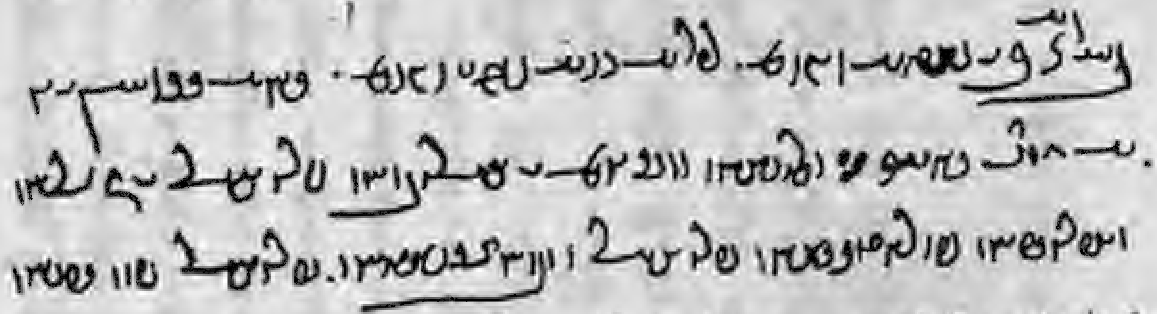
خوانش و ترجمه نوشته سنسکریت نمبر۲۴ تو چر
زیر نوشتهٔ عربی ۲۴۳ق نوشته شده است .



شکل ۲۵ دو سنگ نوشته دیوه ناگری ویهند از کتاب کابل
الکسندر برنس



نمونهٔ خط پهلوی ساسانی بر سکهٔ اردشیر پاپکان در حدود ۲۲۴ م که چنین خوانده میشود : مَزد یَسْنَی بَغِ اَرْتَخشَتَر مَلکان مَلکا اَیْران مَنُوشتْر من یزدان .
یعنی : خداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که نژاد او از خدایان است (سبک شناسی ا، ۱۳۶)



نمونهٔ خط اوستا (دین دبیره) از نسخهٔ خطی یسنا که در سنهٔ ۷۲۴ ه ۱۳۲۳ م بخط مهربان کیخسرو نوشته شده و در کوپنهاگ موجود است وتا کنون نسخهٔ قدیمتر مکشوف دنیا شمرده میشود . (گاتها ۵۶)

شکل (۷۶)

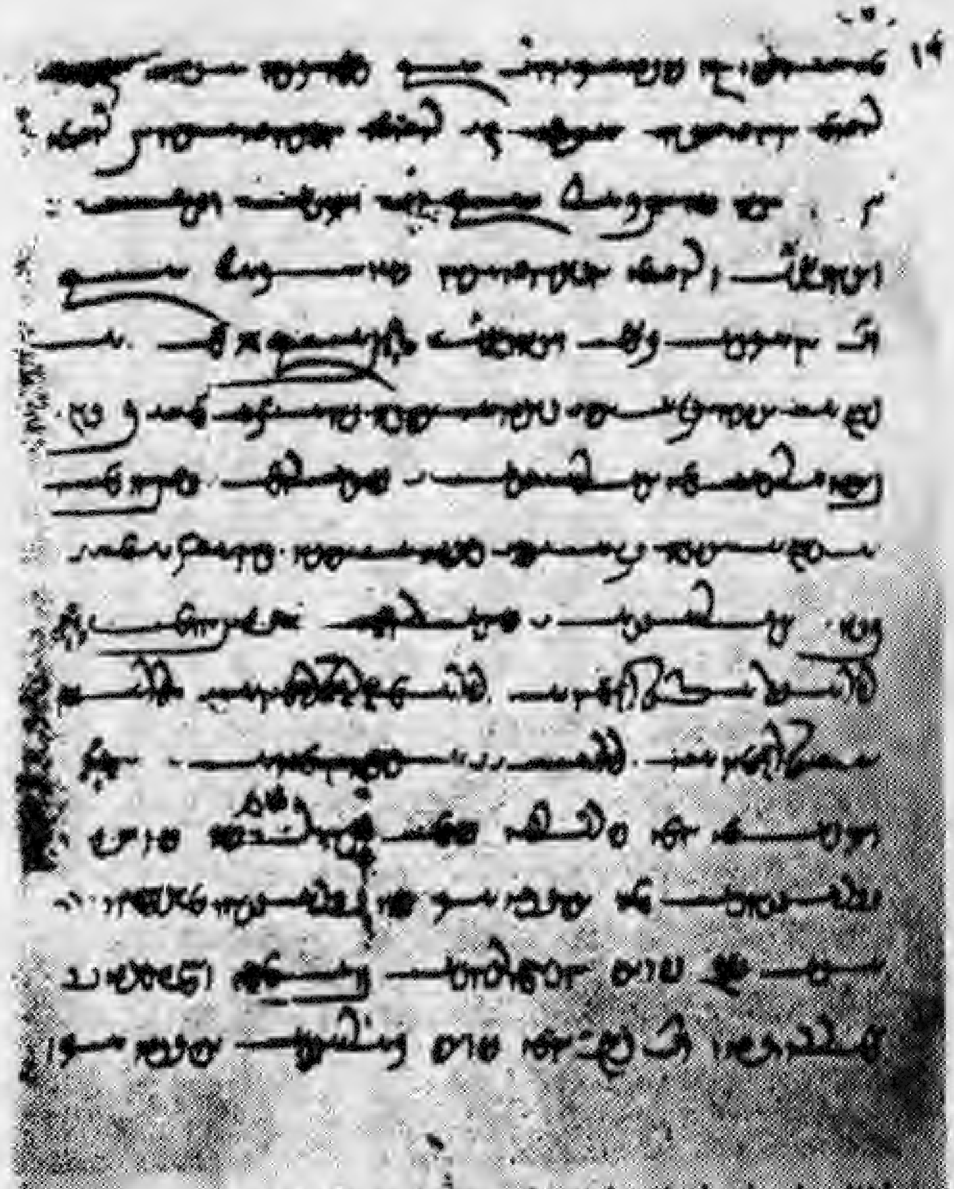
کتیبه های زبان ورسم الخط یونانی

رسم الخط یونانی با مجموعهٔ افکار ورسوم وفرهنگ یونان که آنرا هیلینسم (۱) گویند، بافتح اسکندر درحوالی سال ۳۳۰ ق، م به سرزمین افغانستان آمد، اگر چه اسکندر درین سرزمین ازسیستان تاسغدیانه بامقاومت شدید مردم مواجه گردید، ومدت چهار سال درینجا مشغول ماند، ولی درآخر توانست درماه می ۳۲٦ ق،م بکنار جیلم برسد. وی از راه کنار غربی دریای سند به ملتان همرسید، ودر جولایی ۳۲۵ ق، م ازراه های جنوب افغانستان وگدروزیا به سوی پارس بس نشست، تا که درشب ۱۳ جون ۳۲۳ ق،م بعمر ۳۲ سالگی در بابل چشم از جهان ببست.

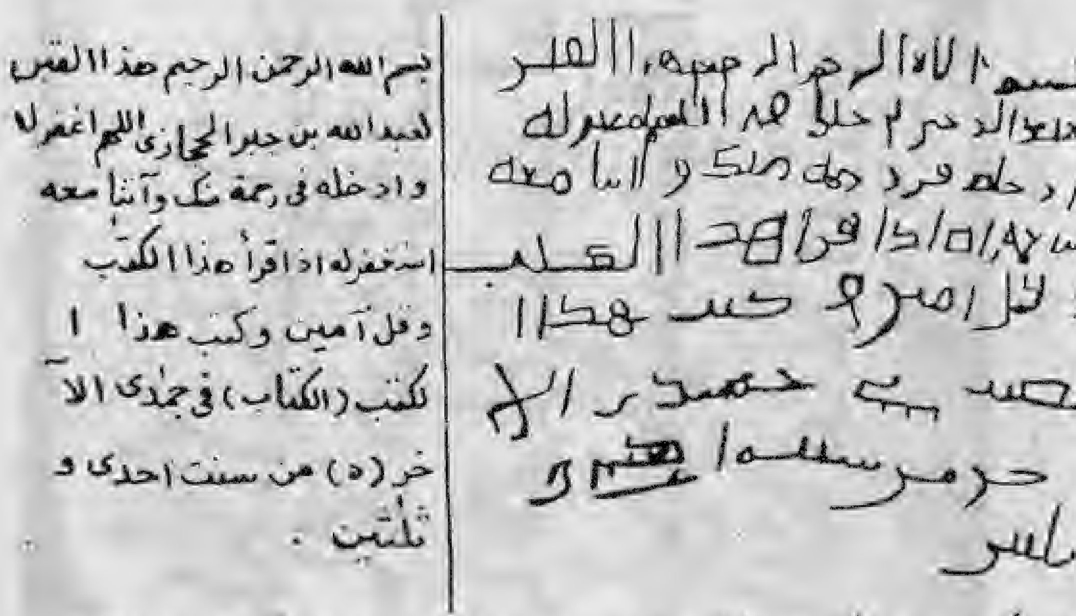
درباختر وتمام ولایات افغانستان وهندوستان شمال غربی حکمرانان مقرر کرده اسکندر بابرخی از یونانیان باقی ماندند، تاکه در حدود ۲۵٦ق،م دیو دوتوس (۲) حکمران باختر، سلاله شاهان یونانی باختر را اساس نهاد واعلان شاهی داد وسکه زد، وازین شاهان یونانی نژاد باختری شده درمدت دو ونیم صدسال بعد سی وشش پادشاه و یك ملکه حکم راندند. تاکه درنصف اول قرن نخستین میلادی بسا ظهور قبایل ساکه وسیتی ازسمت شمال مملکت؛ سلطه یونانیان باختر بپایان رسید.

سلطهٔ اسکندر واخلاف او در سرزمین آریانه مصدر بسط فرهنگ جدیدی شد، که از ناحیت دین، فکر، هنر، زبان، رسم الخط وتمام مظاهر فرهنگی ارزش های خاص تاریخی دارد، ودرینجا مطالعات ماتنها بارسم الخط یونانی وروا ج آن درین سرزمین تاقرن هشتم

(1) Hellinism
(2) Diodotos



۲۶ ـ صفحه‌ای از اوستا (یسنا) محفوظ در اکسفورد

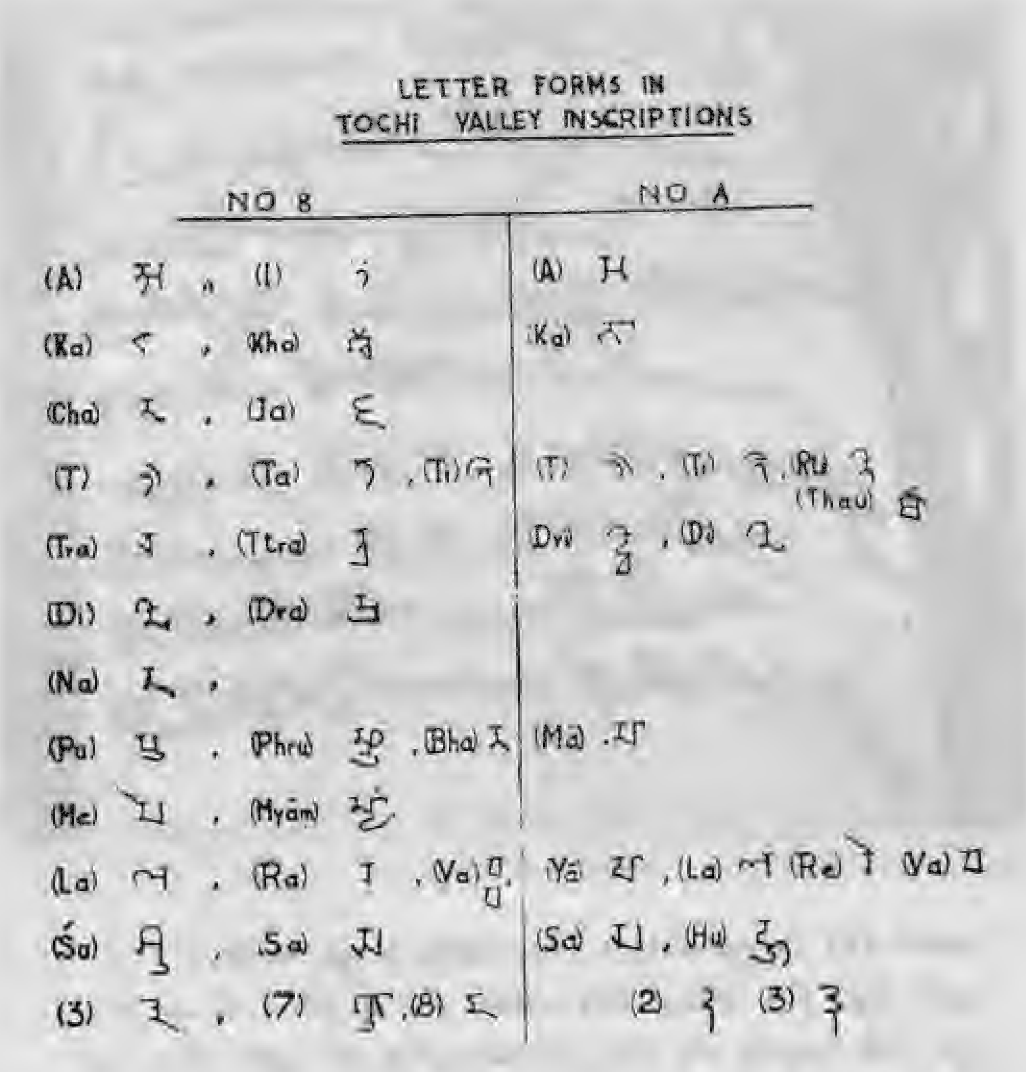


نمونهٔ خط عربی بر یک لوحهٔ قبر، موجود در موزهٔ قاهره، منقور بسنهٔ ۳۱ ه
(تاریخ اللغات السامیه ۲۰۳)

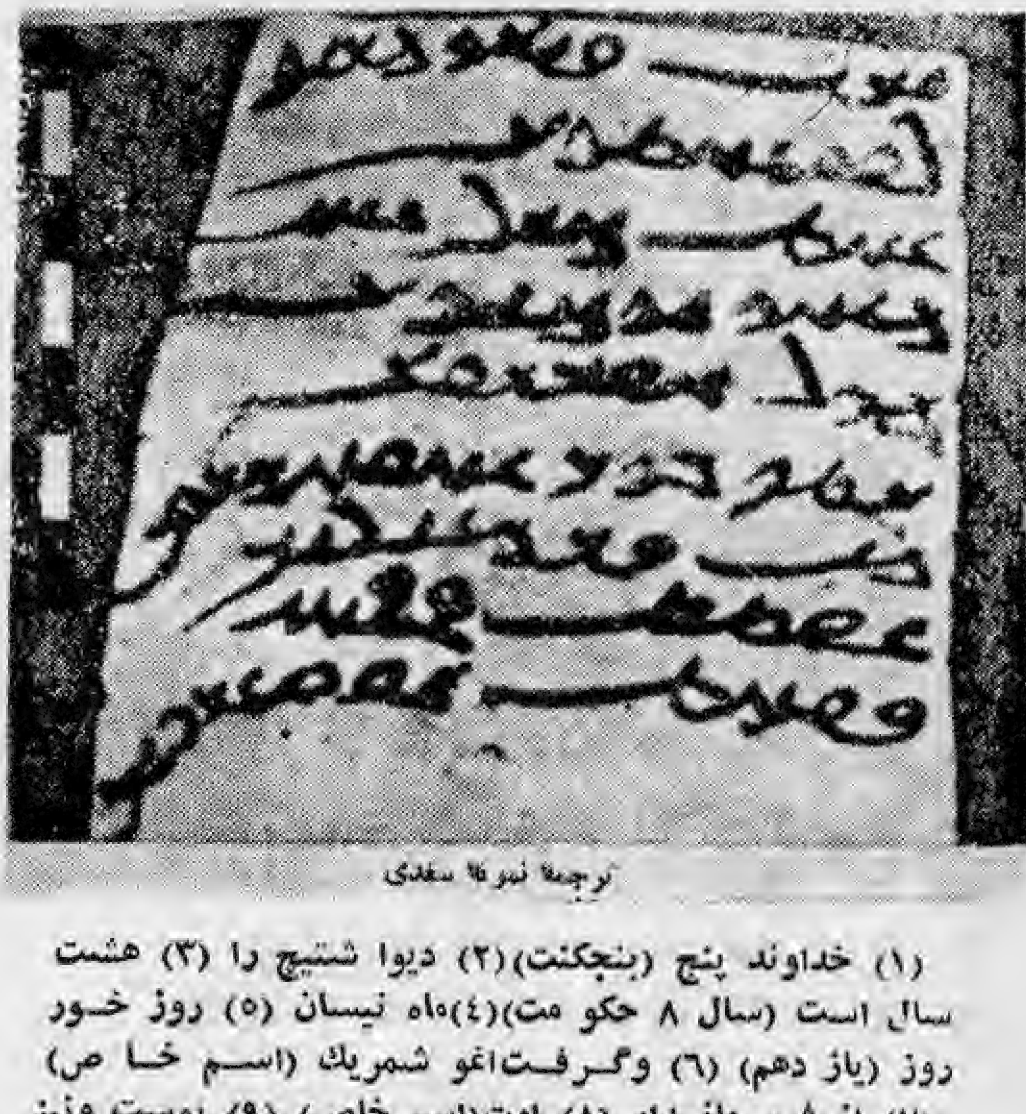
شکل (۲۷) ۳۸



شکل ۲۸ سنگ نوشته کوفی   بمپور ۱۰۷ ه



شکل ۲۹ حروف‌دیوه ناگری کتیبه های وادی تو چی

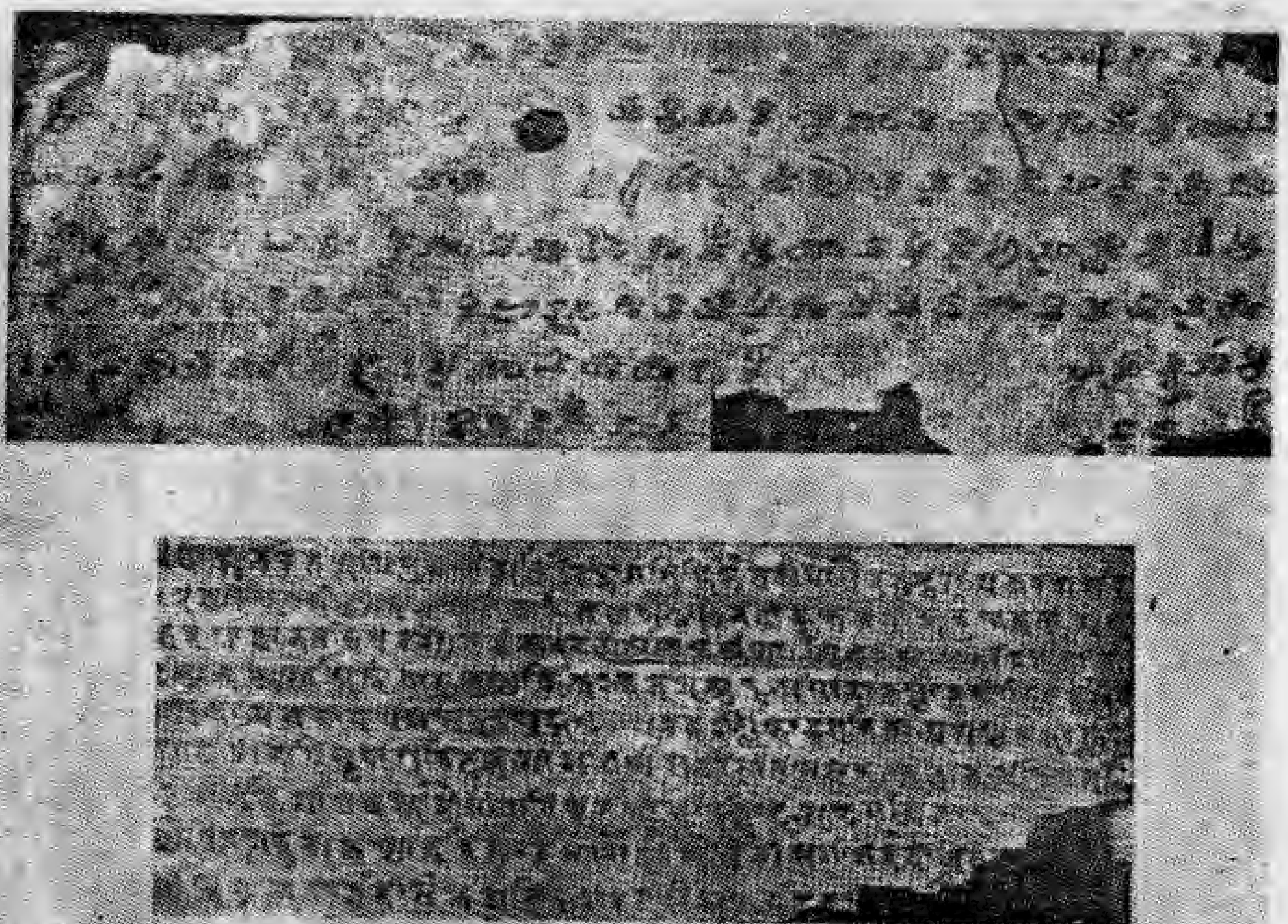


ترجمهٔ نمونهٔ سغدی

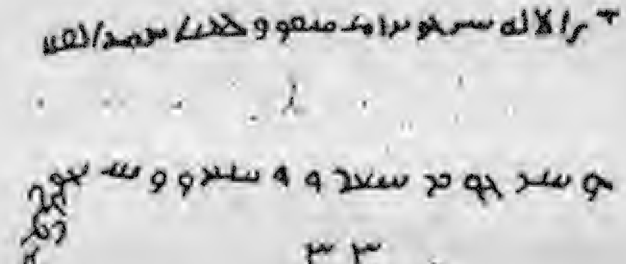
(۱) خداوند پنج (بنجکنت) (۲) دیوا شتیچ را (۳) هشت سال است (سال ۸ حکو مت) (٤) ماه نیسان (٥) روز خور روز (یاز دهم) (٦) وگرفت اغو شمریك (اسم خا ص) (۷) از فر مانـدار (۸) اوت (اسم خاص) (۹) پوست ونیز واریاك (نو عی از پو ست) (از تاریخ زبان فارسی ۱ ر۲۷۸)



۱ـ خط فارسی ۲ـ آرامی جزیرة الفیل ۳ـ سنگنوشته های پهلوانیك سکه های اشکانی ٤ـ خط قباله های اورامان ٥ـ سنگنوشته ها و سکه‌های ساسانی ٦ـ خط پهلوی کتابی ۷ـ خط سغدی



ع ۳۲ نوشته های سانسکریت مکشوفه از بامیان



٣٣

نقش ز بد

قرائة ليتسبرسكي :

(بسـ) م الآله شرحو برمع قيمو برمرال

بر سعدو و سترو و (شر) يحو (بتميمو

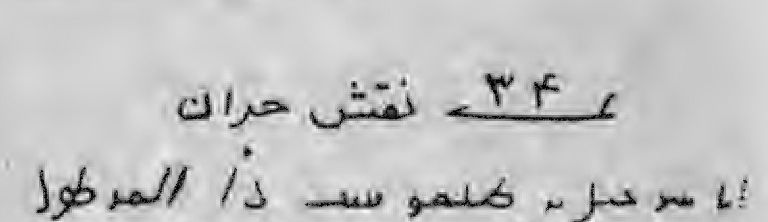
قرائة ليتمان :

(بنصر) الآله شرحو برامت منفو وظ

وشرحو الخ ....

(تاريخ اللغات السامية

٣٤ نقش حران

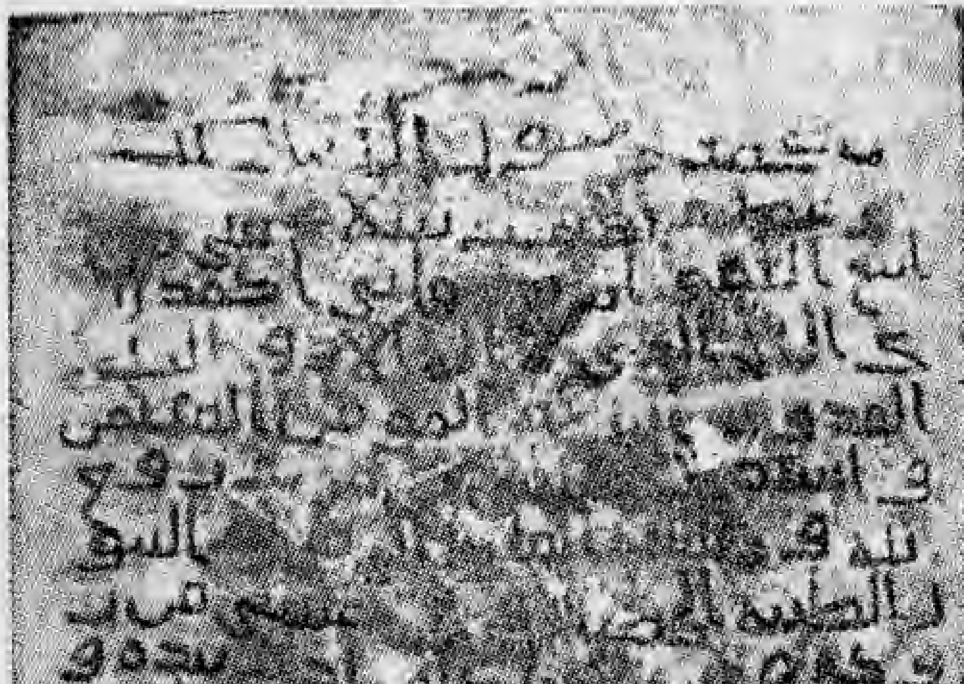


١ - انا سرحيل بن ظلمو بنيت ذا المرطول

٢ - سنة ٤٦٣ بعد مفسد

٣ - خيبر ٢ - بعام (تاريخ اللغات السامية ١٩٢)

٣٥٢



كتاب النبي صلى الله عليه وسلم إلى النجاشي

خوانش شکل ۳۵

۱ ـ من محمد رسول‌الله ، الی النجا
۲ ـ شی عظیم‌الحبشه ، سلام‌علی من
۳ ـ اتبع‌الهدی . امابعد : فانی احمد لـ
٤ ـ ك الله‌الذی لااله الاهوالملك
٥ ـ القدوس السلام المؤمن‌المهیمن .
٦ ـ و اشهد ان عیسی‌بن مریم‌روح
۷ ـ الله ، وکلمته القاها الی‌مریم‌البتو
۸ ـ ل‌الطیبة‌الحصینة ، فحملت‌بعیسی من ر
۹ ـ وحه ونفخه ، کما خلق آدم‌بیده . و
۱۰ـ انی ادعوك الی‌الله وحده ،لاشر
۱۱ـ یك له، والموالاة علی طاعته، وان
۱۲ـ تتبعنی و توقن بالذی‌جاءنی‌فانی ر
۱۳ـ سول‌الله . وانی ادعوك‌وجنو
۱٤ـ دك الی‌الله عزوجل . و قدبلغ
۱٥ـ ت ونصحت فاقبلو نصیحتی‌والسلام
۱٦ـ علی من‌اتبع (کذا) الهدی.

الله
رسول
محمد

(الوثایق السیاسیه ٤٥)

میلادیست ومامی بینیم کەدرمدت ده قرن این رسم الخط مورد استعمال مردم بود.

اثررسم الخط یونانی از همان فتح اسکندر تاشمال غربی هند رسید ، اگر چه برخی مسکوکات بنام اسکندر بخط یونانی در هند شمال غربی بدست آمده، ولی تاکنون یقینی نیست که آنرا در هند ضرب کرده‌باشد . امامسکوکی‌ازپادشاه معاصر اسکندر در شمال غرب هند ،سلیقهٔ یونانی دارد وبریکطرف آن شکل پادشاه و بر طرف دیگر آن خروسی بانام‌پادشاه‌سوفیتیس (۱)دیده میشود که شکل یونانی شده نام سابهوتی (۲)هندیست که‌آرین(۳)وسترابو(٤) هر دو آنرا ذکر کرده اند، واین‌سکه در ۳۲۰ق.م ضرب شده باشد. (٥)

هیون تسنگ زایر چینی در ۶۳۰م این سرزمین را ازبا ختر تاکرانهای سند دید،وی رسم‌الخطی‌راکه دارای ۲۵ حرف بود درینجا ذکرمینماید . واین خط بلا شبهت‌یونانیست که (٢٤) حرف‌داشت ویك صوت (ش) که‌دریونانی نبودودرالسنهٔ مقامی وجود داشت بشکل  یعنی‌مجموعهٔ ش + خ‌بران افزوده شد، که‌در کتیبهٔ‌سرخ کوتل هم‌دیده میشود ،ومادر قسمت‌رسم الخط تخاری یونانی شرح خواهیم داد .

این رسم الخط در آغاز سلطهٔ‌یونانی ، موافق آنچه در اصل بود نوشته میشد ولی باروا ج آن‌درمحیط جدید موافق ضروریات مردم آن تحول رنگ وشکل داد، ویکنوع خط‌یونانی شکسته (٦)ازان بوجود آمد مثلا :

۱ـ اشکال حروف آن در کتیبهٔ‌آرامی قندهار ونوشته های آی خانم ومسکوکات شاهان باختری یونانی‌خوش خط وعیناً به تقلید نگارش اصیل یونانیست ، ولی درکتیبه‌های متاخر آنقدر شکستگی و انحراف دران راه یافته که‌تشخیص‌آن مشکل است .

۲ ـ تعیین وادخال برخی ازضروریات محیطی دران مشهود

---

(1) Sophytes (2) Saubhuti
(3) Arrian (4) Strabo
(5) Cambridge History of India 61 /388
(6) Cursive Writing

۳۶

نامهٔ مقدس حضرت رسول
صلی‌الله علیه وآله‌وسلم
بمقوقس



خوانش شکل ۳٦

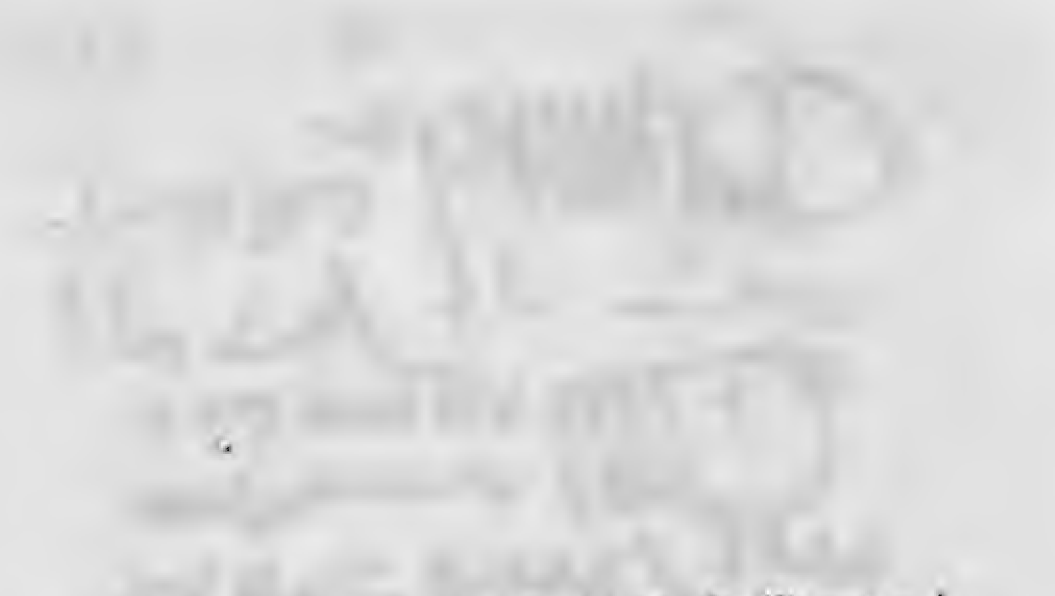
١ ـ بسم الله الرحمن الر حيم .من محمد عبدالله و
٢ ـ رسوله ، الى المقو قس عظيم القبط سلام
٣ ـ على من اتبع الهدى.اما بعد:فاني
٤ـ ادعوك بد عاية الاسلام ، اسلم تسلم ،
٥ ـ يوتك الله اجرك مرتين .
٦ ـ فان توليت ، فعليك اثم القبط.
٧ ـ «يااهل الكتاب تعالوا الى كلمة
٨ ـ سواء بيننا و بينكم ،الانعبدالا الله
٩ ـ ولا نشر ك به شيئا،ولايتخذ بعضنا
١٠ ـ بعضا اربابا من دون الله ، فان
١١ ـ تولوا فقولوا اشهدوا بانامس
١٢ ـ لمون.»

الله
رسول
محمد

(الوثايق السيا سيه ٧٢)

۳۷ نامه به منذر



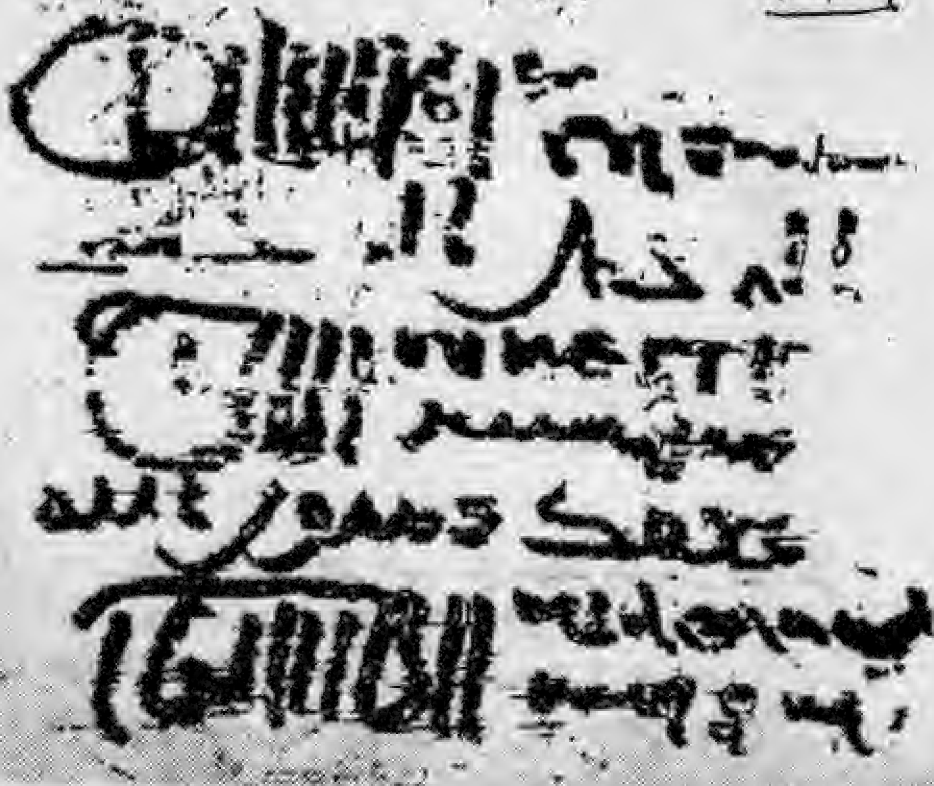


١ ـ بسم الله الر حمن الر حيم .من محمد رسو ل الله الى
٢ ـ المنذر بن ساوى ، سلام عليك، فانى احمد الله
٣ ـ اليك الذى لا اله غـيره ، واشهدان لا اله الا
٤ ـ الله، وان محمد عبده ورسوله اما بعد : فانى اذكر
٥ ـ ك الله عزوجل ، فانه مـن ينصح فانما ينصح نفسه ، وانه من يطع ر
٦ ـ سلى و يتبع امر هم فـقد اطاعنى ،ومن نصح لهم فقد نصح لى و
٧ ـ ان رسلى قد اثنو عليك خيراً وانى قد شفعتك فى
٨ ـ قومك ، فاترك للمسلمين مـا اسلموا عليه ، وعفو ت عن اهل
٩ ـ الذنوب ، فاقبل منهم ،وانك مهما تصلح فلن نعزلك عن عملك ، و من
١٠ ـ اقام على يهود يته او مجوسيته فعليه الجزيه .

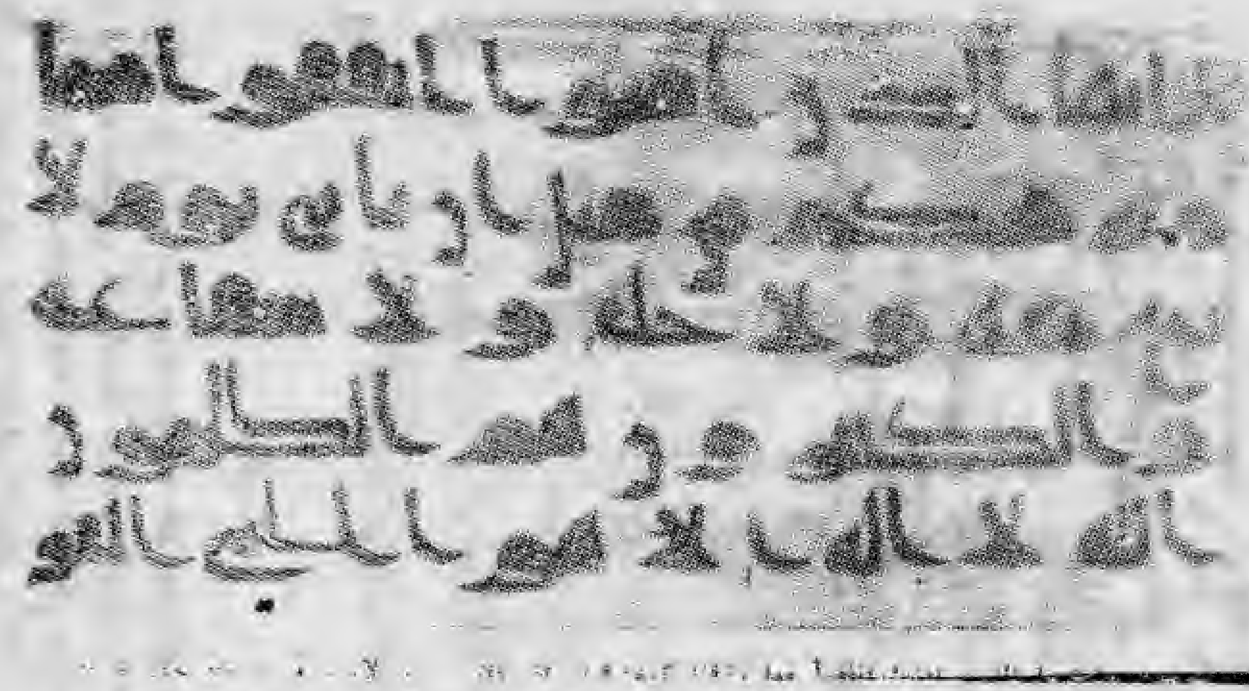
الله
رسول
محمد

«الوثايق السيا سيه ٨٠»

ر ٣٩

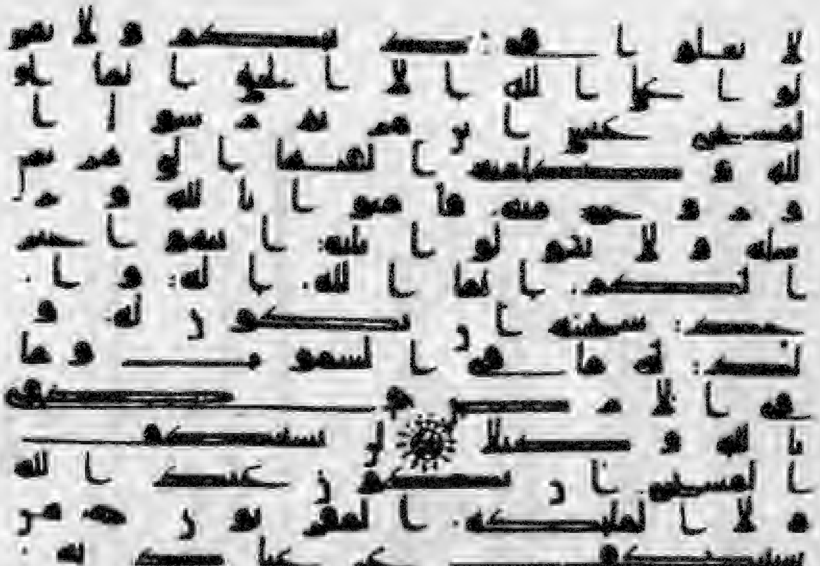






يا ايها الذين امنوا انفقوا مما رزقنا كم من قبل ان ياتي يوم لابيع فيه ولا خلة و لا
شفاعة والكافرون هم الظالمون الله لا اله الاهو الحي القيو (م)
قرآن كريم كتابت خط كوفي قرن دوم هجري روی پوست آهو
منسوب بخط مبارك حضرت عثمان رضی الله عنه محفوظ در کتابخانه نسخ خطی افغانستان

مشکل ۴۱ سورهٔ ۲ آیت ۲۵۴



لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما المسيح عيسى

ابن مريم رسول الله وكلمته القيها الى مريم وروح منه فامنوا بالله ورسله

٤٢ ولا تقولوا ثلثة انتهوا خيرا لكم انما الله اله واحد سبحنه ان يكون له ولد له

ما في السموات وما في الارض وكفى بالله وكيلا لن يستنكف المسيح ان يكون

عبدا لله ولا الملئكة المقربون ومن يستنكف عن عبادته ......

شکل ٤٢

يك صفحه از قرآن شريف منسوب به خط حضرت على رضى الله عنه، كه درموزهٔ مشهد رضوى خراسان دريكصد ورق ٢٦ + ٣٧ سانتى متر محفو ظست وبر پوست نوشته شده كه در آخر رقم مبارك (كتبه على بن ابى طالب) دارد، و هر صفحه داراى ١٤ سطر است .

۴۳

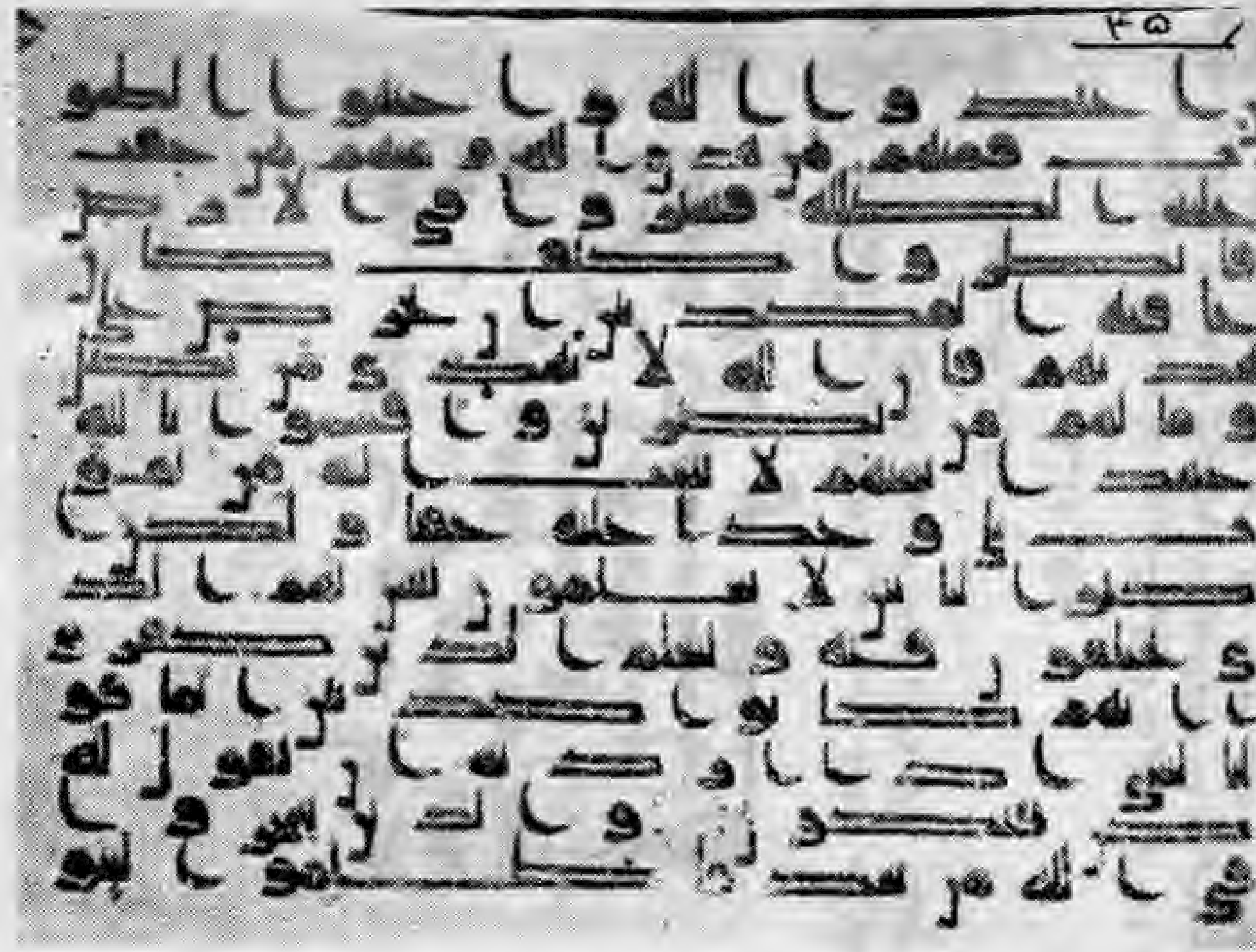


فاذا هم خمدون یحسرة علی العباد ما یاتیهم من رسول الا کانوا به
یستهزؤن الم یروا کم اهلکنا قبلهم من القرون ..

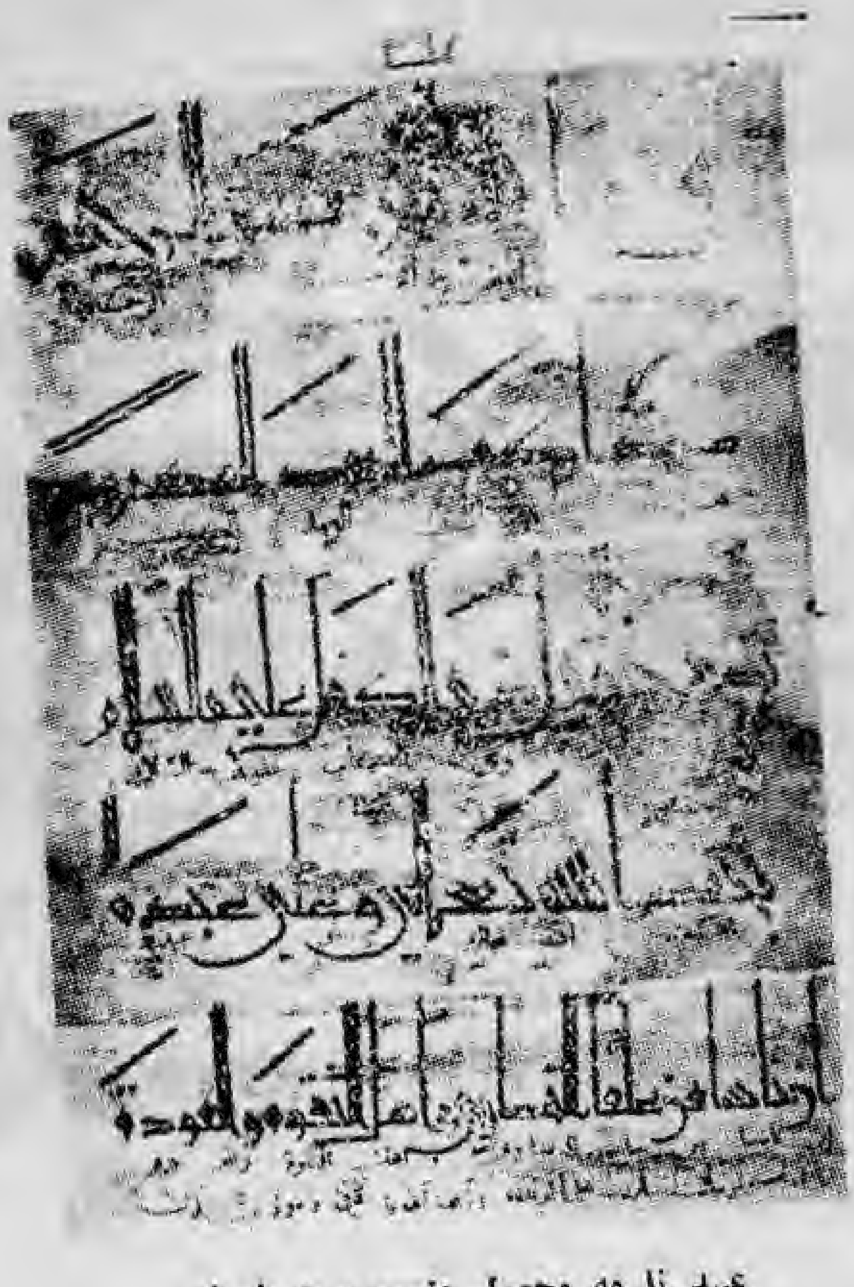
(قرآن عظیم- سورهٔ یس- آیت۳۰)

شکل ۴۳-۴۴

صفحه یی از قرآن شریف منسوب به خط حضرت حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه محفوظ موزهٔ مشهد رضوی دارای ۱۲۲ ورق پوست آهو، هر صفحه ۷ سطری، نوشته سال ۴۱ ه که واقف آن شاه عباس صفوی است ووقف نامهٔ آنرا مرحوم شیخ بهایی نگاشته .



یك صفحهٔ قرآن شریف منسوب به خط حضرت علی در مشهد



عهد نامه مجعول منسوب به خط
حضرت علی رض از مجله ایرانشهر

است، مثــلا صوت ش وصوت بن وفواصل وخواتم کلمات بشکل (ن) وتعین برخی اصوات مقامی به نقاط مثل:

ژ = غ و ڂ = خ و ځ

که در کتیبه های متأخر روز گــان ونوچی مشهود است .

۳ـ گاهی تغییر سمت نــگا رش خط نیز مانند آرامی ، خروشتهی ، پهلوی است یعنی رسم الخط یونانی را از سمت راست نوشته اند. اگر چه رسم الخط قدیم یـــونانی تاقرن ٦ ق،م ازراست بچپ بودولی درقرن ٤ ق ،م نوشتن از چپ براست آغازشده ، واشکال حروف راهم مطابق به آن باز گردانیدند ، ورسم الخـط یونانی که با اسکندر بافغانستان آمد نیز بر همین وتیره بود .ولی چون رسم نوشتن ازراست بچپ در خط یونانی هم سابقه داشت ، و رسم الخطهای آرامی وخروشتهی وپهلوی نیز ازسمت راست آغاز می یافت ،بنابرین درآسیای میانه هم گـا هی رسم الخط یونانی را ازراست بچپ نوشته اند. که یك نمونهٔ این خـط درتنگی تایغان (۱) الماتهٔ قزاقستان، ازجمهوریت های آسیای میا نـــه اتحادشوروی در سنه ۱۸۹۷م کشف شده ، که بر صخره کوهی در سه سطر خط تبتی ودوسطر خط یونانی نوشته شده ، ومضمون تبـتی آ ن عبارت ازشکل تبتی تری رتنه (۲) یعنی سه جو هر بو دا یی است که آنرا بزبان سنسکریت وخط یونانی در کتیبهٔ جغتوی غزنی هم درسه سطر می بینیم.

درسطر اول تنگی تا یغان کلمــهٔ ایزگ یاایسگ (۳) رابا سا کـــی تخاری وساکیا سنسکریت (بو دا)یاساکه فرس قدیم که سکستان بنام آنهاست تطبیـق کرده اند ،که شاید نام نقار این نوشته باشد . درسطر دوم حروف الفا + گامارا بحساب ابجدی یونانی سا ل ۱۰۳۸ عهـــد سیلیو کید (٤)شمرده اند، که مطابق باسال ۷٦۹ و۷۷۰م باشد (٥).

٤ـ درنوشته های زبان یونانی قبل المیلاد ومسکو کات او لیـــس شاهان یونانی باختری دربین کلمات ویاخاتمهٔ آن علامهٔ فاصله (٦)دیده نمیشود ، ولی در قرن نخستیـــن میلادی ازمسکوکات شهنشاه گوندوـ فریس (۷) (۱۹و۴۸م) ببعـــد یك دایره کوچك بشکل (o) انگلیسی

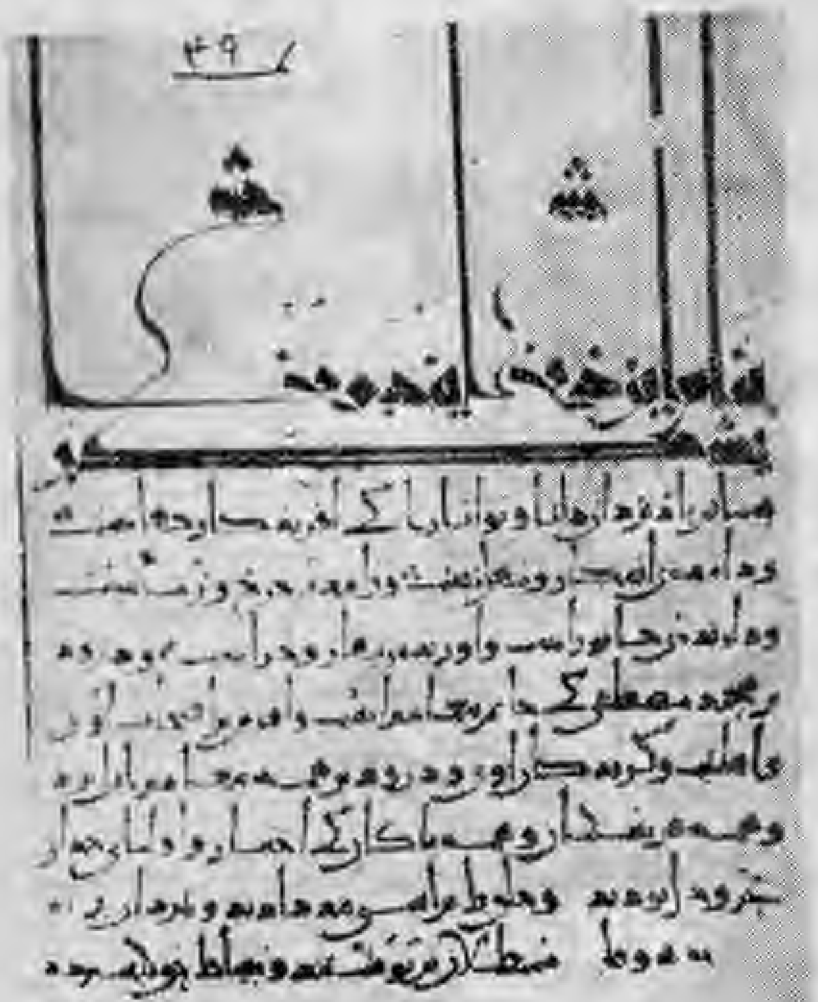
(1) TAYGAN (2) TRIRATNA
(3) ISZAG (4) SELEUCID ERA
(5) ARCHIV ORIENTALNI 35, PRAGUE
(6) WORD DIVIDERS (7) GONDOPHARES



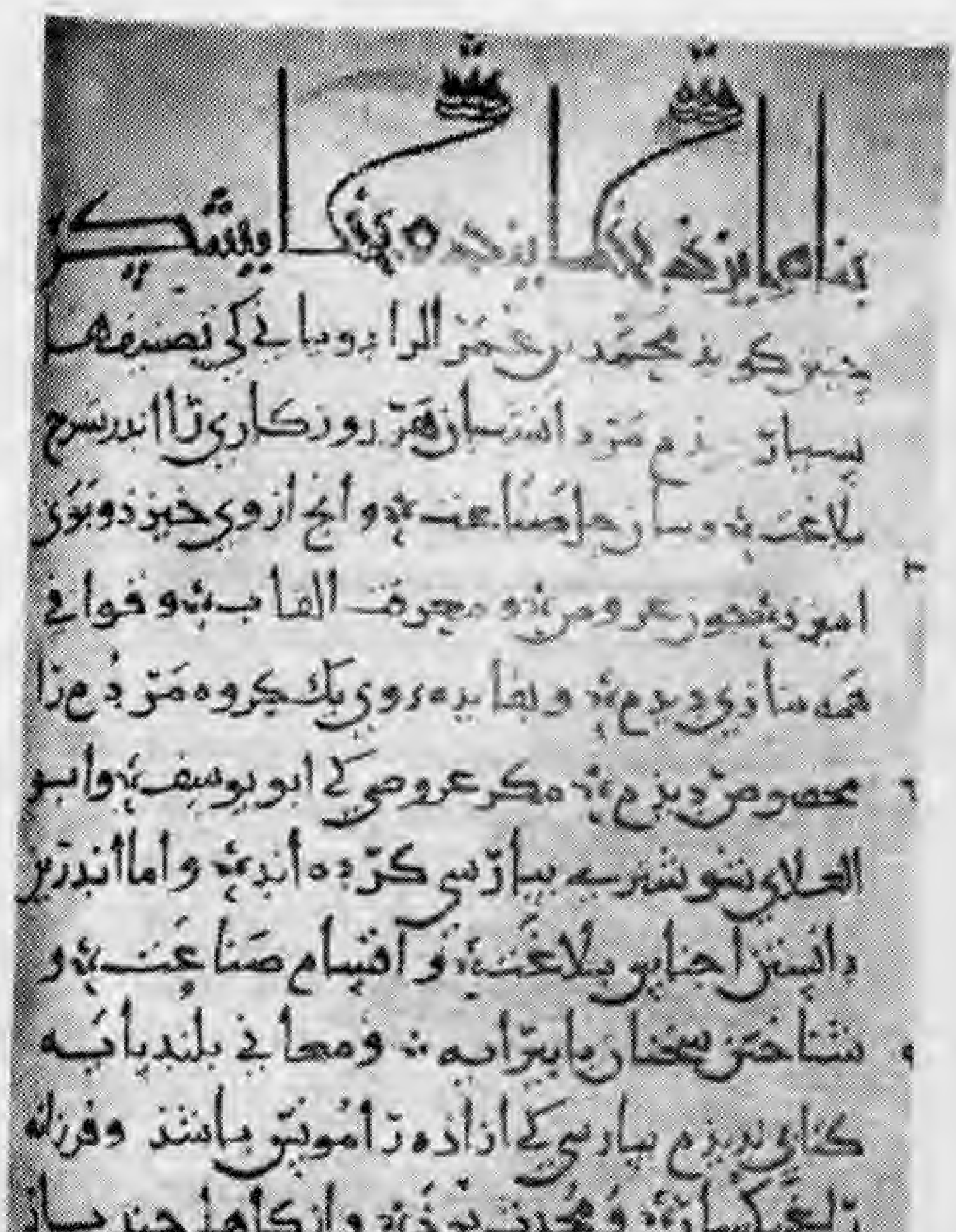
ش ۴۷ نوشتهٔ کوفی بر پارچهٔ ابریشمی حدود ۳۴۰ ه



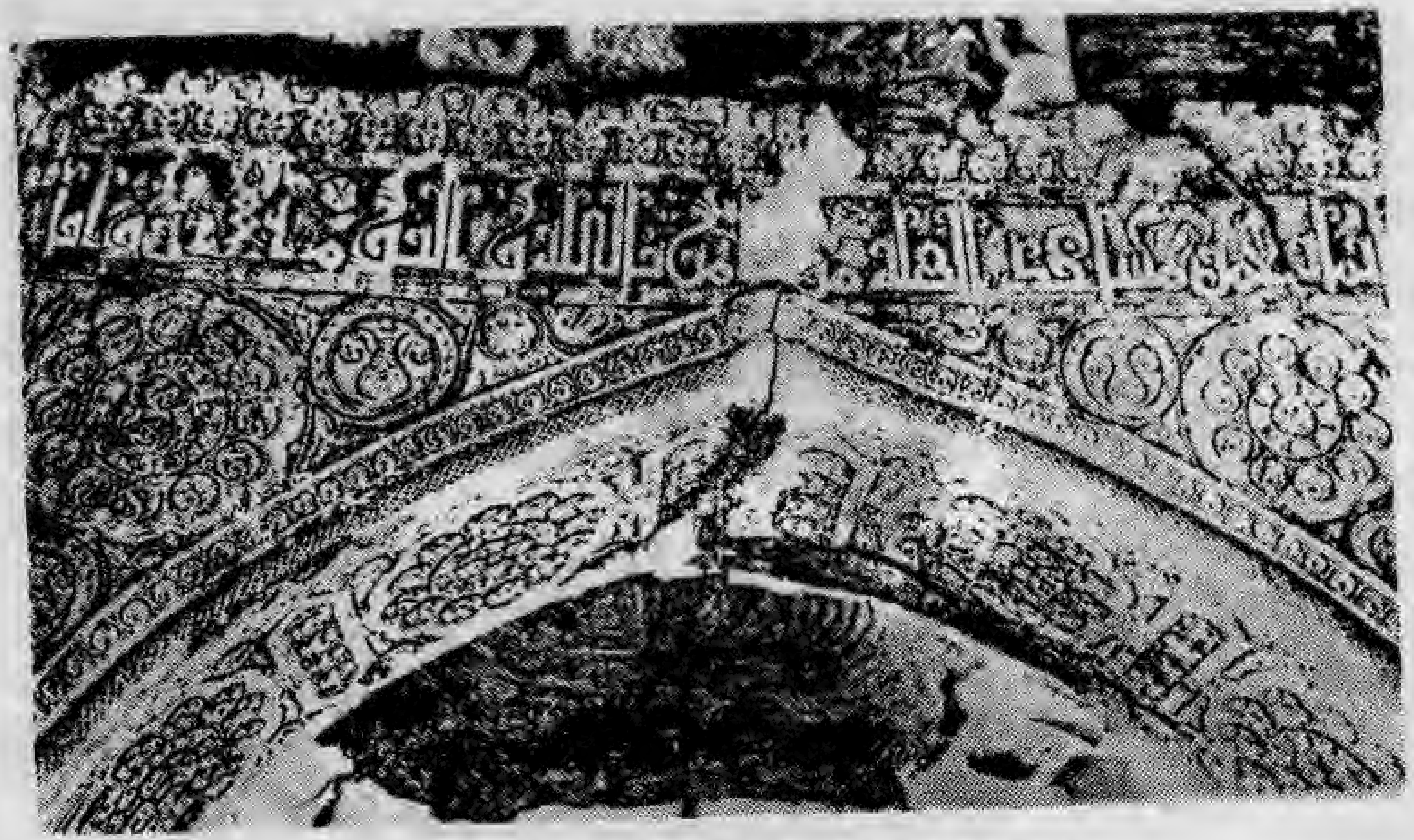
ش ۴۸ نمونهٔ اوراق مانوی



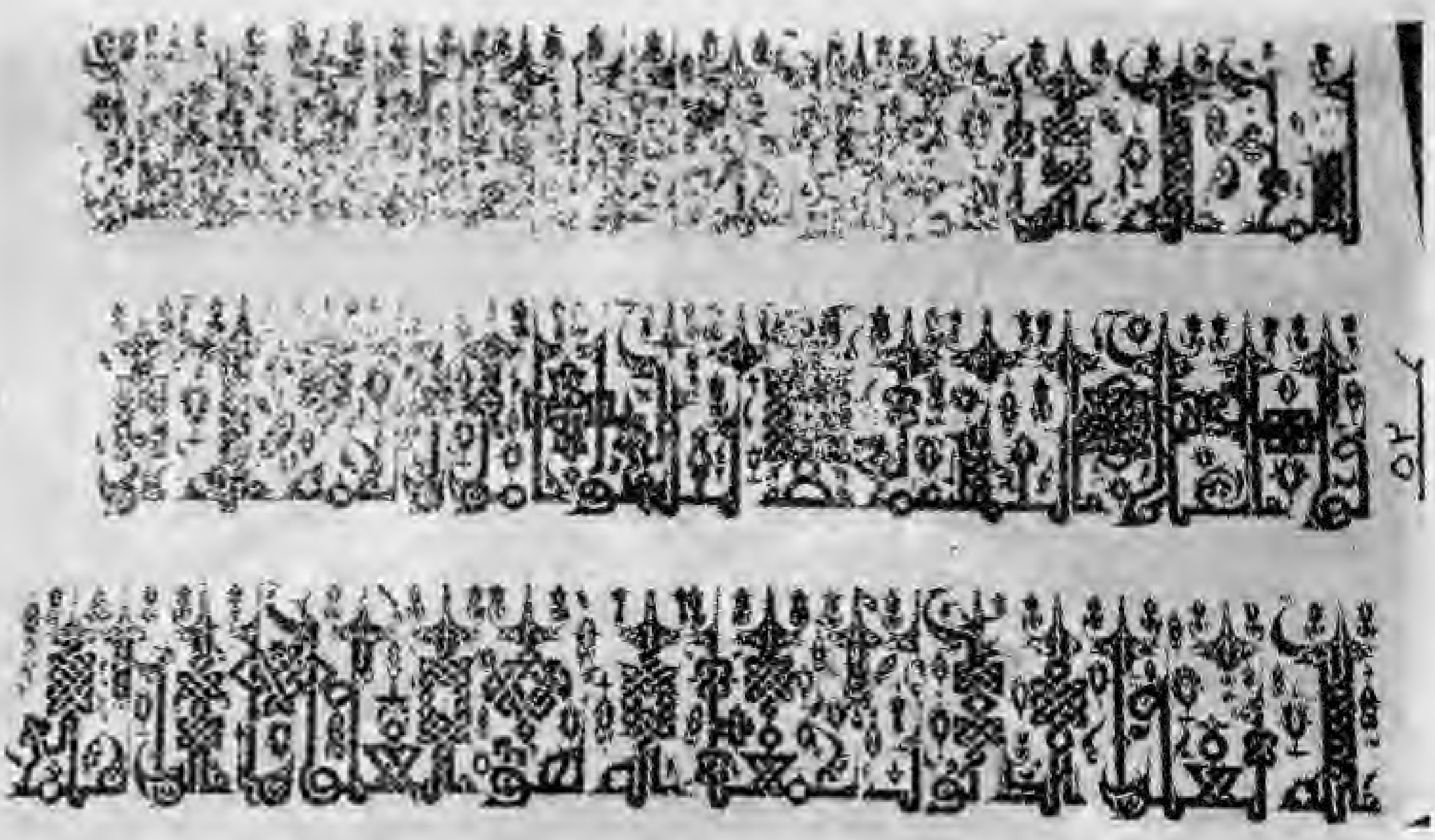
٤٩ صفحه اول كتاب الابنيه ٤٤٧ ﻫ



۵۰ صفحه اول ترجمان البلاغه ۵۰۷ ه



٥١ نمونة خط كوفى مسجد نايين ٣٥٠ ه

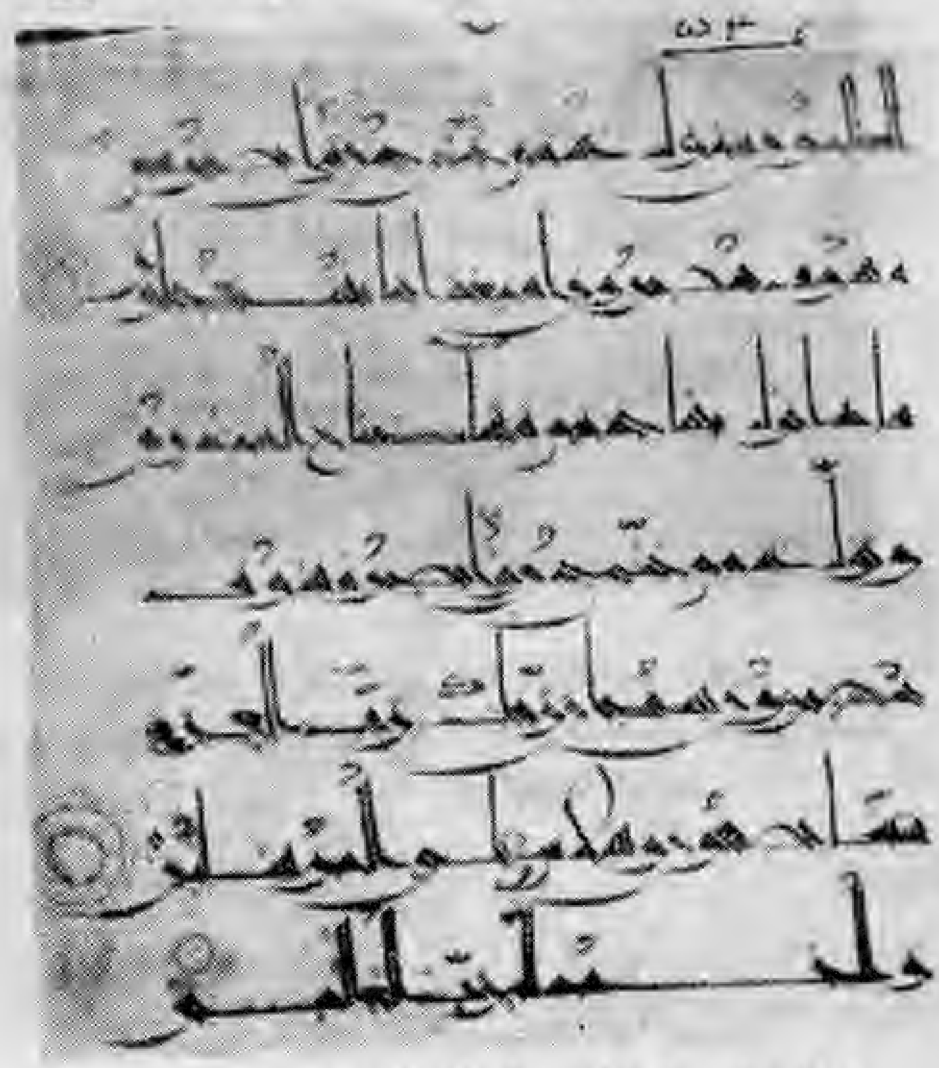


٥٢ خطکوفی تزئینی مقبره‌برج علاءدار ٤٦٨ ﻫ

(از سروی آرت پرشیا)

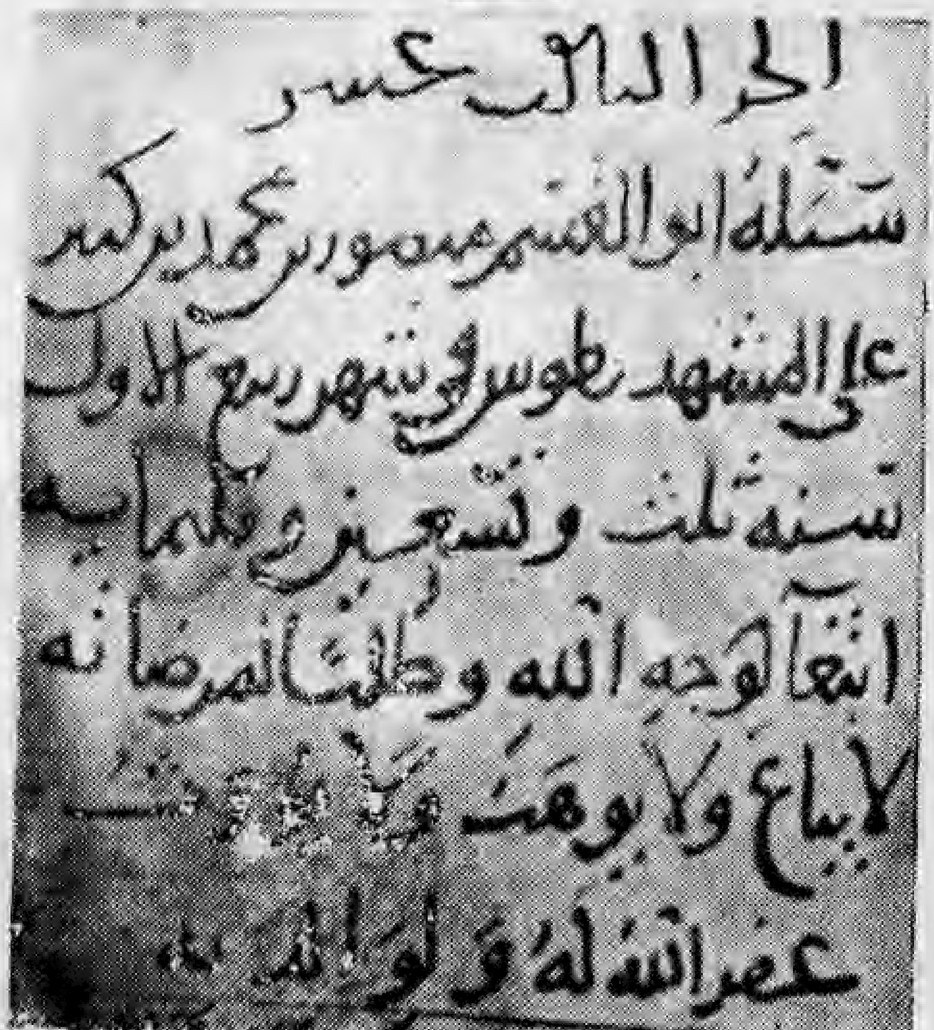


خط پیر آموز کتاب صفات الشیعه نوشته ۳۹۹ قمری



قرآن عظیم به خط پیر آموز قرن ٤ هـ در مشهد رضوی

۵۵


الجزء الثلثين عشر
كتبه ابو القسم منصور بن محمد بن كثير
على المشهد بطوس في شهر ربيع الاول
سنة ثلث وتسعين وثلثمائة
ابتغاء لوجه الله وطلبا لمرضاته
لا يباع ولا يوهب
غفر الله له ولوالديه

۵۵ صفحهٔ آخر قرآن عظیم بخط ابوالقاسم منصور هروی وزیر سلطان محمود، نوشته ۳۹۳ ق درآستان رضوی مشهد (از گنجینه قرآن)



٥٦ خط ابو البرکات رازی ٤٢١ ق قرآن شریف آستان رضوی مشهد

(گنجینهٔ قرآن)



۵۷ـ قرآن شریف به خط عثمان وراق غزنوی ٤٦٦ ق در آستان رضوی مشهد

(از گنجینه قرآن)



۵۸ نوشته آرامگاه امیر سبکتگین در غزنه حدود ۳۸۷ ق

یامربع کوچك در بین کلمات یا درخاتمهٔ آن آمده، که‌درتمام‌مسکوکات ونوشته های زبان تخاری رسم‌الخطیونانی تا اوایل دورهٔ اسلا می مستعمل است . واین علامهٔ‌فاصله‌مولود احتیاج مردم این سرزمین در رسم الخط یونانیست تابو سیلهٔ‌آن‌کلمات جمل را ازیکدیگر تفکیك کنند وحتی بقایای این علامت رادرتفکیك آیا تِ‌قرآنی بعد ها در رسم الخط کوفی شر قی هم‌می‌بینیم که‌درنسخ غربی قرآن ر و ا ج نداشت .

خط یونانی درتمام دورهٔ شا هان‌پارتهی از حدود ۳۰۰ تا ۲۰۰ق، م وعهد یونانیان باختر وکو شا نیا ن‌برمسکو کات نوشته میشد ، و مسکو کاتی نیز دیده میشود ، که‌بخط یونانی باختری وکمی پهلو ی ضرب شده، وازین برمی آید که‌ساسا نیان هم در ولایات شر قی خود بدین رسم الخط سکه زده اندومامسکو کاتی راکه ازبگرام شما ل کابل بدست آمده می‌بینیم ، که‌بران‌تاج ساسانی و آتشکده با نا م شاپور برسم الخط یونانی منقو ش‌است (۱) وحتی مسکوکات سورا شترین (۲) **گجرات هند** درحدودقرن۷م خط یونانی دارد. (۳)

اما ازکتیبه های زبان ورسم‌الخطیونانی در افغانستان تاکنون سه کتیبهٔ مهم کشف شده است:

اول: سنگ نوشتهٔ یونانی‌وآرامی قند هار که‌یکی از آن بر قسمت بالایی ۱۳ ونیم سطربزبان‌یونانی دارد ومادر شرح سنگ ـ نبشته های آرامی شرح داديم .

این نوشتهٔ یونانی درسال د هم‌بودایی شدن اشوکا پادشاه خاندان موریا در ۲۵۰ ق،م بریك صخر ه‌کوه مدخل خرابه های شهر قد یم قندهار بدست راست طاق چهل‌زینهٔ بابر کنده شده وعبارت ا ز نصایح واندرز های اخلا قی دینی‌بوداست که درسر تا سر هند کتیبه های متعدد آن بچندین ز با ن‌ازطرف اشوکا نوشته شده است .

بقول دانیل شلوم برژه (٤) مدیرهیئت باستان شناسی فر ا نسه که‌کاشف سر خ کوتل و شهر‌یونانی آی خانم است «درکتیبه ـ های اشوکا بسا نقاط تاریك‌موجوداست ازین جهت داشتن تر جمهٔ یونانی این متون چه‌کامل یا شدچه‌ناقص بسیار ارزش دارد وزبا ن

---

(1) ARIANA ANTIQUA 296/403 (2) SAURASHTRAN
(3) A. AN 412 (4) D. SCHLUMBERGER

ش ۵۸

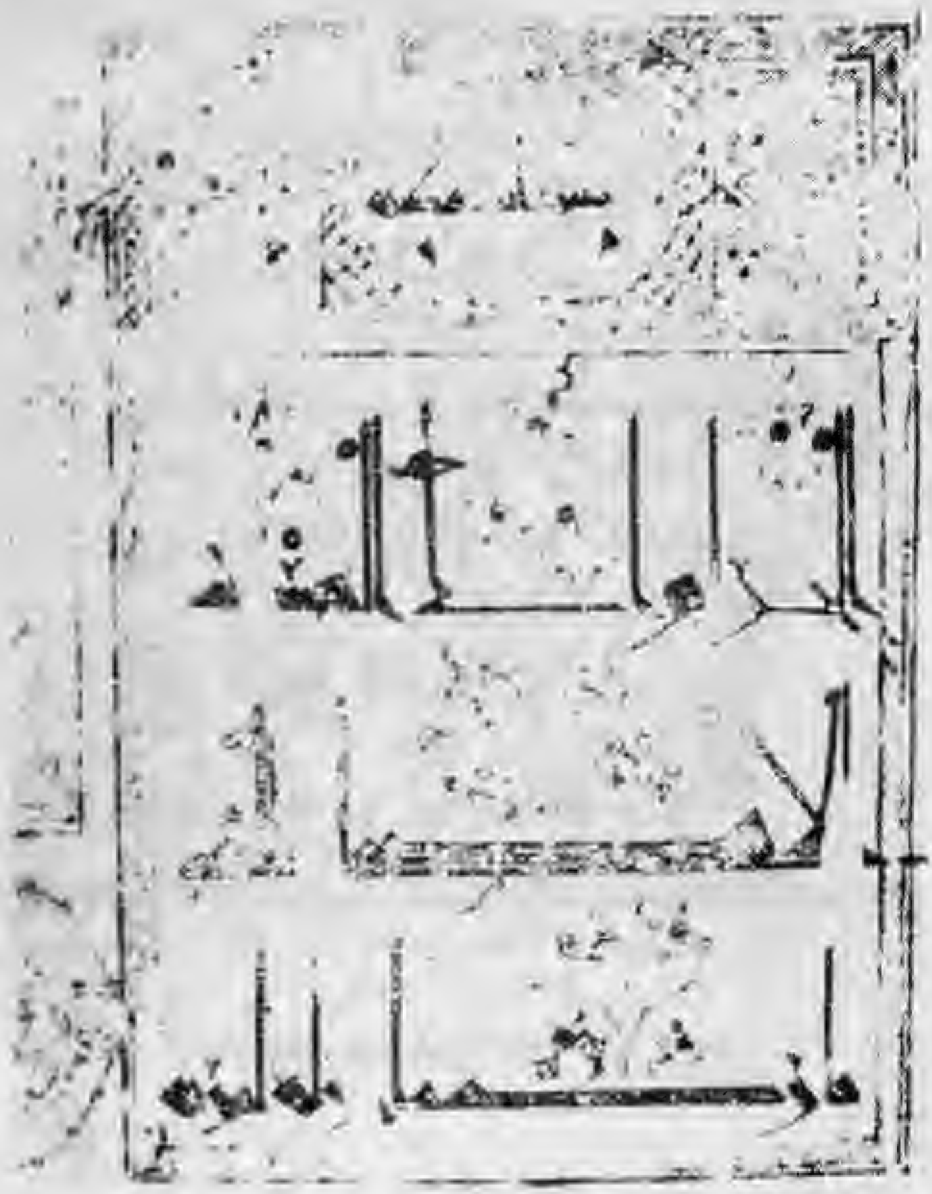


۵۸ نوشتهٔ قبر سلطان محمود درغزنه حدود ۴۲۱ ق خط کوفی

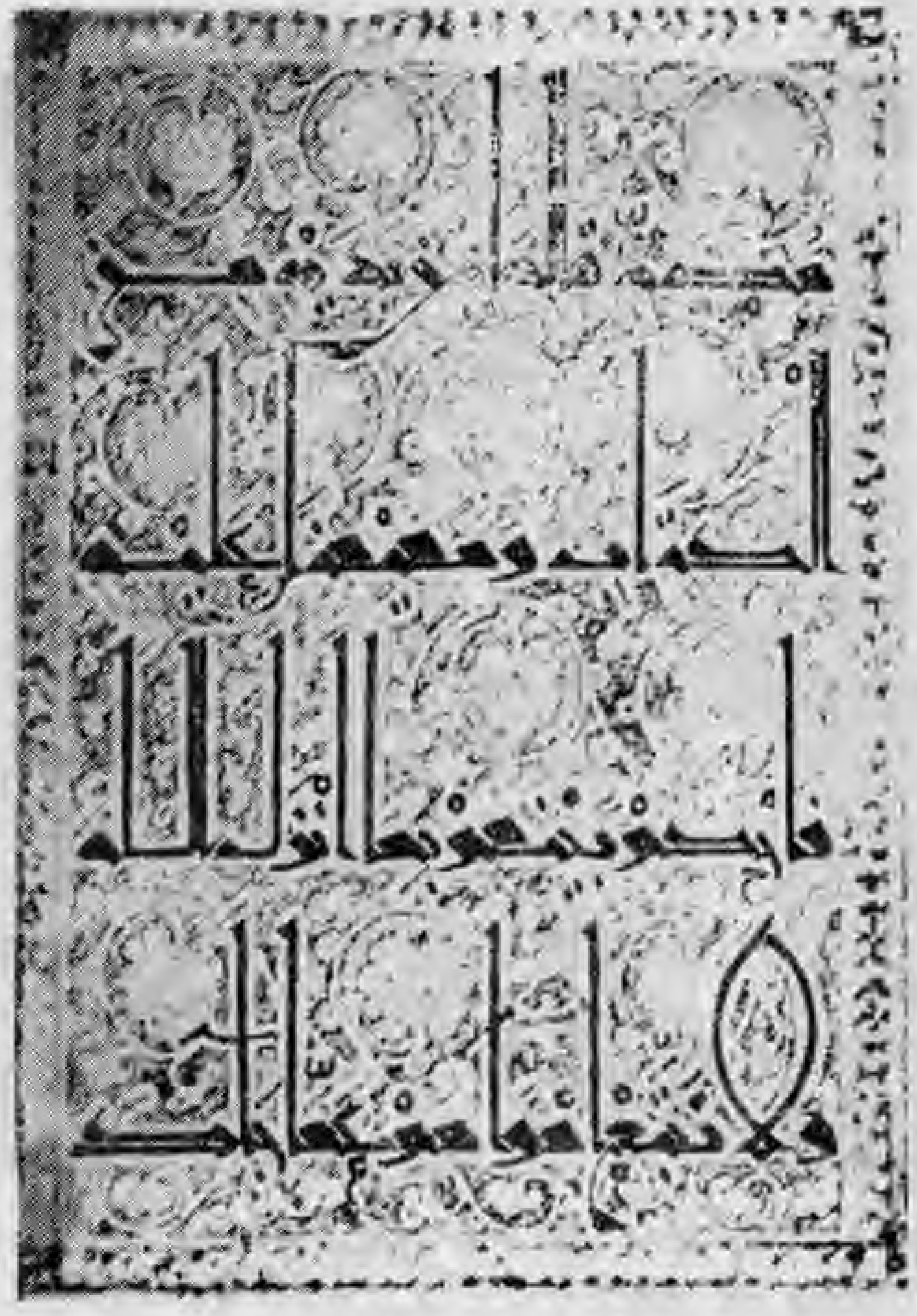


۵۹ خط رقاع قبر سلطان محمود در غزنه
حدود ۴۲۱ ه

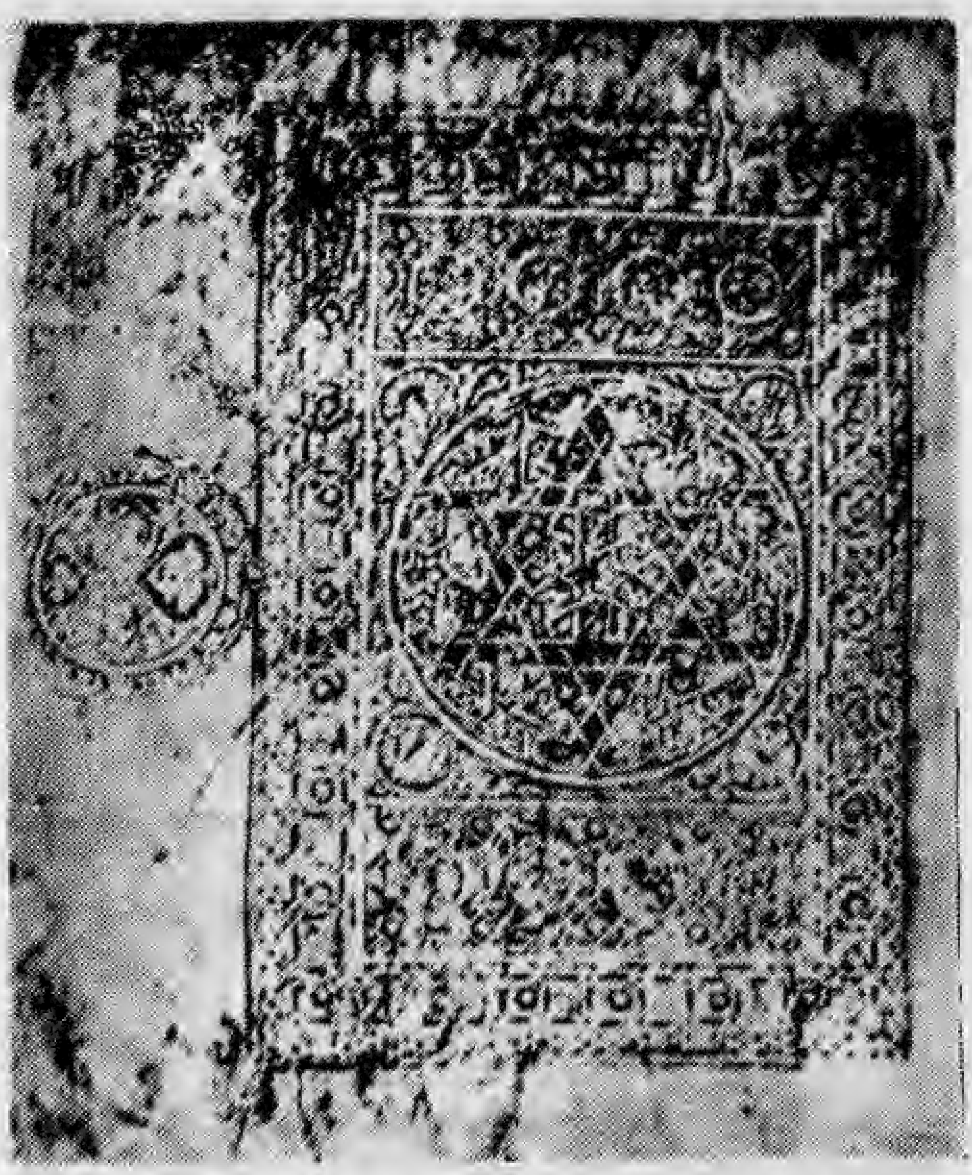
عینا نقل بخط شیخ محمد رضا هروی



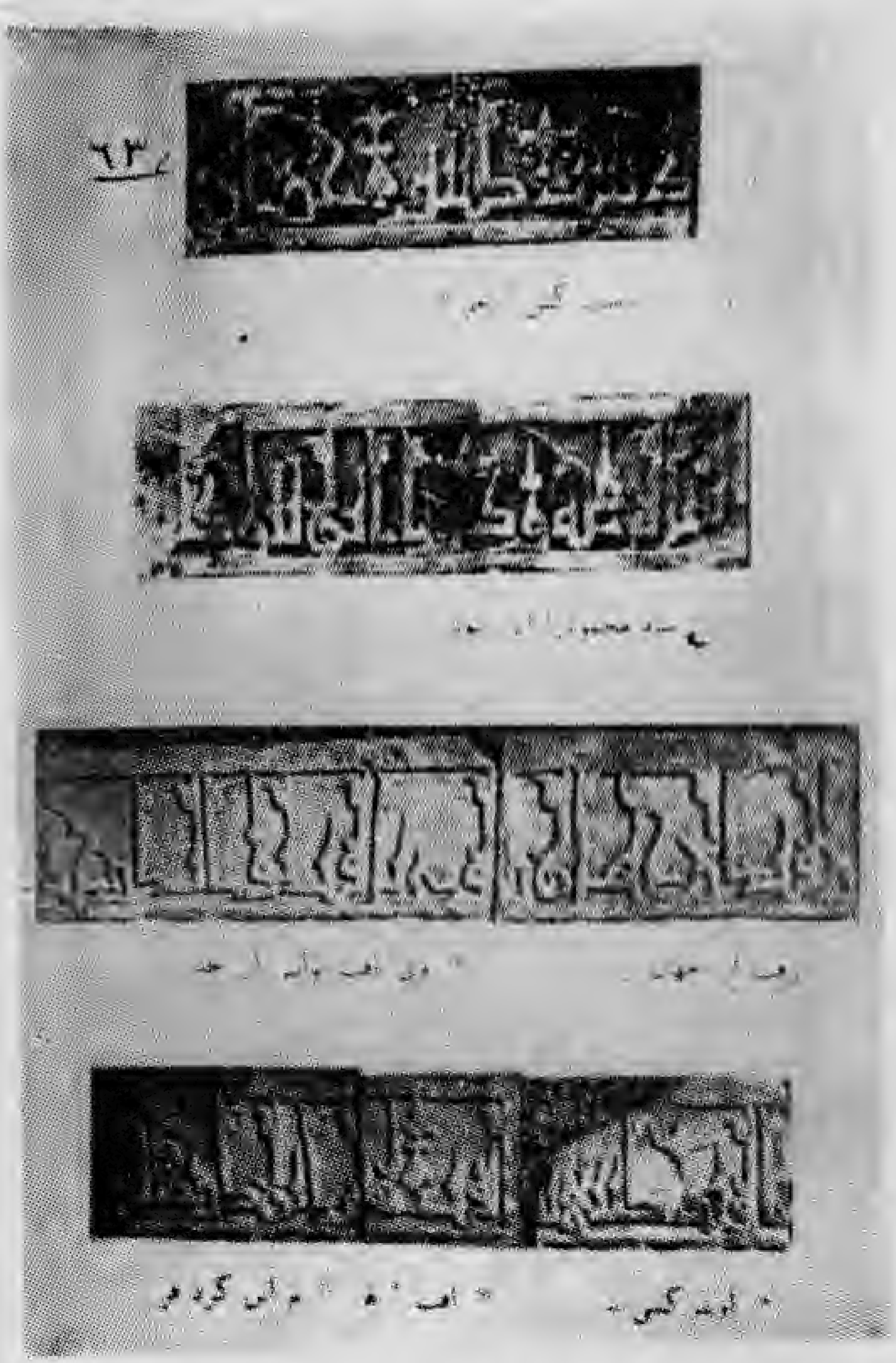
صفحه قرآن عظیم به خطابوبکر بن احمد غزنوی
٥٦٦ق در موزهٔ مصر ، «از سروی هنر پرشیا»



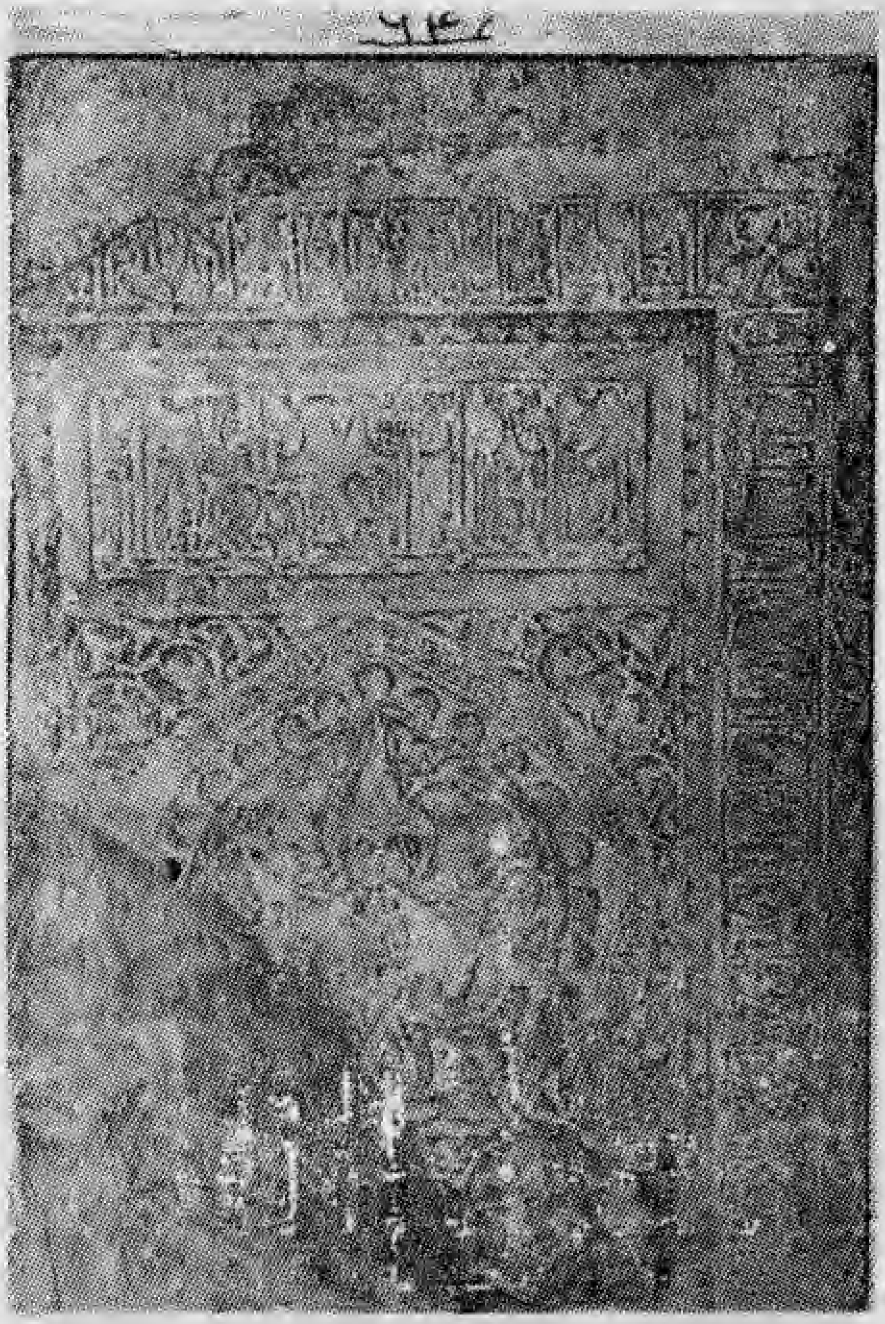
٦١ تلفیق خط کوفی با پیر آموز در قرآن شریف
مجموعهٔ چستر بیتی لندن (از سروی هنر پرشیا)



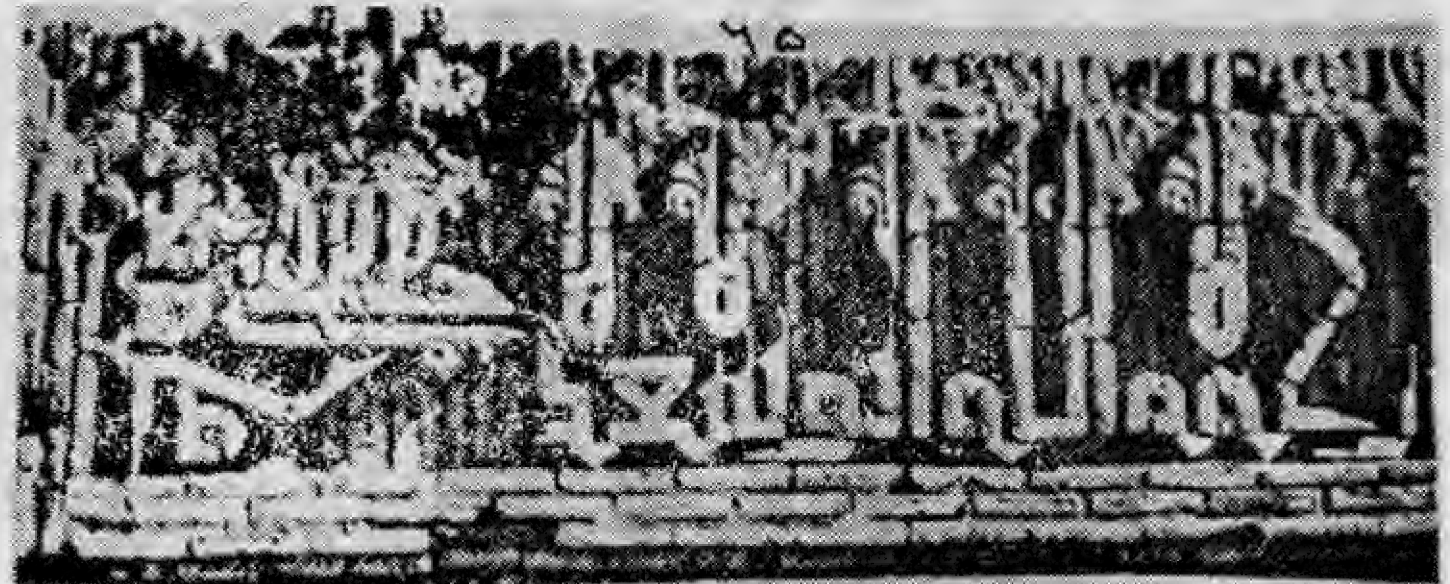
٦٢ قرآن عظیم که در ٥٠٥ ق در شهر بست نوشته شده در
کتابخانه ملی پاریس . (از سروی هنر پرشیا)



٦٣ نمونه های خطوط کوفی عبارات زبان دری از بقایای قصر مسعود سوم در غزنه حدود ۵۰۰ ق



٦٤ خطوط کوفی جامع اولیا در غزنه



۶۵ خط کوفی تزئینی رباطشرف‌سرخس در حدود ٤٥٠ ق
(از مجلهٔ هنر و مردم ۵۲)



٦٦ نمونه خط كوفی متمایل بەنسخی عرات ٥٣٠ ھ
از سنگ مزار درخواجه عبداللەطاقی ـ موزه هرات ٠

١ ـ بسم الله
٢ ـ الرحمن الرحيم ٠
٣ ـ هذا قبر الشيخ
٤ ـ الر ضی العابد محمد بن‌اسمعيل
٥ ـ الغودی ، بتاريخ يوم الاربع
٦ ـ العشرون من جمادی الاول(كذا)
٧ ـ سنه ثلثين و خمسما ئه ...
٨ ـ له ولوالديه ولمن ...



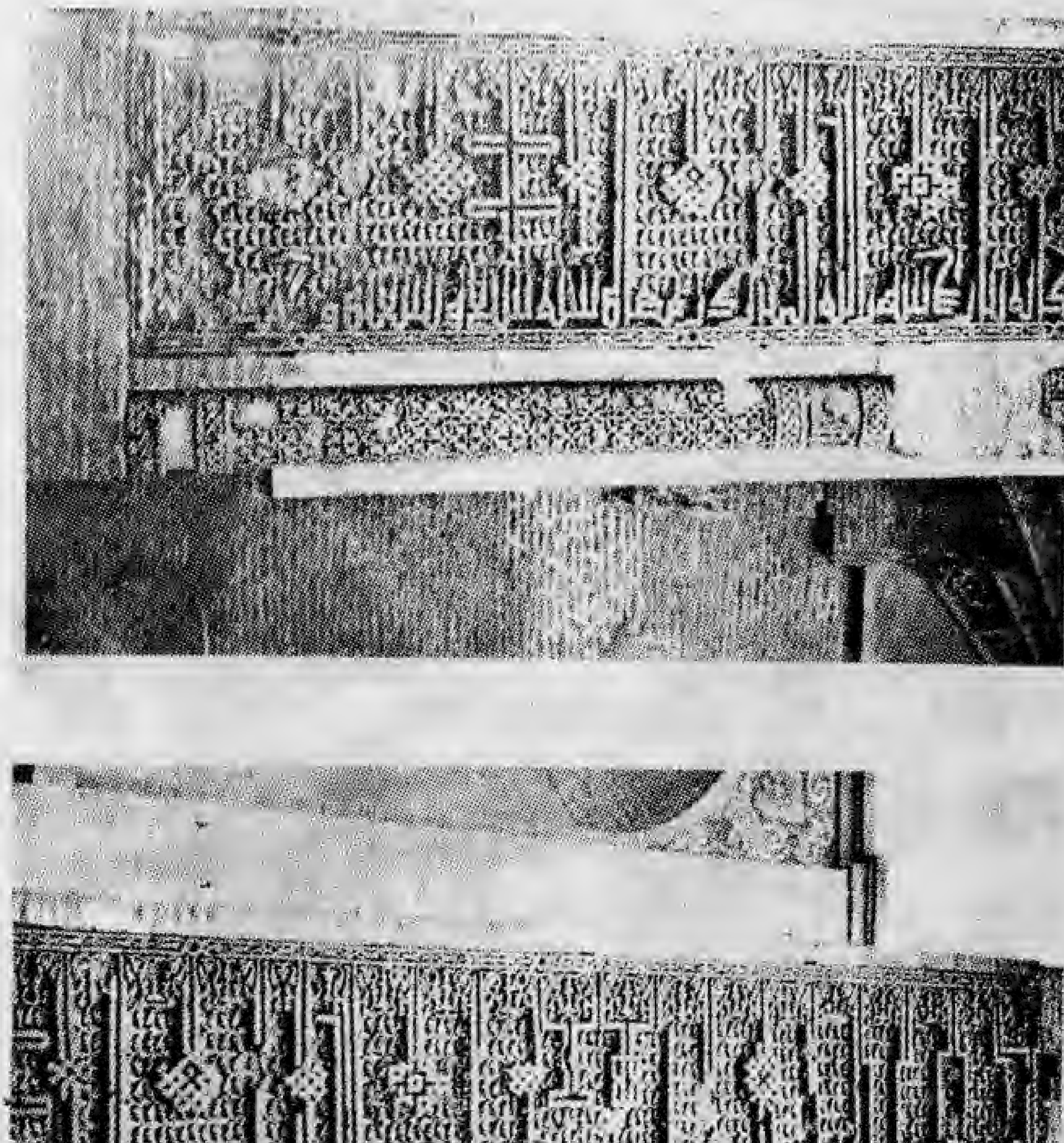
۶۷ تکامل خط تزئینی کوفی برمزار امام یحیی درجوزجان حدود ۴۳۰ ق

یونانی این کتیبه مبرا ازتمام اثرهای لهجه های منطقوی وو لا یتی است . طوریکه علمای یونان‌شناسی‌این متن یونانی را قطعات ممتا ز ادبی یونانی خوانده اند که از نگاه‌ساختمان زبان، همپایهٔ زمان فلاسفه ونطا قان یونانی از قبیــل افلاطون‌وارسطو وایز وقراطیس است .
می‌بینیم که زبان تفکر و تحریردرقندهار قرن سوم ق، م همـــا ن زبانیست که به‌آتن یا به شهـــرمیلیت (۱) مروج بــوده و حتــی طرز کندن ونوشتن این کتیبه هـــاوحدت کلتور یونانی رانایید میکند . ومامی فهمیم که‌در حوالی ۲۵۰ق،م‌درقندهار زبان و اصطـلا حا ت فلسفی یونانی دربیان افکار اخلاقی‌ودایی بکار رفته است (مجلهٔ‌آریانا ۲۶۳ ص ۲۸ طبـــع کا بل ۱۳۴٤ش).
سنگ نبشته هـای قنـدهـا رمیرساند : که‌بقایای مدنیت دو رهٔ هخامنشی ور سم الخـط و زبـان‌آرامی درینجا بامدنیت یو نا نــی خلط یافته ، درحالیکه از نظر فکروفلسفه وآیین ، مبدأ آن‌کاملابودایی است. پس ازین روست که مابسطیك مدنیت وهنر ورسم الخط آرا می ویونانی که‌هردو از غر ب‌آمده 'نددروادی ارغنداب بامدنیت هنـد ی مطالعه میکنیم ،درحالیکه این‌فرهنگ‌بودایی ازهمین وادی بطرف غر ب سیرنکرده ، وآثار آن در قســمت‌غربی مجـرای هلمند دیده نشـد ه است .
چون درخرابه زار شهر قـد یم‌قندهار وحوالی آن در ماشور (مها = بزرگ + شور = شهرستان)واشوغه (شاید اشوکا) وغیره تـا کنون حفریات باستان شنـا ســی‌صورت نگرفته بنابرین ممکن است در اثنای حفریات علمی آن درآینده‌آثار گزیده تری بدست آید.

دوم: درسال ۱۹۶۳ م درو لایت‌تخار شمال شرقی افغانستان د ر ملتقای دریای آمو وکوکچه برنقطـهٔ‌مرزی افغانستان وشوروی که آی‌ـ خانم نامدارد ، آثار یك شهرعظیم‌یونانیان باختری بابـالا حـصار و کوچه هاومبانی بزرگ و حصار هاوجاده‌ها وخندق‌هاوبقایای پایه های سنگی منقو شـــ وخشت هـــاوتیگرهای مزین وستونهای سنگی و برخی ابزار فلزی و ظرو ف‌سفالی‌ومجسـمه های هیر کلیس(۲)وبازارها وعمارات وورزشگاه (جمناز یـــم)یونانی ،با مجسمهٔ هر مس (۳) (قهرمان زور وپهلوا نـی پــــرزئوس) که‌آنرا بقرار کتیبهٔ‌مکشوفه

(1) MILET (2) HERACLES
(3) ERMAI=HERMES

نمبر ٦٨



خوانش ٦٨

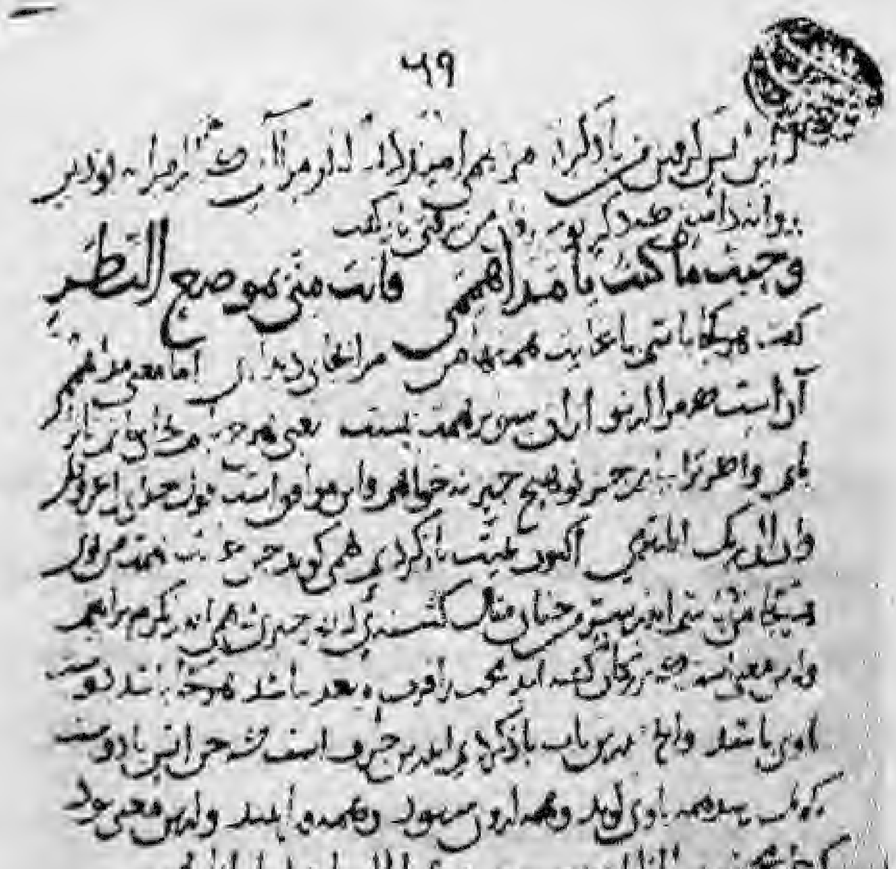
کتیبهٔ بناء مسجد هرات در عصرغیاث الدین محمد سام غوری ٥٩٧ هـ

١ ـ السطانالمعظم ، شهنشاهالاعظم ، مـالك رقاب الامم ، مـو لی ملوك العرب وا لعجم ، سلطان ارضالله ، حافظ بلاد الله ، معین خلیفه .

٢ ـ غیاث الدنیا و الدین ، معزالاسلام والمسلمین ، نظام العالم ، ابو الفتح محمد بن سام قسیم امیر المؤمنین انار الله بر ها نه ..

١ ـ (امر) ببناء هذه المسجد منخالص ماله السلطان المعظم ، شهنشاه الاعظم ، مالك رقابالامم ،مولیملوك العرب والعجم ...

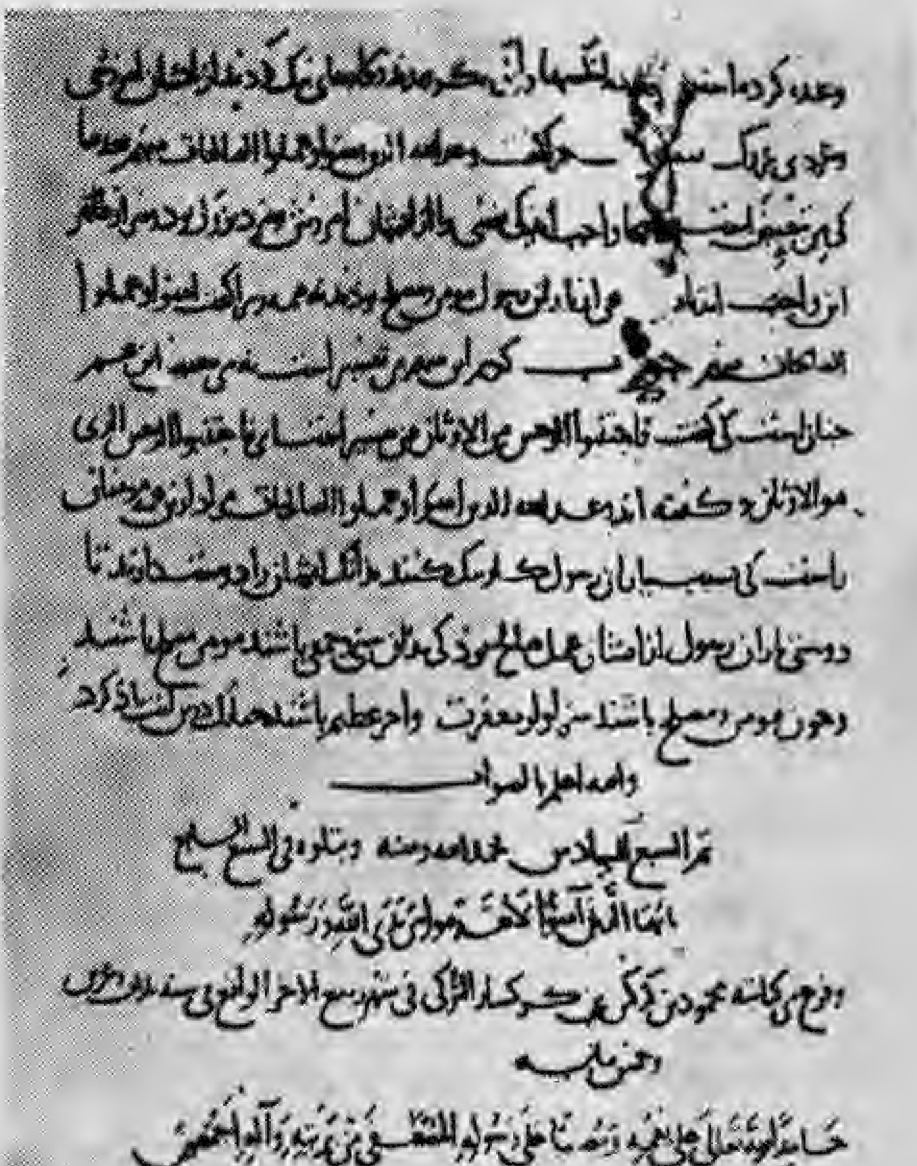
٢ ـ ...الله سلطانه،واعلی شانهواعظم برهانه ورفع مکانه ، بتاریخ شهر الله المبارك رمضان سنه سبعو تسعین و خمسمائه .


الحمد لله وصلى الله على محمد وآله اجمعين

۶۹ صفحهٔ آخر شرح التعرف موزهٔ کراچی ۴۷۳ ق

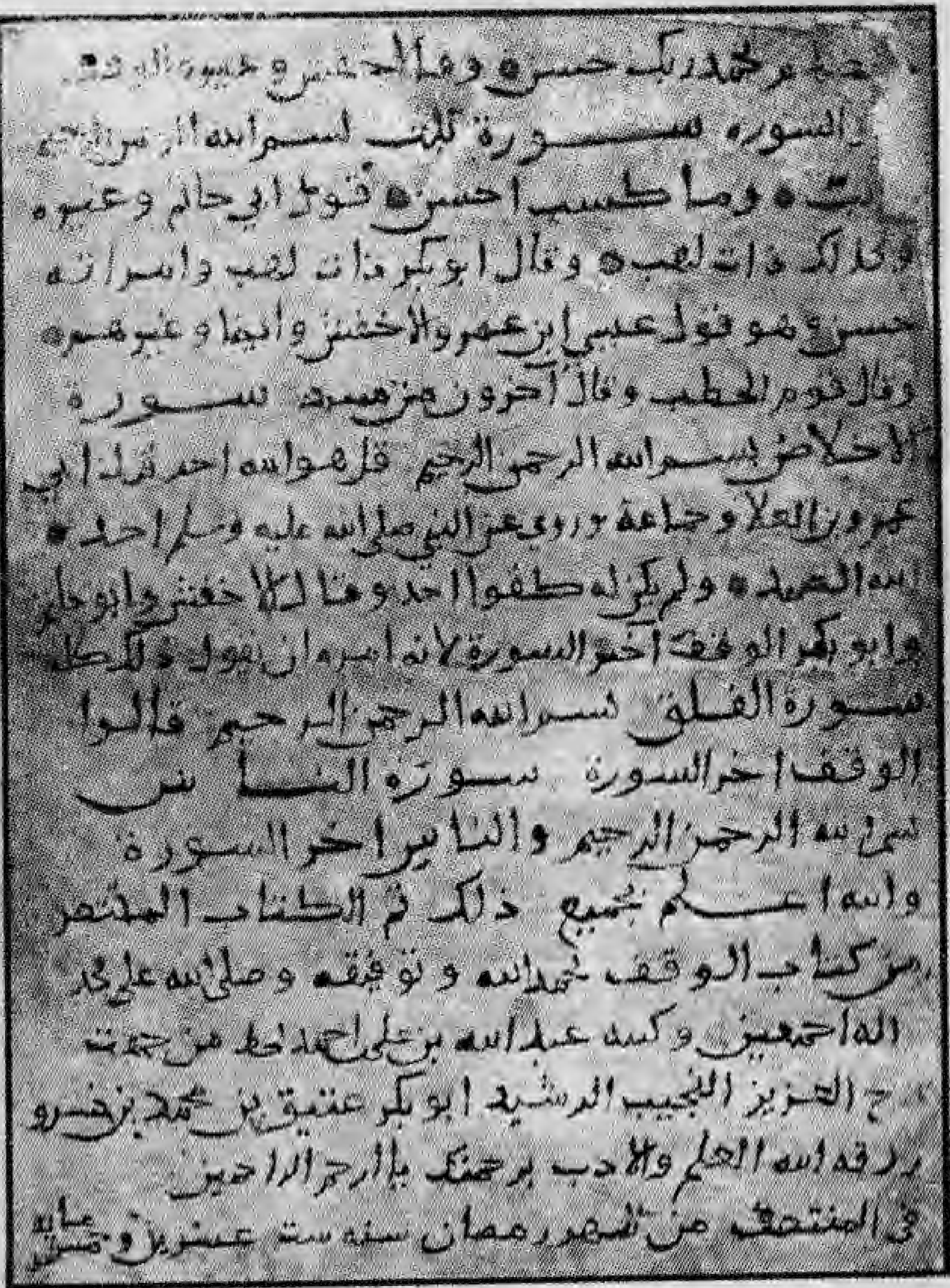

بسم الله الرحمن الرحیم

۷۰ صفحه اول کتاب هدایة المتعلمین ۴۷۸ ق
نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد



صفحهٔ آخر تفسیر سورآبادی ۵۲۳ق
نسخهٔ اندیا آفس لندن

شكل ٧٢


احد بن محمد بن حسن وقال الاخفش وغيره الى اخر
السوره سورة تبت بسم الله الرحمن الرحيم
تبت وما كسب احسن قول ابي حاتم وغيره
وكذلك ذات لهب وقال ابو بكر ذات لهب وامراته
حسن هو قول عيسى بن عمر والاخفش وايضا وغيرهم
وقال قوم الحطب وقال آخرون من مسد سورة
الاخلاص بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد قول ابي
عمرو بن العلا وجماعة وروي عن النبي صلى الله عليه وسلم احد
الله الصمد ولم يكن له كفوا احد وقال الاخفش وابو حاتم
وابو بكر الوقف اخر السورة لانه امر ان يقول ذلك كله
سورة الفلق بسم الله الرحمن الرحيم قالوا
الوقف اخر السورة سورة الناس
بسم الله الرحمن الرحيم والناس اخر السورة
والله اعلم بجميع ذلك تم الكتاب المختصر
من كتاب الوقف بحمد الله وتوفيقه وصلى الله على محمد
واله اجمعين وكتبه عبد الله بن علي بن احمد بخط من جمعت
ج العزيز النجيب الرشيد ابو بكر عتيق بن محمد بن خسرو
رزقه الله العلم والادب برحمتك يا ارحم الراحمين
في المنتصف من شهر رمضان سنة ست وعشرين وستمائة

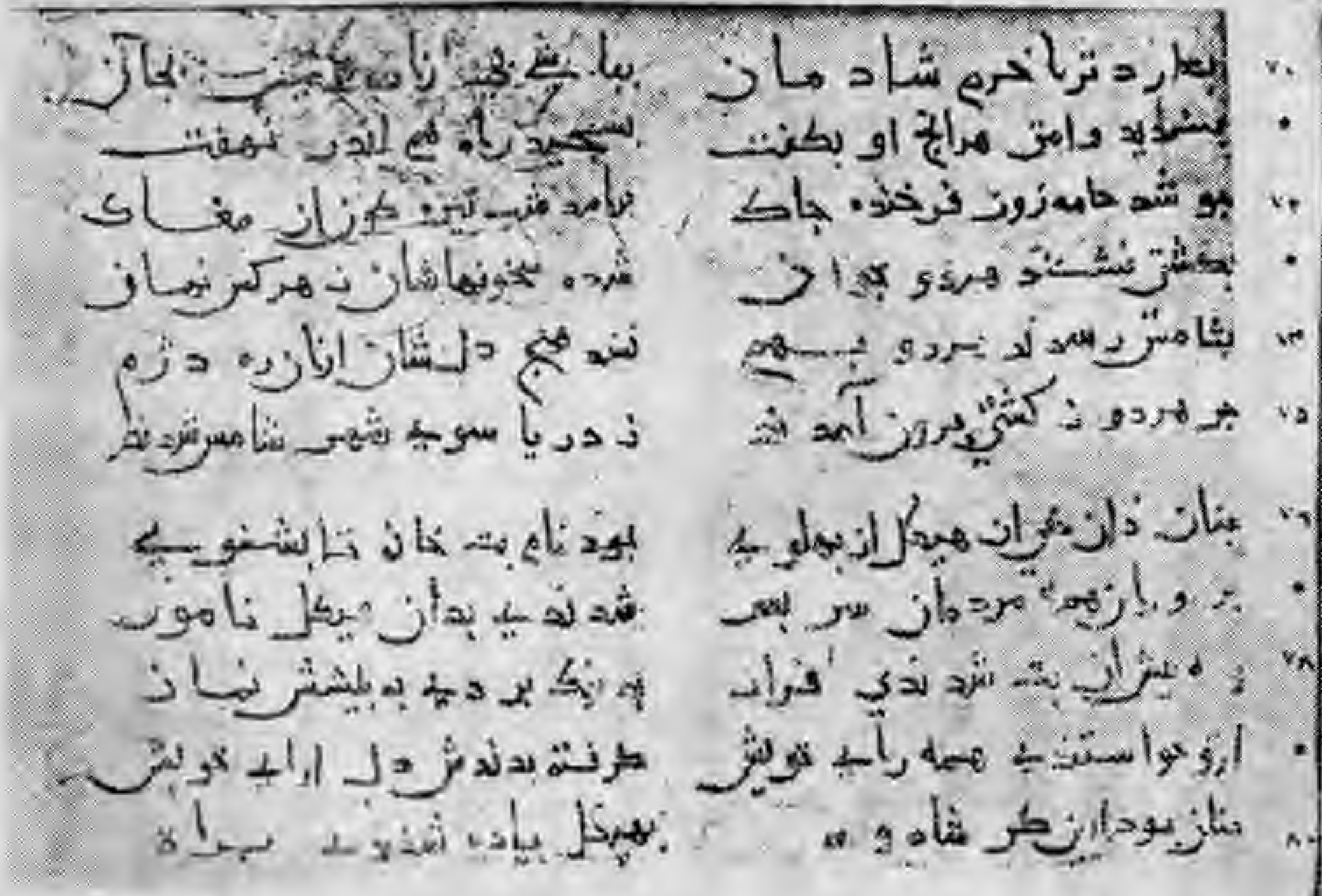
٦٢٦ هـ — المختصر من كتاب الوقف ←

این نسخه مختصر کتاب الوقف در ٥٢٦ ه بخط عبد الله بن علی نوشته
شده که نمونهٔ نسخی اواسط قرن ٦ ه است .

این نسخه برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو نو شته شده ، که
ظاهرا همان مولف تفسیر سورآبادی باشد ! که در کتاب السیاق عبدالغافر
نامش ابوبکر عتیق بن محمد متو فا ٤٩٤ ه است .

که بدین حساب باید نویسنده همین نسخهٔ ٥٢٦ ه نباشد .

اگر چه مولوی محمد شفیع مرحوم بین هردو ابوبکر عتیق را یکنفر شمرده
ولی بین وفات ابو بکر عتیق سور آبادی مفسر ، واین ابوبکر عتیق
فاصله سی ساله موجود است ، چون در ٥٢٦ ه این شخص جوان رشید
مستحق دعای رزقة الله العلم والا دب بوده بنا برین باید سال وفات سور
آبادی ، او فات پیدا یش وی باشد .



نمبر ۷۳ به صفحهٔ آینده رجوع شود

بـدارد تـرا خـرم (و) شادمان — بيا شى بـى آزا د و ايـمن بجان
بسند يـد وا مق هر انچ او بگفت — بسنجيد را ه هـم انـدر نهفت
چو شد جامه روز فر خنده چا ك — برا مد شب تيره گون از مغا ك
بكشتى نشستند هر دو جـوا ن — شدۀ سخو نهاشان ز هركس نهان
بشا مس ر سيد ند هر دو بـهم — نشد هيچ د لشان لذان ره د ژ م
چون هردوز كشتى برون آمدند — ز دريا سوى شهر شامس شد ند
چنان دان كى آن هيكل از پهلوى — بـود نـام بت خانه تا بشنو ى
برو زان همه هر دمان سر بسر — شدندى بدان هيـكل نـا مـو ر
همه پيش آن بت شدندى فر ا ز — بـد(و) نيك بردى بـه‌پيشش نماز
ازو خوا ستندى همه راى خو يش — گرفته بد ند ش دل آراى خويش
چنان بود آيين كى شاه و سپـاه — بهيكل پيا ده شد ندى بـر ا ه

نمبر ۷۳

نيم صفحه از كتاب خطى وامق‌وعذراى عنصرى (متوفا ٤٤١ ه) كه يك نسخۀ ناقص‌آن‌داراى ۳۵۳ بيت‌در سگـهرسنده بـدست آمـده و تاريخ نو شتن آن بين ٤٠٠ ـ ٥٠٠ه تخمين مى شود . اين كتاب خطى پيش از ٥٢٦ ه در ملك سرى زكى‌بن محمد بن على عبد الحميد باميانى بود (طبع لاهور ۱۹٦۷م به‌ترتيب‌وحواشى دكتر محمد شفيع مرحوم)



٧٤صفحهٔ آخر قرآن شریف بخط محمد بن عیسی که برای سلطان غور غیاث الدین محمد سام نوشته شده ٥٨٤ ق .
(موزهٔ ایران باستان ـ از مجلهٔ هنر و مردم)

چهار سطری ، مردی بنام تریبالوس‌ولد ستراتون (۱) بـه هر مس و هبر کلیس (۲) وقف‌کرده بـــو د.از زیرخاك برآورده شد و ا یـــ کتیبهٔ یونانی در چهار سطر بـــرسنگــی منقوراست . (عکس ۸ .)
دریکی از اطاقهای مکشوف ا ین‌شهر که ۶ × ۷ مترساحه دارد .در نزدیکی دروازه ،کتیبهٔ پنج سطری‌یونانی باچهار سطر دیگر طرف‌چپ برامده ، که‌درداخل اطاق چها رقبربود واستخ انهای مردگان از ا ن کشف شد، ودو تابوت فرســود ه‌چوبی که دربین آن استخوانـــها ی پوسیده بود بدست آمد، و با ایـــن‌تابوتها همین کتیبه نصب است که بران بخط وزبان یو نانـــی چنیـــــن‌نوشته اند(۳):
«این کلمات حکیما نـهٔ مــردا ن‌گذشته وگفتار رجال مشهـور د ر بیتهو مقدس (۴)محفوظ بود. و ازآنجا کلی‌ارخوس (۵) آنرا برداشته وبادقت دراینجا نقل نمود. تااز دوربر گورکی نه ویـــــو (۶)بتابد :
در کو چکی خوب تربیه بگیر!
درجوانی خــواهش های خود راضبط کن !
درپخته سالی راستکارباش !
در پیـــــری اند رز د هنـــد ه‌خوب‌باش !
ودر روزهای باز پسین زند گانی‌بدا ن ،که چگونه بـدون فسو س بمیری !(۷) (شکل ۹)

---

(1) TRIBALLOS SON OF STRA TON STRATONOS
(2) HRAKLEI=HERACLES
(۳) این ترجمهٔ تخمینی‌ازترجمـهٔ‌فرانسوی متن یونانیست که‌مطا لب آن جدون ترجمهٔ‌تحت اللفظ در نظرگرفته‌شده .

(۴) PYTHES نام شهـرمقدس دلف DELPH است کـــه‌نخست بنام PYTHO بسر DELPHOS یکی ا زقهرمانان باستانی یونان شهــر ت داشت وبعد از آن آنرادلف‌نامیدندمنسوب بخود دلفـوس (فـرهنگ اساطیر یونان وروم از پیر گریمال۲۴۴ـ ۶۸۵ طبـع تـهران ۱۳۳۹ ش.)

(5) KLEARXOS
(6) KINEU=KINEAS.
(7) INSCRIPTIONS GRECQUES NOUVELLES DE LA BACTR-IANE PAR M. LOUIS ROBERT PARIS 1968.

اقرأ وربك الاكرم الذی علم بالقلم

مسئلهٔ خط ونگاشتن در تاریخ مدنیت وفرهنگ افغانستان از مباحث بسیار مهم است، که تاکنون بدان به تفصیل وارد نشده ایم.

درین کتاب خواستم که این موضوع دشوار را تاجاییکه ممکن است، به استناد آثاریکه تاکنون بدست آمده، مورد مطالعه قرار دهم.

درآغاز مباحث از پیدایش خطوط تاریخی وریشه های باستانی آن و صورت رواج آنها در افغانستان قدیم صحبت شده، وبعدازان آثار مکشوفه و سنگ نبشته های خطوط قدیم راکه درافغانستان یا ممالک مجاور کشف شده اند برشمرده ایم، ولی بهر صورت مرکز کاوش وکنجکاویهای ما خاک افغانستان قدیم (آریانه) بوده است.

این جستجوی ما از قدیمترین ادوار زندگانی اسلاف آغاز و با پیدایش ورواج خط اوایل دورهٔ اسلامی خاتمه می یابد، وتاریخ تحول وانشعاب خطوط دورهٔ اسلامی و تحلیل ارزش های هنری آن خود موضوع مهم جداگانه ییست، که درقسمت دوم این کتاب شرح داده شده است. وتاریخچهٔ خط وکتابت را ازعصر قبل التاریخ تاقرن حاضر می رساند.

امید است که با این جستجوی ابتدایی یك پهلوی تاریخ هنر مملکت را قدری روشن ساخته باشم.

کابل، جمالمینه ۳۰ عقرب ۱۳۴۹

عبد الحی حبیبی


خدای تعالی فرمایذ تا برای این بنده هزار هزار نیکی بنویسند
و هزار هزار بدی پاک کنند از نامه او و نامه وی بدست
راست دهند و عزاب گورش نباشد و فشار گورش
نباشد و نکیر و منکر گورش نباشد

۷۵ نمونهٔ خط رساله دری بخط دولتشاه‌وانکی که از بامیان بدست آمده
۶۱۲ ق

٧٦/



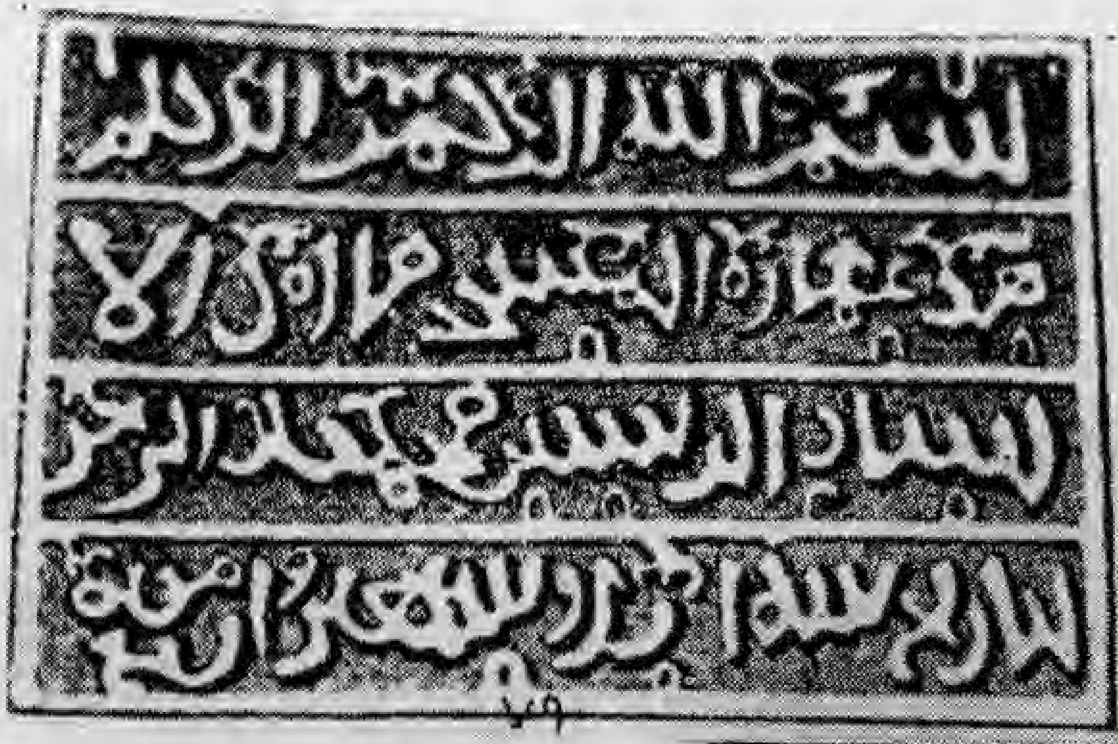
٧٦ خطوط کوفی قطب منار دهلی ٥٩٦ ق .



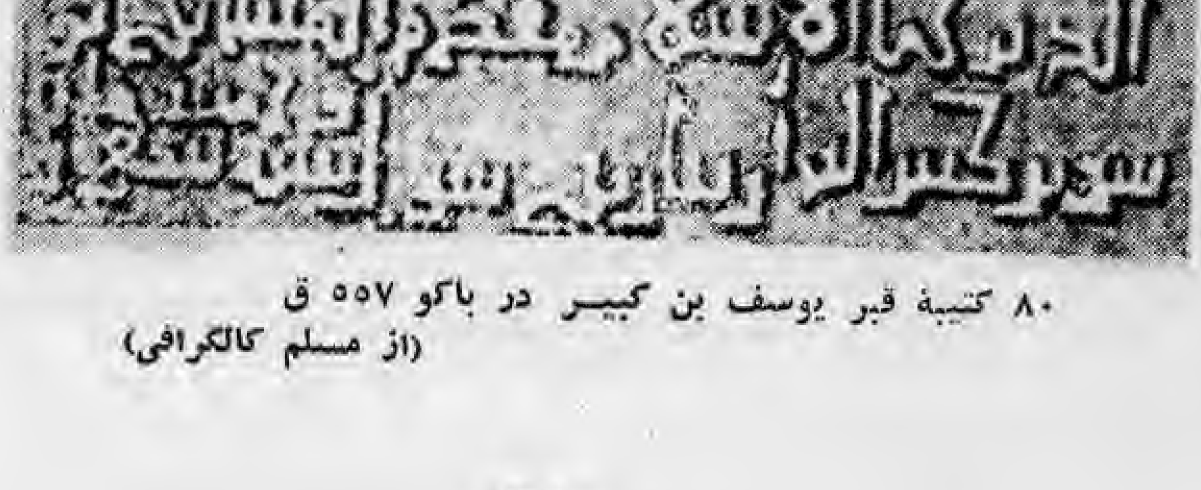
۷۷ صفحة آخر قرآن بخط عبد الله صیر فی ۷۲۰ ق گنجینه مشهد رضوی .



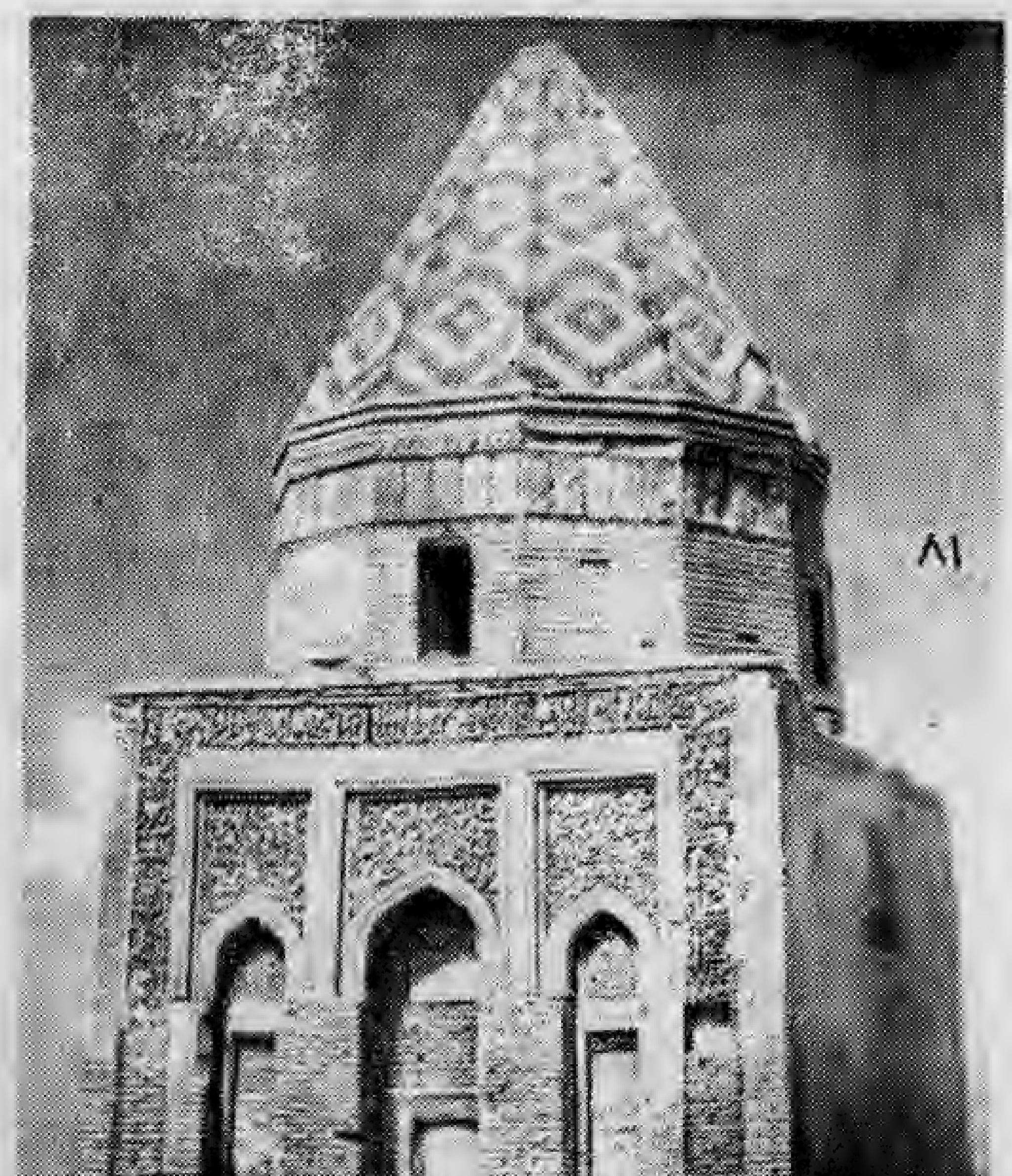
۷۸ خط رقاع تمای سلطان شماه بر ظرف هرات ۷۷۷ ق



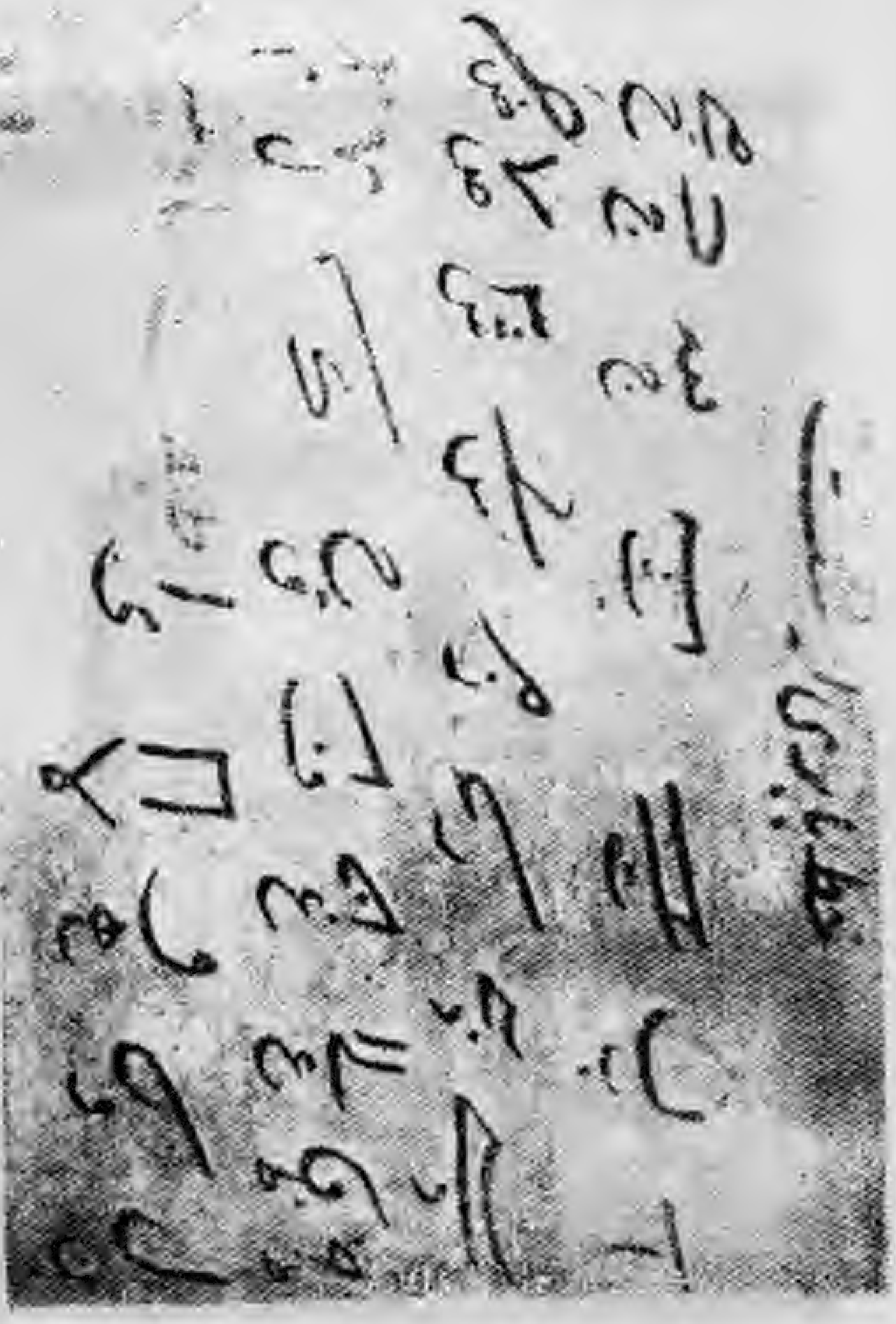
۷۹ نوشتهٔ مسجد الرشید بن محمد در باکو ۴۷۱ ق
(از مسلم کالگرافی)



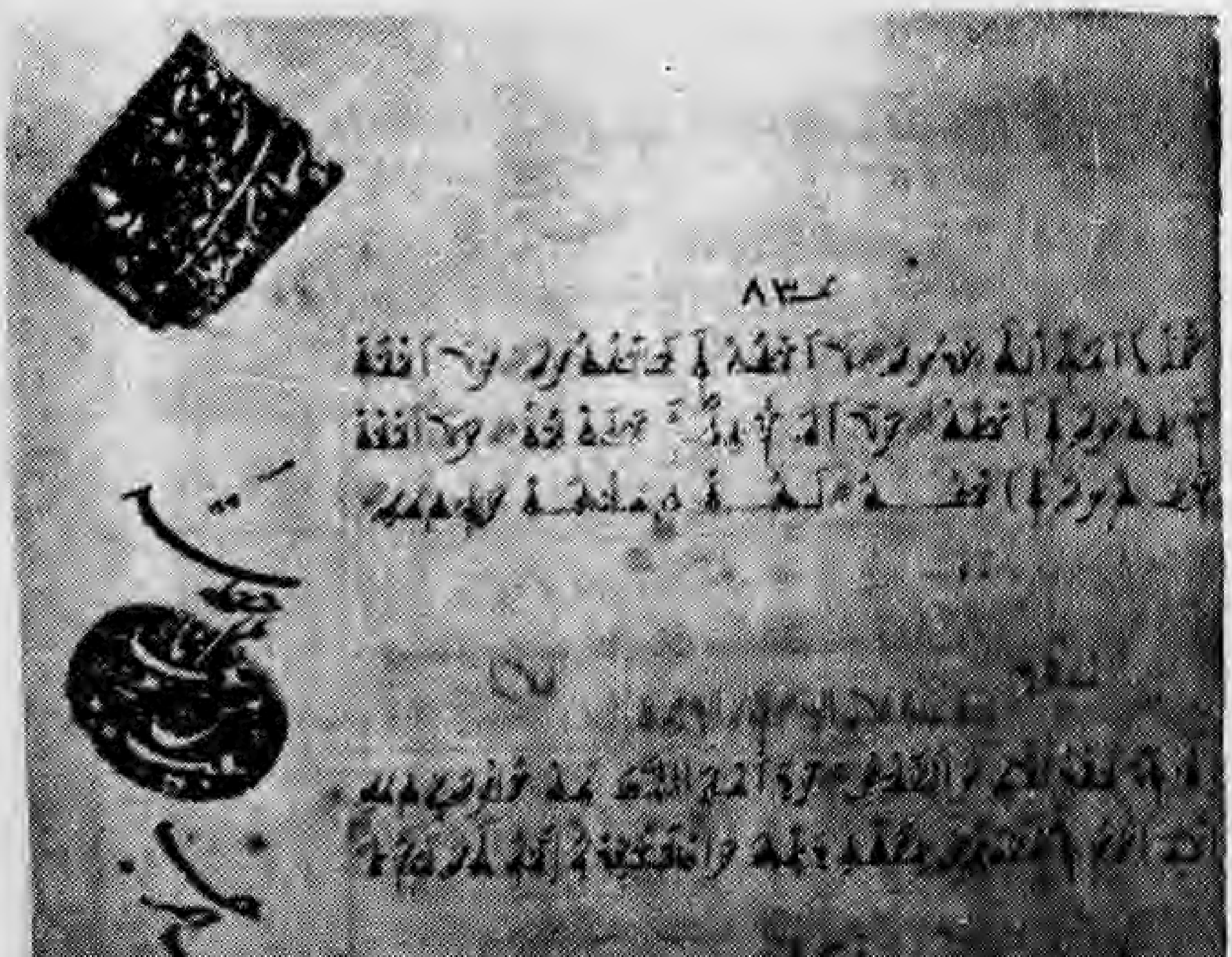
۸۰ کتیبهٔ قبر یوسف بن کبیر در باکو ۵۵۷ ق
(از مسلم کالگرافی)



۸۱ نوشته بنای مشهور به قبرفخرالدین رازی (؟) در اورگنج کهنه
قرن ۱۲ م



۸۲. نمونهٔ الفبای بابری از عجایب الطبقات خطی تالیف محمد طاه بلخی ۱۰۵۵ ق



۸۳ یک صفحهٔ ازقرآن عظیم بخط ناشناخته در مشهد رضوی که دران سورهٔ قل‌یا ایهاالکا فرون- اذاجا ءنصرالله - تبت یدا - قل هـوالله احد نوشته شده است .

جدول مقایسوی حروف عربی وخط بابری با خط مصحف مشهد



* در عکس چهار صفحه که بمن رسیده حرف ظا نیست .

نمبر ۸٤



۸۵ صفحهٔ اول شاهنامهٔ بایسنقری ۰
۸۸۳ ق در موزه گلستان تهران
(از سروی هنر پرشیا[1])

لویس روبرت درشرح این کتیبه‌های یونانی می‌نویسد : که کلی ارخوس از مکتب تلامیذ ارسطـــوبوده، که‌برای مطالعهٔ فلسفهٔ هند ی وبودایی به‌باختر افتاده ودر زمـان بعد از سکندر بدین شهر یونانی باختر آمده، واین گـفتا ر هـا ی حکیمانهٔ اسلاف یونانی را بـر یـن گـوریکی از یـو نانیان نـو شتـه باشد .

چون اثر فکری وفر هنگی وهنری یونانیان ، مقارن باسلطهٔ سیاسی تا اوایل قرون میـلادی د ر یـــن سرزمین جریان داشت ورنگ مقامی باختری راگر فته بود، ودر حدو د ۲۵۰ ق،م آثار آنرادر کتیبهٔ قندهار هم می‌یابیم . پس این نـو شتـهٔ حکیمانه رابیك قرن بعداز اسکند ر یعنی پس از ۳۲۳ ق،م مـنسو ب کرده میتوانیم . ودرتاریخ هنر خط هم یکی از قدیمترین آثا ر خـــط یونانی در افغانستان کهن است .

ص ۸۹

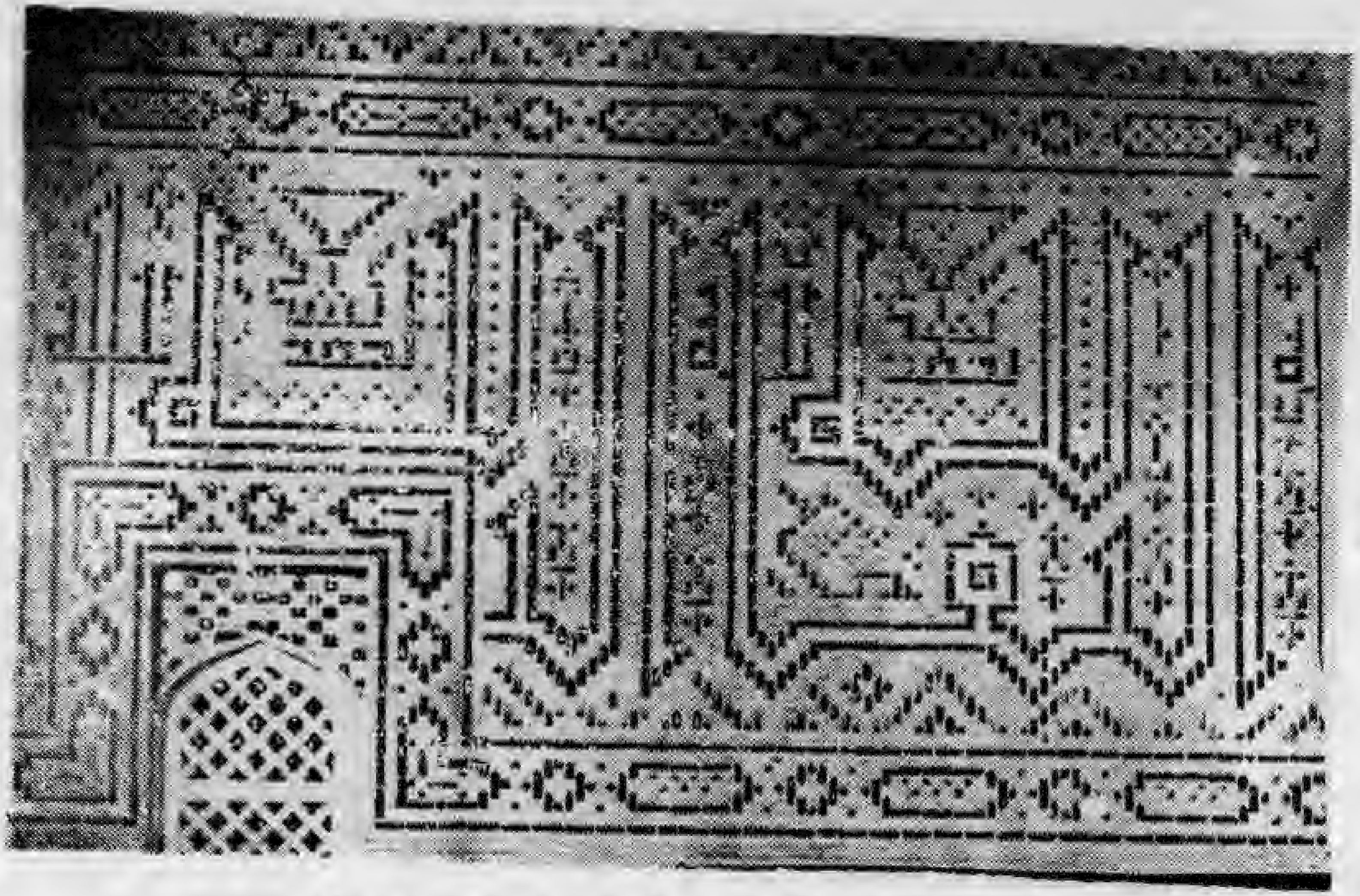


۱۴۳ ایوان مسجد گوهرشاد درمشهد رضوی ع بر پهلوی چپ از امضای شهزاده بایسنقربن شاهرخ باخط او موجود است .
(از سروی هنر پرسیا)

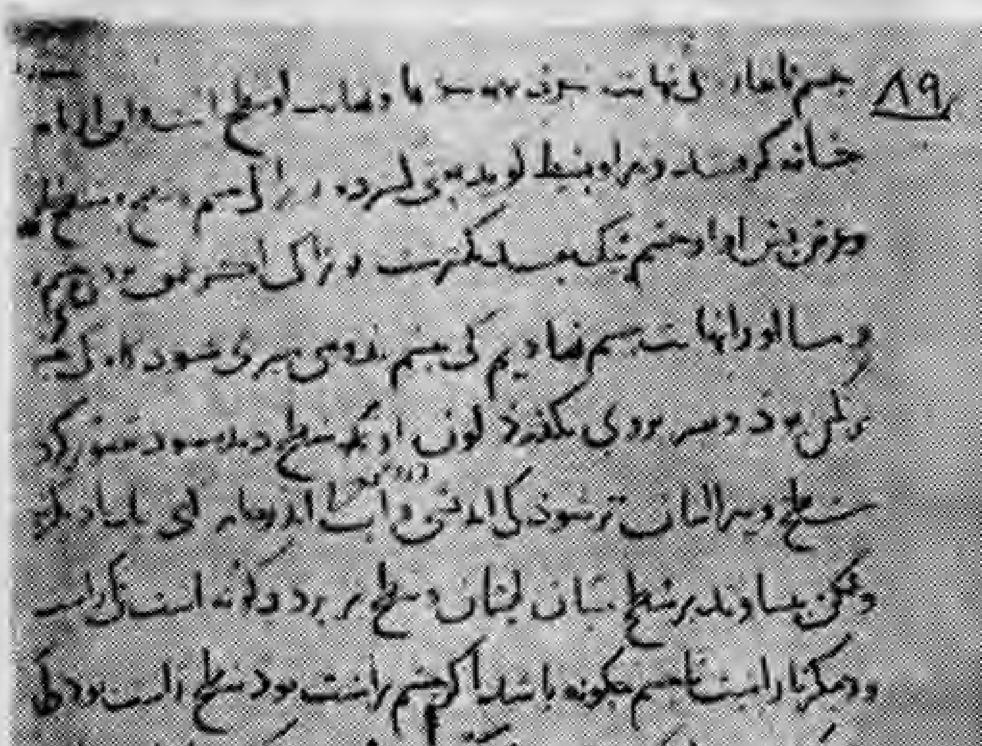




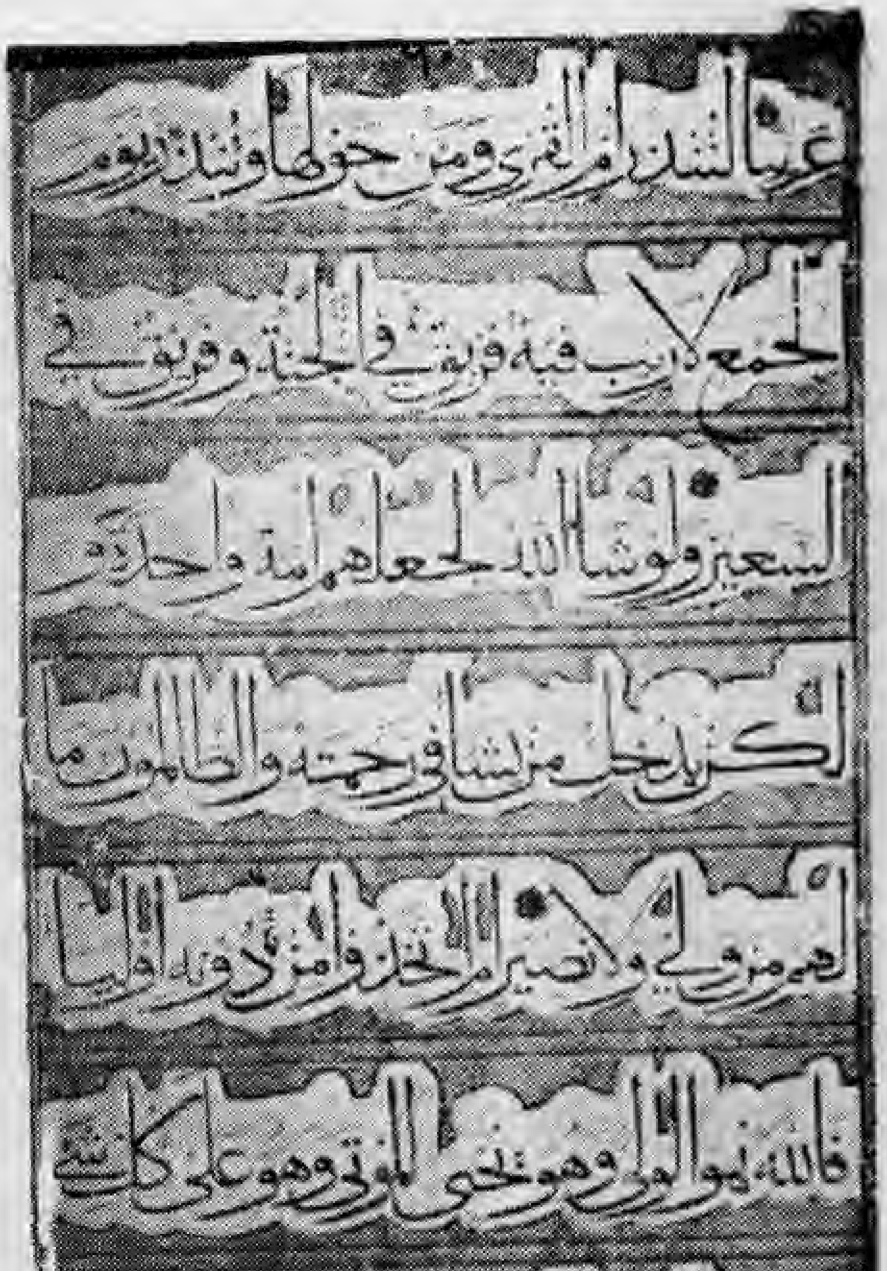
۸۷.بقایای نقوش وخط بریکی از دیوار های لشکر گاه بست



۸۸ـ خط کوفی بین خشت کاری برگورامیر تیمود در سمر قند



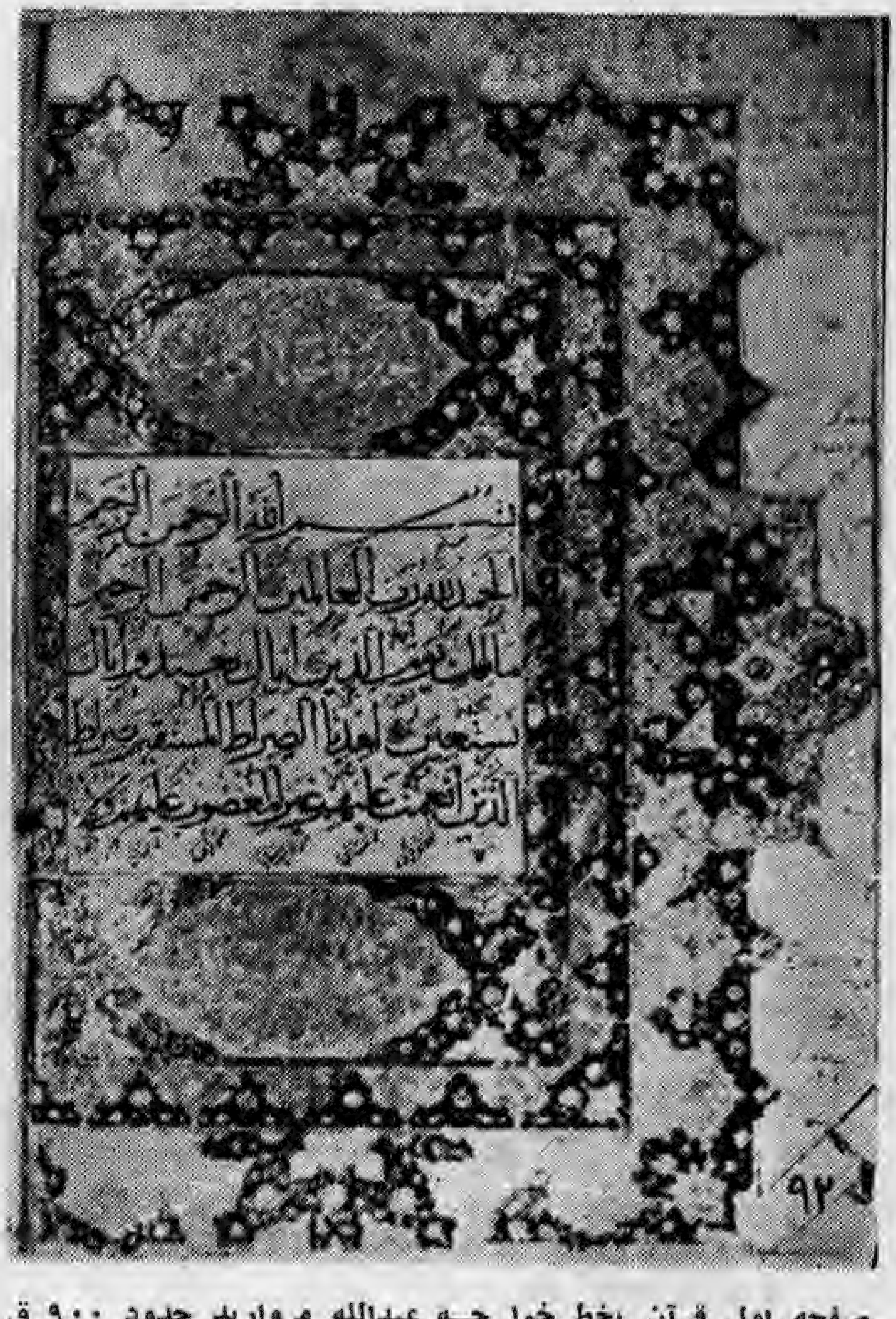
۱۸۹ امتزاج خط ثلث با نسخی در کتاب التفهیم ۵۳۸ ق کتابخانه مجلس تهران


عربيا لتنذر ام القرى ومن حولها وتنذر يوم
الجمع لا ريب فيه فريق في الجنة وفريق في
السعير ولو شاء الله لجعلهم امة واحدة و
لكن يدخل من يشاء في رحمته والظالمون ما
لهم من ولي ولا نصير ام اتخذوا من دونه اولياء
فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو على كل شيء
قدير وما اختلفتم فيه من شيء فحكمه الى الله

۹۰ يك صفحهٔ قرآن بخط بايسنقر
ميرزا شهزادهٔ هرات در مشهد



صفحهٔ قرآن عظیم بخط ابراهیم‌سلطان بن شاهرخ ۸۲۷ ق در مشهد رضوی
(از گنجینهٔ قرآن)

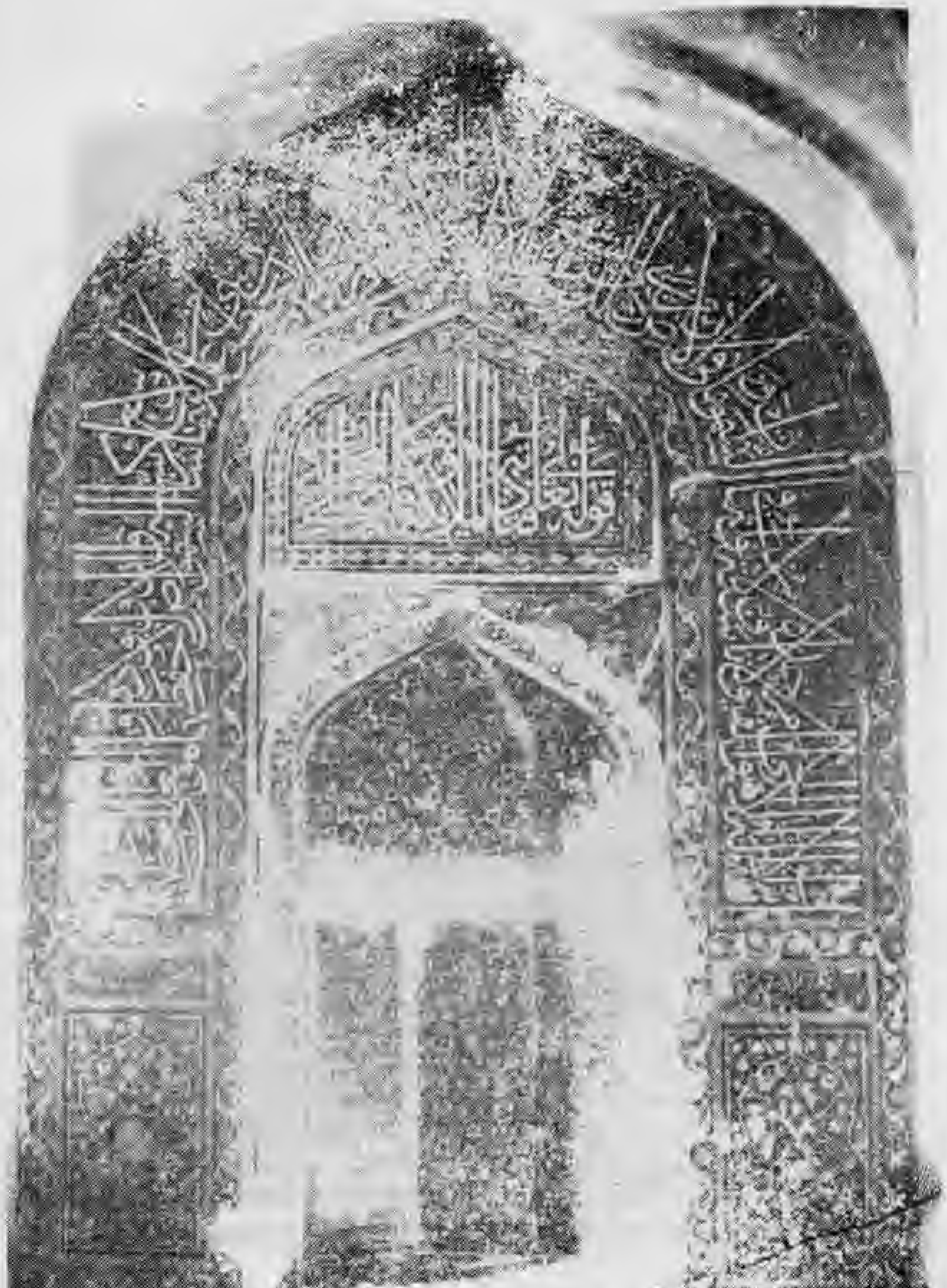


صفحه اول قرآن بخط خوا جه عبدالله مرواريد حدود ۹۰۰ ق ا ز
گنجینهٔ قرآن در مشهد رضوی



۹۳خط عبدالله طباخ هروی ۸٤٥ق در گنجینهٔ قرآن مشهد رضوی


٨٤١ هـ



نمبر ۹۵ محراب مسجد هرات

سنگ نبشته های خروشتهی

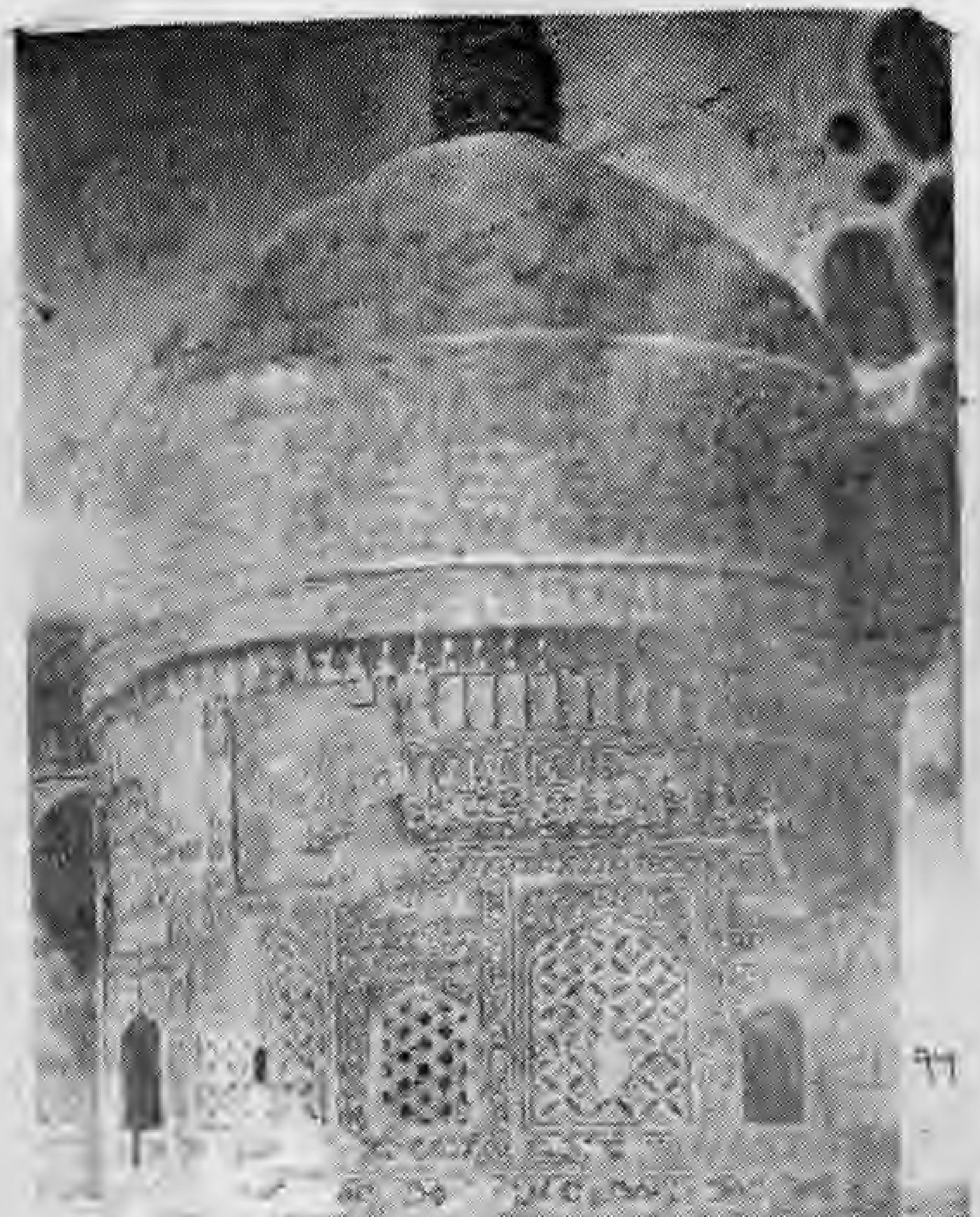
خروشتهی فقط نام رسم الخطاست نه زبان . واین رسم الخط در افغانستان شرقی ازقرن ۳ ق .م تا قرن ۵ م مدت هشت قرن دوام داشته ، وکتیبه های سنسکریت وپراکریت بدان نوشته شده ، وبر مسکوکات شاهان موریا وشاهان یونانی باختر و کوشانیان هم بنظر می آید. وچون پیدا یشگاه آن سرزمین آریانه (افغانستان قدیم) است ،بنابرین ویلسون (۱) درکتاب آریانه انتیکوا (۲)(طبع لندن ۱۸٤۱ م) آنرا الفبای آریانه (۳)نامیده است ، که کتیبه های متعدد آن ازختن تا افغانستان و هندشمالی باقیست ، وبر مسکوکات وکتیبه هاهم نوشتن آن مقارن رسم الخط های یونانی ، آرامی ،براهمی، رواج تام داشت .

رسم الخط خروشتهی (٤) مانندآرامی ازراست بەچپ نوشته میشد، وآثار آن در افغانستان از جنوب آمو تاوادی ارغنداب میرسد ، که از ستوپه ها ومعابد واوقاف بودایی درهده وبگرام وبلخ وجلال آباد و بامیان ووردك غرب کابل و غزنه ووادی ماورای خیبر آمده است .

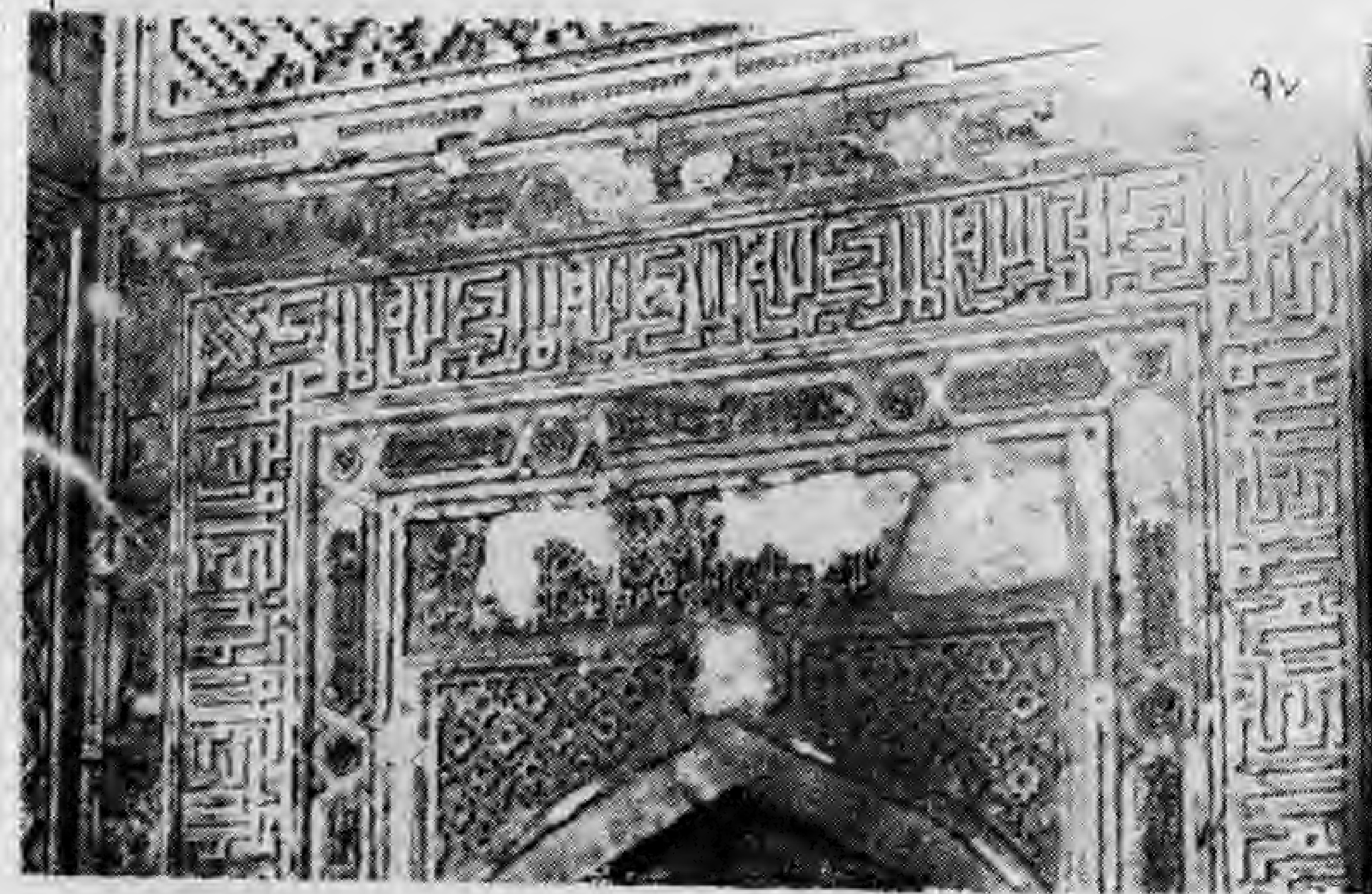
بقول بیو هلر (۵)از برخی مشخصات الفبای خروشتهی مانند حروف علت (مصوته) وحروف صحیح (مصمته) مرکب برمی آید. که به کمك رسم الخط براهمی تکمیل شده ، وبنابران براهمی چندی بیشتر ازان وجود داشته است .ولی خروشتهی درنتیجۀ آمیزش ساتراپها وسلطۀ موقتی دولت هخامنشی بامردم محلی و روسای شرقی افغانستان کنونی و پنجاب بوجود آمد، که بمرور زمان در رسم الخط آرامی تعدیلاتی وارد شده والفبای خروشتهی از آن برآمد . ولی تکامل آن تدریجی بوده ومامیبینیم که درا واسط قرن سوم ق.م

---

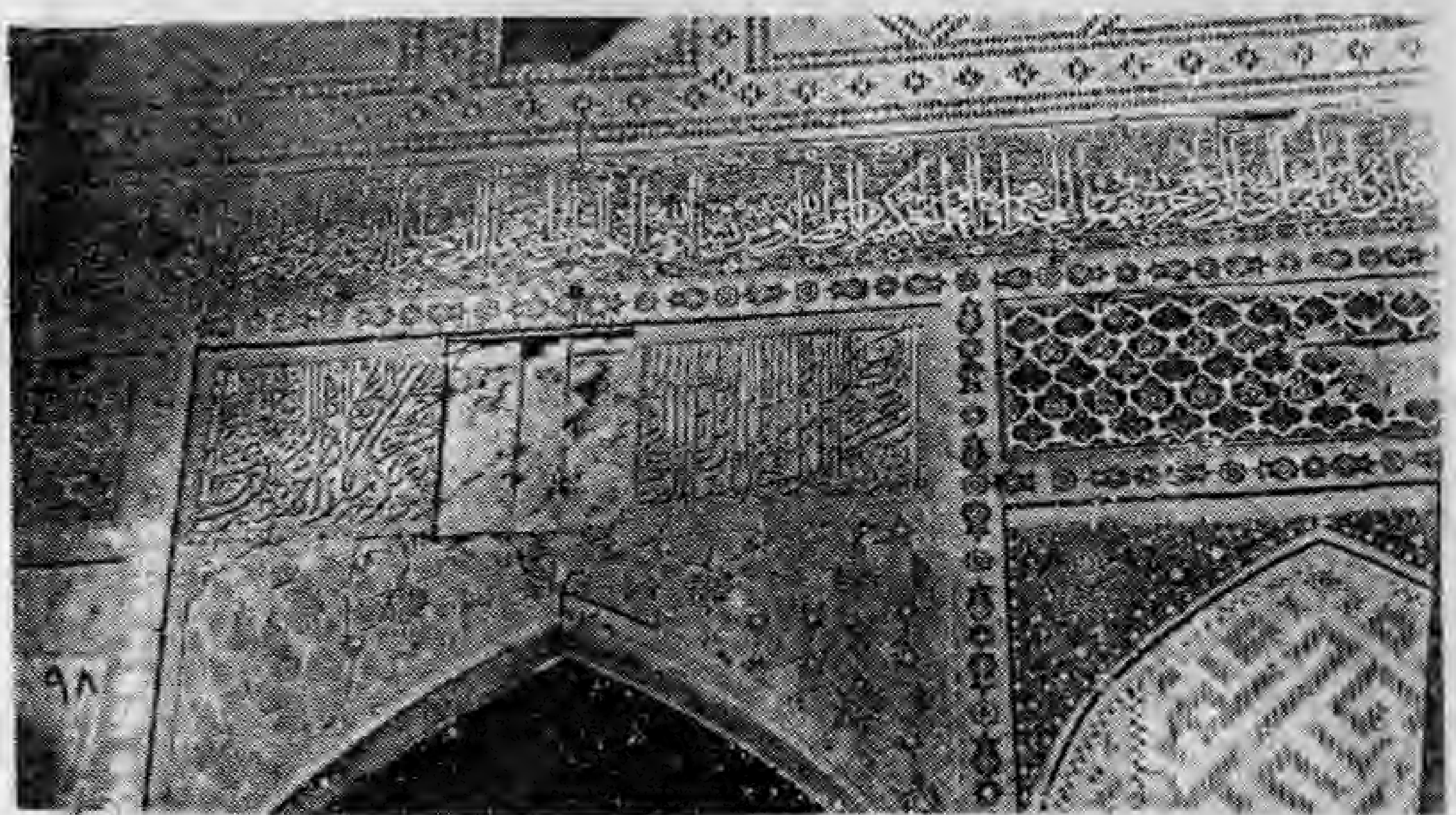
(1) H.H. Wilson
(2) Ariyana-Antiqua
(3) Arianian-Alphabet
(4) Kharoshthi
(5) Buhler



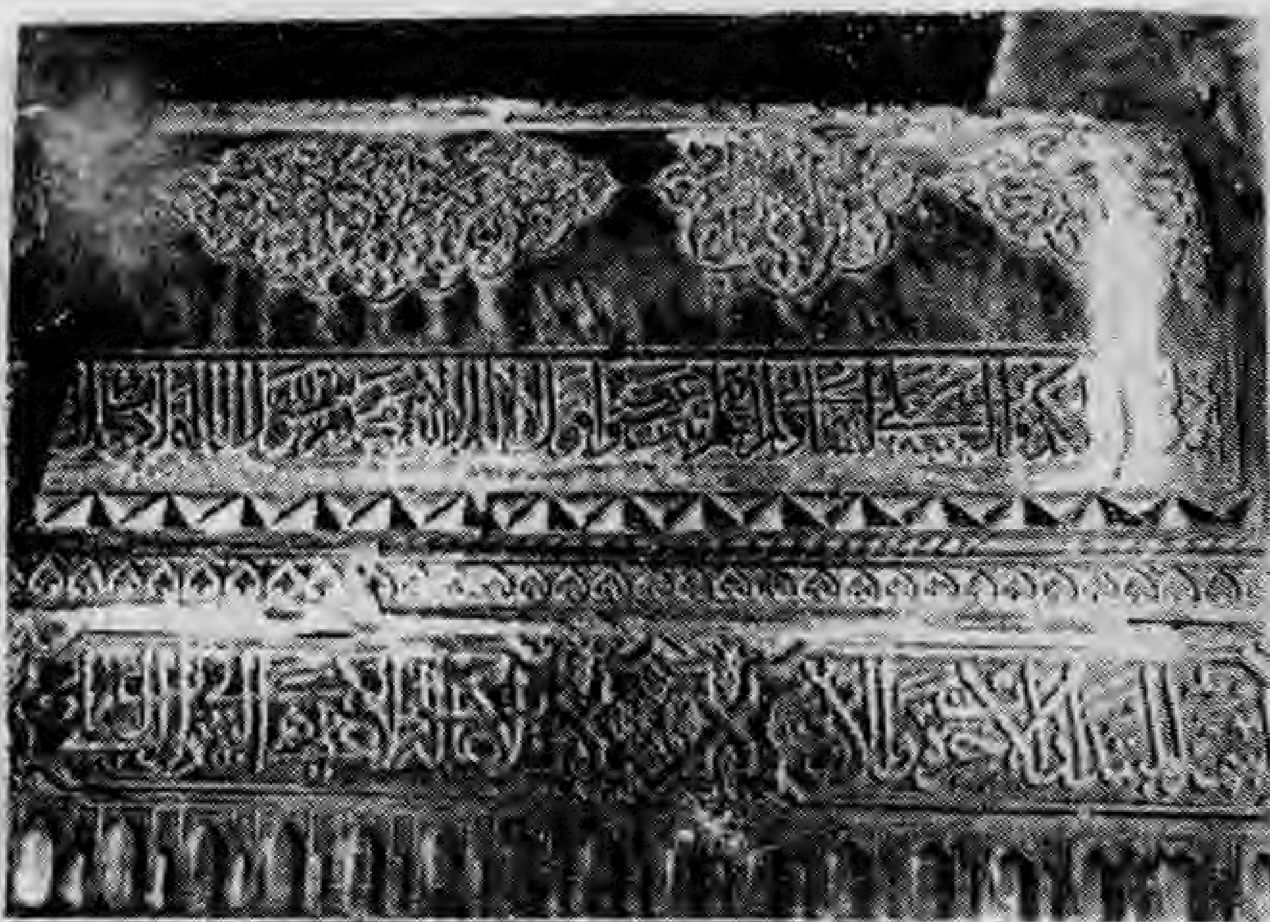
٩٦ نو شتهٔ جلی مدرسهٔ میرعرب بخارا ٩٣٤ ق



۹۷ نمونهٔ خط معقلی قرن ۱۶ بر طاق نماز گاه بخارا



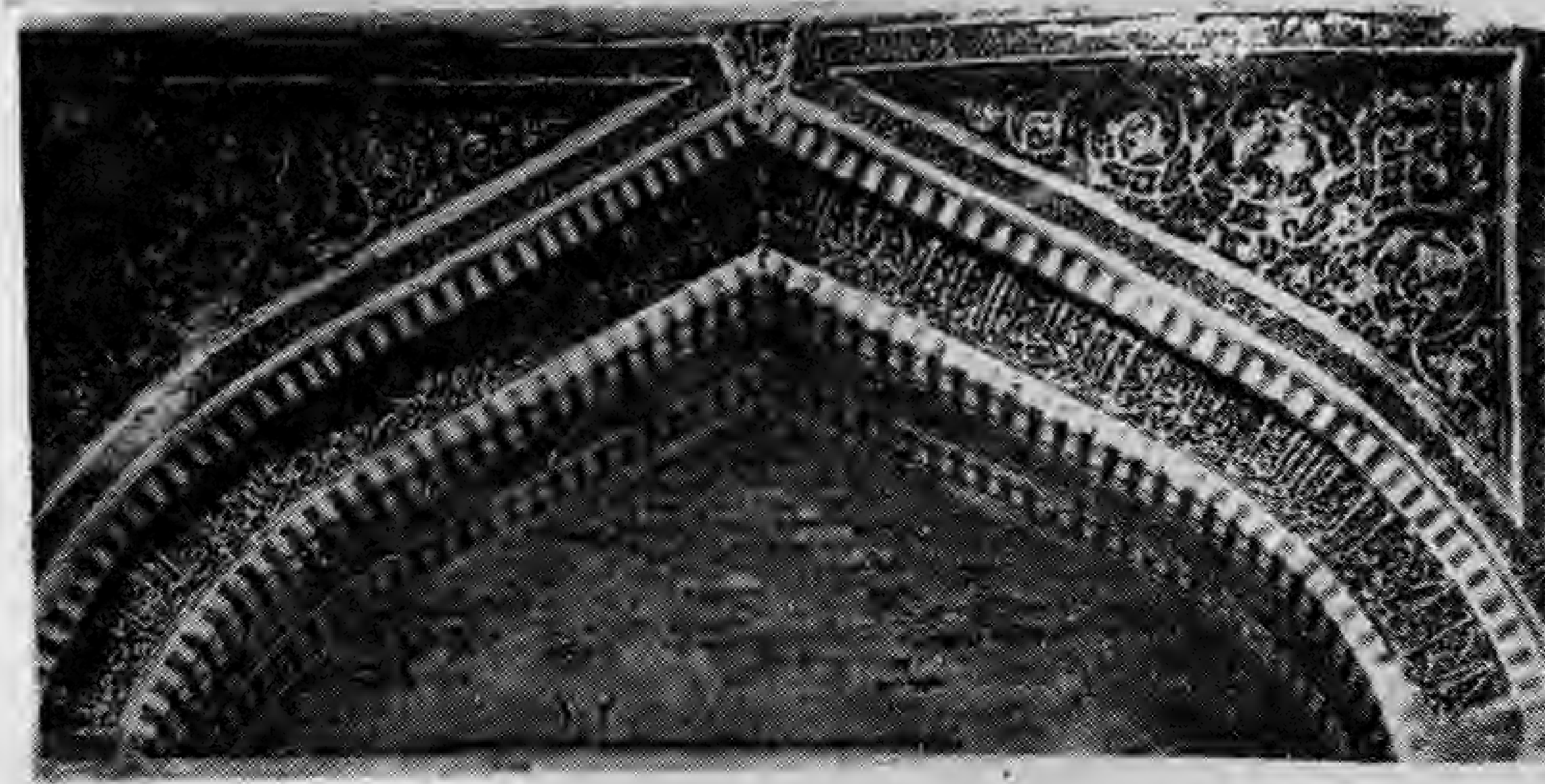
۹۸ ثلث جلی مسجد بی‌بی‌خانم‌در سمرقند اواخر قرن ۱۴



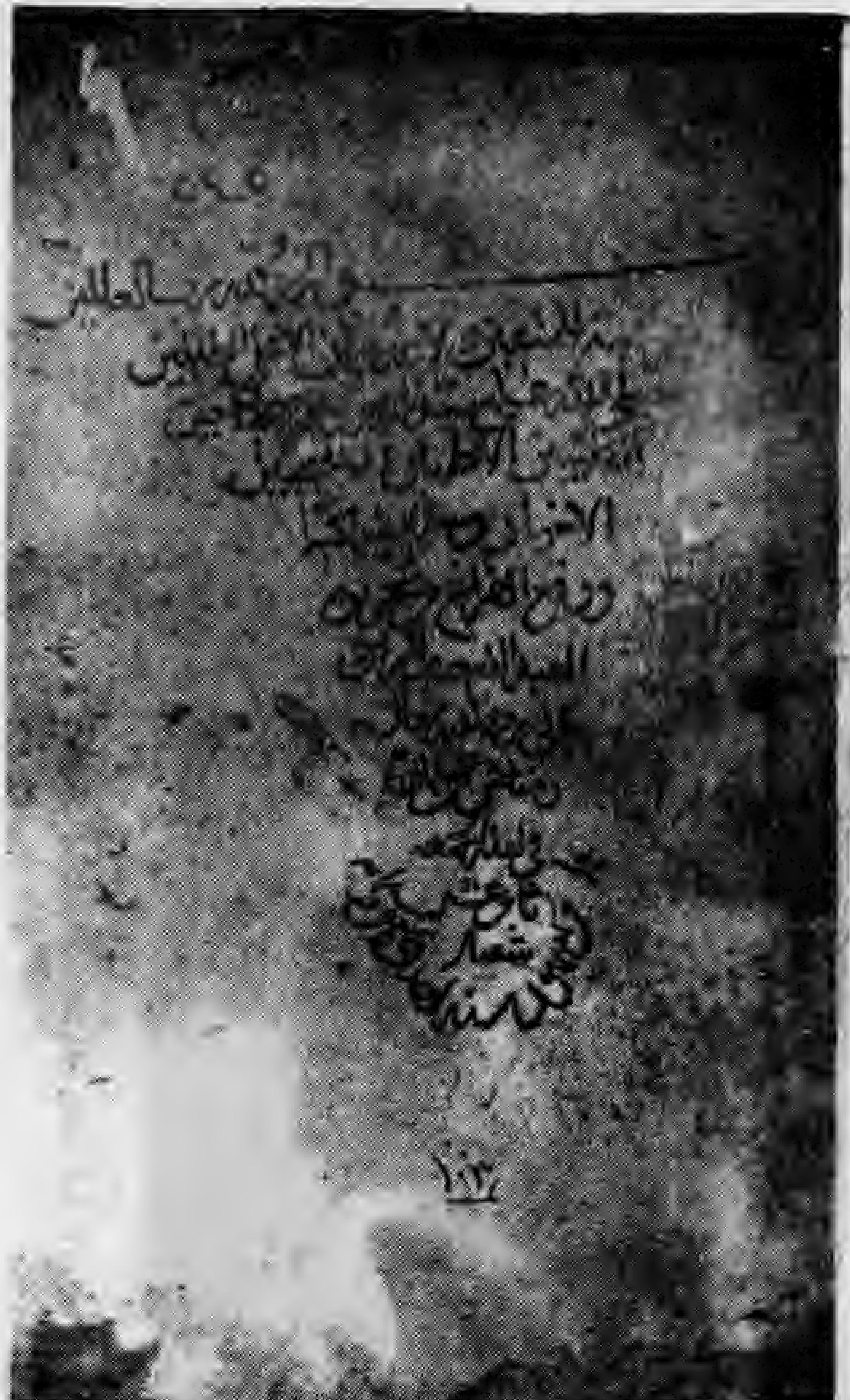
۹۹ کتیبهٔ مزار حکیم ترمذی در ترمذ قرن ۱۴



۱۰۰ ـ ۱۰۱ شیوهٔ ثلث ترکستان، قرن ۱۶
(گنجینه قرآن مشهد رضوی)



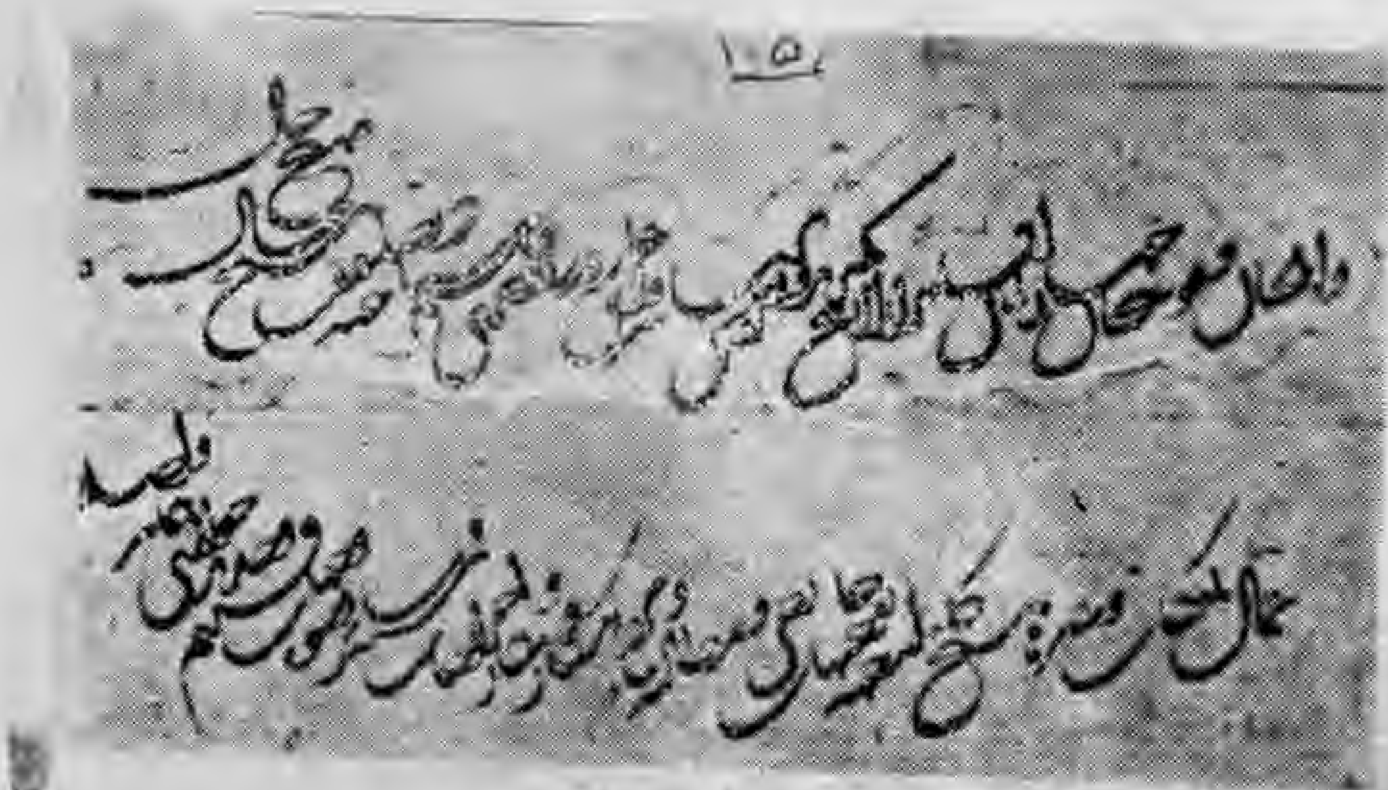
۱۰۲ ثلث متمایل به تعلیق برایوان قبر بیان قلی خان در بخارا، قرن ۱۴



صفحة آخر طبقات الصوفية بمكتبة نافذ باشا باستانبول
٦٧١ ق



١٠٤ صفحه اخیر اسرار التوحید کتابخانه تسلیم آغا استانبول بخط
محمد صالح در سنه ٧٠٠ ق شیوه نسخی ممزوج به تعلیق



تعلیق تزئینی خواجه تاج الدین منشی
(از کتاب وکتابخانه)



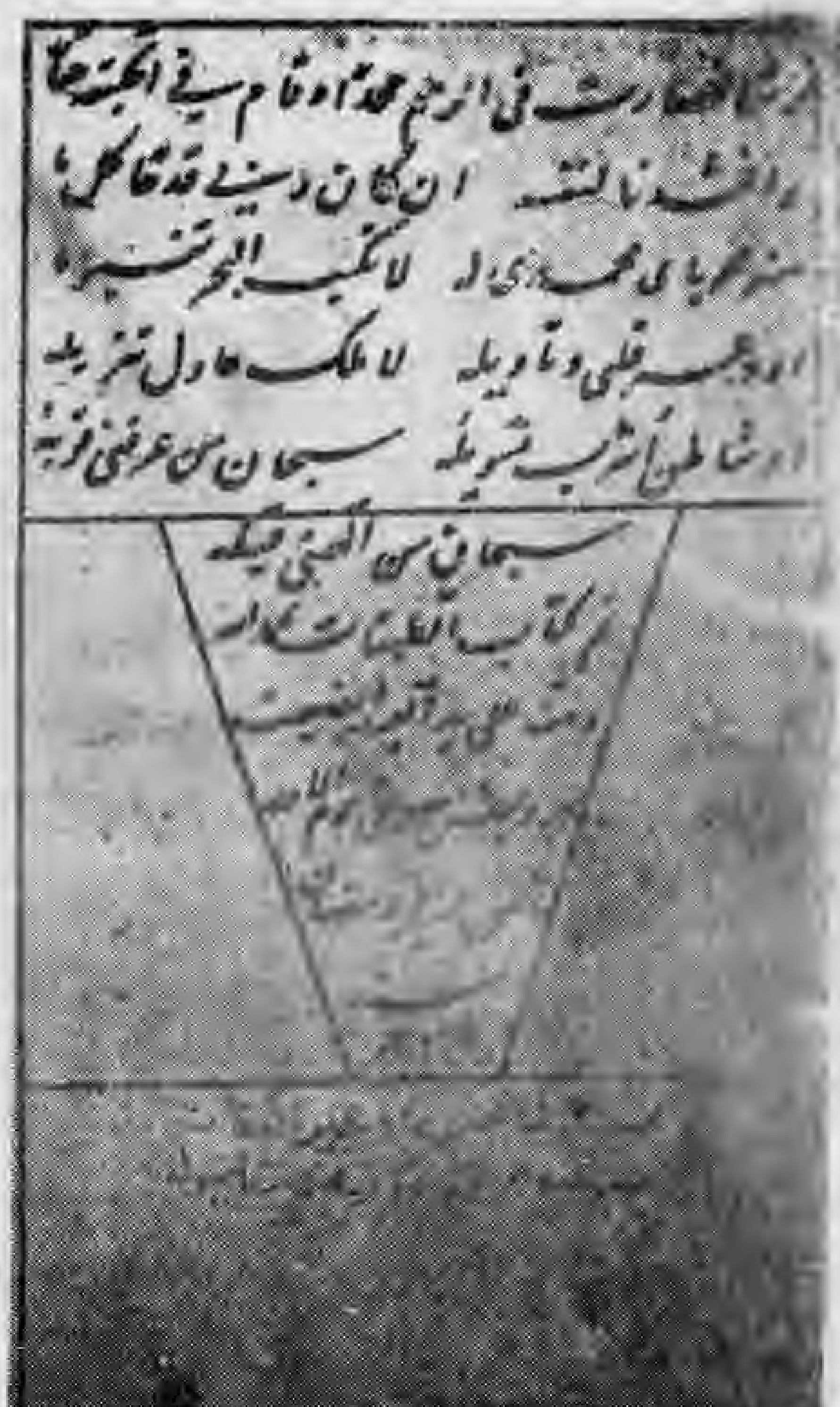
۲۰. نمونهٔ تعلیق خواجه اختیار هروی

در ترا مین شهباز گرهی و مانسیهرهٔ اشوکا در حالی استعمال شده، که در همین عصر رسم الخط آرامی نیز وجود داشت، که در تکسیلا شرقاً و در قندهار جنوباً کشف گردیده است. و آخرین نوشته های خروشتهی تا قرن ۵ میلادی هم میرسد و منطقهٔ نفوذ آن شمالاً تا ختن هم بوده که نوشته‌های متعدد و نسخهٔ خطی دهامه پده(۱) در قرن ۲ م بدین خط و یک پراکریت شمال غربی هند از نزدیکیهای ختن بدست آمده است. درحالیکه انتهای شرقی استعمال خروشتهی در پنجاب تا کرنال و مانی کیاله(۲) بوده، و از کانگره (ببیم نکر العنبی) دو کتیبه خروشتهی و براهمی وهمچنین از ماتورای کنار دریای جمنا نیز کتیبه های آن کشف گردیده است. امادر بارهٔ کتیبهٔ دیگر مکشوف از مقام پتنهٔ هند گویند که آنرا از شمال غربی هند بدانجا آورده باشند.

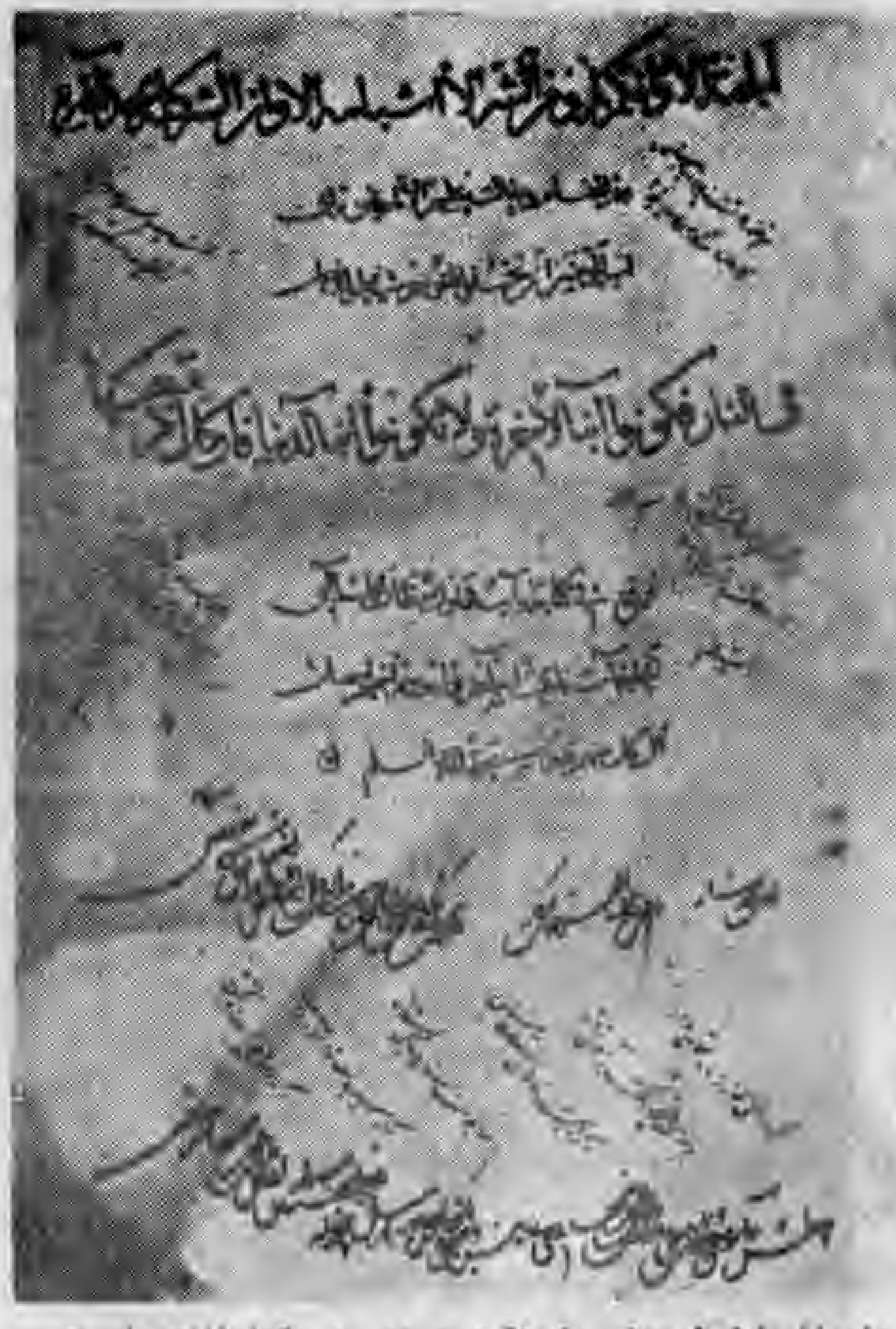
درجنوب غرب مسکو کاتی بخط خروشتهی، از سیستان و قندهار هم بدست آورده اند، و کتیبهٔ خروشتهی و براهمی در تهل وادی ژوب وهم آثار این خط در وادی سوات ولداخ وجنوباً در پارچه های مکشوفه از موهن جودیرو وادی لارکانهٔ سند میرسا ند، که منطقهٔ نفوذ خروشتهی مخصوصاً ازحدود ۶۹ درجه تا ۷۳ درجه وسی دقیقه طول شرقی واز هندوکش تاحدود ۳۳ درجه عرض شمالی و سعت داشته که مبدأ آن بلا شبهت همان ولایت گندهاره تا تکسیلا بوده است.

اگرچه نوشته های متعدد خروشتهی از ختن بدست آمده، ولی انتقال آنرا بدست مهاجرین هندی بسرزمین ترکستان چینی میدانند. زیرا این نوشته ها ازقرن ۲ میلادی قدیمتر نیستند، در حالیکه استعمال خروشتهی در هند شمال غربی تاقرن ۳ قبل‌المیلاد بالامیرود، واز همان خط آرامی برآمده که در دفاتر هخامنشی، ساترا پهای شمال غربی هند استعمال میکردند. ودرین اوقات وجود هندیان در ترکستان شرقی ثابت نیست(۳) وظاهراً دیمتریوس(٤) پادشاه یونانی باختری در حد و د ۱۹۰ ق،م وبعد ازو ایوکراتید یس(٥) درحدود ۱۸۱ ق،م ازیونانیان باختر برخاست وبار اول سکه های

(1) Dhama Pada
(2) Mani Kiala
(3) Kharoshthi inscriptions. By Sten Konow. Culcutta 1929, Vol. 2 Part
(4) Demetrius
(5) Eukratides







۱۰۹ نمونهٔ خطوط جعفر بایسنقری هروی د ر کتابخانه ملی تهـــرا
ثلث ـ نستعلیق ـ رقاع ـ شکسته



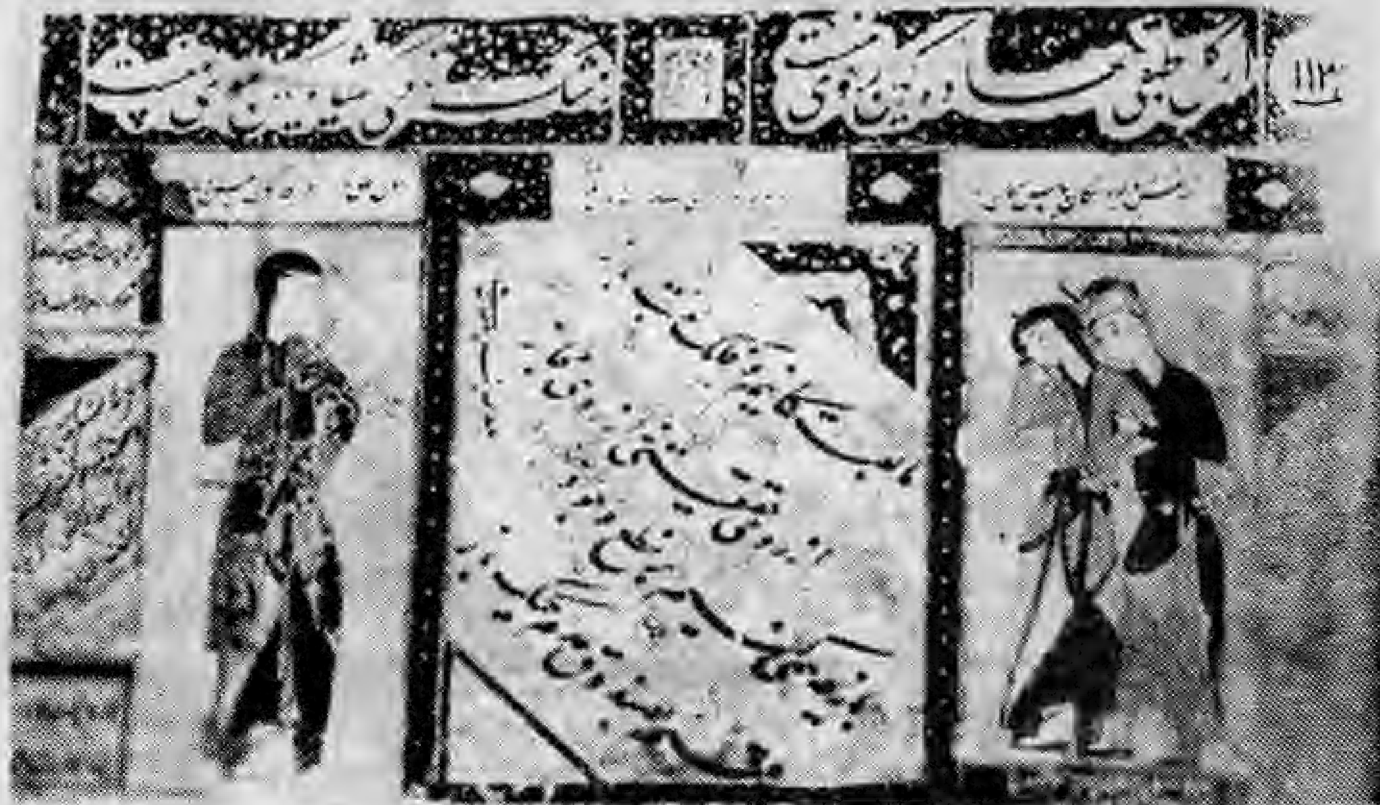
۱۱۰. نمونهٔ خطوط جعفر هروی در کتابخانه ملی تهران- نسخی وریحان
(سروی هنر پرشیا)



١١١خط نستعليق ميرعلى هروى



۱۱۲ نستعلیق سلطان محمد نور



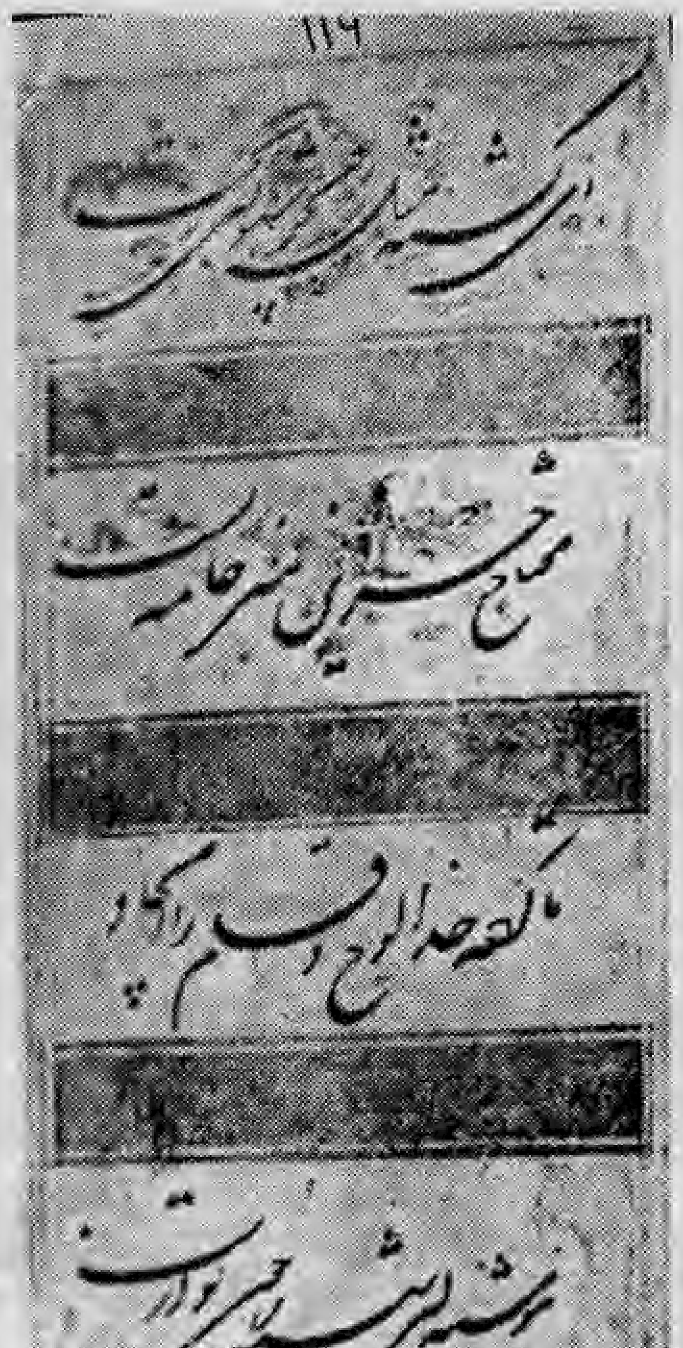
١١٣ نستعليق علي مشهدي



۱۱٤ نستعلیق جلی حسن شاملو ۱۰٤۹ ق برمزار خواجه عبدالله انصاری هرات



۱۱۵ یک‌صفحهٔ شاهنامه موزهٔ گلستان تهران بخط جعفر بایسنقری ۸۳۳ق
(سروی هنر پرشیا)



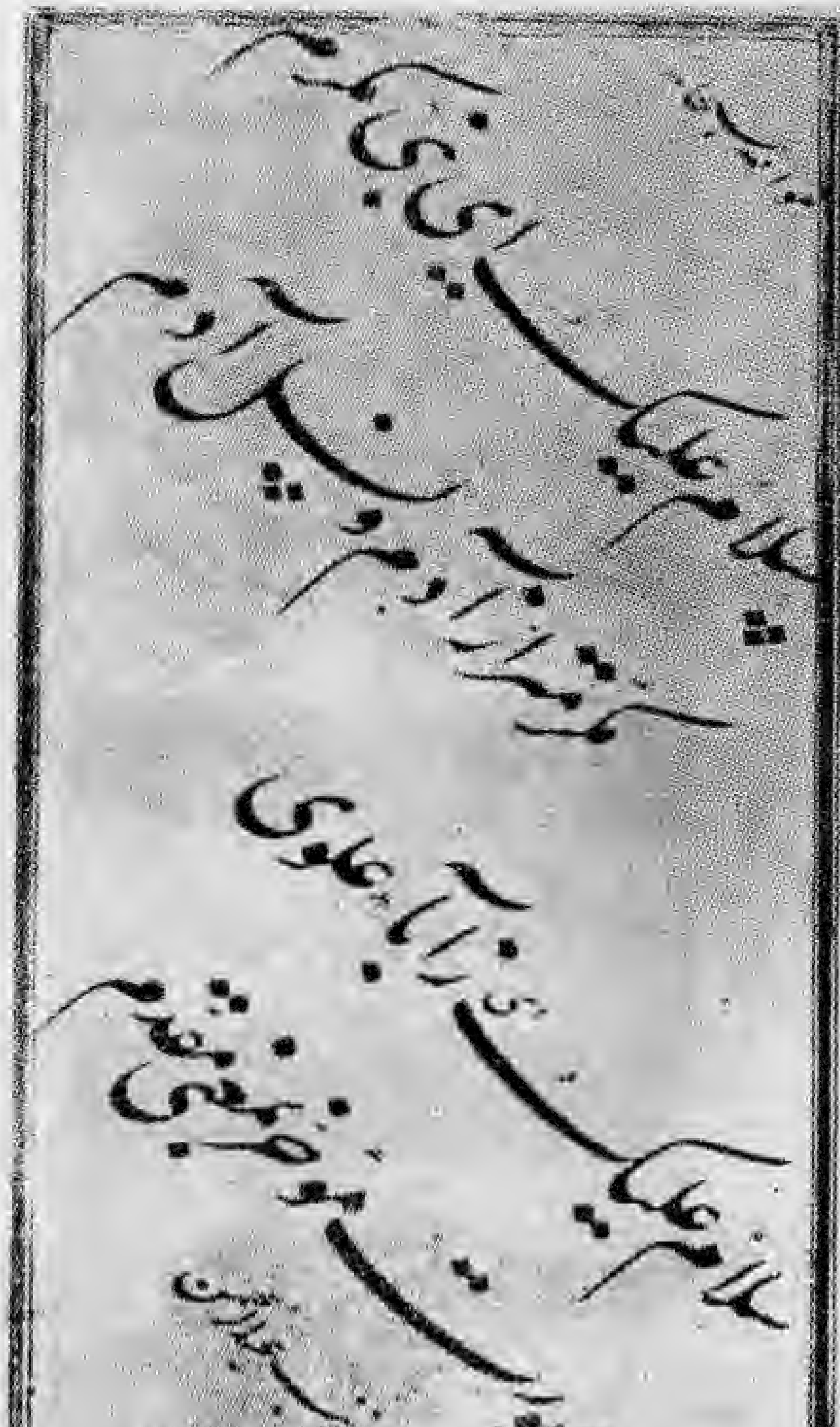
خط شکستہ درویش عبدالمجید طالقانی

مربع مسی خود را بدو رسم الخط یونانی وخروشتهی نشر داد.
ودرین رسم الخط کلمه مهاراجه سه (۱) هندی را درمقابل بازلیوز (۲)
یونانی نوشت که به معنی پادشاه باشد (۳). همچنین مسکوکاتی
از اناکوزیه (وادی ارغنداب) به دست آمده، که روی سکه نام
شهنشاه مهرداد دوم پارتی (۱۲۳ ـ ۸۸ق،م) به خط یونانی نوشته شده.
وپشت سکه نام شهزاده به خط خروشتهی است (٤) واین گونه
مسکوکات یونانی وخروشتهی در پنجاب هم یافته شده، منسوب به
ازس (۵) پادشاه پارتی قرن اول مسیحی که نامش را در خروشتهی
ایاسه (٦) نوشته اند. واین رسم مسکوکات دوزبانه (۷) تا عصر
هرمایوس (۸) در حدود ۳۰ق، م درافغانستان دوام داشت، وبعد ازان
در عصر کوجوله کره کدفیزیس (۹) اولین پادشاه کوشانی در
حدود ٤۰ م هم برمسکوکات طلاونقره ومسی کلمات مهاراجه سه
کوجوله کسه سکوسه کیه دفه سه (۱۰) وغیره بهمین رسم الخط
دیده میشود. ولی بعدازقرن اول بنظر نمی آید. (۱۱) قراریکه ستین
کونواز نظر گرامر مطالعه نموده، زبان تمام این کتیبه ها باوضاحت
هم شکل بوده و ثابت می آید که، زبان محلی مروج این سرزمین
پیش از آغاز قرون میلادی بود، که یك پراکریت هندی است نه
ایرانی.

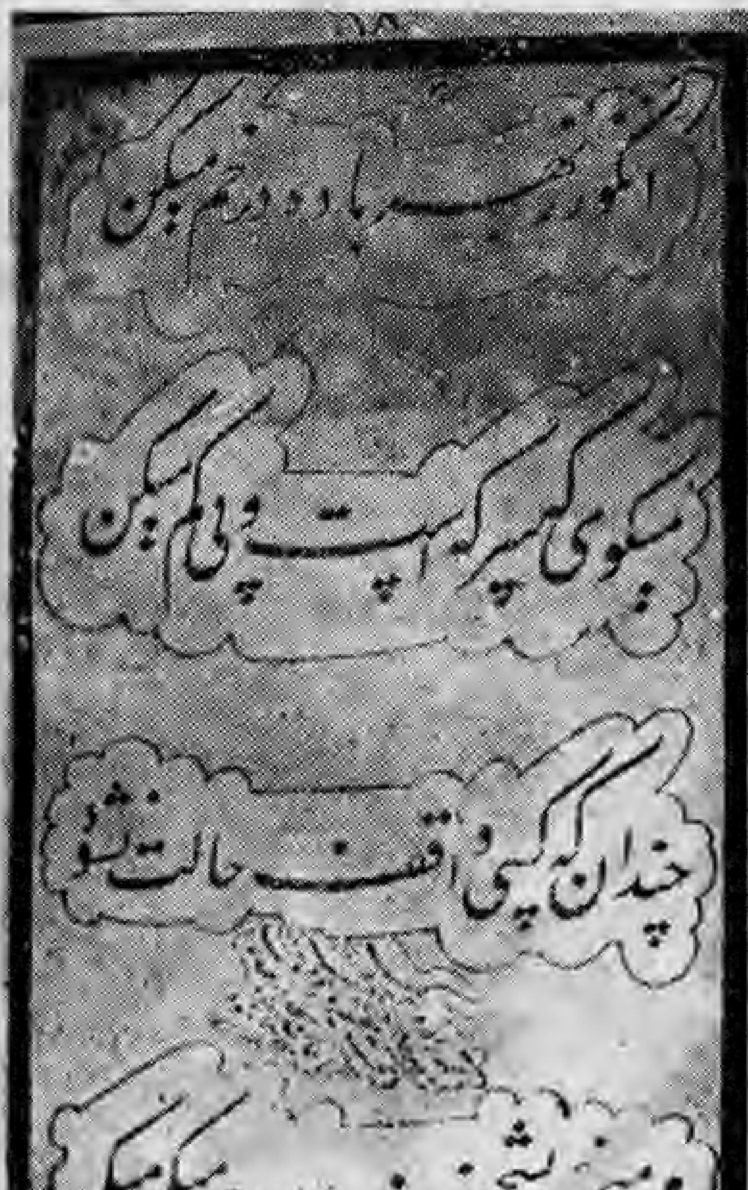
اما آثار سنسکریت هم درخروشتهی بدین سبب نمایان است
که پانی نی (۱۲) گرامر نویس مشهور سنسکریت، ازین سرزمین بود،
وتکسیلا بحیث دار العلم قدیم درینجا وقوع داشت، و فرقه
بودایی سروستیوادین (۱۳) که استعمال کنندگان سنسکریت بودند،
مکرراً درکتیبه های وردك وپشاور وغیره ذکر شده اند، و حتی جملات
مکمل سنسکریت هم درکتیبهٔ پشاور دیده میشود، وزبان آثار
دوردهیری هم سنسکریت خالص است. امکان دارد که یك مجموعهٔ

---

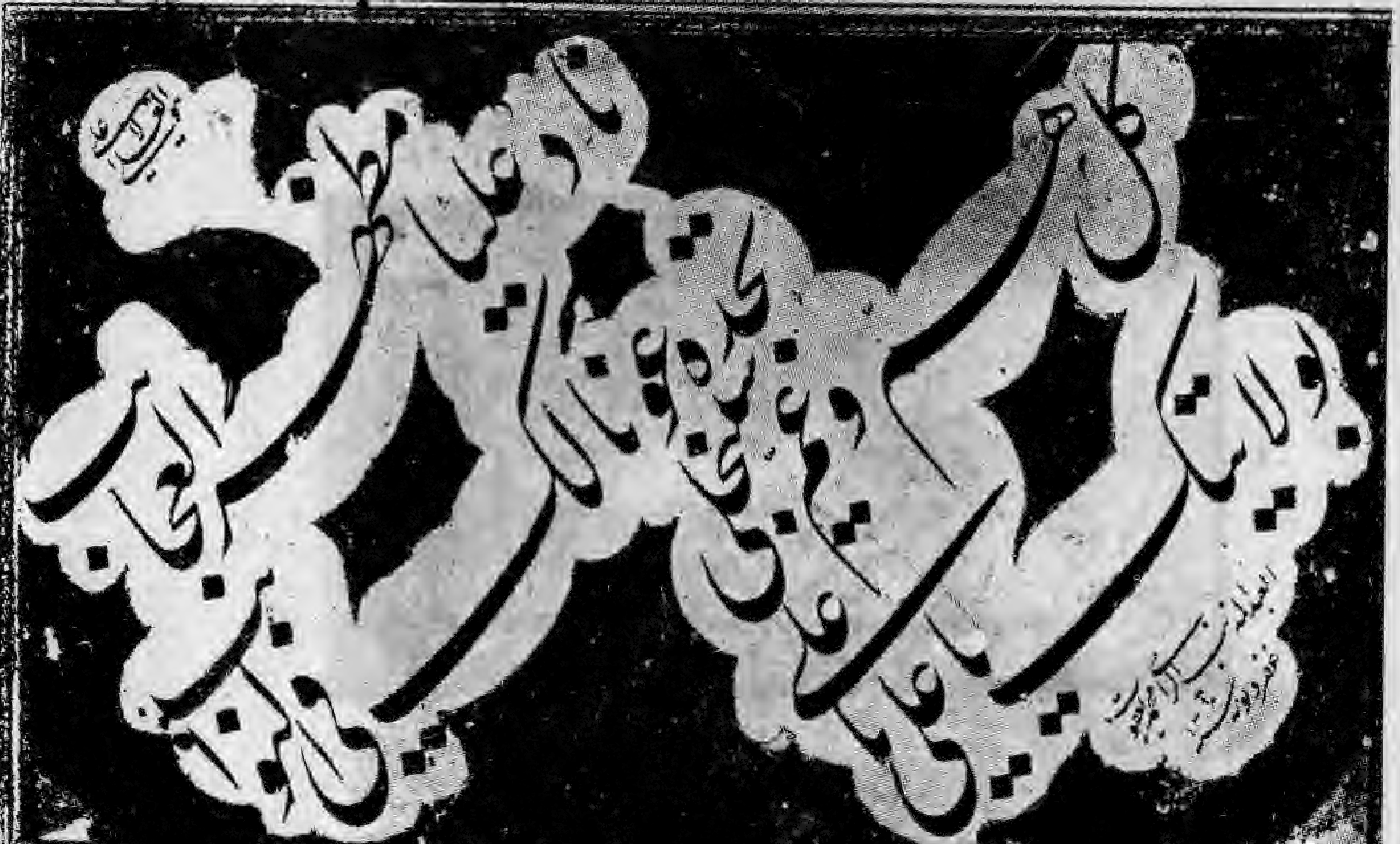
(1) Maharajasa
(2) Bazileuz
(3) Ariana Antiqua. By H.H. Wilson p. 245 London 1841
(4) S.K. p43
(5) Azes
(6) Ayasa
(7) Bilingual
(8) Hermaeus
(9) Kujula-Kara-kadphises.
(10) Maharajasa Kujula Kasa Sakusa Kayadaphasa
(11) A. Ant. 357
(12) Panini
(13) Sarvastivadin



ـ ۱۷۸ نستعلیق میر عبدالرحمن هروی

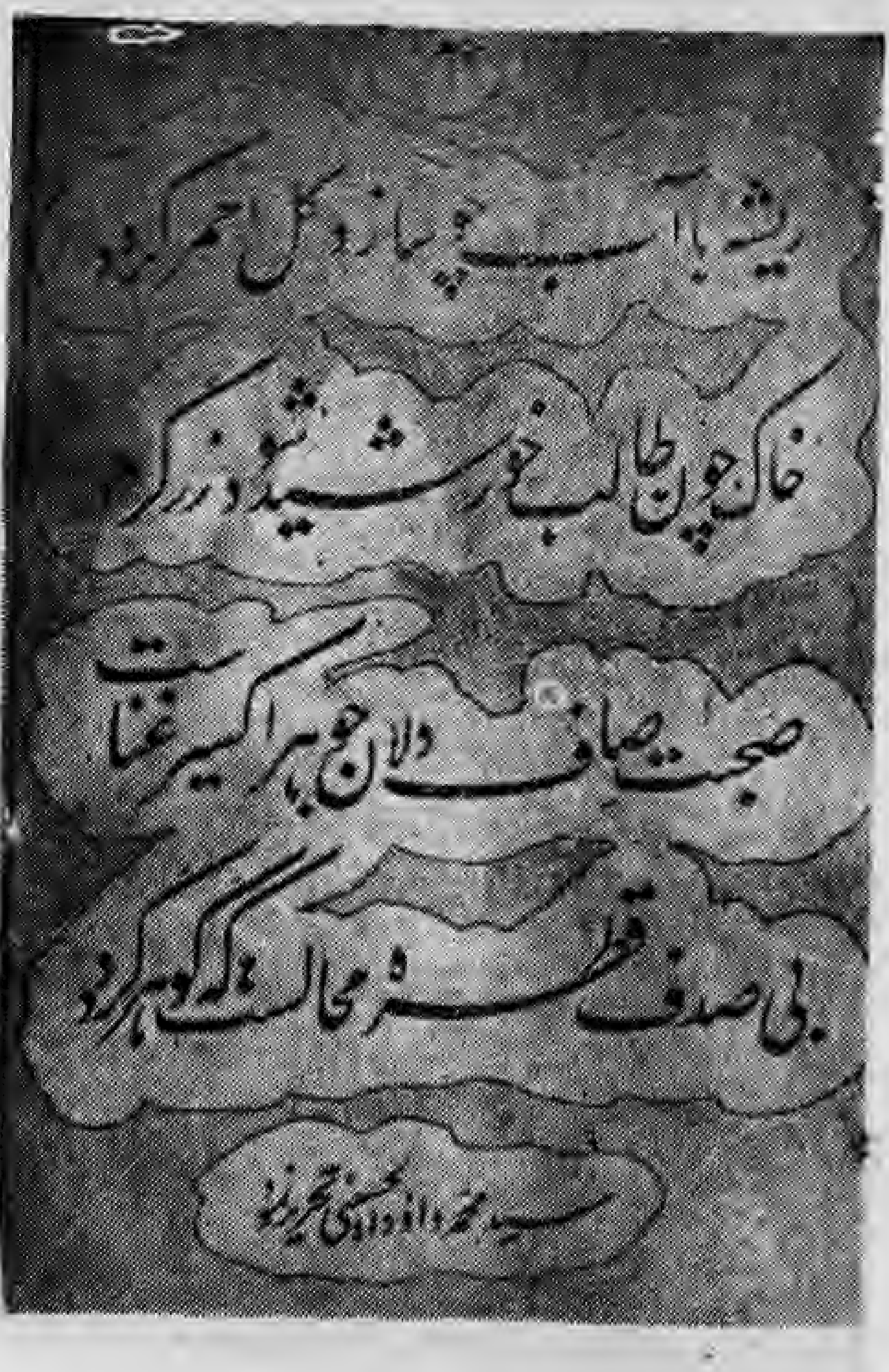


نمبر ۱۱۸

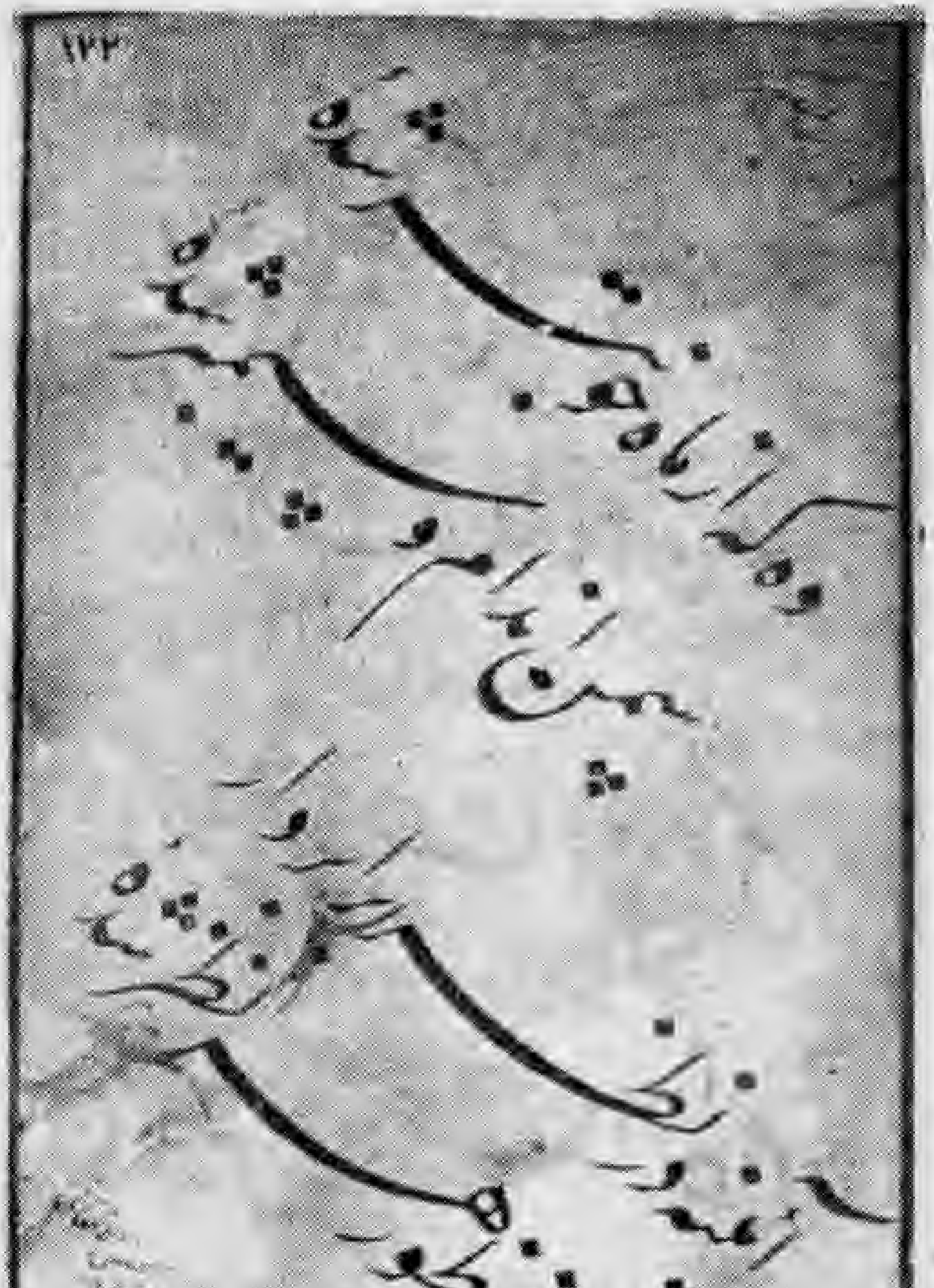




۱۲۰ نمونهٔ خط کوفی ونستعلیق
وثلث شیخ محمدرضاهروی ۱۳۲۶ ق



نمبر ۱۲۱



نمبر ١٢٢

که پادشاه د دړست جهان یم

غلام ستا ماه تابان یم

وی احمد شاه بابا

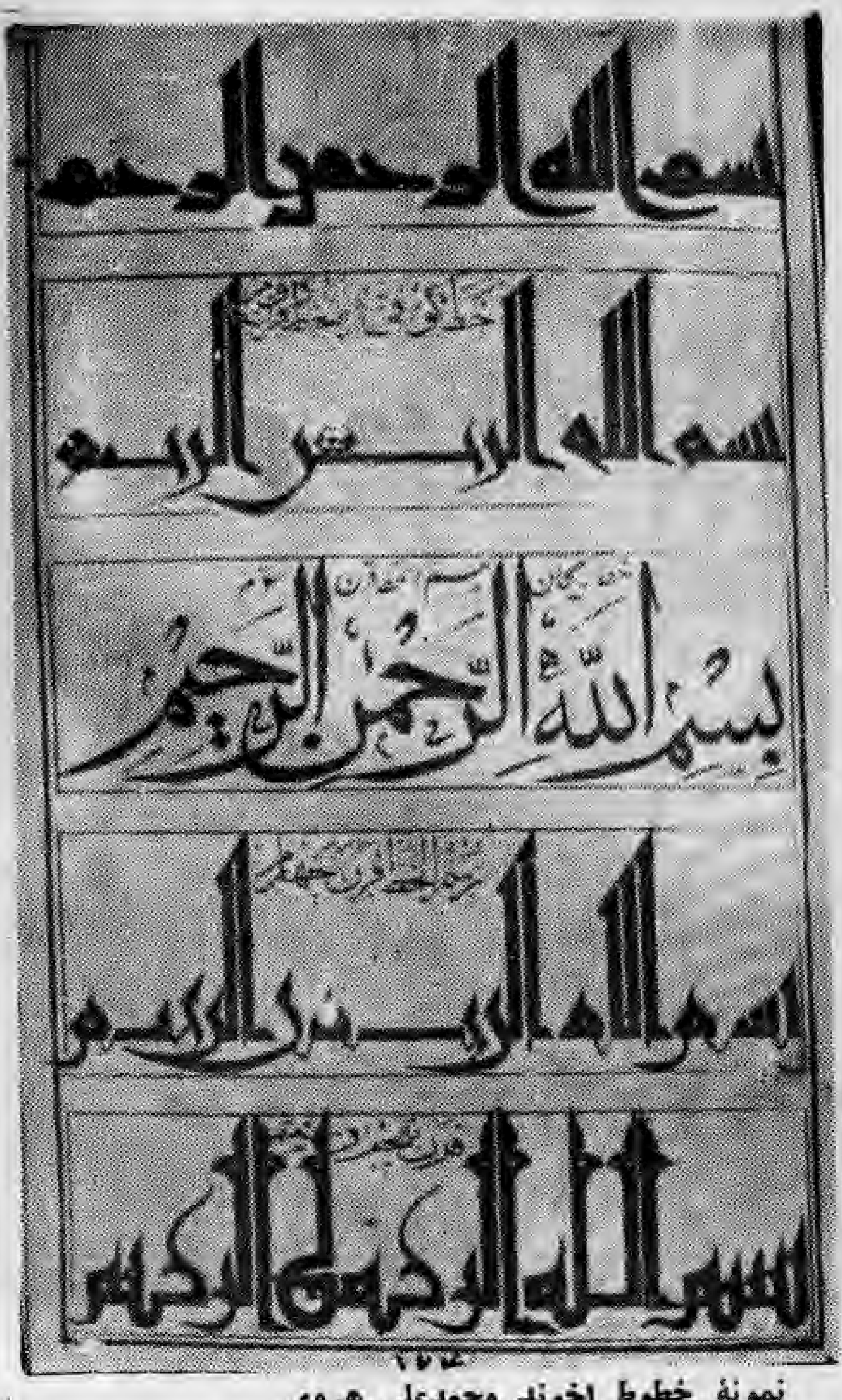
که هر څو په بهار درومیم

آخر پاڼی د خزان یم

به روش عماد الحسینی قلمی شد

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

۱۲۳



نمونهٔ خطوط اخوند محمدعلی هروی

بماند سالها این نظم و ترتیب

ز ما هر ذره خاک افتاده جائی

غرض نقش است کز ما باز ماند

که هستی را نمی بینم بقائی

حسین ضیا سلجوقی

نمبر ۱۲۵

شکل کنونی	در خیرالبیان	در مخزن	در خاندان خوشحالخان	امثله
ټ	ټ	ټ	طِ	غټ = غطِ
څ	څ	څ	چ	څوک = چوک
ځ	ځ	ځ ځ	ج	ځما = دما = جما
ډ	ډ	ډ	ڈ	ډېر = ڈېر
ړ	ړ	ړ	ڑ	زړه = زڑه
ږ	ږ	ږ	ژ	رسېږی = رسېدی = رسېژی
ښ	ښ	ښ	ش	ښاغلی = شاغلی
ڼ	ن	ن - نړ	نٔ	رڼا = رنړا = رنٔا

قوانین بودایی درعصر کنیشکا بـه‌سنسکریت فراهم آمده‌باشد ، د ر حالیکه‌زبان معابد شمال غـرب هنـد پـر اکریت قـد یم و خـط خروشتهی بوده ، ولی سنسکر یت‌هم در مناطق نفوذ خروشتهی‌رواج یافته بود. وحتی جملات‌سنسکریت‌در کتیبه های خر وشتهی ترکستان شرقی به الفبای براهمی د یـد ه‌میشود، واز آنم برمی آید که خـط براهمی با سنسکر یت یکجا جـای‌خروشتهی راگرفته بود.

همینکه کنیشکا تسلط یـا فت .آهسته آهسته‌رسم الخط خروشتهی در امپراطوری یویه ، چی از روا ج‌افتاد ، وحتی‌در تکسیلا نوشته ـ های خرو شتهی بایك پـو سـت‌درخت بلك بانوشته برا همی بـه سنسکریت‌بدست آمده،که‌نشوو نمای‌خط براهمی‌را نشان میدهد (۱) .

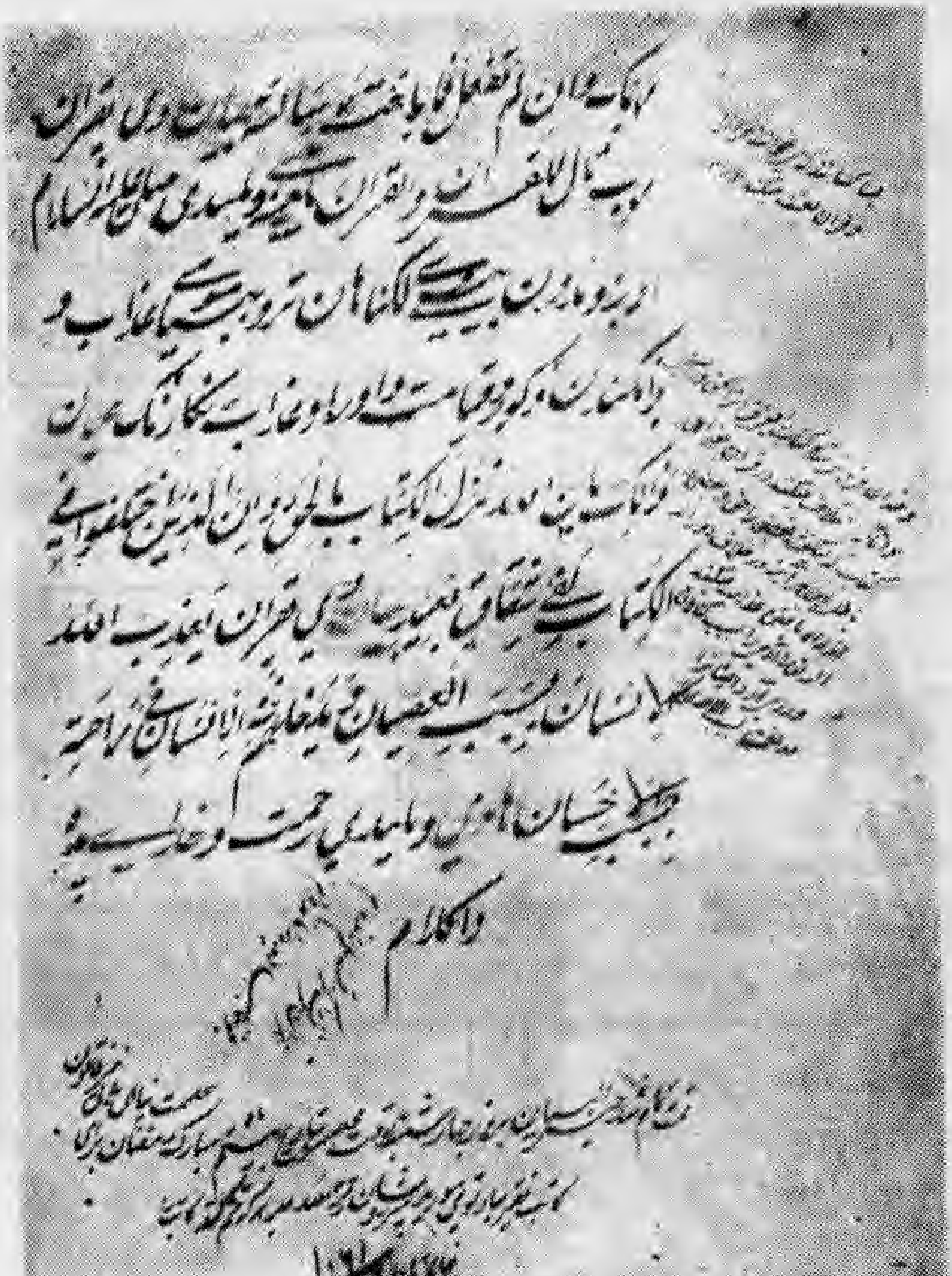
غالباً اخلاف‌کنیشکا بسبب‌سکو نت‌درهند، بعد ازواسود یوه(۲) کا مـلا هندی مآب شدند وسنسکر یت وکلتور هندی ، خروشتهـی را در شمال غرب هند ا ز بیـن بـرد و پراکریت هم مقاومت خودرا ازدست داد. ودرزمان هو ویشکه (۳) رونق‌خط خروشتهی به‌پایان ر سید و سنسکریت بودن نوشته های لو رلایی که‌بزمان واسودیوه و حتی بعد از آن هم تعلق‌دارد رواج‌سنسکریت‌رادر عصر اخلاف کنیشـکا نشا ن میدهد (٤) وبـدیـن حساب رواج‌خروشتهی ازقرن ۳ق.م آغاز شده وتامدت ۸۰۰ سال بقرن ۵م‌میرسدکه‌هم رسم الخط دفاتر ومسکو کات وهم خط کتب وآثار دینی بود.(۵)

تحقیقات علمارا جـع به‌رسم‌الخطخروشتهی درحدود ۱۸۳۰ م وقـتی آغاز شد، که‌یك عده مسکو کـا ت‌زیاد از افغانستان وشمال غـر ب هند، بدو رسم الخط خرو شتهـی‌ویونانی بدست آمد، ورسم ا لخـط یونانی آن کلید خوا نش کلما ت‌خروشتهی گـر دیـد . و جیمس پرنسیپ (٦) عضو انجمن شاهـی‌آسیایی بنگال ۷ـ۸ کلمه را از آن مسکوکات خوانده توانست ، و درتکمیل این کار کتیبهٔ خرو شتهی

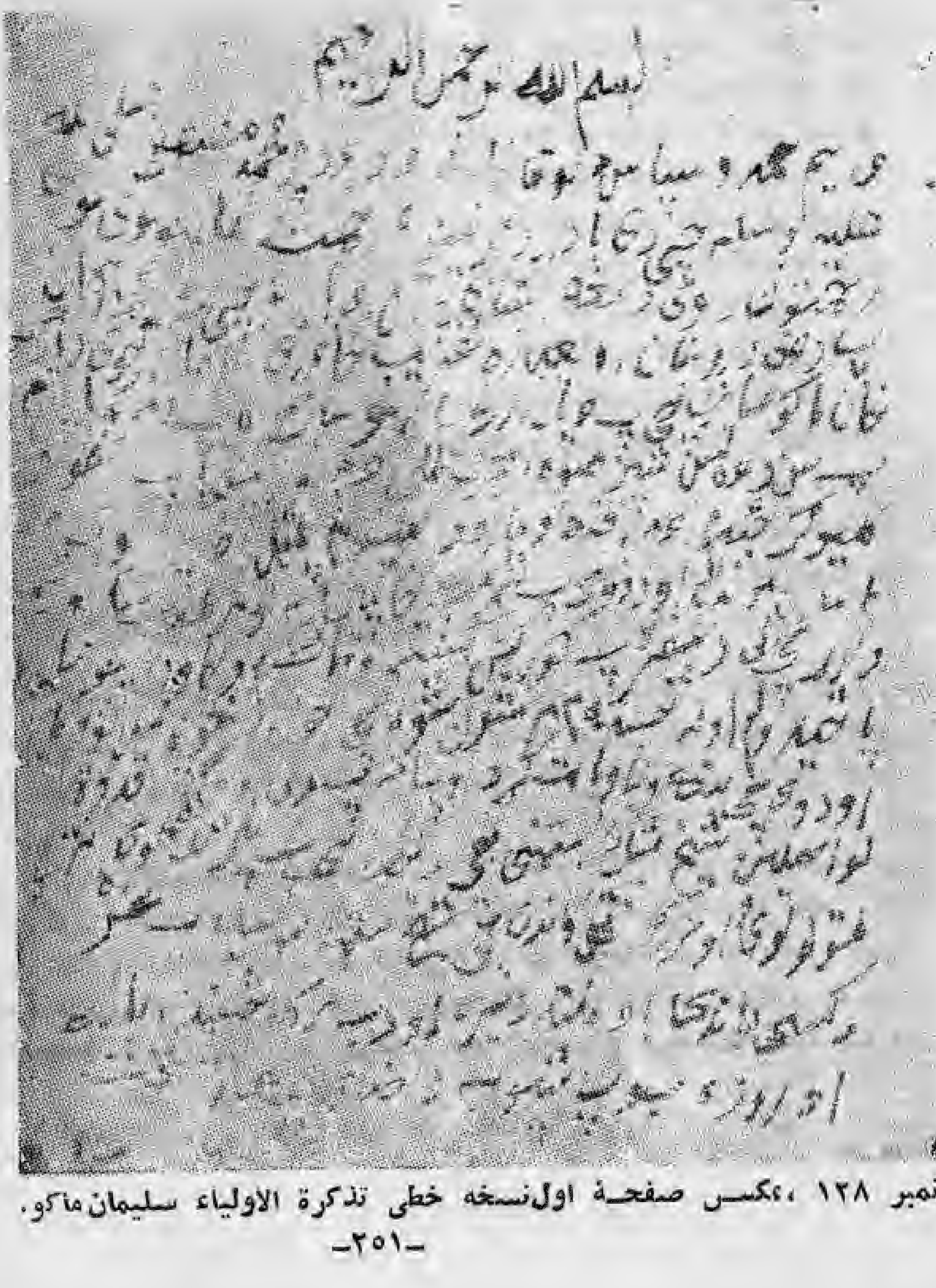
---

(1) S.K.173 (2) Vasudeva (3) Hoveshka (4) S.K. 191

(۵) مخفی‌نماند که خطخروشتهی‌در اوا خر آنقدر زیر اثرخط براهمی هند آمد، که گاهی مانند برا همـی‌ازچپ براست هم نوشته‌شده‌است
(6) Jams Princep



نمبر ۱۲۷، عکس صفحهٔ اخیر نسخهٔ خطی خیر البیان .


بسم الله الرحمن الرحیم

نمبر ۱۲۸ ،عکس صفحهٔ اول نسخه خطی تذکرة الاولیاء سلیمان ماکو.

خطاط معاصر



اکنون که داستان آفرینش خط را در افغا نستان شنیدید و نمو نـــه های انواع خطوط مروجهٔ دور های تاریخی را هم دیدید ، ما خوا نندگان گرامی خودرا به تما شای پدیدهٔ هنری خط در عصر حاضر می آوریم.

مواریث هنری گذ شتگان ما درین عصر نیز خو شبختانه زنده اند ، و ممثل بزرگ این هنر دریـنو قـت استادقادر القلم عزیزالدین‌فوفلزا ئی قند هاری ولدمرحوم حاجی نظام‌الدین خان ساکن کابل اند ، که باوجود داشتن مرتبهٔ اولین در صف خوشنو یسان این زمان ، نویسندهٔ مورخ و شاعر نیز میباشند .

برای اینکه در پایان این کتاب‌نمونه های زندهٔ هنر خطاطی را د ر کشور عزیز ما نشان داده باشیم ،از استاد گرامی .موصوف خوا هش کردیم که نمونه های انواع خطو طخامهٔ توانای خود را ضمیمهٔ این کتاب فرمایند .

استاد دانشمند این خواهش مارا‌پذیرفته و (۳۵) قطعه ازنمونه ها ی مختلف خطوط خود را برای تکمیل‌وتزئین این کتاب بما سپر دند ، که با تشکر درصفحات آینده آنرا عکاسی‌کرده ایم ، وخوا نند گان محترم دیده می توانند که فروغ هنر کهن هنوزدر افق وطن می در خشد ، وکشور عبدالله مر وارید وبایسنغر و میـر عبد الرحمن و سید عطا محمد شا ه از وجود هنر مندی چون استاد عزیزخالی نیست .

خدای توانا بربرکات خامه اش‌بیفزا یاد .

سلطان عقل و دانش جامی که یافت در خلد

از باده وصالش ، ارواح قدس جامی

تاریخ فوت او را ، از عقل خواستم گفت

آه از فراق جامی ، آه از فراق جامی

قطعهٔ تاریخ فوت مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی بمناسبت احتفال پنجصد و پنجاهمین سال ولادت آنجناب که در سال هزار و سه صد و چهل و سه ۱۳۴۳ ش در کابل بر پاشده تحریر گردید .

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

۱ـ خط نستعلیق سبک خراسانی

هر اختر چه په عالم کښ د امکان وي

پر مقصد دي د امیر عبد الرحمن وي

هر سهار چه لمر څرګند شي له فلکه

پر دښمن دي د امیر و رخ د قربان وي

بجواب یکی از قطعات مشهوره جناب سید عالم خان قندهاری مشق شد

العبد الحقیر الفقیر المذنب خیر الدین کابلی غفر الله

۲- خط نستعلیق



۳- خط توقیع از اقسام شکسته نویسی خراسانی باصنعت حاشیه‌آن
شعر استاد خلیلی

لکه ونه مستقیم پخپل مکان یم

که خزان را باندې راشي که بهار

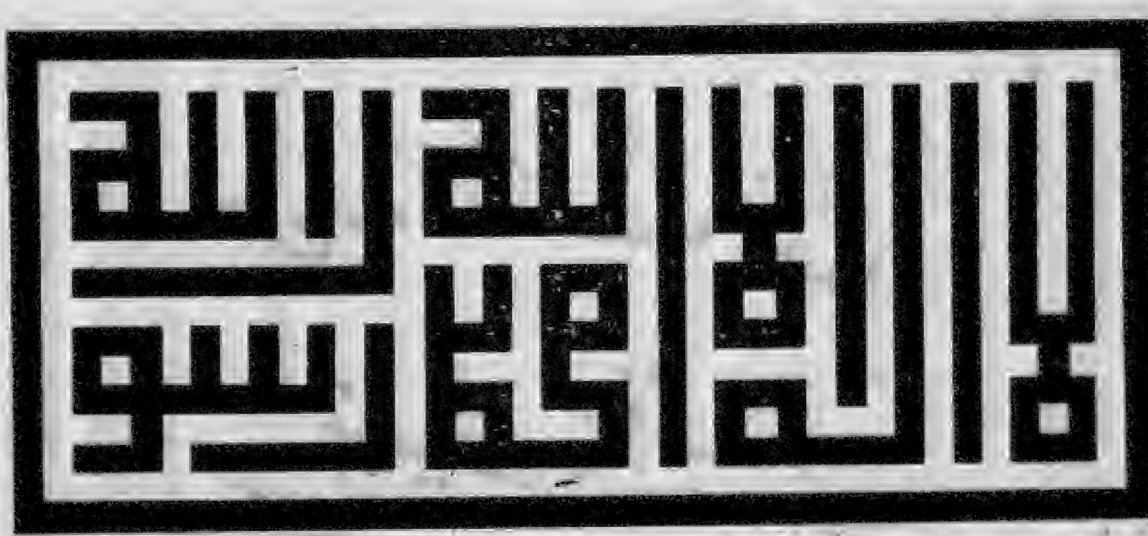
لیکونکی، عزیز الدین وکیلي پوپلزی

لکه ونه مستقیم پخپل مکان یم

لیکونکی، عزیز الدین وکیلي پوپلزی

گه خزان را باندې راشي گه بهار

٤ـ نمونه خط ثلث ونسخ بسبک عثمانی شعر رحمان بابا افغان



(٥) خط معقلی کوفی



(٦) خط توقیع خراسانی

(۷) نستعلیق

آن نیمه نان که بینوایی یابد

وان جامه که کودک گدایی یابد

چون لذت فتحیست که اقلیمی را

از رباعیات خلیل الله خان خلیلی

لشکرشکنی جهانگشایی یابد

(۸) تعلیق

۱—۷

بخط عزیزالدین وکیلی فوفلزائی درانی

۱۳۲۷

بطریق یادگاری قلمی شد فی سنه یکهزار و سه صد و پنجاه هجری شمسی

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی



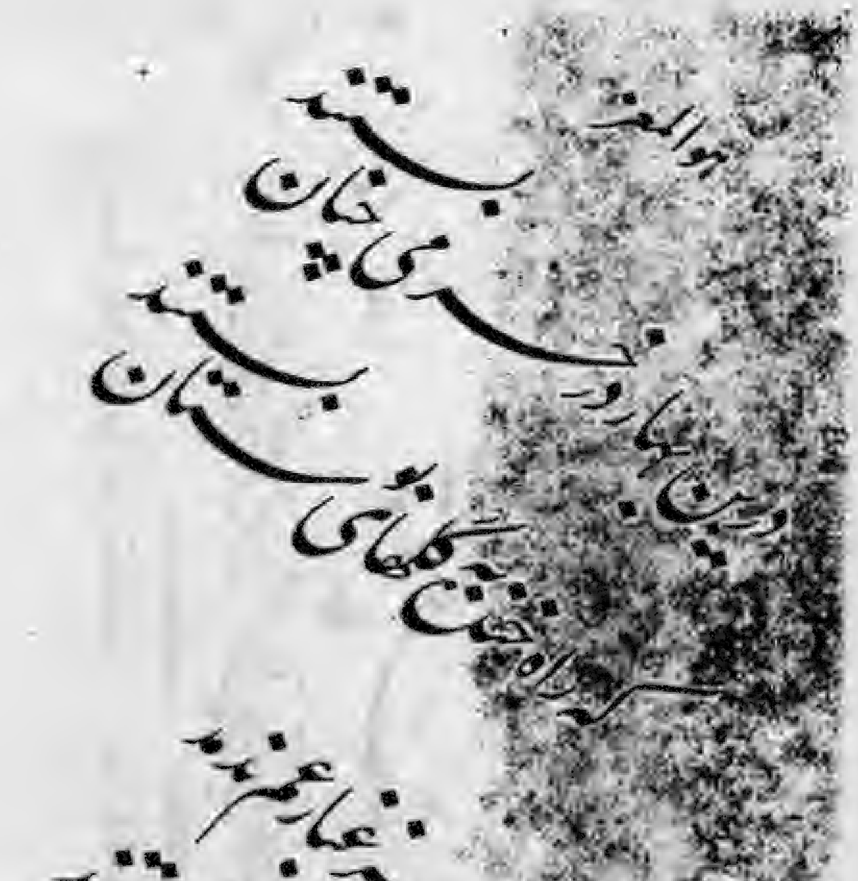
۹ـ سطر اول ثلث ـ دوم نستعلیق ـ سوم شکسته آمیز (طرز مناشیر)

کمك کرد که در چندسطر بر یــك ظرفی ازبلخ بدست آمده بود . ودر جولای ۱۸۳۸ درمجلهٔ آ سیا یــی بنگال مطالعات پرنسیپ در آن باره انتشاریافت . ومقارن آن از معبــد مانی کیاله پنجاب هم برخی نوشته ‌ه ‌ی خر وشتهی بوسیلــه جنــرال کورت (۱) بــدست آمد . و لــی چون پرنسیپ در ۱۸۳۸ درگذشت مستر میسون (۲) درافــغانستا ن مشغول کنجکاو یــها بــود . وی ازبامیان و هده نوشته های روی ظروف کشف کرد، که براساس مطا لعا تایشان پرو فیسر ولسون مــو فق گردید، که‌در کتاب آریا نه انتیکــواطبــع ۱۸٤۱ جــــد و ل حــر و ف خروشتهی زابا انواع آن تر تیــب داده ، وآنرارسم الخط آریانه بخواند. واین تحقیقات وقتی مکمل ترگردید که ستین کونو در کــتاب مهــم خود جدول ۲٦٦ شکل حــروف ؛اعداد آنرا ازروی تمام کتیبه ها ی مکشو فه تر تیب کــرد. (عکس نمبر ۱۰)

درباب تسمیهٔ خر و شتهی یــك نظر اینست که‌در اصل خرو تهــی بوده ، که قبیله یی تاکنون بنــام خروتهی افغانی موجــود اســت . و بیوهلر گوید: که‌خــروشتــه (۳)نام مخترع آنست . ویادر زبــان آرامی خروشته به‌معنی نو شتن بود، که بعد هادر سنسکریت هــم روا ج یافته باشد. ولی برخــی از علــماگویند : که‌از کلمه کروتهه (٤) آرامی به‌معنی «حرف» آمده است .

اکنون ذکر تمام کتــیبه هــا ی خروشتهی راکه تاسنه ۱۹۲۹ مطالعه ویاکشف شده مــی آوریم . کتــاب نوشته های خروشتهی در دو جلد ضخیــم درهــمین سال از طــرف ادارهٔ نشرات مرکزی حــکــو مــت هند درکلکته طبــع شد ه ، کـــه حصهٔ اول جلد دوم تالیف د کتــور ستین کونو پروفیسر یونیورستــی اوسلو باشد . ودرآن (۱۰۱) کتیبهٔ خـــر وشتهی که‌در ا فغانــستان تااواسط هند ولداخ بدست آمــده ، مورد تحلیل وترجمه قرار گر فتــه‌اســت . ودر جلــد دوم متــو ن خروشتهی ۷٦٤ کتیبه مو جوداست که حصهٔ اول کتابرا (بویر) (۵) (راپسون) (٦) و (سینارت)(۷)فراهم آورده ،وحصهٔ دوم کتا برا (راپسون) و(نوبل) (۸) ترتیــب داده اند . که طبع آکسفورد ۱۹۲۹ بــاشد. (نام کتــاب در انگــلیسی خروشتهی انسکر پشنز (۹) است

(1) Court
(2) Masson
(3) Kharoshta
(4) Karottha
(5) A. M. Boyer
(6) E.J. Rapson
(7) E. Senart
(8) P.S. Noble
(9) Kharoshthi inscriptions



۱۰ـ نستعلیق سبک خراسانی شعر استاد خلیلی

(۱۱)ـ تعلیق عربی که‌بنام دیوانی یا خط دفتری نیز معروفست .

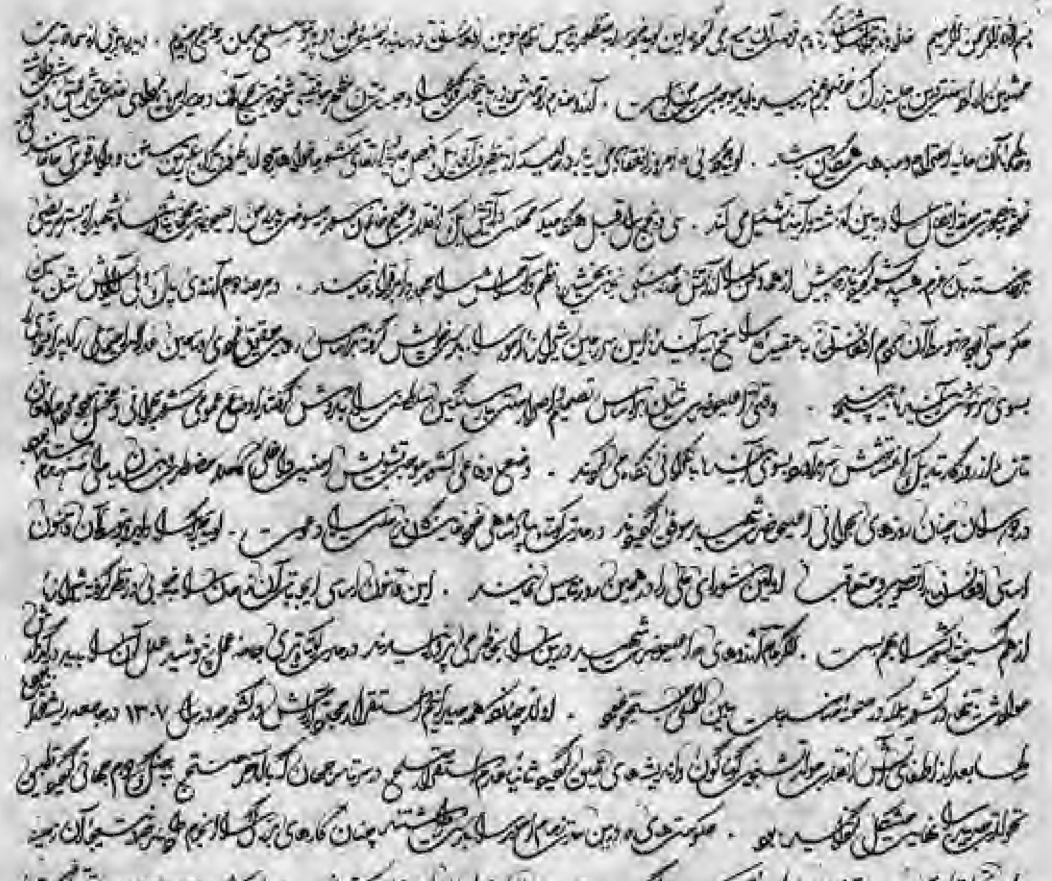


(۱۲)ـ توقیع مخصوص مکاتیب و فرامین





۱۳ـ نستعلیق باستقبال قطعه جناب استاد میر عبدالرحمن مرحوم



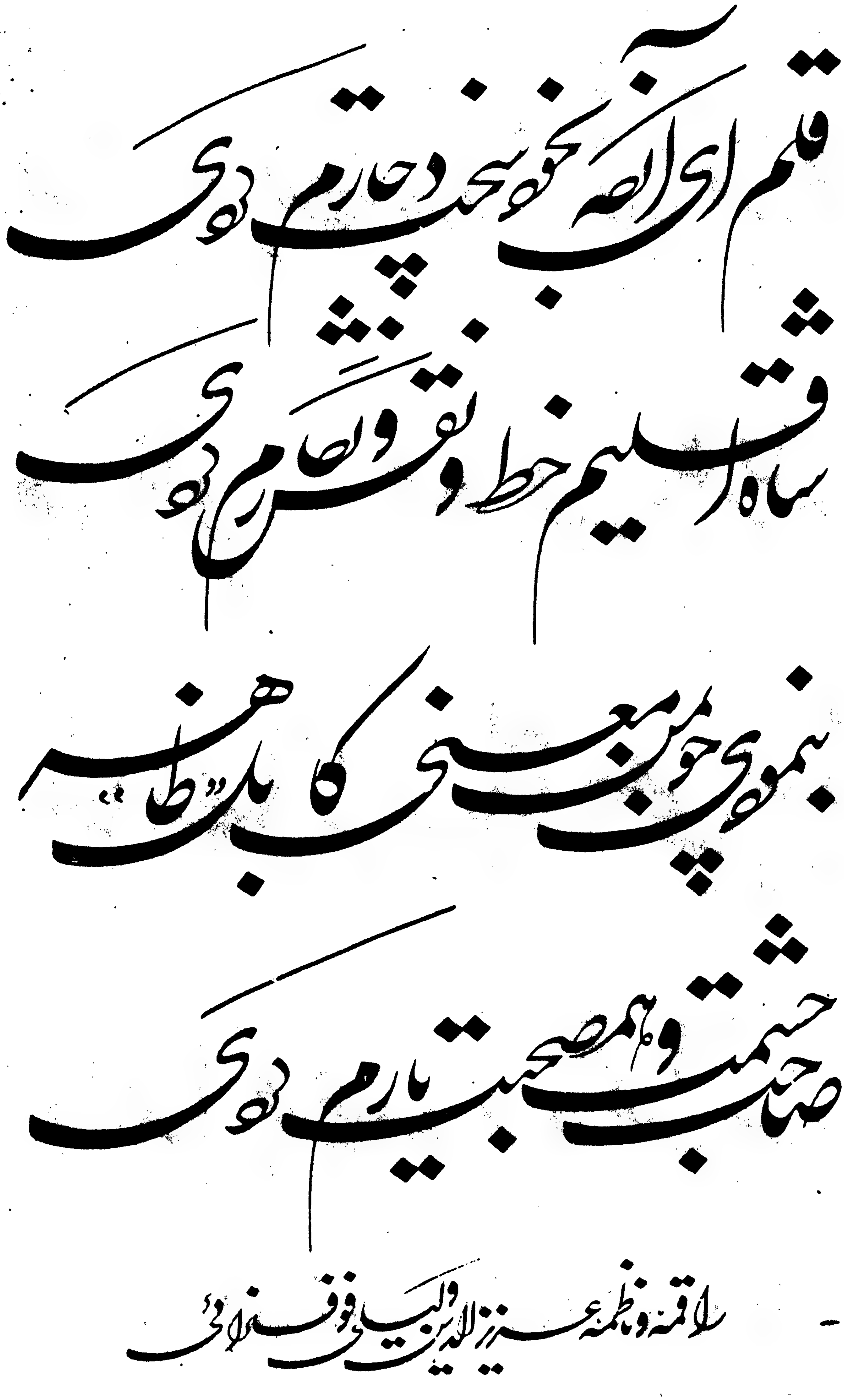
۱۴ـ خط تعلیق خراسانی یا محقق



٥ - أ خط [illegible] كوفي — ٣٦٤ —

١٣٥٠ ش
١٣٩١ ق

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ — از عزيز الدين وكيلي فوفلزائي



۱۶– خط توقیع خراسانی

چاره فیضه و ترقی شمدی

هوسلیلره معرفت و عرفاندر

خالصانه ایدیله سعی بیدریغ

دائما فیضده عمر ایندر

خط رقعه بقلم عزیز الدینه وکیلی فوفلزالی

۱۷ـ خط رقعه براساس استادی مکتب عالی عثمانی

ستا د عشق له وینو ډک شوه ځګرونه
ستا په لاره کښې بایلي ځلمي سرونه
که هر څوک دي د دنیا ملکونه د پرښي
زما څخه هېر نشي د ستا ښکلي باغونه
د رقیب د ژوند متاع به تار په تار کړم
چه په توره پښتانه کا ګذارونه
تا ته راسمه زړګی زما فارغ شي
بي له تا مي اندېښني د زړه مارونه
د دهلي تخت هېرومه چه را یاد کړم
زما د ښکلي پښتونخوا د غرو سرونه
که تمامه دنیا یو خوا ته بل خوا یي
زما خو خوښ دي ستا تش ډګرونه
احمد شاه به دغه ستا قدر هېر نکا
که ونیسي د تمام جهان ملکونه

لیکونکی: عزیزالدین وکیلی پوپلزی ۱۳۴۲

۱۸- خط نسخ پښتو. غزل احمدشاه بدالی.



۱۹ـ خط دیوانی دارای حروف تاج بسبک منشیان قدیم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

شروع کوم په نامه دالله چه ډیر زیات مهربان پوره رحم لرونکی دی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ټولو ستاینې خاص الله لره دی چه پالونکی د عالمیانو (ټول مخلوقات) دی، ډیر زیات مهربان پوره رحم لرونکی دی

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۝ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ

څښتن د ټولو امورو د ورځې د جزا دی خاص تا ته عبادت کوو او خاص له تا څخه

نَسْتَعِينُ ۝ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝

مرسته غواړو وښیه موږ ته لاره سمه

صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝ غَيْرِ

لاره د هغو کسانو چه انعام کړی تا پر هغو باندی نه

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝

لاره د هغو بدو کسانو چه غضب کړی شوی پر هغو باندی او نه لاره د هغو بدو کسانو چه ګمراهان دی

محمد عزیز الدین وکیلی فوفلزائی

١٣٥٠ ش - ١٣٩١ ق

٢٠ـ خط نسخ (قرآنی) بسبک ممتاز مکتب عالی عثمانی

ومادر حواشی مخفف آنرا بنـــا مؤلف آن ایس - کی (۱) اشاره کرده ایم .)

۱- کتیبهٔ خوات :

ازمهم ترین متون خرو شتهـــی کتیبه ایست روی طرف بزرگ سنگی که در حدود ۱۸۳۸م میسون آنرا ازخوات نزدیک ۳۰ میلی غرب کابل بهموزهٔ برتانیه لندن انتقال داد. (عکس نمبر ۱۱)

این کتیبه ، سه سطر بردورادورطرف ویک سطر هم در پایین دارد که حروف آن جدا جدا وبا وضـــح وروشن است که بنام مها راجـــه هوویشکه پسر کنیشکا (۱۶۹-۱۸۲م) نوشته شده وترجمهٔ تخمینی آن چنین است :

«درسال ۵۱ بتاریـــخ ۱۵ مـــاه ارتمی سیوس (۲) کمه گو لیه (۳) خلف وگره مریگه (٤) ساکن خوات گردید و بنا ی یـــاد گـــار حضرت ساکیا مونی را در ویهاره و گـــره مریگه نزدیک ستو به کـــذ اشـــت درین بنیان سعادت وخوشی ، سهم بزرگ از مهاراجه هو ویشکه باد! ثواب آن برای مادر وپدرم و برادرم هشتهونه مریگـــه بـــاد. (٥) وبه تمام منسوبین ودوستان ووابستگـــان و بخود من و گره مریگه باد ! نفع آن بصحت تمام موجودات وافتخارهمگان برساد! آنانیکه درین جهانند ازیر زمین تاآسمان ، ا ز تخـــم برآمده گان (پرندگان) و ازشکـــم برآمده گان (آدمیان وچهار پایان)تاموجودات بدون شکل (حیوانات غیر مرئی.) (همچنین ثواب آن) بهاخلاف من وآنانیکه گمراه نیستندبرساد!

وهمچنین از ساختمان گردا گرد آن، بهره برداری کامل شود ! و مردیکه عقیدهٔ کاذب دارد نیز ازآن سهم داشته باشد . این و یها ره درقبول معلمان مهاسانگهیکه (٦) است » (۷) د ر یـــن کـــتـــیبـــه سال ۱۵ سلطنت مقارن حدود ۱۸۰م باشد ، وماه ارتمی سیوس یو نانی ماه پنجم سال یونانی است کـــه درآثار الباقیه البیـــرونـــی (ص ۷۱) ارطماسا وس ضبط شده، ومقار ن ماه می است. واستعمال گاه شماری

---

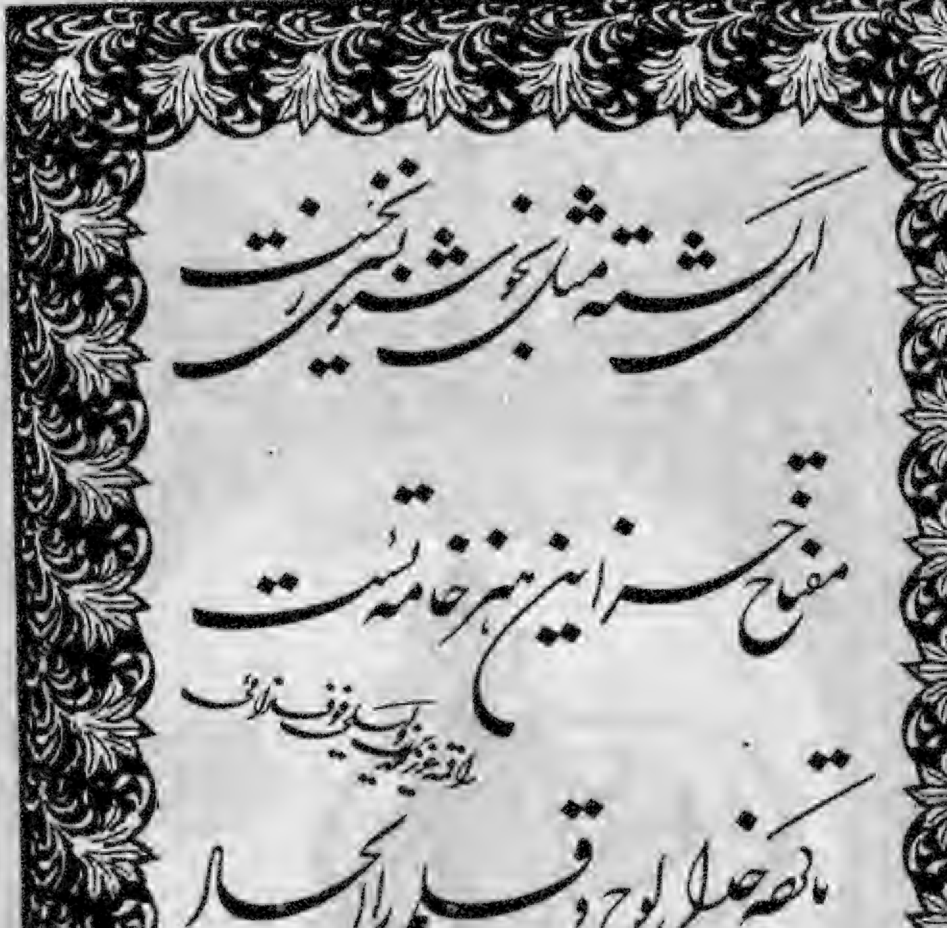
(1) S.K.
(2) Artemisios
(3) Kamagulya
(4) Vaera Marega
(5) Hashthuna Marega
(6) Mahasanghika
(7) S.K. 2/170



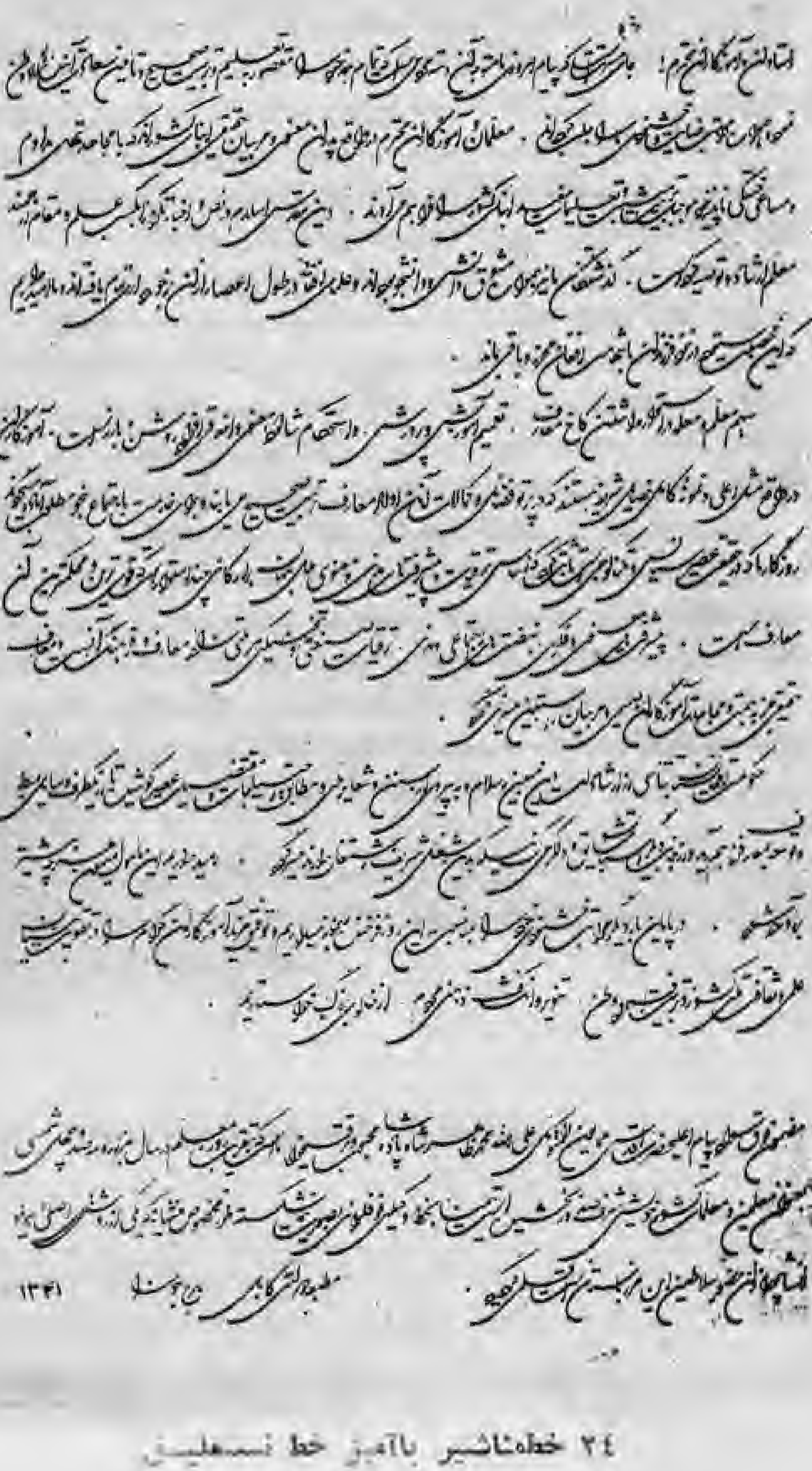
۲۱ـ خط کوفی وشکسته طرز ه‌نانه‌یر باصنعت خواسی



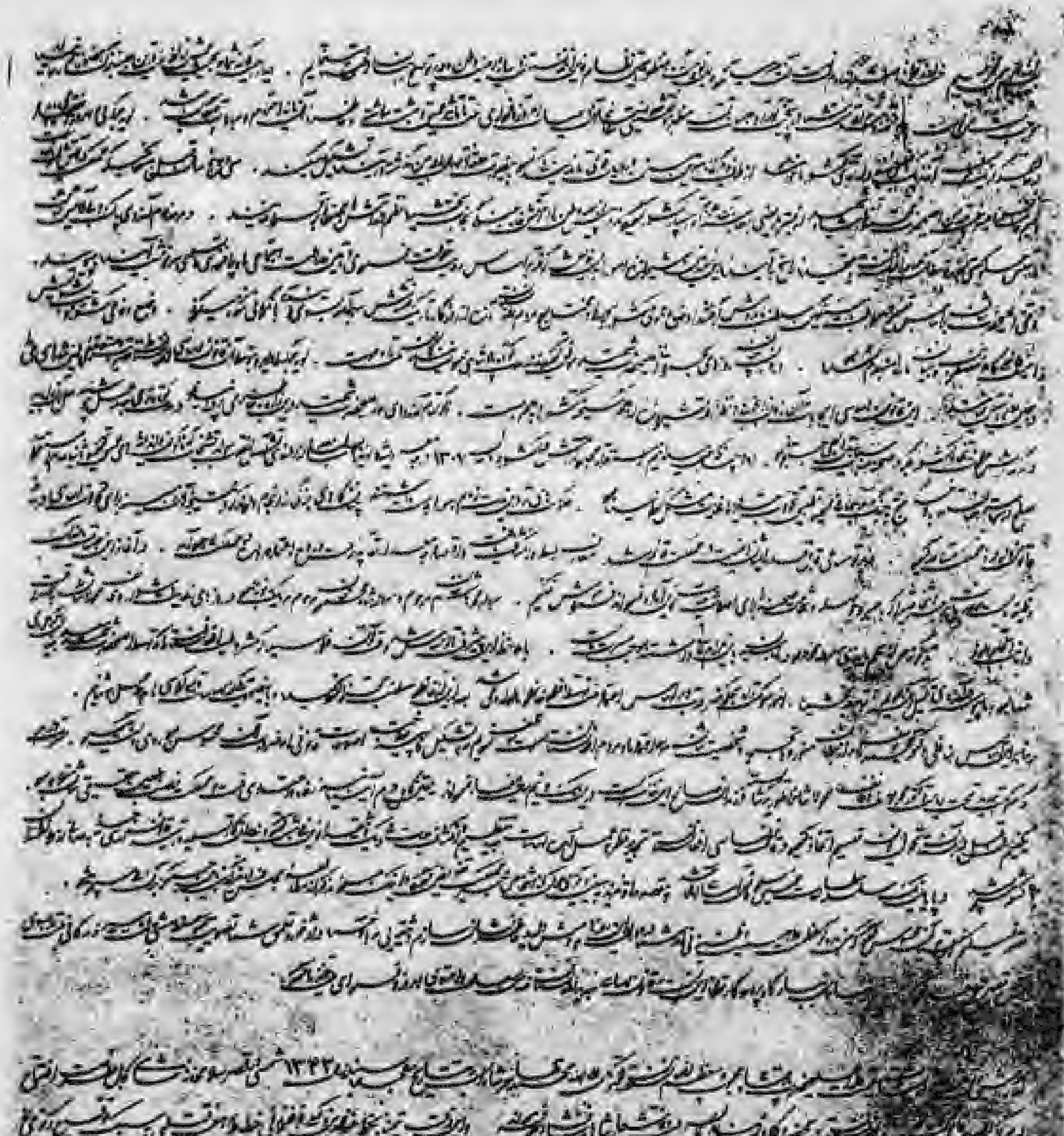
۲۲ـ طغرای خط دیوانی باحروف تاج وصنعت تزئین حاشیه



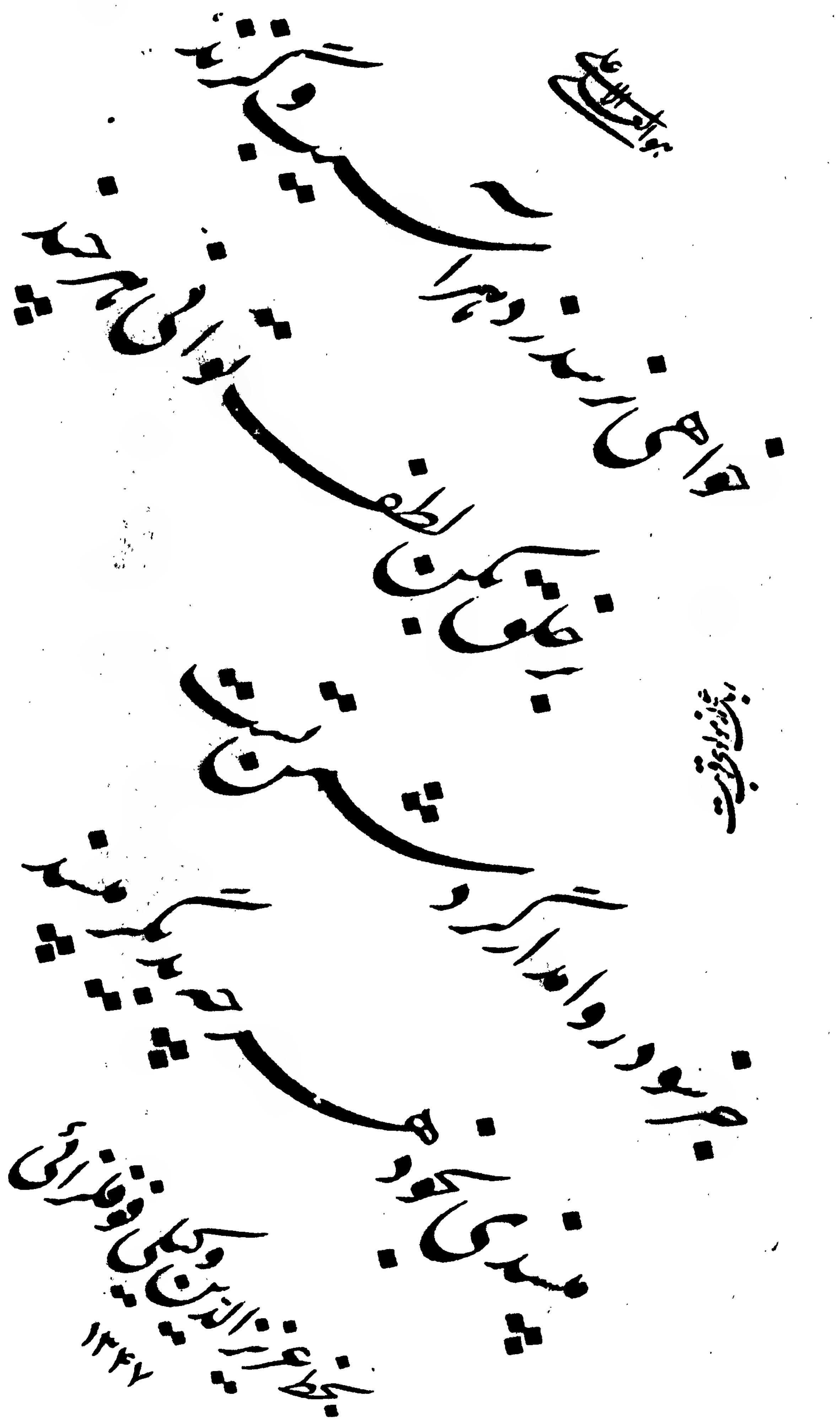
۲۳- خط شکسته با تزئین حاشیه



۲۴ خط ناشیر باآمیز خط نستعلیق



۲۵- شیوهٔ توقیع سبک خراسانی



۲۶ـ نستعلیق شیوهٔ مخصوص افغانستان

۲۷- خط توقیع شیوهٔ خراسانی ←





خط دیوانی عربی بیت پښتو رحمان بابا

صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت

ناز کم کن که درین باغ بسی چون تو شکفت

گل بخندید که از راست نرنجیم ولی

هیچ عاشق سخن تلخ بمعشوق نگفت

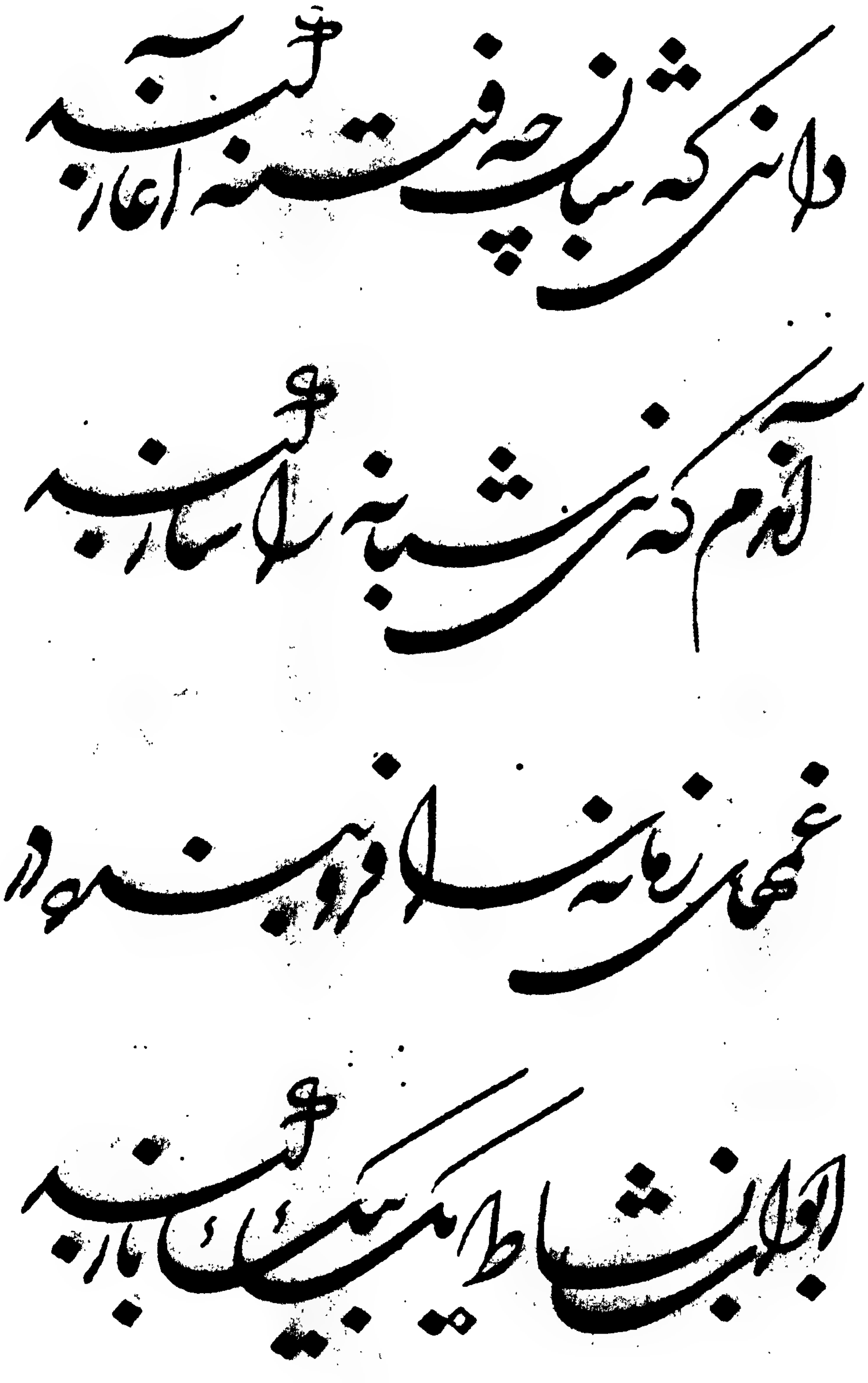
عزیزالدین وکیلی فوفلزائی تحریر نمود

۱۳۴۷

۲۹ـ یك شیوه ازخط مناشیر



۳۰- خط ثلث و نسخ براساس استادی مکتب عالی عثمانی



۳۱ـ شیوه مناشیر شعر استاد خلیلی



۳۲ـ تعلیق سبک خراسانی

یونانی در رسم الخط خروشتی دلالت دارد. بر اینکه اثر فرهنگ یونانی در اواخر قرن ۲م باهمان استواری سابق خود باقی بود. و۱۵ ماه ارتمی سیوس سال۱د = ۲۵ اپریل۱۷۹م باشد.

درین کتیبه نامهای دو برادر بنام‌فامیلی ماریکه یامریکه مذکور است که‌همین نام باملای ماریک (۱) درکتیبهٔ زبان تخاری و رسم الخط یونانی سرخ کوتل با رئیس هیئت‌ترمیم معبد بغلان هم آمده، ومعلوم است که‌مریکه نام یك دودمان عهد کنیشکاو پسرش هوویشکه بود، وافراد این خاندان در بنا و ترمیم‌معابد دستی داشته اند . ولی استعمال زبان تخاری ورسم الخطیونانی در معبد بغلان و خط خروشتی وزبان پراکریت درمعبدخوات که‌بین هردو فاصله ۲۰ساله است خلط ووجود فرهنگ مقامی زابایونانی میرساند، واینکه در آثار معبد بغلان، علایم آتش مقدس ،ودرخوات یك معبد بودایی دیده میشود. که‌بنام ساکیامونی وقف شده این‌مطلب راتایید میکند : که‌در عصر کوشانی آزادی مذاهب ومدارای‌عقاید دینی به تمام وکمال موجود بوده وبر مسکوکات این شاهان‌هم یك مجموعهٔ ارباب انواع مقامی ویونانی وهندی دیده میشود .

مضمون کتیبهٔ خوات وسعت‌نظروشفقت برتمام موجودات حیه رانیز حاویست که وا بستگی بامضامین‌فرامین اشوکا وقوانین دیانت‌بودایی دارد، وتسامح تام مذهبی از آن‌نمایان است.

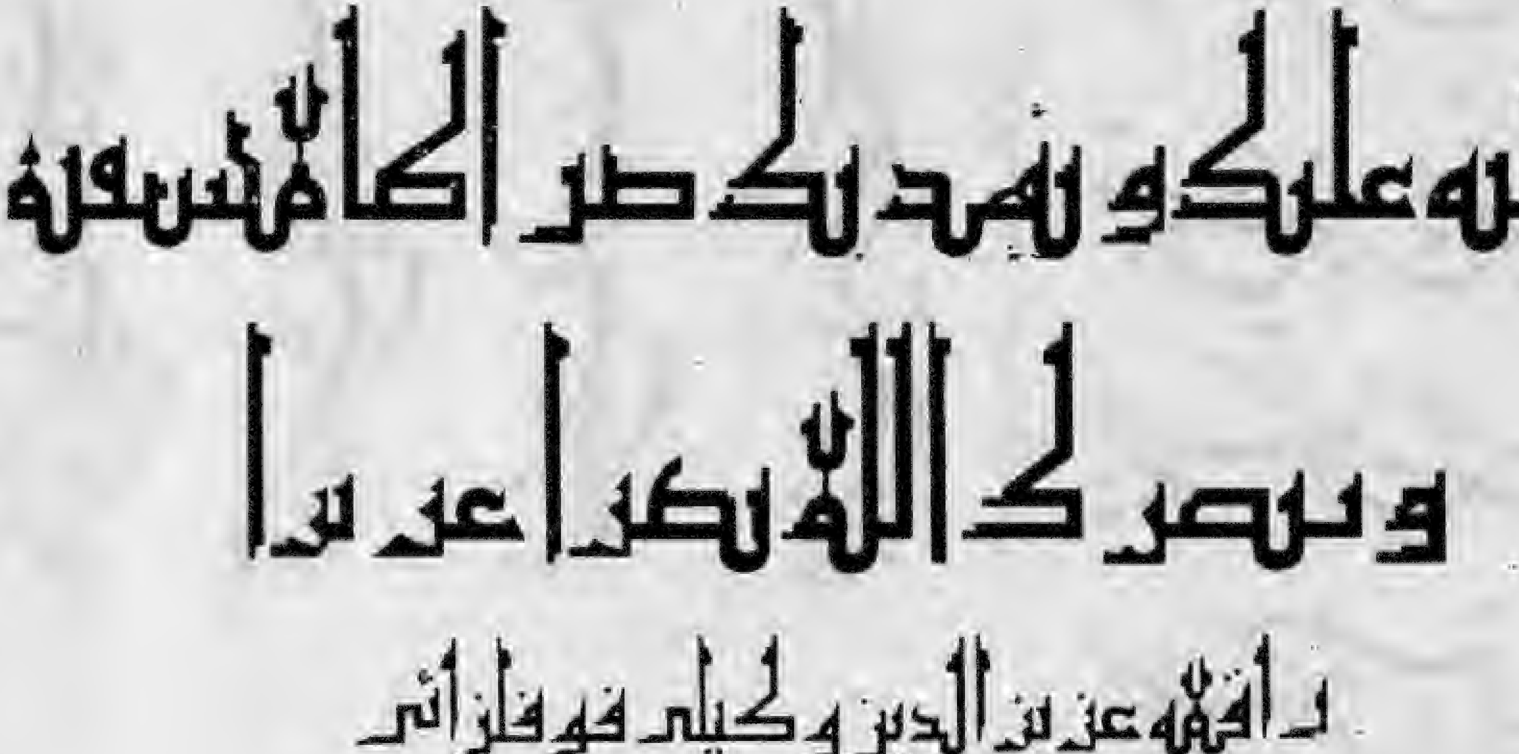
اما ذکر معلمان مهاساتگهیکه‌ثابت میسازد که این فرقه در افغانستان هم موجود بود واین نام‌فرقه‌ایست که ساکه ها حین کمال مشغولی خود با بودیزم ، فرقهٔسرواستیوادین رابرخلاف‌آنها حمایت میکرده اند(۲) وذکر این‌فرقه در کتیبهٔ متورا و غیره هم آمده است .

۲ـ نوشته هابر پوست درخت:

درسنه ۱۹۳۰ دریکی از سموچهای بامیان نزدیك بت ۳۵ متری نوشته های خروشتی وبراهمی‌برپوست نازك درخت کشف شد، که پارچهٔ کلانتر آن ۲۵ × ۱۰ سانتی‌سطح دارد، وآنرا در ۱۹۳۲ در مجلهٔ آسیایی پاریس بانوشته های‌مشابه آن که از کشمیر و گلگت خریداری شده بود ، مورد مطالعه‌قرار دادند که به قرن۳ تاقرن ۸ م

---

(1) Mareg (2) The Dynastic art of Kusaaa,p134. By Rosenfield. California 1967



۳۳ـ ازاقسام خطوط کوفی



۳٤ قطعه هفت قلم خامهٔ استاد عزیزالدین قوقلزانی که باستقبال قطعه خط آخوند محمد علی عطار هروی نگاشته اند .



(۳۵) نمونهٔ دیگر ازخط تعلیق(دیوانی) عربی بقلم خطاط هفت قلمی
عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

فهارس اعلام

رجال ، اماکن *،طوایف ،قبایل، خـاندانهـا،
کتب،رسایل ،زبانها ،خطوط ،انجمن‌هاوغیره

مرتب

حبیب‌الله رفیع

---

* نامهای اماکن تـوسط ستاره (*) مشخص شده است .

«آ»

«الف»

* * *

«ب»

تعلق دارد. وبقا یای یك کتابخا نـهمعبد است که برخی ازآن قصو ل کتـب ابهـی دهرمه (۱) پیـروان‌مذهب بزرگ بودایـی بود وکلـمه «بودی سـتوا» (۲) درآن‌دیده میشود که ارتباط به مذهب بزرگ بو دایی دارد .ونیز پارچه های کتاب وینایا(۳) یکی از آثـار مذهب و چنـت بودایی نیز بزبان سنسکریت و خطبراهمی وخروشتهی درآن مو جو د است واز آن پدید می‌آید که‌تاحدودقرن ۸م هم‌این رسم الخـط هـا ی خروشتهی وبـراهـمی بـازبـا نـسنسکریت درین حوالی رواج داشت تاکه نشر دین اسلام آثار آنرا ازبین برد.

۳ـ نوشته برظرف گلی هده :

آثارهده‌پنج‌میلی‌جنوب‌جلال‌آباد و مسکوکات‌وبناتیکه‌ازین مقام درصد سال اخیر بدست آمده در تار یـخ‌بودیزم ودورهٔ کوشانی اهمیت تا م دارد ،واین ولایت ننگر هـار جزءمهم کوشان شهر بود و آثارنقاشی بودا در حوض آب ماهیان که‌ازتپه‌اشتر هده اکـنون کشـف شـد ه بهترین مظهر نقاشی‌گندهار است ومعبد بزرگ استخوان بودا هـم درینجا بود، که‌نام هده‌ازآن‌آمده ودرپشتو هد (٤) بمعنـی ا ستخوان است.

درحدود صد سا ل قـبل مسترمیسون یك ظرف گلی رایادو سطر نوشتهٔ خروشتهی بدست آورد ، که‌درسنه ۲۸ ساخته‌شده و به‌یك‌بودی ستوا اهدا گردیده و ثـواب آ ن‌به‌یاد شاهی بخشیده میشود ، که نام وی مذکور نیست وشاید یـکی ا زکوشانیان بـاشد (کـتیبه هـا ی خروشتهی ستین کونو) نقل خطـی‌این کتیبه راویلسو ن در کتـا ب آریانا انتیکوا وبعداز آن کـونو درکتیبه های خروشتهی (۲ر۱۵۷)نشر نموده اند. ترجمهٔ‌آن :«درسال۲۸دهم‌ماه ابی لایوس (۵)بنای یاد گـاری درباغ شاهی (٦) دریك ستو پـابدست معمار سنگه میتره (۷)

(1) Abhidharmakosa-Sastra
(2) Bodhisattva
(3) Vinaya
(4) HADD
(5) Apellaios

(٦)دراصل RAMNAMMI بود که آنرابه KING'S GROVE ترجمه کرده اندو لی نام باغ شا هی‌تاکنون در جلا ل‌آباد مـو جـو د است.

(7) SANGHAMITRA

«پ»

«ت ،ث»

«ح»

«خ»

((د،ډ،ذ))

((ر))

((ز،ژ))

((س))

«ش»

نداشته شد. این بنیاد برکت یادگار بودهی ستوا باد! جلو گیری از فساد دهرمه (۱) درهر جا باد! آمادگی برای نروانای (۲) همگان باد! واجر جزیل برای شاه باد .» (کتاب مذکور ۲ر۱۵۸) درین کتیبه تاریخ ۱۰ ماه اپی لایوس یونانی سال ۲۸ مساویست با ۲٤ نومبر ۱۵۵ م که عصر کوشانیان بزرگ باشد .

٤ـ کتیبهٔ آرا: (۳)

بفاصله ده میل جنوب غربی اتک نزدیک گذرگاه نیلاب بر کنار جنوبی دریای سند بعرض ۳۳ درجه ٤٦ دقیقه وطول ۷۲ درجه ۱۲ دقیقه واقع است. کتیبهٔ سنگی آن ۲فت × ۸ انچ از طرف سر اولف ستین به موزه لاهور اهدا شده (نمبر ۱ـ۱۳۳) مشتمل بر ٦ سطر خروشتهی عصر کوشانی ودارای تاریخ ۲۵ جیی شتهه (٤) سال ٤۱ = ۲٤ اپریل ۱٦۹ م مضمون : «در عصر مهاراجه راجاتیراجه دیوه پتره کیسره کنیشکه پسر وجهشکه (۵) درسال ٤۱ وروز ۲۵ ماه جیی شتهه ، این چاه از طرف دشه وهه ره خلیفه پشاوریان (٦) به افتخار مادر وپدر و ثواب خودش وهمسر وپسرش ، برای رفاه تمام مخلوقات کنده شد. (۷) دربنجا لقب رومی کیسره = قیصر ونوشتن نام پدر او را مشخص میسازد ، که همان فوشکه (۸) مذکور در راجه ترنگینی کلهنه است، که در کتیبهٔ سال ۵۱ خوات وردگ بعنوان مهاراجه (امپراتور) یاد میشود . (۹)

۵ـ کتیبهٔ مهر باجور :

درسنه ۱۸۸۹ م ازمیان کلی باجور شمال شرقی جلال آباد ، چندین سنگ نوشته بدست آمد که بر یکی از آن به خط خروشتهی کلمات : سوتیپو دمه سه (۱۰) نوشته شده و کلمهٔ اول راهمن شاو (۱۱) زبان ساکه بمعنی (KING) دانسته اند = (شا در کتیبه های کوشانی) ولی نام این حکمران بلا شبهت یونانی است ، واز حکمرانان وادی کابل

---

(۱) عدالت ،تقوی ،راستی DHARMA

(۲) NIRVANA فنای مطلق در عالم خیر

(3) ARA (4) JYAISHTHA

(5) MAHARAJATIRAJA DEVAPUTRA KAISARA VAJHESHKA PUTRA KANISHKA

(6) Dashavhara of the Peshawarian Scions

(7) S.K. 2/165 (8) Fushka

(9) S.K. 2/179 (10) Su-Theudamasa

(11) Shav

۱

مدخل

افغانستان ازنظر جغرافی برچهارراه وسط آسیا واقع است ، همچنان که خصایص اقلیمی گرم وسرد ومعتدل دران پدیدار است ، درطول تاریخ ازنگاه پیدایش افکارواوضاع مدنی وپرورش کلتور و هنر نیز اهمیتی دارد ، که درتاریخ تمدن آسیای میانه همواره سهم عظیم مردم آن فراموش شدنی نیست.

سر زمین افغانستان دراز منۀ قدیم بنام آریانه ARIYANA

پرورشگاه مردمی بود ، که از زادگاه قدیم خود آریانه و یجه ARYANA-VAEGO به صفحات باختر ودامنه های هندوکش هجرت کرده بودند ،وازهمین جاشرقاً به هند شمالی وغرباً به سرزمین کنونی ایران واروپا رفتند ،که آنان رانژاد هندواروپایی INDO-EUROPEEN گویند .

مردم آریایی که در سرزمین بین دجله وگنگا سکونت کردند ، در تاریخ تمدن بشری ازمدت ۱۵۰۰سال قبل از میلاد سهم عظیمی دارند که مخصوصاً مظاهر تمدن ایشا ن درکتابهای ویدا واوستا نمایانند ، وازین دوکتاب قدیم به افکاروکلتوروتمام مظاهر مدنی زندگانی ایشان پی می بریم.

مردم افغانستان قدیم یعنی آریانه از نظر کلتور ومدنیت وتحولات فکری ودینی دارای دوگونه موار یث قدیم فرهنگی اند :

اول: آنچه دربین خود با تکامل مراتب حیات مدنی دارای ذخایر فرهنگی ومدنی وفکری شده اند .امثال ترتیب قوانین دینی وآغاز به شهر نشینی وبنای بلاد وترویج هنروصنایع وآغاز به تفکر فلسفی ومبادی اخلاقی که دربقایای کتاب اوستا مظاهرآن بوجه احسن پدیدار است ومورخان یونان قدیم هم بآن اشارها دارند.

دوم: چون افغانستان بین هندوستان وچین و پارس وسغد افتاده بود، و این ممالك دارای مدنیت ومبادی دینی وفکری بودند، وبا یکدیگر روابط تجارتی وسیاسی واجتماعی داشته اند بنابرین این سر زمین همواره

((ص، ض، ط، ظ))

((ع))

((غ))

((ف))

((ق))

((ك))

((گ))

((ل))

((م))

«ن»

در عصری میزیسته ، که سلطـــه یونانیان باختر از طرف قبا یـــس سیتهی و کوشانی خاتمـــه یافت .(۱)

۶ـ کتیبه آبگردان مسی :

در سنهٔ ۱۹۲۰ م طرف آبگر دان مسی ازقریه بیدادی (۲) ۱۲ میلی شمال غربی مانسیهره وا قـــع کنار دریای سیران بدست آمد، که بموزهٔ پشاور اهدا شد و۹ انـــچ فراخـــی و۲.۷ ر طل وزن دارد وبرآن بـــه خط خروشتهی پیش ازدورهٔ کوشانی نوشته اند :

« ارمغان سنگهره کشیته (۳) به‌جمعیت روحانیون‌چهارمقام (٤) در مملکت یوره شا (۵) از معلمان کاشیه پیه (٦) .»

شباهت کلمات این کتیبه را بـــا برخی ازنوشته های تکسیلا وموزهٔ پشاور خاطر نشان کرده اند ، وفرقهٔ آموز گاران کاشیه پیه نیـــز ربطی با فرقه های مذهبی تکسیـــلا دارد . (۷)

۷ـ کوزه قریهٔ بیماران جلال آباد:

این دیه درحدود هفت میلی‌شمال‌غرب جلال آباد واقع است و بیـــن سنوات ۱۸٤۳ ـ ۳۷ مستر میسو ن انگلیسی درستو پـــای بـــزر گ و کوچك مرکز این قر یه حفـــر یـــات نمود، ودر اطاق یادگار مقدس‌آنجا کوزهٔ بزرگی که‌ازخاك روغنی‌سا خته‌شده‌بود، باخط خروشتهی یافت که درآن دانه های گوهر وسبحه‌وجعبهٔ طلایی‌مزین‌وچهارسکه‌مسی‌ازیس (۸) بـــود وازآن استدلال میکنند که‌این ظرف متعلق به عصر پیـــش از ازیس وپیش از (حدود ۵۰ ق.م)نیـــست وبر مسکـــو کـــات آن بخـــط خروشتهی نوشته اند:

« مهاراجه سه مهاته‌سه‌دهرمیکـــه سه راجه تیـــره جه‌سه ایاسه»(۹)

ترجمهٔ کتیبهٔ او ل : «ارمغـــا ن‌شیوه ر کشیته‌خلیفه‌موجه‌وت‌ها(۱۰) بتقریب اینجا اوبطور یادگارحضرت(بودا) بافتخار همه‌بوداها »(۱۱)

---

(1) S.K.2/6 (2) Bedadi
(3) Sangharakshita (4) Four Quarters
(5) Urasa (6) Kasyapiya
(7) S.K. 2/88 (8) Azes
(9) Maharajasa Mahatasa Dhramikasa Rajatirajasa Ayasa

نام ایاز که درادبیات دری بشکل ایاس هم‌آمده ، آیاربطی بااین‌ایاس Ayasa شکل خرو شتهی از پس‌نخواهد داشت ؟

(10) Sivarakshita The Mujavat Scion
(11) S.K. 2/51

((و))

((ه))

((ی))

چاپ: دانش کتابخانه، قصه‌خوانی بازار- پېښور
ټېلفون: 2564513

+۹۲-۹۱-۲۵۶۲۵۱۳

کتیبه سرپوش ظرف » شیوه‌رکشید» خلیفه موجه وت . بطور ید دز حضرت (بود') » (۱) مخفی‌نماند: کـه کلـمه موجه وت (۲) را نام قبیله یی پنداشته اند، که درانهر واوید' مقارن اسمـای بلهیکـه وکندعازی شمال غرب هند مـذکوراست . (۳)

۸ـ کتیبهٔ سرپوش جعبه :

دربین آثار باستانی که مستـرمیسون از افغانستان فرستاده بود، سرپوش یك جعبهٔ بر نجی، نو شتهٔ خروشتهی در دوسطر دارد ، که نظر محققان راجلب کرده‌است ، ، تاریخ آن مانند کتیبهٔ مانی کیـا له ۱۰ + ٤ + ٤ = ۱۸ نوشته شـده وترجمهٔ متن ـ چنین است .

« درسال ۱۸ دهم‌ماه ارتی‌مسیوس (٤) یادگار شرامانه کوتمه(۵)در معبد نهاده شد. »

تاریخ دهم ماه ارتـی مسیو س‌سال ۱۸ مساویست با ۲۰ اپـریل ۱٤٦ م که‌عصر نوشتن این کتیبـه‌رابه اوایل دورهٔ کوشانیان بزر ک میرسانند . (٦)

۹ـ کتیبهٔ امب :

دیوی (۷) قلعت کوچکی است‌درسرزمین امب دردامنه های شر قی کوه مهابن که‌در آن آثار ابنیـهٔ قدیم‌موجود است وکتیبهٔ سنگی درانجا بودکه به‌موزیم لا هور انتقال یافت برسطـح ۹ × ۵ انچ آن سه سطـر نوشتهٔ خروشتهی دیده میشود . که‌حروف آن به‌عصر کنیشکاو کتیبـه سیمین تکسیـلا مشابـه است، وترجمهٔ مضمون خروشتهی آن چنین است:

«درسال ۲۰۰ هشتم مـاه وا یشاکهه (۸) یـك آبـدان از مغـا ن ارجمند هیمه است (۹) .»

تاریـخ این کتیبه ۸ ماه وای‌شاکهه سال ۲۰۰ مساویست با۲٤مارچ ۱۱٦ م . (۱۰)

۱۰ـ سنگ نبشتهٔفتح‌جنگ:

درسمت شرقی اتك برراه آ هن‌راولپندي وکو ها ت فتـح جنـگ واقعست که ۵میل درجنوب آن دیهی‌بنام ماهجیه (۱۱) در ۳۳ درجه و۲۹

---

(1) S. K. 2/52 (2) Mujavat
(3) S.K. 2/51 (4) Artemisios
(5) Sramana-Gotama (6) S. K. 2/152
(7) Dewai (8) Vaisakha
(9) Worthy Hima (10) S.K. 2/104
(11) Mahjia

دقیقه شمالی و۷۲درجه و۳۹ د قیقـه طول شرقی افتاده وازینجا سنگ نوشته خروشتهی در یك سطـــر کشف وبه‌موزه لاهور اهدا شد ه است. خط خرو شتهی آن بـدوز ه‌ساکه می‌ماند.

ترجمهٔآن : «درسال ٦٨ شانزدهم... پروشته پده (۱) ارمغان اصحاب ودهـی تیره (۲)» ١٦ماه پرو شتـه‌پده سال ٦٨ مساویست با۱۸جولای سال ۱۷ ق.م (۳)

۱۱ـ کتیبهٔ پایه مجسمه مکشوفه در غزدهیری :

اشنغروادی شمال شرقی پشا و رکه بسیار آسیب دیده واکثر حرو ف آن از بین رفته است (٤) .

۱۲ـ کتیبهٔ مجسمهٔ اشنغر:

درفا صله ده‌میلی شمال شرقی‌پشاور در جاییکه دریای سوا ت و کابل باهم می‌آمیزد وشهر مشهورتاریخی پشکلاوه تی‌دریندوادی بود، ویکی از مراکز مهم بودایی بشمارمیرفت ، درقریه راجر از تپهٔخاکی مجسمه بودا باسه نفر بدست آمدکه‌در معبد هندوان آنجا نهاده شد ودرسنه ۱۸۸۳ کتیبهٔ خرو شتـهی‌پایین مجسمه را دیدند ، که فقـط تاریـخ آنرا چنین نوشتـه انـد «درسال ۳۸٤ پنجم ماه‌پروشته‌پده» که این‌تاریخ مساویست با ۷ جون ۳۰۰م. (۵)

۱۳ـ کتیبه های جمال گرهی:

جمال گرهی دیهی است دردامنهٔجنوبی کوهپایه پاجا که از مر دان شمالا هشت میل فاصله دارد ودر۳٤ درجه، ۲۰ دقیقه شما لی و۷۲ درجه و۵ دقیقه طول شرقی وا قـع‌است. درینجا کتیبه های متعـد د خرو شتهی راهم یافته اند که‌از آن‌جمله است :

الف : سنگ نوشتهٔاول‌ماه‌اشوه‌یوج (٦) سال ۳۵۹ = ۲٤ ۱ کست ۲۷۵ م در بارهٔ تـــاسیس یـــك‌دارالمساکین دینی درین باغ (بیشه) از طرف شر اوکه پوته که (۷) برای‌متابعان یودیلیا که(۸)

ب: کتیبه پایین یك مجسمه بـی تاریخ .ارمغان مادروهمسرواسشته به ثواب تمام مخلوقات و ثـــواب‌وصحت آقا. (۹)

ج: کتیبهٔ هالهٔ یك مجسمه کـه‌بر آن « وقف سفا » (۱۰) نو شته اند. (۱۱)

---

(1) Praushthpada
(2) Vadhitira
(3) S.K. 2/22
(4) S.K. 2/123
(5) S.K. 2/119
(6) Asvayauj
(7) Sravakapotaka
(8) Uddiliaka
(9) S.K. 2/114
(10) Sapha
(11) S.K. 2/114

د: کتیبهٔ بنیاد یک ستون : «یک‌منار ارمغان بودا ورمه » (۱)
هـ : نوشته بریک چراغ سنگـی که‌در حفریات ۱۹۲۱ م کشف شده وفقط «درستو په ایده» (۲) بر آن‌خوانده میشود .(۳)
و: سنگ نو شتهٔ مکشوف ۱۹۱۲م که‌برآن نوشته اند: ارمغان بـودـ هاره کشیته(٤)»(٥)

۱٤ـ سنگ نوشته قلعه‌سنگ:

دامنه کوه مهابن مربوط خود. وخیل مرز قبیله یوسفزایی که د ر موزهٔ لا هور است (نمبر ۱, ۵۹)مضمون آن : «درسنه ۱۰۰ متابعا ن بی‌په له کبه (٦)چاهی ساختنـد». خوانش عدد صد مشکو کـسـت و سال صدم = ١٦ـ١٧م است (٧)

۱۵ـ سنگ نوشته کالدره :

نزدیک درگئی جنو ب‌کوتل ملـه کند درسوات که اکنون درموز ه لاهور است۲۷ × ۹ انـچ . تاریخ‌این کتیبه ۲۰ ماه شراونه (۸)سال ۱۱۳ = ٥ جولایی ۲۹م است .

مضمون آن :«این حوض ازطرف‌تهایدوره پسر داتیـا (۹) برای استفاده تمام مخلوقات درسنا ل۱۱۳بیستم ماه شر واله ساخته‌شد. »
قراریکه تحقیق کرده اند تـا موقف کنندهٔ این حوض تهاید و ر یکصورت مصحف تهیودوروس(۱۰)یونانیست که‌بریک کتیبهٔ طـر ف سوات میرید رخ تهیو دوره(۱۱)آمده ، وشاید این تهاید ور کالدره ازاخلاف میرید رخ باشد. (۱۲)

١٦ـ کتیبه هفت حر فی‌کانیزه:

وهیری واقع عمر زیی چار سده پشاور (پشاور موزیم)(۱۳)

۱۷ـ کتیبه بنای حو ضی د رکرنال هفت میلی جمنا ·

(موزه لاهور) ازطر ف کر یسه‌کوی (١٤)

---

(1) Buddhauarma
(2) Aida
(3) S.K. 2/116
(4) Buddharakshita
(5) S.K. 2/116
(6) Pipalakha
(7) S.K.2/52
(8) Saravana
(9) Datiaputra-Thaidora
(10) Theodoros
(11) Meridarkh Theudora
(12) S.K. 2/65
(13) S.K. 2,172
(14) S.K. 2,179 Krisakavi

۱۸ـ کتیبهٔ کومرهار(۱)پتنه:

(هند) مکشوف ۱۹۱٤ که آنرا دورترین کتیبه خروشتهی بیرون از منطقه نفوذ این رسم الخط شمرده اند «کارسنگه داسه کوتهومه » (۲)

۱۹ـ کتیبهٔ صندو قچهٔ کورم:

وادی کورم درجنوب سپین غر برخط مرز ی شرقی افغانستان واقع وچون گذرگاه فاتحان وکاروانها ی هندبطرف زابل و کابل بود ، همواره در تاریخ اهمیتی بسزاداشت ، واین صندو قچهٔ مسی دارای شکل ستو پاست که ٤سطر کتیبه بردورادور خود دارد، و یکی از نوشته‌های مفصل خرو شتهی است بدین مضمون :

«درسال ۲۰ وبیستم ماه اوه‌دونه‌که (۳) شویده ورمه پسریاشه (٤) بنای یادگار حضرت ساکیا مو نی‌را درین باغ خودش در نیو ویهاره، به موافقت معلمان سر واستیوا ده(۵) دریك ستوپه برای ثواب تمام مخلو قات نهاد. آنحضرت گفته‌بود: درد‌وام‌جهل به‌آیین، درپندا شت آیین اساسی (٦) (تصور مادیات)درادراك نام وپیکر درنام وپیکر شش وسیله (۷) درتماس این شش‌وسیله (بامحسو سات) در علا قه بااحساس ـ درتشنگی ا حسا س(اشتها بمادیات) ـ درتشنگی‌ولع ـ درحرص‌حیات‌درزایمان زند گانی ـدرپیری ـ مر گ ـ مصیبت ـ پراگندگی ـحرت ـ افسردگی‌ونومیدی.چنین است‌اصل‌مجموعهٔ‌رنج‌برای‌تمام موجودات.

واین پره تیت یا سه موت پاده(۸) ازطرف ماهی فه تیه (۹) به تعظیم همه مخلوقات نوشته شد .»درین کتیبه ماه اوه دونه که «عبارت ازماه یونانی اودو نایوس (۱۰)است که‌مطابق‌باشد با۲جنوری ۱٤۸م(۱۱)

---

(1) Kumrahar (2) Sanghadasa Kauthuma. S.K. 2,178
(3) Avadunaka (4) Svedauarma-yasa Putra
(5) Sarvastivada (6) Sanskaras
(۷) مراد پنج حس و عقل است.
(8) Pratityasamutpada. (9) Mahi Phatia
(10) Audunaios (9) S.K. 2,152

۲۰ـ نوشته بر هاله یك مجسمه‌بودا در موزهٔ لاهوره‌هدیهٔ بو ســه رمن »(۱)

۲۱ـ نوشته بریك تخته‌موز یم‌لاهور (..... سنسکــاره (۲))

۲۲ـ پنج سنگ نوشتهٔ لؤ ریان‌تنگی سوات‌سفلی نزدیك قریهٔ‌پیلانه که‌دربسته ۱۸۹٦م کشف ودر موزهٔ‌کلکته محفوظ اند:

نوشتهٔ یك سنگ : درسال۳۱۸بیست وهفتم پروشته پده(۳)تحفهٔ بودها گوشه (٤) پیر وسنگهاورمه(٥)(مطابق ۲۷ اگست۲۷٥م) (٦)

نوشته دیگر : تحفهٔ بودها ور مه(۷) درستوپهٔ کهنده ونه (۸)

نوشته دیگر : تحفه‌بود هامیترا(۹) پیر وبودهار کشیته (۱۰)

نوشته دیگر : تحفهٔ اکشه ییکه(۱۱) پیر وشرمه‌مه نه سد هرمه نه (۱۲)

نوشتهٔ د یگر : تحفهٔ سینهـــامیتره (۱۳) پیرو سی هی لیکه(۱٤)

۲۳ـ کتیبه‌مایره (۱٥) نام یــك‌قریه در کو هپایه نمك ضلع جیلم (پنجاب) در صد میلی جــنــو ب‌تکسیلا سال ٥۸ =۲۷ ق، م(۱٦)

۲٤ـ کتیبهٔ مانی دهیری (۱۷)درچار سدهٔ شمال شرقــی پشاو ر که‌درهمان پشکلا وتی تاریخی واقع‌است (نمبر ٥۱ موزهٔ پشاور)تاریخ این کتیبه ٥ماه مارگه شیراس(۱۸)سال ۸٥ = اول نــومــبر ۲۱٦ م است‌که‌بریك مجسمهٔ بو دا چنیــن‌نوشته اند:

«درسال ۸٥ پنجم ماه مار گـــه‌شیراس این تحفهٔ دینی از طــر ف شرمه نه دهرمه پری یه (۱۹)باعزاز... وآموزگار اوبودهه پری یه (۲۰) وبرای صحت بخشی مریدان او . »(۲۱)

۲٥ـمانی کیاله (۲۲) مجموعــهٔ‌خرابه های قدیم بین حسن ابدا ل

---

(1) S.K. 2/115 - Bosavarman (2) S.K. 2/131 Sanskara

(3) Praushthapada (4) Buddha Ghosha (5) Sangha Varma

(6) S.K. 2/107 (7) Buddha Varma (8) S.K. 2/108 Khandavana

(9) Buddha Mitra (10) S.K. 2/109 Buddha Rakshita

(11) Akshayika (12) S.K. 2/110. 'Sramana-Saddharmarata

(13) Sinha Mitra (14) S.K. 2/110. Sihilika (15) Maira

(16) S.K. 2/11 (17) Mamane Dheri (18) Margasiras

(19) Sramana Dharmapriya (20) Buddha Priya (21) S.K. 2/172
(22) Mani Kiala

وجیلم در۳۳ درجه و۲۷ د قیـــقه‌شمالی و۷۳ درجه و۱۷ دقیقه‌شرقی واقعست ودرینجا کتیبه هـــا ی‌ذیل کشف شده :

الف: ظرفی حفظ خاکستر (بطوز للدان) که‌بیرونی آن مسی بود ، ودران ظرف نقر جای داشت ودرداخل آن ظرف طلایی خا کستربود، وبریك سنگ چنین نوشته دارد ، که هفت سطر دربین ودو سطـــر بدست راست وسه سطر بد ست‌چپ آنست مور خ سال ۱۸ بیستم کارتیکه = ۹ اکتوبر۱٤٥م.

«درسال ۱۸ ر وز بیستم مـــاه‌کارتیکه (۱) در عصـــر شا هـــی مهاراجه کنیشکه جنرال لله (۲) ازنژاد کوشانه و آمر اوقاف کشتره‌په ویشپاسی (۳) وقف کننده درویهاره‌خودش ، که‌یادگار های متعـــد د حضرت بودا را باسه نفر ذ یـــل‌می‌سازد : ویشپاسیه وخوده‌چه(٤) وبـــوریتـــه (٥) معمار و یهـــاره‌وتمام جمعیت را هبان . ثواب ایـــن بنای خیر با بودا ها وشراو کـــه‌ها(٦)به‌برادرم سوره بـــودهـــی (۷) وبوریته معمار ترمیم کننده رسید ه‌باد. »(۸)

---

(1) Karttika (2) Lala

(۳) Kshatrapa-Vespasi ویشپاسی نام کشتـــراپ وحکمران است

(٤) Khudacha این‌کلمه درکتیبهٔ موزهٔ پشاور سال ۱٦۸م خوده چیه است‌که‌شاید نام‌جایی‌باشد، وهم این‌کلمه‌را اصل قدیم خواجه میتـــوا ن پنداشت که‌درپهلوی خواتای چـــك‌بود تصغیر خواتای = خدای‌وکو ه خواجه درسیستان نزد زردشتیـــان‌مقدسی‌است وخوابه در فارسی بـــه معنی رئیس ومعظم وحاکم وکد خدابودکه معرب آن خواجاست (حواشی برهان ۷۷۹) درکتیبه بغلان کلمـــه‌خوادی Xoade دوبار آمده که‌آنرا معادل Outokrator وخدیو دانسته اند ودرانجا بمعنـــی پادشاه وامپراتور است ، وخودوه‌یه‌که Khuduwayaka نام‌یکی از کابلشاهـــانه بـــو د(مادر زبان دری ۸٦ ر ۱۳٥) پـــس خوادی (بغلان)خوده‌چیه(خروشتهی)خو تای چك (پهلوی) خـــو ا جـــه (مستعمل کنونی) بایدباهم ربطـــی‌داشته باشند.

(5) Burita
(6) Sravakas
(7) Svarabuddhi
(8) S K 2/150

درمانی ئیانه کتیبه های مختصر-یکری هم بدست آمده، که از آنجمله برمیزك سیمین «تحفه گومهه (۱) معمار» وبریك جعبه مفرغی موزهٔ برتانیه «تحفه کاپیشا (۲) لشتر په پسر کره نهو هر یه که» (۳) نوشته شده‌است. (٤)

۲٦- کتیبهٔ تختهٔ‌سنگی‌مانسیهره‌واقع شمال ایبت آباد، که‌در انجـ کتیبه فرامین اشو کا هم‌بر کو «بچه یی‌موجوداست . ا یسنه تختـه سنگ دوپار چه دارد وبموزه کلکته‌در ۱۸۹۸ م انتقال یافته که‌در سال ٦۸ = ۱۷-۱٦ق.م نوشته‌اند، و ده‌سطر است . چون آسیب زیاد دیده مضمون آن مبهم است : «درسا ل٦۸... قوت شاهی (؟) بحکم فرمان.. برای هشت سال لغو گردید .....» (٥)

۲۷- کتیبهٔ مار گوس(٦) واقـع‌سوابی دومیلی دریای سند درسا ل ۱۱۷ (؟) = حدود ۳۳ یا ۲۳ق.م‌دربارهٔ تاریخ یك‌چاه . (۷)

۲۸- کتیبه بر شکل یك فیـل‌کنده برسنگ ، درموزه متو را ی هند که‌بران نوشته اند « یـا دگاراستخوان گردن آنحضرت »(۸)

۲۹- نوشته های ستون سرشیردار متو راکه (۱٦)سطر درپارچه - های متعدددارد‌وبسط خط خروشتهی‌راتا اواسط هند میرساند (۹) این کتیبه درتاریخ هند وساکه هـا خیلی مهم است زیرا آنرا بامر ملکه بزرگ ایاسیه که‌مو یی (۱۰) بنت‌یووه راجه خره وسته (۱۱) همسر مهاکشتر په‌رجوله (۱۲) ومادرنده دیاکه (۱۳) نوشته اند . و را جـع به‌وقف معبد و تصد یق مو قعیت‌های رسمی رجال وافرادخاندانهای مقتدران عصر است واین رجو لـه‌رایکی ازحکمرانان ساکه در اوا یل قرن اول میلادی دانسته اند .(۱٤)

---

(1) Gomana
(2) Ka'pisa'
(3) G (R) Ana Vhrayaka
(4) S.K. 2/151
(5) S.K. 2/20
(6) Margus
(7) S.K. 2/66
(8) S.K. 2/50
(9) S.K. 2/48
(10) Ayasiakamuie
(11) Yuva Raja Kharaosta
(12) Rajula
(13) Nada Diaka
(14) S.K. 2/34

۳۰ـ کتیبه چند حرفو میر زیارتدرشهر ناپرسان اشنغر شمال‌شرقی پشاور وکتیبه موزه لا هور ازهمین‌شهر ناپرسان برپایه یك بود هی ستوادر دو سطر راجع به و قـف‌برای سلامتی بودهه ورمه (۱)

۳۱ـ کتیبه تخته سنگ مـو زه‌لاهـور کـه ازکوه بنج (۲)سلسله مهابن مجاری د ریای سند علیـابدست آمده وبسال۱۰۲ = ۱۸ـ۱۹م تاریـخ ساختن یك چاه‌است (۳)

۳۱ـ کتیبه تخته سنگ مـو زۀلاهور که‌از موچای‌اراضی یوسفزایی شرقی پشاور بدست آمده ودرسال۸۱ = ٤ـ۳ ق،م درساختن چـا هـی از طرف تبعۀ وشی شوگـه (٤)نوشته شده است . (۵)

۳۳ـ کتیبۀ سنگی نـاو گـــرام‌واقع خود وخیل شمال شرقی‌دریای سند علیا در موزه لاهور در پـــاره‌یك وقفیه دریك سطر .

۳٤ـ کتیبۀ ۳ کلمه مکشوف ا زنو شهرۀ شرقی پشاور بریك پایۀ مجسمه که دران کلمه کریده (٦)به معنـی سا ختـه و بنـا آمد ه است. (۷)

۳۵ـ کتیبۀ دوسطری سنگی که‌از پاجا بین جمالگرهی وتخت باهی شمال شرقی پشاور بدست آ مـده‌ودر موزه لاهور است . وتاریــخ آن‌سال ۱۱۱ روز پانزدهم‌شراونـه‌مساویست بـا ۲۳ جـون ۲۷ م و مضمون آن چنین است: درسـا ل۱۱۱ روز پانزد هم ماه شراونه (۸) این چاه ازطرف سنگه میتره (۹)پسر آننده (۱۰) به‌تعـظیـم مادر و پدرش برای فایده وخوشی تـما م‌مخلوقات ساخته شد (۱۱)

۳٦ـ سه‌سطر نوشته بر پار چه‌های ظروف مـوزۀ پشاور کـه ا ز پاتود هیری پشاور بدست آمد وهمه راجـع به‌وقف و ایصال ثواب آن به‌اشخاص است . (۱۲)

۷ـ کتیبۀ سالم پور پنچتار: دردامنـه ها ی مهابـ; که در ۷۳درجه و۳۱ دقیقه شرقی و ۳٤ درجه و۱٤دقیقه شمالی واقع است نوشتـه

---

(1) S.K. 2/124
(2) Banj
(3) S.K. 2/57
(4) Vashi suga
(5) S.K. 2/30
(6) Karide
(7) S.K. 2/134
(8) Sravana
(9) Sanghamitra
(10) Ananda
(11) S.K. 2/65
(12) S.K. 2/122

سنگی سال ۱۲۲ــ اول ماه شرا ونه = ۷ جون ۳۸ م عهد سا که بمضمون ذیل بدست آمده .

«درسال ۱۲۲ اول ماه شراونه‌درعهد کوشانه مهاراجه سر ؤ میـن شرقی کسوه (۱) ازطرف مویکـه(۲) خلف اورو موجه (۳) منطقــه فرخنده گردید . ودرانجا دو با غاز طرف من وقف شد. بااین اقدام قابل تمجید ... منبع چا ویدا نخیر . (٤)

۳۸ــ بریك پارچهٔ عقیق کـه درپاریس است باتصو یر یك شخص ایستاده دارای دستار و لبـا س‌برزو وپیراهن درشت کلمهٔ پونیه‌ـ مته (۵) نوشته شده است و آنـرازعهد یونانیان بـاختـر دا نستـه اند (٦)

۳۹ــ کتیبهٔ سنگی پاتهیا ر واقع‌یك میلی کانگرا (پنجـاب) در د و سطر که خا ر ج از منطقهٔ نفـوذخروشتهی است وبران نوشته اند : تالاب راتهی تره (۷)

٤۰ــ کتیبهٔ برتخته سنگی که ازخود وخیل غربی مهابن در دوسطر بدست آمده : «متولی ویهاره ...این‌ستوپه را ساخت . » (۸)

٤۱ــ کتیبهٔ سنگ کو چك‌مو زهٔ‌پشاور در یك سطر از عهد قـدیم ساکه : که‌ره ویـد (سا خـتـهٔ)مایتر یه »(۹)

٤۲ ــ کتیبهٔ دوسطـری پشاو رموزیم ازعهد قدیم ساکه ، کـه از خود وخیل غـــر بی مهـا بن یافته‌شده :

«بنای یاد گار بهگه وت (۱۰)...وقف » (۱۱)

٤۳ــ کتیبهٔ بریك سنگ بنـا درپشاور موزیم نمبر ۵ که چند حر ف دارد از عهد قدیم ساکه (۱۲)

٤٤ــ کتیبهٔ سنگ کو چك موزه‌پشارو نمبر ۷ دارای چند حر ف ازعهد قدیم ساکه . (۱۳)

٤۵ــ کتیبهٔ بریك هیکل حجا ری‌شده دو پهلوان درموزهٔ پشاور که

---

(1) Kasua
(2) Moika
(3) Urumuja
(4) S.K. 2/70
(5) Punyamata
(6) S.K. 2/7
(7) Rathitara, S.K. 2/178
(8) S.K. 2/12
(9) S.K. 2/133 Karavide maitreya
(10) Bhagavat
(11) S.K. 2/128
(12) S.K. 2/133
(13) S.K. 2/133

کذرگاه انتقالات فکری ومدنی ومرکز قوی وملتقای مدنیت های متعدد گشته بود، وگاهی هم فاتحان ا زین راه به هند وماوراء النهر میگذشتند. که آثار مدنیت ایشان هم در یـــن سرزمین باقی میماند وباین طو ر مبادی مدنی شرق وغرب بمروروزمان باموازیث بومی این مردم می آمیخت ورنگ خاص مقامی را میگر فت ، که در تاریخ مدنیت ا فغا نستا ن فصول خاصی رابخود اختصا صی داده است مـانند آمیز ش مد نیت گریک وبود یك دردوقرن قبل وبعدازمیلاد ، وامتزاج مدنیت اسلا می با مبادی خراسانی در قرن هفتم وبعدازآن.

فراموش نباید کرد: که مطالعـه وتحقیق درتمام شعب تاریخ مدنیت افغانستان ، متلازم بـاجستجـو وتعیین عناصر بومی ومقامی مد نیت واثر پذیر یهای آن ازمبـــادی وفراورده های دیگرانست ، که درهر عصر وزمان ، این آمیزش هـا ی فرهنگی ، اندرین سرزمین فر هنگ های خاص افغانی رابو جود آورد ه در صبغهٔ بخصو ص خودرا نگهداری کرده است ، که درتاریخ فـرهنگ آسیای میانه اهمیت خا صی دارد ، وجزو مهم تاریخ کلتـو ر بشریست.

ما در ینجـا مخصو صاً بامسئلهٔ خط نویسی وکتاب سازی سرو کا ر داریم، که هنر خـاص نـو شتن وساختن کتاب است ، وبحث وکاوش ماهم یك جزو «تاریـخ هنـر» بشمارمیرود. چون تاریخ هـنر شعـب و فصول زیادی دارد، بنابرین ما تنهادرینجا را جع به خط و کتاب صحبت میکنیم.

یران فقط نام میناندره (۱) نوشته که شکل خروشتهی نام یونا نـــی میناندروس (۲) باشــد. از عهـــدقدیم ساکه . (۳)

۴۶ـ بریك پایهٔ مجسمه سنگی که در کلب افسران پشاور بـــو د دریك سطر مربوط به عهد قـــد یم ساکه نوشته شده : وقف دیپانکه زه (۴) ساختهٔ تاکهتیدره (۵)

۴۷ ـ کتیبهٔ سنگی موزه پشاور نمبر ۲۰ (عهد قدیم ساکه) کـه تاریخ خروشتهی آن مساویست با ۲۴ اپریل ۸۴ م .«درسال ۱۶۸ پانزدهم مـاه جیای شتـهه (۶) ایـن چاه بطور وقف بهمت تره وه شه کوره (۷) مربوط خـوده چه ویهاره کـنـد ه شد. (۷)

درینجا کلمهٔ خوده چه بامقایسه کتیبه مانی کیاله در خور تـو جه است .

۴۸ـ کتیبه نمبر ۲۱ موزهٔ پشـاو ربرسنگی (۱۶ × ۹ × ۶ انچ) کـــه درسنه ۱۹۱۶ م ازطرف اورل ستین به موزه داده شده وبه عهد کوشانیان متعلـق است . درین کتیبه نـــام مهاراجه وتاریـخ آن ساییده شـده وخوانده نمیشود ودربارهٔ کنـــد نچاهی است ازطرف برهمن واسو ـ دیوه (۹) پسراینلرهدیوه (۱۰) ساکن او بهاره (۱۱)

۴۹ـ کتیبه نمـبر ۳۴۷ مـوز ۂپشاور بریك هیکل حجاری شـــده بودهی ستوه نشسته که تختـــه نوشتن در دامن دارد وبران چنیـن نوشته اند : «درگیتی که نوشتنیـی های خدایان ومرد مان آنجاست ».

این کتیبه به عهدقدیم ساکه متعلق است (۱۲)

۵۰ـ کتیبه راول نزدیك متهوره بر کنار شرقی جمناکه در مـــوز ه متهوره موجود است دارای چهـارسطر متعلـق به عصر کوشا نیـان سال ۴۱ = ۱۶۸ م (۱۳)

۵۱ـ کتیبهٔ سد و واقع کنـــار شرقی دریای پنجکوره در غـر ب کوتل کتگله (۱۴) برراه سوات بریك خرسنگ کوهی در چهار سطـر که خوانش آن کاملا صورت نگـــرفته است (۱۵)

---

(1) Minandra
(2) Menandros
(3) S.K. 2/134
(4) Dipankara
(5) Takhtidra
(6) Jyaishtha
(7) Travasakura
(8) S.K. 2/79
(9) Brahman-Vasudeva
(10) Indra Deva
(11) S.K. 2/157 Obhara
(12) S.K. 2/129
(13) S.K. 2/129
(14) Katgala
(15) S.K. 2/9

۵۲ـ چند پارچه ظروف گلی شهر بهلول(۱) شمال شرقی پشاور که دارای حروف وکلمات خروشتهی است ولی به تحقیق خو انده نشده متعلق به عصر قدیم ساکه(۲)

۵۳ـ کتیبهٔ شاه داور (۳) وا قع وادی اگرور ضلع هزاره ، ۳٤ درجه ۳۰ دقیقه شمالی و۷۳ در جه ٤دقیقه شرقی ، بریك خر سنگ کوهی . متعلق عصر قدیم سا که وسال ٦۰ = ۲۵ـ۲٤ق،م :

«از راجن دامیجه ده (٤)در سال ٦۰ ساکه ، بابهادو (۵) وپدراووله وردهه (٦) برای ثواب پسرش میترموردهنه (۷) ... بر همن ، و مادر وبرادرش .(۸)

۵٤ درشاه داور کتیبه د یگر بسیار آسیب دیده هم در ۵سطر موجوداست متعلق به عصر قد یم ساکه درعصر ازیس (۹) در بارهٔ وقف یك شخص متمول مشهورشیوه رکس کیته (۱۰)نوشته شده واملای نام ازیس درخرو شتهی ایاسه (۱۱) است وبدو خط یونانی وخرو شتهی مسکو کات سیمین اوهم یافته اند . که زمان این کتیبه بین ۸۰ـ۱۰۲ ساکه باشد .(حدود٦٤م) (۱۲) .

۵۵ـ کتیبه های صندو قچه کنشکا : درشاهجی پهیری بیر ون دروازهٔ گنج شهر پشاور . د ر سنه ۱۹۰۹م د رجای ستو پهٔ بزرگ کنشکا که زایران چینی ذکر کرده اند ، بقایای یك ستو بزرگ ازخاك براورده شده ، که دربین آن جعبهٔ منقش مسی به بلندی ٤ انچ وقطر ۵' انچ باسر پو ش محکمی موجود بوده و هیکل های بودای نشسته هم دارد ، وهیکل کنشکا بین ار با ب انـوا ع مهر وماه واقع است وبرسر پو ش جعبه اشکال بودا ـبرهما ـ ایندره (۱۳) دیده میشود ، ودربین این جعبه برخی ازیاد گار های بو دا محفوظ بود، که آنرا لاردکرزن (۱٤)وایسرای دهم هند به بودا ئیان بر ما داد ، تا آنرا درمعبد (مند لا ی) (۱۵)

---

(1) Shahr-i-Bahlol
(2) S.K. 2/122
(3) Shahdaur
(4) Rajan Damijada
(5) Bhadu
(6) Valavardha
(7) Mitravardhana
(8) S.K. 2/16
(9) Azes
(10) Sivarakskita
(11) Ayasa
(12) S.K. 2/17
(13) Buddha-Brahma-indra
(14) Lord Curzon
(15) Mandlay

گذاشتند . (۱)

تعیین سال اول این کتیبه(مطابق ۱۲۸ م) مشکو کست ودر ذکر نام کنیشکا نیز مرادکنیشکای اول نباشد، بلکه کنیشکای د و م مذکور در کتیبه آرا خواهد بود،که مور خ است بسال ۴۱ (۱۶۹م) وبالاخر تاریخ این کتیبه وجعبه را بین سنه ۷۸ـ۳۲۵ م تعیین کرده اند، وروزن فیلد باجان مارشل هم‌عقیده است که همان حدود سال ۴۱ باشد (۲). درین کتیبه نام‌اگی‌شله (۳) راهم ما خوذ از اگسی سیلوس (٤) یونانی پنداشته واورایك هنرمند یونانی گفته بودند ، ولی بعد از ستین کونو این عقیدهٔازطرف (بورو) (۵) ردگردیدو گفت که‌این نام بااگی سالا(٦) زبا نپالی شبیه است که در خرو شتهی وبرهمی هم آمده است. بوروایـن‌کلمه را لقب ماموری شمرده ست که‌بکار تعمیر ویهاره مامور بـودوبنابرین این بنا وجعبه تلق یمی کدام امپراتوری نیست ، بلکه مانندسایر کتیبه های متهوره تنها به عصر شهزادگان کوشانی ر بـطدارد (۷) .

ترجمهٔ مضمون کتیبه : درسا ل‌اول (۹) کنیشکادر شهر اما ... این وقف دینی باقصر ... ضمیمه‌شد، دران خیر وسعادت همه مخلوقات باد ا معمار آن بنده اگی‌شله در ویهاره کنیشکادر سنگارامهٔ مها سینه (۸) بموافقت معلم سره‌واستیوادین . (۹)

همچنین درین تپهٔ شاهی متصل‌پشاور پارچه های خشتی زیا دی بدست آمده ، که‌بران کلما ت وحروف خروشتهی منقوش ودر موزهٔ پشاور محفوظند .

۵٦ـ کتیبه شکردرهٔ گیمبل پورماورای اتك ، در موزهٔ لا هـو ر متعلق به عهد کنیشـکا ، دارا ی‌چهار سطر نوشته ویك شکل خرو یك گلدان که تاریـخ خرو شتهـی‌آن مطابق است با ۲۷ جـو لا ی ۱٦۸ م .

---

(۱) پشاور ،تالیف جعفر ۲۲

(۲) آرت خاندان کوشان ۲٦۰

(3) Agisala

(4) Agesilaos

(5) Burow

(6) Aggisala

(۷) آرت کوشان ۲۵۹

(8) Mahasena's Sangharama

(9) S.K. 2/137

«درسال ٤٠ روز ٢ ماه پراوشتپه پده این چاه در معبر شا لا (١) بطور تحفهٔ اصحاب درو نی په درہ (٢) »

٥٧ ـ کتیبه مهر مسی یکی از کشترپه های دورهٔ قدیم ساکه در وادی هزاره تا چیناب بنام شیوه‌سینه کشتر په شهر ابهی سا ره پرسته (٣)

٥٨ ـ کتیبه سکاره دهیری (تپهٔ زغال) درهشت میلی شمال چا رسده پشاور بریک مجسمه موزهٔ لاهور مور خ ١٠ می ١٣١٥م : در دو سطر « درسال چارصدم یك کم (٣٩٩) روز ٢٢ ماه آشاد ه (٤). درجنت (روزدهم) او (زن) یاد ا من نگهداری اطفال رامیخواهم . » (٥)

ستین کونو عقیده دارد که اصل این کتیبه یك نوع منظومه (٦) است که هر مصراع آن ٦ + ٤ + ٣ سلاییل دارد ، و بنا بر ین در تاریخ اوزان عروضی اهمیتی خواهد داشت .

٥٩ ـ کتیبه سوی ویهار (٧) در ١٦ میلی شمال غرب بهاو لپو ر بریك تختهٔ مسی دارای چهار ونیم سطر که تا ریخ خرو شتهی آن مقارنست با ٧ جون ١٣٩م: «درزمان شاهی مهاراجه دیوه پتر ه کنشکا در سال ١١ روز ١٨ ماه دایسیوس (٨) هنگامیکه را هب ناگه‌دته (٩) مبلغ دستورو مر یدمبلغ دمترا ته (١٠) مرید مریدا ن مبلغ بهاوه (١١) درینجا درد منه (١٢) سکونت نمود، پس متو لی ویهاره زاهد بلا نندی (١٣) ومادرش کدبانو بله جیا (١٤) علاوه بربنای این مسکن دیوار دورا دور آنرا هم بعداً ساخت. برای همه مخلوقا ت وسیلهٔ خیر وخوشی بادا (١٥)

٦٠ ـ کتیبهٔ ظرف خاك رو غنی که ازسوات بدست آمده وبه یکی

---

(1) Sala (2) S.K. 2/160. Dronipadra

(3) Sivasena, the Kshatrapa of Abhisaraparastha. S.K. 2/103

(4) Ashadha (5) S.K, 2/127
(6) Doha (7) Sui-Vihar
(8) Daisios (9) Magadatta
(10) Damatrata (11) Bhava
(12) Damana (13) Balanandi
(14) Balajaya (15) S.K. 2/141

از حکمرانان یونانی منسوب و ترجمه کتیبهٔ دورادور ظرف چنین است: «ازتهیو دو روسی میریدرخ(۱) این یادگار های حضرت ساکیا مونی بمقصد محافظت همه‌مردمان بناشد .»(۲)

کلمه میرید رخ درین کتیبه‌یك لقب یونانی میرید رکو س (۳) دوره یونانیان وروما است که‌معنی‌آن حکمران یك ناحیه است واو در کابل یااراکو ز یا یاکندهاراماموریت‌داشته است . (٤)

٦١ - کتیبهٔ تجهٔ ضلع‌پشاور که‌شرح وتصویر آن بدست نیامده (٥).

٦٢- کتیبه های تخت باهی که‌دارای آثار یك شهر بزرگ قدیم است و یك کتیبه ازانجابدست آمده دارای ٦ سطر وتاریخ خروشتهی آن مطابق است با ۱۰مارچ ۱۹م : «درسال ٢٦ شاهی مهاراجه گود وهره (٦) سال ۱۰۳روز اول ماه ویشا کهه (۷) این معبد وقف دینی بله سه می (۸)منجی وپسر ودختر اوست به‌تعظیم میره (۹) منجی وشهزا ده کپه(۱۰) به‌تعظیم مادر و پدر .»(۱۱)

کتیبه دیگر تخت باهی در موزهٔپشاور است که‌بران (تحفهٔ هو ره شده » (۱۲) نوشته شده و نیزیك پارچه ظرف سیاه از تخت‌باهی درموزه پشاور افتاده که چندکلمهٔخروشتهی دارد (۱۳)

٦٣- کتیبه های خرو شتهی‌تکسیلا:

این شهر تاریخی به آثارمکشوفه وبقایای یك شهر عظیم شهرت دارد. ومرکز بزرگ‌فر هنگ‌ومدنیت دور های متعدد مو ریا- یونانیان باختر - وکوشانیان تاحلول اسلام بود. ازین جا در حفریات این شهر کتیبه های‌متعدد کو چك وبزرگ برا مده است :

۱- کتیبه دوسطری و قفیه دهرم‌داسه (١٤) بریك چراغ. (١٥)

۲- کتیبه یك پارچه پشمی دریك‌سطر که‌به تعظیم اقارب و هم خونان و متعلقین شخصی نو شته‌شده . (١٦)

---

(1) Theodoros Meridarkh
(2) S.K. 2/4
(3) Meridarkus
(4) S.K. 2/2
(5) S.K. 2/173
(6) Guduvhara
(7) Vaisakha
(8) Balasami
(9) Mira
(10) Kapa
(11) S.K. 2/62
(12) Horashada
(13) S.K. 2/63
(14) Dharmadasa
(15) S.K. 2/90
(16) S.K. 2/91

۳ـ کتیبه یك پارچه سنگ دریك سطر: ..میترا(۱)زوجه ایندره‌سینه(۲)
٤ـ کتیبه یك پا رچه پشمـــیدریك سطر: اززوجه‌ایندره‌سینه .
٥ـ یك‌یك حـر ف بر یـك یك‌پارچه .
٦ـ کتیبهٔ تخته زرین تکسیـلا نه‌ازسرکپ پیداشده ، درسه سطر متعلق به‌دوره ساکه تاکوشانـیان ،که انرا یك منظومه دارای ۷ + ٦ سلایبل شمرده اند: «شیرا(۳) یك‌یاد کار آنحضرت رابرای شادمانی مادر وپدر خود وقف‌کرد »(٤) .
۷ـ کتیبه بریك ظرف کلی‌موزهٔپشاور که از تکسیلا برامده :«این ستوپه ازطرف سی‌هاره کشیته(٥)برادران ، به‌تعظیم بو دا هـــا در تکشه شیلا بنانهاده شد. (٦)
۸ـ کتیبه های متعددی ازبقایای‌معبد جاولیا (۷) تکسیلا بر آ مـده واین معبد از قرن سوم تا پنجم‌آبادبود. عدد این کتیـبه هـــا ی کوچك که‌نامهای وقف کنندگـــان‌یادگار ها وتحفه هــــا ی‌بو دا یی بران نوشته شده به (١٤) پار چه‌میرسد مربوط به عصر قـد یـم ساکه (۸)
۹ـ کتیبه های کو چك بر چیـزهای مختلف کـه ازسر کـپ (۹) تکسیلا بدست آمده ومربوط بـــه‌عصر قدیم ساکه است عددآن بــه ۲۱ میرسد ، که از آنجمله بریکی‌همـان نـام تـهـیو د وروس بـن تهواره (۱۰) نوشته ، که این نا م‌یونانی در کتیبه سوات وکالدره هم آمده است وبرچند کتیبه د یکـــر کلمات ستاتیر (۱۱) ودرخم (۱۲) دیده میشود، که رواج این کلمات‌یونانی رادر نقود میرساند . تما م این کتیبه هانیز دربارهٔ موقو فا ت‌اشخاص است (۱۳)
۱۰ـ ازخرابه های ستوپه قد یم‌قریه شاه پور تکسیلا یك قـــا ب مسی برامده که‌دران نام همــا نه‌میرید رخ کتیبه سوات آمده‌است : «این ستوپه ازطرف مـیریـد رخ وهمسر اوبه تعظیم مادر و پـد رش برای تقدیم تحیات احترا مکا را نه‌بناشد ، ازروی نام میرید رخ ایـن کتیبه مربوط عصر یونانیان با خترخواهد بود. (١٤)

---

(1) Mitra Wife of Indrasena
(2) S.K. 2/91
(3) Sira
(4) S.K. 2/86
(5) Siharakshita
(6) S.K. 2/87
(7) Jaulia
(8) S.K. 2/92
(9) Sirkap
(10) Thavara
(11) Stater
(12) Drakhm
(13) S.K. 2/97
(14) S.K. 2/5

۱۱ـ کتیبهٔ آبکردان مسی تکسیلاتحفهٔایشوره که (۱) ازعصرقدیم ساکه (۲)

۱۲ـ کتیبه قاب‌مسی که ازخرابه‌های تکسیلا یافته‌شده وبحرو ف خروشتهی طرز عهد ساکه است وتاریخ خروشتهی آن مطابق با شد باماه جون سال ٦ق،م وشاه موگـه‌را درین کتیبه همان (مـویس)(۳) دانسته اند. که‌یکی ازشاهان ساکه‌حدود ۷۰ ق،م باشد . (٤)

«درسال ۷۸ درعصر مهاراجه‌موگه(٥) شاه بـــزرگ ، روز پنجـم ماه پانیموس (٦) کشتره‌په‌چوکهسه(چچ)(۷) که‌نام‌اولیاکه‌کوسولوکه(۸) است وهم پسرش پتیکه (۹)درشهرتکـشه شیـلا (۱۰) د ر شمـا ل ناحیت شرقی بنام کشیمی (۱۱)درینجاپتیکه بنای ابتدایی یادگا ر حضرت ساکیا مونی وسنگها را مه‌رابوسیلهٔ روهی نی میتره (۱۲)ناظر این بنا نهاد. تادران تمام بو داهـاومادر وپدرش پرستش نمایند . و موجب برکت زندگانی وقوت کشترپه وفرزند وهمسرش باشد . وتمام برادران ومتعلقان اوپرستش نمایند.بحـکم رئیس بـزرگ اوقـــاف : پتیکه »(۱۳)

۱۳ـکتیبه طومار سیمین تکسیلاکه‌جون مارشل درسنه ۱۹۱٤ کشف کرده (موزهٔ تکسیـلا) وتاریـــخ‌خروشتهی آن مقارن با۱۷ می ٥۲ م باشد :«درسال ۱۳٦ روز۱٥ مـــاه‌اشاده یادگار آنحضرت از طـر ف یوره سه که (۱٤) یکی ازفرزندان‌اینته وهریا (۱٥) باکتری ساکـــن شهر نوه چه (۱٦) درمعبد بو دهـی‌ستوای خودش ، درمیدان دهر مـه راجیکای (۱۷)تکشه شیلا بــرای‌اعطای صحت به‌مهاراجه شاه‌شاهان بسر آسمان کهوشانه (۱۸)و بـه‌تعظیم تمام بوداها و تعظیم پرت یی که‌بود ها (۱۹)وتعظیم ارهت ها وتعظیم همه مخلوقات ومادر وپدر و دوستان ووزیران ومتعلقان ورشته‌داران وبرای اعطای صحت بخودش. این بذل واکرام ، رهنمای‌نروانه(مقام راحت ابدی) اوباد !» (۲۰)

---

(1) Ishvarakha
(2) S.K. 2/88
(3) Maues
(4) Cambridge H.I. 1-57
(5) Moga
(6) Panemos
(7) Chukhsa
(8) Liaka Kusuluka
(9) Patika
(10) Taksha Sila
(11) Ksheme
(12) Rohini Mitra
(13) S.K. 2/29
(14) Urasaka
(15) Intavhria
(16) Noacha
(17) Dharmarajika
(18) Khushana
(19) Pratyekabuddhas
(20) S.K. 2/77

درین کتیبه کلمه بهمه لینه(۱)ازطرف جون مارشل با (بالی کینه) یعنی بلخی سنسکریت مقـا رنـــت‌داده شده، وماز کتاب بـر یهـت سمهیتا (۳) تالیف ورا هه میهیره(۱۰ر۷) هم میدانیم که‌بلخیان بـا تکسیلاروابطی داشته اند (۵)

۱٤ـ کتیبه ظرف سیمین سرکپ‌تکسیلا که‌بر گردن آن نوشتــه خروشتهی دارد و تاریخ (۱۹۱) آن‌به‌عهد قدیم ساکه مربو طست کـه مطابق ۱۰۷ـ۱۰۸ م باشد « در سال۱۹۱ عصرشاهی جی هونی که (٦) کشترپهٔ چو کهسه پسر مانی گوله(۷) برادر مهاراجه ».(۸)

ستین کونو گوید از کتیبهٔ سال۱۸۷ خلتسی باین فکر میرسیم کـه این مهاراجه عبارت از و یمـه کـدفیسس باشد .(۹)

جی‌هونی‌که را بازیو نیسنس(۱۰) تطبیق کرده‌اند که‌کشترپه‌چوکهسه (چچ) یعنـی‌مملکت تکسیلا بـود وبعدازان حکمرا ن مستقـل ا یـن سرزمین گردید.

٦٤ـ کتیبهٔ تیر تـه واقـع مـرزکوهستان سوات ، بریك خرسنگ کـوهی که‌طرز خط آن قدیمتراست‌ومشابهتی به نوشته هـای عصـر اشوکا وساکه هادارد. درینجا زیرنشانه دوپای مقابل انگشتان دو پـا نوشته شده : « نشانهٔقدمهای‌بودهه‌ساکیامونی ».(۱۱)

٦٥ـکتیبهٔ توردهـیری وا قـع‌تحصیل دوکی وادی تهل نور لا یی بلوچستان که‌ازینجا در حدود پنجاه‌پـارچه ظرو ف گلـی با نـو شته های مدادی بدست آمده ، وازانجمله۵پارچه خط برا همی دارد و زبـان این کتیبه هابسیاربطرف‌سنسکریت‌متمایل شده است ، واشکال‌حروف آن هم تنوع دارد ومشابهت زیـادآن باکتیبه وردگ بنظر می‌آید ،که تاریخ‌آن بعداز ۲۰۰م خـو ا هـدبود. از ارتباط پارچه های متعـد د میتوان کتیبهٔ ذیل را بدست آورد :

«ازطرف شاهی یوله میره (۱۲)رئیس ویهاره ، این‌دالان آب، د ر یوله میره شاهی ویهارهٔ خودش به‌موافقت معلمان سر واستیوا دیـن، دیناً وقف گردید .

(1) Bahaliena
(2) Balhikena
(3) Brihat Samhita
(4) Varaha Mihira
(5) S.K. 2/74
(6) Jihonika
(7) Mani Gula
(8) S.K. 2/82
(9) S.K. 2/82
(10) Zeionises
(11) S.K. 2/9
(12) Shahi Yola Mira

واز ین وقف را ستین همواره ثواب آینده، نصیب مادر وپدر وهمه مخلوقات باد !

وزندگانی دراز نصیب ر ئیس دین باد !»(۱)

٦٦ـ کتیبهٔ هند واقع ۱۵ میلی بالای اتك برکنار غربی دریا ی سند در ۳٤ درجه ۲دقیقه شما لی و۷۲ درجه ۲۷ دقیقه شر قی که همان ویهند دورهٔ اسلامی با شدوپایتخت ثانی کابلشاهان بو د، درسنه ۱۸٤۸ یك کتیبه سنگی ا زآنجا بدست آمد، که به گاه شماری عهد کنیشکا تعلق دارد دردوسطر .وتاریخ خروشتهی آن مطابق است با ۲٦ فروری ۱۸۹ م .

«درسال ٦۱ روز هشتم ما مچایتره (۲) چاه سه ویرا ها(۳) در پور واشاده (٤) کنده شد.»(۵)

٦۷ـ کتیبه یاکوبه واقع سوا بی شرقی پشاور، بریك سنگ تصویر دار (موزه پشاور) که معجزه شراوستی (٦)رامی نماید، وبوسیلهٔ او بودا بررؤسای شش فرقه ر قیب خود غالب شده بود.

«تحفهٔ ... جوان مرد جینه (۷)بین آنانیکه درراستی مشوش شده بودند، وازطرف رئیس قریهٔ هده(۸) سیاست شدند .»(۹)

٦۸ـ کتیبه زیده نزدیك هند در ۳٤درجه۳دقیقه شمالی و۷۲درجه۳۲ دقیقه شرقی بریك پارچه خرسنگ مدخل این دیه، که اکنون درموزه لاهو ر است وتاریخ خروشتهی آن مطا بق است با۱۹ جون ۱۳۹ م .« درسال ۱۱روز ۲۰ ماه اشاد هـ ـ دراتره فل گونه (۱۰)چاهی کنده شد درز مان شاهی بادار مهاراجه کنیشکه . وعلاوه ازان یك آبدان هم از طر ف هیپه دهیه (۱۱) وقف شد، برا ی برکت سروا ستی واده (۱۲) به تعظیم کشتو په لیاکه (۱۳) برا ی نفع مادرش .

وقف شد به توجه مرشد سنگه میتره راجه (١٤)

٦۹ـ کتیبه لداخ : قریه خلت سی(۱۵)۵۲ میلی لیه درلداخ واقعست وکتیبه های متعدد براهمی ازان برامده که برخی خروشتهی اند، ومهم تر

---

(1) S.K. 2/176
(2) Chaitra
(3) Saviras
(4) Purvashadha
(5) S.K. 2/17
(6) Sravasti
(7) Jina
(8) Hida
(9) S.K. 2/133
(10) Uttaraphalguna
(11) Hipea Dhia
(12) Sarvasti vada
(13) Liaka
(14) Sanghamitra Raja, S.K. 2/145
(15) Khalatse

همه نوشته دو سطر یست که‌تاریخ آنرا ۱۸۷ یا ۱۸٤ = حدود ۱۰۳ـ ۱۰٤ م خوانده اندو بـرا نچنین نوشته است: «درسال۱۸۷ـ یا ۱۸٤ درعصر شاهی مهـا را جـه‌ویما کوتهی سه (۱)»که این نـا م راستین کونو شکلی‌ازنام‌کدفیسیس‌دوم میداند (۲) ومامیدانیم که ویما کد فیسیس دوم بعـد از مـر گ‌کدفیسیس اول در حدود ۷۸ م به سلطنت رسیده‌است که مرگ اودرحدود ۱۱۰ م‌باشد .

این کتیبه ازین رو مهم است که‌نفوذ شمالی خط خروشتهی را تـا مناطق لـدا خ ووسعـت سلطنـت‌کوشانیان بـزرگ را تـا آ نجـا میرساند.

۷۰ـ کتیبه ها ی سنگی نمبـر۵ـ۶ موزه لاهور که هریکی ازا ن یك دو کلمهٔ خط خروشتهی دارد .(۳)

۷۱ـ کتیبه های پالاتوډ هیـری(شرق پشاور) برظرو ف گلی‌موزهٔ پشاور که سه‌نوشته دارای چنـد کلمه دارد مربوط به‌عصر قـد یم ساکه ، وهم بریك پا یـه مـجسمه(موزهٔ پشاور) چند حرف نوشتـه شده‌است . (٤)

۷۲ کتیبه های مو هن جودیر وواقع‌لارکانه سندکه‌درانجا آلـاریك شهر قبل الـتاریـخ در ۱۹۲۱ م مکشوف گردیده وآثار آخرین آ ن بدورهٔ کنیشکا میرسد ، وسه قطعه‌ظروف خاکی ملمـع خط خروشتهی هم ازان بدست آمده که‌در مو ز ۀ کلکته است وحروف آن به‌نوشته های عصر بعد از کنیشکا شبیـه‌است وجز چند کلمه نوشته دیگری ندارد (۵)

۷۳ـ کتیبهٔ کانهیاره (٦) ناحیه‌کانگرا (پنجاب)در دوسطر که‌بران باغ کرش‌ایاشسه (۷) نوشته‌است(۸).

۷٤ـ کتیبهٔ بتکره (۹) سوات :برظرف گلی شکسته در حفریا ت ۱۹٦۰م بدست آمده که دردو سطردورادور آن نوشتهٔ خرو شتهی‌شبیه یکی از کتیبه های تکسیلا بد ین‌مضمون دارد:

«تحفه ... درستوپه دهرمه‌راجیکه(۱۰) به‌تعظیم ... (۱۱)

---

(1) Uvima Kavthisa
(2) S.K. 2/80
(3) S.K. 2/115
(4) S.K. 2/120
(5) S.K. 2/173
(6) Kanhiara
(7) Krishaya'sasa
(8) S.K. 2/179
(9) Butkara
(10) Dharmarajika
(11) East and West. P. 81, March 1966

۲

دورهٔ قبل ازاسلام

قدیمترین کتیبه های قبل التاریخ

دردرهٔ الی‌شنک لغمان درسلسلهٔ کوهساریکه راههای دره‌های آن شرقا به‌دره های شمالی مجرای دریای نر میگذرد. درسنه ۱۳۲۹ق = ۱۹۱۱م نزدیك یك‌مغاره بین‌جبل بر صخرهٔ کوهی کتیبه یی کشف شده، که‌درآنوقت امیر حبیب الله‌خان بدیدن آن رفت‌وعکس نخستین آن درجریدهٔ سراج‌الاخبارافغانیه شماره (۱٦)سال (٦)مورخ ٥ حمل ۱۲۹٦ش = ۲٥مارچ ۱۹۱۷م طبع‌کابل نشر شد. (۱)

تاکنون دران باره مطالعات علمی‌بعمل نیامده، وتمام آن عبارت از خطوط مستقیم یامنکسر بهم‌پیوسته‌است که بروی یك صخره کوهی کنده شده وبسیار واضح وروشن‌است که باهیچ یکی از خطوط مکشوفهٔ دورهٔ تاریخی افغانستان تشابهی ندارد. واگر آنرا باخطوط

---

(۱) بامر امیرحبیب الله خان درپهلوی این کتیبه قبل التاریخ این مضمون رادرسنگ نو شته‌اند:

«بیادگار تشریف‌آوری‌اعلیحضرت‌سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان درانی بارکزائی محمد زایی‌پادشاه دولت علیه خدا دادافغانستان بتاریخ ۲۱ ربیع الاول‌سنه یکهزار وسه صدوبیست و نه هجری بود. که‌درین موضع، سنگهای نوشته راملاحظه فرمودیم. چون خطهای آنهادرین زمان مروج‌نبود خوانده ودانستهٔ مانشد، که معنی سنگها برای چیست؛ وآثار کیست؟ لهذا نقل خطهای آنهارا بذریعهٔ عکس بحضور خودبرداشتیم‌وبجهة ترجمه کردن درولایات‌بعیده رسال داشتیم. تازمانیکه معلوم‌شود، چندکلمه رادرسنگ هذا حك نقش فرموده بیادگار گذاشتیم»

ازدانشمند علی اکبر شهرستانی‌استاد پوهنحی ادبیات وعلوم‌بشری که نقل این کتیبه رابما داد تشکر میکنیم، وی‌گفت: که‌درین‌جاهشت سنگ نوشته موجوداست.

کتیبه های خروشتهی درترکستان شرقی

این تمام کتیبه هادرسنه ۱۹۰۰م ازطرف سر اورل ستین (۱) درآثار ابنیهٔ قدیم مخروب ماورای دریای نیه(۲) تـر کستان شر قی کشـف گردید، که‌درکتاب او ختن قد یـم(۳) طبع اکسفورد ۱۹۰۷م شـر ح داده شده‌است .

همچنین همین‌محقق‌درسنه۱۹۰۶ـ۸م درهمین سرزمین کشفیات‌دیگری نمود، که‌آنرادرسنه ۱۹۲۱م‌ازآکسفو رد بنام(سر ندیا)(٤)نشر داد .

عدد تمام این‌کتیبه‌های‌خروشتهی‌در ترکستان شرقی به ۷٦٤ میرسد ودر آخر کتاب کتیبه های‌خروشتهی‌ترکستان چینی (۵) شر ح‌مبسوطی بر تنوع الفبای خروشتهی در یـن‌سرزمین داده شده وپدید می آید، که این هنر خط نویسی خروشتهی‌در شمال کشور کوشانی مـطا بق احتیاجا ت مردم آن سرزمین تنوع‌یافته بود. ولی نفوذ و افزایش آن ازهمین کتیبه‌های‌فراوان ثابت‌است.در اخیر این جلد نویسندگان ایـن کتاب یك‌تابلوی (۲٦٦) علامـت‌مختلف حروف خروشتهی را هـم ترتیب داده اند که ازروی تـمـا م‌کتیبه های مکشو فـه از خـا ك افغانستان وهند وتر کستان تکمیل‌شده وماآنرا درین کتاب عینا تصویر گرفته ایم . (عکس نمبر ۱۰)

درتمام این ۷٦٤ کتیبهٔ ترکستان‌شرقی نامهای شش پادشاه آ مده که‌یکی از ایشان اوی جیته سنهـا(٦) مخصوصاً شاه ختن(۷)یادشده است (کتیبه عدد ٦٦۱) ولی درباره‌پنـج نفردیگر معلومات مستنـد و مستقیمی در دست نیست . (۸)

درین نوشته ها سالهای عهـــدهای شاهی از سال اول‌تا ۳۸ ضبط شده که بقول اورل ستین زمـا ن‌بیـن ۲۳۹تا ۲٦۵ بـاشد . زیـــرا درهمین‌تودهای خاکی یك‌لوحهٔ چینی‌هم بدست آمده که‌تـاریخ‌آن۲٦۹ م است (۹)

(1) Sir Aural Stein (2) Niya
(3) Ancient Khotan (4) Serindia
(5) Kharosthi inscriptions in Chinese Turkestan, Oxford 1929
(6) Avijita-sinha (7) Khotana-Maharaya
(8) Kh-ins p. 323 (9) Kh-ins, P. 335

بهر صورت وجود این کتیبه هادرترکستان شرقی نفوذ مدنیت و فرهنگی راروشن میسازد که دزاوایل قرون میلادی بو سیلهٔ کوشانیان شرقا تامتوره و جنو باتاوادی پشین دموهن جودیرو سند وشمالا تاترکستان چینی و ختن پهن‌شده بود، وحدود غربی آنرا با نفوذ رسم الخط خروشتهی مجا ری‌دریای هلمند تحدید کرد • میتوانیم •

سنگ نوشته‌های شناخته نشده موزه کابل

درموزهٔ کابل چند پس سنگ نوشتهٔ کوچك وبزرگ موجود است که بران نوشته های خروشتهی دیده میشود .

تحقیق و خوانش این سنگ ها تاکنون صورت نگرفته واگر عکاسی هم شده باشند، تاکنون ازخوانش ومطالب آن چیزی نشرنشده و یا بدست مانرسیده است .

کتیبه‌هایی هم دیده شده، که تشخیص خط آن مشکل است ودر خور مطالعهٔ دقیق علمای خط شناس ادوار قدیمه است ، که ما درینجا عکس یکی از پن سنگ نوشته هارا بطور نمونه آورده ایم (عکس ۱۲) وخط آن به خروشتهی میماند .

نوشته های زبان تخاری برسم الخط یونانی

علاوه برنوشته های یونانی کـه برسم الخط یونانی ازحدود ۳۰۴ق،م در افغانستان بر مسکوکات و یـاسنگ ها دیده میشود، و بر تمام مسکوکات شاهان یونانی باختر وپارتیان استعمال شده، رسم الخط یونانی در زبان مقامی افغانستان در عصر تو شانیاق ازقرن اول میلادی نیز دیده میشود .

زبان عصر کوشانی که کتیبه های متعددآن باقیست وآنرا زبان تخاری یـا باختری یاکوشانی گفته انـد، یك لهجهٔ شرقی زبان های ایرا نـی است که مقارن با پښتودرآیزوگلاس لسانی بین مجـا ر ی هلمنـد ودریای سند، زبان کتابت و مسکوکـات وسنگ نبشته هـا بـوده، واز قرن دوم تادهم میلادی درمد ت ۸۰۰ سال آثارآن موجوداست ،که برخی عناصر آن باپښتو و پهلوی وسنسکریت و ترکی مشتـرکست وآنرابا تمام معانی زبان یك ایزوگلاس (۱) فرهنگی توان گفت که عناصرمقامی راباقبول اثر هـای شـر قـی وغـربی وشما لی در خود فـراهـم آورده است ، وحتی این اثر هـادررسم الخط یونانی آن هم مشهود است که مادر سابق به آن اشار ت کردیم.

حروف این رسم الخط قراریکه درکتیبهٔ بغلان اواسط قرن ۲م آمـده وبعد ازان شکسته شده و تغییرشکل داده است (درشکل نمبر ۱۳ دیده شود.)

بدین منوال مطابق قول هیـو نـتسنگ درزبان تـخاری (۲۵)حرف وجود داشت که در کتیبهٔ بغلان هم آمده است .وچنانچه گفتیم درکتیبه ـ های متأخر دورهٔ اسلامی برخی حروف رابه نقاط هم امتیاز داده اند.اکنون ماتمام کتیبه های مکشو فه ایـن رسم الخط را در افـغانستـان و سرزمین های متصل آن درینجا شرح میدهیم، واین شرح مطابق خوانش ومطالعهٔ ورأی خودنویسندهٔ ا یـن سطور است، که امکان هر گو نـه تصحیح ازروی مطالعات د قیق تـرآینده دارد . ولی من اکـنـون رأی خودرا بطور مطالعهٔ ا بتـدا یـی مینویسم، و تمام این کتیبه هـا را بمدد ادبیات دری و پښتو قا بـل تحلیل میدانم ، که این زبان یك لهجهٔ شرقی زبان دری بوده ، و در خـو رفهم وتطبیق بـاادبیات قدیم زبـان

---

(1) I-so-Glass

دری است . ولی چون این لهجه‌در ایزو گلاسی بین فـرهـنگ و روایات‌ادبی ولسانی شرقی و غرب‌وشمال واقع بوده ،البته عنا صـر سنسکریت وپهـلوی وتـرکـی وپراکریت های هندی دران مشهـود است .که شما آنرادر شرح ایــن‌کتیبه ها خوا هید دید. و لی‌چـون درینجا کاوش وتدقیق ما تنهاراجع‌به هنر خط نویسی است، بنابرین تنها وجود واهمیت رسم ا لخـــط‌یونانی شکسته راد ر ین قسمـت شرقی آریانه مورد مطالعه قـــرا‌رمیدهیم، واز تحلیلات دقـیق لسانی آن میگذریم . ودربارهٔ تفصیل آن‌به‌دو کتاب من‌مادر زبان دری وهفت کتیبهٔ قدیم طبـع کابل ر جـــو ع‌فرمایید.

۱ـ کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان:

بقایای یك آتشکدهٔ بزرگ بالای‌تپه های ۱۵ کیلو متری پل خمری در ولایت تاریخی بغـلان شمـا ل‌افغانستان در ۱۹۵۷ کشف گردید. که‌درانجا سه نسخه از یك کتیبـهٔ‌قرن دوم میلادی رایافتند.

نسخهٔ بسیار مهم این کتیبهٔ بریك سنگ ۱۳۲ × ۱۲۵ سانتـی بخط یونانی وزبان تخاری برامده که‌۲۵ سطر و ۹٤۷ حرف یونانی با دو نشان خاص عصر کوشانی دارد ،ومن درسال ۱۳٤۲ ش آنرا در کتابی بنام «مادر زبان دری » تحلیـــل وخوانده ام.

دونسخهٔ دیگر عین همین کتیبه‌بااختلاف املاوی جزوی ولی بخـط بدو ناپخته یی در همین مـعبـد ازسنگ‌کاری داخل‌چاهی‌کشف‌شده ، که یکی ۲۱ پارچه سنگ و دیگری‌۳۲ قطعه دارد که این پارچه ها ی سنگی رادر داخل بنای چـا هــی‌بکاربرده بودند .

ازروی این کتیبه بانی اصلی بگ‌لنگ (بغلان) بگ شا کنیشکـــی نامو برگ بود، که‌بعداز ان دربهارسال ۳۱ عهد کانیشکا(حدود۱٦۰م) بغرض تعمیر مجدد ،چاهی رادرانجا‌کندند .

این بناراکه آثار آتش مقـد س(ایر = اور پښتو) دران یافته اند به‌لغت هندی مندر یعنی معبدومالیز‌یعنی مهـادز و حـصار بـزرگ و نوشال = نوشاد نامیده اند. ومتن‌کتیبه متضمن فواید بزرگ تاریخی ولسانیست که دران ۱۵۵ کلمـــهٔ‌زبـان تخـاری مـورد استعما ل است. (رجوع به‌عکس نـمبر ۱٤)

ترجمهٔ متن کتیبه :

واینست مهادژ کانیشکه بهره‌ور:بغلان . که (آنـرا) شاه بـزرگ

کانیشکه نامور کرد (ساخت). چون بزودی این مها دژ تمام کرده شد، پس آب این معبد نیست شد، چنین (این) مهادژ بی آب (خشک) ایستاد (شد) و (چون) رب النوع نیکوی مقدس آتش معطل ماند، پس خداپرستان نوشاد تباه شد نسد (رفتند) چون جویهای آب ایستادند (خشک شدند پس)آب اندک شد ومهادژ پدرود گشت .

تا که نو کونزوک کنارنگ فراخدای (مقرر ازطرف شهنشاه) فریستار آب شاه بکپور (شاهزاده) لویك بوسر* (بن) شیزو گرگ اروانشاد (شاد روان) که همواره نامور باد باارادهٔ مهیا (قوی) به سی ویکم سال سلطنت هنگام نیسان ماه به بغلان آمد، این مهادژ را پرورید . تا که یك چاه کند واز آن آب برآورد . وآنرا به تهداب سنگی استوار کرد، چنین آب مهادژ زیادشد ونه کاهید . وچون رب النوع نیکوی مقدس آتش وجود داشته باشد ، پس خدا پرستان نو شاد تباه نخواهند شد، (نخواهند رفت) ومها دژ پدرود نخواهد شد . چون آن چاه خام کوب را خشت ریز کرد بنیاد ورایستاده شد.

بدین چاه (و) بدین خشت ریزهمه مهادژ نیك پرورده شد، ویك چاه وصحن بزرگ کرد (ساخت) .

منم برزمهر - منم کوزگاشکی پور - منم رئیس گانسیگییم (؟) - نو کونزیکی کنارنگ مریگ، بفرمان خدای و (بفرمان)ایمن نوبخت - منم مهره من - منم برزمهر پو ر امهره من »

بردیوار های این معبد آتش د هپارچهٔ دیگر سنگی هم یافته اند .که بهمین رسم الخط کلمات مختلفی بران دیده میشود ، و تاکنو ن این کتیبهٔ مهادژ بغلان مفصل تر ین نوشته ایست که بدین زبان ورسم الخط در دنیا کشف شده است. واوضاع امپراتوری چهارم بز ر گ دنیارا دران عصر روشن میسازد.

۲- سنگ نبشته های روزگان:

روزگان در کو هساران شمال شرقی بفاصلهٔ دوصد میلی از شهر قندهار درنشیب های جنوب غوروا قع است . وآثار باستانی ز یادی دارد واز آنجمله در درهٔ شالی ده میلی مرکز روزگان دو کتیبه رسم الخط شکسته یونانی بزبان تخاری عصر هفتالیان بعد از قرن ٥-٦ م موجود است.

این هردو کتیبه در بدخطی واشکال حروف باهمدیگر بسیار

مشابه وغالباً به‌یك قلم‌نوشته شده‌وحروف آن برخلاف کتیبهٔ بغلان بهمدیگر پیوسته وشکسته است ،ولی علایم فاصله حروف (٥) مانند کتیبهٔ بغلان دران دیده میشود ، وبالای حرف Z دزیك کلمه‌درهردو کتیبه سه نقطه هم نـو شته شد ه‌است .

خوانش نوشته اول :بکه‌ـشاه ـخوی ـمهرـماهـ زمیک .

یا: بگه ـ شاه ـ زاولـ مهـرماهـ زمیک .

یعنی : بکه‌شاه ، شاه‌زاده مهر،ماه زمین . یا: بزرگ شاه زا بـل مهر، ماه‌زمین .

خوانش نوشته دوم: بکهـ شاهـخوی ـمهر ـزمی ...

یا : بگهـ شاهـ زاول ـ مهر ـزمی ...

(برای شرح رجوع شود به‌کتا ب‌هفت کتیبهٔ قدیم ازعبدالحی حبیبی)

(عکس نمبر ١٥)

٢ـ کتیبه های جغتو :

درشمال غربی غزنه بفاصله ٢٠ کیلومتری‌درکوه‌برگول‌برخرسنگ ـ های کوهسارراه کاروانی دونوشتهٔ‌خطیونانی‌بزبان‌تخاری‌دیده میشود ، که‌یکی درسه سطر بسیار رو شـن‌وخوانا وهـم، حـرو ف خو شخط پیوسته باهمدیگر است ومـتن آن‌احترام به‌سه جوهر بو دایی تـر ی رتنه (١) یعنی‌دانایی ـتقوی‌ـاتحاداست ، و چـنانچـه گـذ شـت همین مطالب بریك کتیبهٔ تبتی د رتنگی تایغاك قزاقستان هم‌نو شتـه شده‌است .

خوانش این کتیبه :

(١) نمو ـ بد (احتـــرام بــــه‌بو دا)

(٢) نمـــو ـ دهر مه (احترام به‌دهرمه)

(٣) نمو ـ سنگه (احترام بــــه‌سنگه)

اما کتیبهٔ دوم جغتو درپنج سطربر صخرهٔ بزر گی است که مطا لب زیرین‌آن محو شده وفقط مطالب ذیل‌ازان خوانده میشود:

١ـ بکه

٢ـ که که‌تی شا +

٣ـ پور

---

(1) ratna

۴ـ ویماشا ،
۵ـ السخ
یعنی : خداوند گار جغتوشاهپورویما شاه بزرگ . (برای شرح رجوع شود بکتاب هفت کتیبهٔ قدیم)(عکس نمبر ۱۶)

۴ـ کتیبه دشت ناور:

دشت ناور برسطح مرتفع غربی غزنه درغرب جغتو واقع و یکی از مراتع معروف کوچیان افغانیست که درایام تابستان با مواشی خود بدانجا روند.

درینجا نیز سنگ نوشتهٔ طویل ومفصلی بخط یونانی مشابه کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان باحروف کلان وغیر متصل غالباً بهمین زبان تخاری ودری قدیم موجود است .ولی باشکست هایی که در داخل سطح سنگی آن واقع گردیده ، آسیب های زیادی دیده است ، وازروی عکس های ناقص آن که بدست نویسنده رسیده خواندن آن مشکل است . ویك حصهٔ این نوشته هاخوردشنیهی است.

ازروی طرز خط و حروف یونانی توان گفت که پیش ازعصر کتیبه ـ های روز گان وجغتو و توچی باشند که مطالعه وتحقیق آن با وسایل موجوده برای من ممکن نشد.ولی باطول وعرضی که این کتیبه دارد، اهمیت آن کمتر از کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان نخواهد بود ، و من اکنون بیش ازین دران باره چیزی گفته نمیتوانم.

(عکس یك حصه روشن این کتیبه نمبر ۱۷)

۵ـ کتیبه های وادی توچی وزیرستان :

وادی توچی وزیر ستان و گومل برشاهراه قدیم غزنه بهندوستان ووادی سند واقع بوده ، ودرانجابقایای شهزادگان کوشانی در قرن ۸ـ۹ میلادی حکم میراندند .

دروادی توچی بین ایدك وسپین وام بسمت غربی بنون آثار ابنیهٔ کهن درمواقع متعدد نمایان است وغالباً نغر کوت مذکور در کتاب الهند وتیمور نامه وبابر نامه هم درینجا واقع بود، که بقول البیرونی نسب نامهٔ کابلشا هان برد یبا یی نوشته دران جا بود. (۱)

---

(۱) کتاب الهند ۳۴۹

ازین وادی سه سنگ نبشتــــهٔمهم بسه رسم الخط عربی ـهند ی۔ یونانی بدست آمده کــه در مــوز ۂپشاور محفوظند . اما آنچه برسم۔ الخط یونانی و زبـــا ن تخـا ر ی‌است :

۱ـ سنگ نوشته بر سطح‌سنگی۲۵ × ۸ انچ که‌بطرف چپ آن خـط سنسکریت وبر راست تخـــا ر ی‌نوشته شده وطرف راست آن کــه آسیب دیده پنــج سطر است ، که‌خط آن شباهت زیاد بانوشته ها ی روزگان دارد، وبنابــرین از رو ی‌تاریخ های این کتیبه ها تاریـــخ کتیبه های روز گان راهم تخمیـــن‌توان کرد .

کتیبه های تو چی چو ن وضــع‌سیاسی وفرهنگی این گوشهٔ شرقی آریانه رادر اوایل قرونه اسلا مــی‌روشن میکرداند ، و اینکه خــط شاره داناگری وزبان سنسکر یــت‌بـا خـط یــونانی وزبــان تخـاری درآنجا موجـود است آثــار خلــطفرهنگی رادرقسمت شرقی‌آیز و ـ گلاس تهذیبی بین هلمند و سنــدنمایندگی میکند ، واز نظر لسا نی کلمات هشتر کی رابین این کتیبـه‌ونو شتهٔ سر خ کوتل‌بغلان‌می‌یابیم مانند خشون ـ کلد ـ فرو مــان ـمالیز ـ اد ـ درحالیکه املای برخی کلمات فرق دارد مانند: (شکل۱۸)

اینك ترجمهٔ فارسی متن کتیبـــهٔاول توچی قرار خوانش‌من:

۱ـ ازسال ۶۳۲ سلطنت ، مــاه‌هشتم ـماه شاه م ... نی‌بخت.

۲ـ گومل بغپور یکتا پر ست ،گومان (ازخاندان گو)درینو قت .

۳ـ گستراندیدم کرد گل‌رانید ن‌مادژ، ونوبخت +

٤ـ بیبا ربزرگ گسترانید ، به‌فرمان گوکد (گودودمان)

۵ـ ستاره ـ یـاستر (اعــلی)(۱)

درین کتیبه که‌بنای مادژونوبخت‌بهار رادر ماه هشـــتم ســال ۶۳۲ سلطنت گفته مطابق است با۸۶۲م= ۲٤۹ قمری و ۳۹۳۸ لوك کـــاله سموت وهفتم ماه بهادره هنـــد ی‌که‌درمتن سنسکریت همین کتیبـــه توضیح شده. ولی‌حصهٔ اول نـا م...نی‌بخت متاسفانه درهردو متـن سنسکر یت وتخاری ناپدید است‌وکلمهٔ نوینه (۲) متن سنسکر یـت مطابق است بانو = نی‌تخاری . وبعدازان چنـدره بهـــو پـــه (۳)

---

(۱) برای تفصیل رجوع برسالهٔهفت کتیبهٔ قدیم تألیف حبیبی‌طبع انجمن تاریخ کابل.

(2) Navima (3) Chandra-Bhupa

سنت ... این ترجمه (ماه شاه) تخار یست که‌چندره = ماه وبهو په
درســ... شاه وسلطان یا شد. واین ماه شاه ... نی بخت گو مل
بغپور ... در متن سنسکریت تهو جنه پتره (۱) یعنی کوشا ن
زاده خوانده وبدین و سیله مابقایای شهزادگان کوشانی رادرین سرزمین
درحدود قرن نهم میلادی می‌شناسیم (عکس ۱۹)

۲ـ کتیبهٔ دوم وا دی تو چـــی بدو زبان ورسم الخط عربی ـ تخاری
است که‌بر دوپارچه سنگ از شیرتلا واقـع وادی تـوچی وزیرستان
به موزهٔ پشاور آررده شده، و بـرحصهٔ بالایی آن بخط بسیار ناپختـه
ومغلق بهم بپیچیده کوفی عـبارات‌عربی رادر چهارسطر بهم آ میختـه
نوشته اند، که‌خوانده نمیشود ، وتنها کلمهٔ الله دران وا ضـح‌است .
(عکس نمبر ۲۰)

این کتیبه خلط اوا خر فرهنگ ورسم الخط یونانی رادر زمان بسـط
رسم الخط عربی درین سرزمین نشان‌میدهد وعیناً درطرز خط یونانی بـا
کتیبهٔ نمبر اول سابق ا لـذ کـرشبیه است مانند کلمهٔ بغپور کـــه
بالای حرف دوم سه نقـطه دارد .وهمچنین درکلمهٔ کوشان شین ونون
مانند رسم الخط عربی نقاط دارد .که‌شاید اثر فرهنگ عربی باشد .
ونیز رسم الخط برخی کلمات‌مشترک آن باکتیبهٔ اول‌مطابق‌است مانند :
ماه ـویکـ اد ستـر ـشاه ـبو ستر انید ـگومل ـ

درینجا من خوانش خودرابحروف‌لاتین (عکس نمبر ۲۰) آو ر ده‌ام.
اکنون ترجمهٔ کتیبهٔ‌تخاری (عکس نمبر ۲۰) رابدری بخوانید:
۱ ـ ازسال ٦٣٥ سلطنت
۲ـ درماه اول (قـــر و ر دیـــن‌ماه)
۳ـ (روزهای) ورمز د و مهـر(اول وشانزدهم)
٤ـ درینوقت کـرد (سا خـت)کوشان
٥ـ گومل بغپور بزرگ (ستاره)
٦ـ ازخاندان گو (پهلوان)(گو)دودمان . شاه.
۷ـ بوسر ... خاقان +
۸ـخیل ـخان قزل
۹ـساهو سرای (ســودا گـــر سرای)

---

(1) Khojana-Putra

رعلایم منقوشهٔ مواهیر و مجسمه‌های وادی سند وموهن جود یر و (که درحدود ۵ تا ٦ هزار سال عمر دارد) مقایسه کنیم ، تناسب وهم آهنگی وهند سیتی که درخطوط مرهن جودیرو دیده میشود ، درین کتیبه مشهود نیست وبنابر ین آنرا بدورهای بسیار ابتدایی مدنیت انسانی که‌قبل ازین عصر بود نسبت توان داد.

تاگفته نماند: که‌درمغار های هزار سم ١٦ کیلو متری غرب سمنگان درنشیب های شمال هندو کش بارتفاع ۳۳۰۰ فت آثار زیاد قبل التاریخی موجود است ،که‌درآنجابردیوار های‌مغاره‌های‌سنگی نیزاشکال ورسم های منقوره درگچ‌کاری دیده میشود ،که باستان شناسان بعضی ازان رابا خطوط قبل التاریخ اروپای غربی در هسپانیا وایتالیا وسویس وآیرلیندمشابه یافته اند. ودر آثار هزار سم اشکال انسانی ودستهاواشکال‌حیوانی وخطوط معوج شکسته یی دیده میشود، که‌خطوط منقورهٔ لغمان‌یك صورت متکامل ومهذب شدهٔ خطوط هزار سم پنداشته‌میتوانیم.

چون عمر آثار هزارسم رادرحدود۵۰۰۰۰ سال قبل در عصر قدیم سنگ طبقهٔ میانه (چقماق) (۱)تخمین کرده اند (۲) وتشابهی هم بین خطوط منقوره لغمان وهزارسم‌دیده میشود ، ولی قدری مهذب شده، بنابرین توان گفت: که‌نقوش‌سنگی لغمان ،مربوط بعصر بعد از دورهٔ هزارسم خواهدبود . زیرا کندن چنین خطوط واشکال‌درسنگ خارا، محتاج به‌استعمال فلز سرتیزیست که‌لابددر دورهٔ استعمال فلز یعنی حدود پنج هزار سال قبل از ین ، نقر آن واقع شده باشد .

---

(۱) MIDDLE PALAEOLITHIC

(۲) برای شرح آثار قبل‌التاریخ‌هزار سم‌به‌مجلهٔ‌ایست‌ایندویست‌طبع روما ۱۹٦۳ مقاله EDITTA CASTALDI رجوع کنید ونیز دیده شود: مقالهٔ دورهٔ قبل التاریخ‌افغانستان ازلویس دوپری – مجلهٔ‌آریانا طبع کابل شماره ۲۷۱ جوزا ۱۳٤٦ ش

THE PREHISTORIC PERIOD OF AFGHANISTAN BY LOUIS DUPREE JOURNAL AFGHANISTAN. NO. 3, 1967.

۱۰ــ بو سترانید (به) فرمان
۱۱ــ ستر (اعلی) یا ستار ه
تاریخ این کتیبه بنای سرا ی‌تجارتی سنه ٦۳٥ سلطنت باشد ، که‌سه‌سال بعد از کتیبهٔ سا بق‌الذکر اول نقرشده است . وایـن سال مصادفست با ۳۹٤۱ سمـو ت= ۸٦٥ م = ۲٥۱ قـمری مـا ه فروردین وروزهای ورمزد(اول) تاروزمهر (۱٦ ماه‌شمسی) .
۲ــ پارچهٔ تخاری سنگ دوم که‌ازهمان کتیبهٔ بالا شکسته و جـدا شده ولی حروف وسطح مـنقـو رسنگ بسیار آسیب دیده وخوانش آن دشوار است .
. درین کتیبه هم در پنج سطـــر ارقام عدد X-I-E که‌همان سا ل ٦۳٥ خشون باشد با کلمات‌خشو ن ـنیدـکوـ شاـ ادـکرد. بنظـــر می‌آید که تلفیق وتفسیر آن ممکن‌نشد (عکس نمبر ۲۱)

کتیبه‌های شاره دا ـ ناگری سنسکریت

ناگری (۱) رسم‌الخط قدیـــم وعمومی هنداست که تاکنون بحیث رسم خط ملـی آنـجا بـاقیست ومنسوبست به نگر یعنـی « خـــط شهری » که‌کلمهٔ دیوه درآغـــاز نام‌آن درقرن ۱۸ اضافه‌شده و قــدیم نیست و دیوه + ناگری بمعنی خط‌شهری خدایی باشد. که از خـــط قدیمی براهمی برامده‌وتاقرن‌یازدهم‌میلادی در اکثر اراضی‌شمالی هند رواج وتعمیم یافته است .

درین رسم الخط ، خطوط عمودی‌تز ئینی وخطوط افقی بالایی را بط حروف اضافه شده، و۳٤ حـرو فـصحیح و١٤ حروف علت دارد، که قدیمترین کتیبه های آن‌در هنـــدمربوط به‌قرن ۷ـ۸ م است .

اما رسم الخط دیگربنام شاره دا(۲) نیزدرقرن ۸م بیـــن هـندو ان کشمیر رایـــج ومقـارن بازبـان ورسم الخط ناگری سنسکریت بود، که باناگری شباهت ونزدیکی داشت‌وگویند که از خـــط گـوپـتـه (۳) وشعبهٔ غربی آن‌در قرن ۸م بمیـان‌آمده‌بود، ودرادبیات شمال غـر بی هند بکار میرفت ، و هرصـــوت وحرف نمایندهٔ آن ، نام جداگانه یی هم‌داشت . (فن تحریر ۳٤۰)

دو کتیبهٔ لغمان

درحدود سه‌میلی غربی مهتر لام(لمک) وادی لغمان ، نزدیک قـر یهٔ شمله تک حکومتی قرغه‌یی ،دردامنهٔ‌کوهی سه‌کتیبه موجـود است ، و طوریکه در مبحث کتیبه های آرامی‌شرح دادیم ، یکی ازان بـز بـان ورسم الخط آرامی است ،که‌منسوب‌به‌عصر اشوکا باشد.

درهمین جادو کتیبهٔ دیگر بـــه‌خطی مـوجـوداست ، کـه اشکال حروف آن بزمانهٔ پیش‌از خط ناگری‌ازقرن اول‌تادهم میلادی تعلق دارد، وخطوط واصلهٔ حروف دران دیـده ‌نمیشود، وحتی برخی از حر و ف آن‌به کتیبه های غار متـورا درهندشبیه است که در قرن اول‌میلاد ی باشد .

چون هردو کتیبه درسال ۱۳٤۸ش کشف وعکاسی شده، بنا بر ین تاکنون تحت نظر وتحلیل متخصصان‌قرارنگرفته وحل نشده است .

---

(1) Nagari (2) Sarada
(3) Gupta

باحتمال نخستین ، سطر چهارم کتیبهٔ نمره (۲۲) کلمات لمکان جتی (۱) دارد، که‌جتی‌درسنسکریت‌بمعنی مخلص و مر ید ومطیع دینی (۲) است واین‌میرساندکه‌کلمهٔ لمکان(لغمان کنو نی) هم تاریخی کهن دارد، وممکن است‌تحلیل علمی این دوکتیبه ،مطالبی رادر تاریخ قدیم این‌سرزمین روشن‌سازد.(رجوع به‌عکسی نمبر ۲۲و۲۳)

---

(1) Lemekan Jati

(۲) قاموس هندو ستانی بــه‌انگلیسی ازدنکن فوربس .

کتیبه‌های شاره دا_ناگری سنسکریت

رسم الخط هندی شاره دا ودیوه‌ناگری قدیم درشمال غربی هندباهم آمیخت ، واثر آن باروابط فـــو ی‌کلتوری که‌بین مردم وادیهای شرقی وعربی دریای سند موجود بـــود ،تاقرن سوم هجری ودورهٔ اسلا می هم‌رسید . ومسکوکات‌برخی از کـابلشاهان متاخرکه‌بدست آمـده نیز برسم الخط ناگری است و بـر خی‌کتیبه هـا هم بخط نا گـر ی‌موجود انـد.

مهم ترین سنگ‌نبشتهٔ دو خطی‌ودوز بانه درسنه ۱۹۰۷ م ازواد ی تو چی بین اید ك و سپین وام برلوحهٔ سنگی ۲٤ × ۱۲ انچ به موزهٔ پشاور آورده شد، کـه بـالای آ ن‌نوشته عربی نسخی ودر پایین همان مطلب‌به‌سنسکریت‌وخط مخلوط شاره‌داو ناگری در ٥ سطر مو جـو د است (عکس ۲٤)

درین کتیبه سال ۳۲سموت ماه‌کارتیکه بروز دوم نصف تـا ریك مساویست باجمعه ۷ ستمبر ۸٥۷ م = ۱۳ جمادی‌الاولی ۲٤۳قمری. (۱)

نمونهٔ دوم این رسم الخط د ربریکوت سوات درسنه ۱۸۹۷م بـر یك تختهٔ سنگی بدست آمده کـه‌اکنون درموزیم لاهور افتاده ا ست که‌زبان آن‌سنسکریت ورسم الخـطشاره دا است .

برین کتیبه نام جیه پاله دیوا(۲)دیده میشود که بقرار ذکر عور خان دورهٔ غزنوی دوبارباسبکتگین حرب‌کرده وازلغمان بطرف شر ق پس رفت ودرسنه ۹۹۱م ۳۸۱ قصـر ی‌لاهور راهم گرفت و بقول العتبی در اوایل سنه ۳۹۳ قـمری خـود ر ابسوخت واز جهان رفت (تاریـــخ یمینی ۱٥۹) وی درادبیـات د ر ی‌عصر غزنویان و فتوحات سلطـا ن محمود شهرت دارد.

برین کتیبـه‌نـام اورا چنیـــن‌نوشته اند:

«درشاهی مهاراجه بزرگتر یـــن‌شاه ازشاهان بزرگ و ملك بزرگ شری جیه پاله دیوه »

(پتهانان سراولف کیرو۱۱۲) (۳)

---

(1) Ancient Pakistan 1/130 (2) Jayapala-Deva

(3) The Pathans. P. 112. By Olaf Caroe. London 1953

دوکتیبهٔ دیگری که بزبان سنسکریت و رسم الخط دیوه ناگری ازهمان ویهند تاریخی (هند کنونی) کنار اتك درسنه ۱۸۳۶ م بوسیلهٔ برنس (۱) به موزیم ایشیا تك سوسائتی بنگال انتقال داده شده نیز درخور یادآوریست وپر نسیپ آنرا مربوط بقرن ۷ـ۸م میداند. کتیبه اول بریك قطعه مرمر سپیددر ۱۳ سطر است که برخی ازان سخت آسیب دیده وخوانده نمیشودوبنابرین ربط وتلفیق مطالب آن روشن نیست وفقط از هجوم مردم گوشت خوار نیرومند توروشکه (۳) ذکری دارد که مراد همان هونان یفتلی باشد وهم نامی ازشری تیله‌که بر همن (٤) بران دیده میشود.

کتیبهٔ دیگر سنسکریت برسم الخط دیوه ناگری هم زیر یك بت شکستهٔ ویهند در ۵ سطر است که اکثر سطح آن ساییده شده و برآوردن مطلب آن مشکل است .(عکس ۲۵)

(کابل تالیف سرالکسندر برنس ۱۲۰ ـ لندن ۱۸٤۲م)(۵)

---

(1) Burnes (2) Prinsep

(3) Turushcas (4) Seri Tillaka Brahmin

(5) Cabool. By Alexander Burnes. P. 120 London 1842

رسم الخط پهلوی ودین دبیره

نام پهلوی اصلا منسو بست به‌پارت (خراسان) که‌در کتیبه هـای هخامنشیان پرتهوه (۱) ذکر شده.وچون اشکا نیان یکی ازاقوام پارت (۲٤۷ق ،م ۲۲٤م) دولت بز رگـی‌را ازشمال ایران کنونی تا دامنه‌های همالیا تشکیل دادند ،دراوایل رسم‌الخط ایشان یونانی وخرو شتهـی بود ،چنانچه بنیاد گزار خا نـدا ن‌اشکا نی ارساسی (۲) = ارشك = اشك بلخی که درحدود ۲۵۰ق ،م‌سکه‌زد ، برمسکوکات او که درروادی هلمند پیداشده، رسم الخط یونا نی‌وخروشتهی هردو دید ه میشو د (تاریخ افغانستان ۱ر۱۱۹) و بـــرمسکو کا ت مهر داد دو م پســـ ارتبان (۱۲٤ر۷٦ ق،م) نیز رسـم‌الخط یونانی مشهود است (کونو ٤۳) ولـی درقـرن او ل مسیحـی‌استعمال خط پهلوی بایونا نی بـر مسکوکات اشکانی وبعـدازان د راوایـل عصر ساسا نـی آ غـــاز شد (۳)

خط پهلوی که از آرامی برآمده‌بود، در دربارهای اشکانی وساسانی از ۲۵۰ق،م ببعد تا ٦۵۱م (۳۱هـ)مدت‌نه‌صدسال دارای رسمیت بود، ولی پهلوی شمالی دربار اشکا نـی‌باپهلوی جنوبی دربار ساسانی ، در رسم الخط ولهجه تفاو تی دا شت‌ته رواج خط عـر بی آنرا از بیـن برد.

اگرچه در قسمت شر قی مجرای‌هلمند، زبان تخاری بارسم ا لخـط یونانی در همیـن عصر ها رو ا ج‌داشت ولی درسرزمین غربی آ ن‌با وجود زردشتیان درروادی هریرود وسیستان ،بودن زبان ورسم الخـط پهلوی نیز مسلم است ، وبـــا زهنگامیکه اثر دولت ساسانی تـــا مجاری سند رسید، نفوذ رسم‌الخط‌پهلوی نیز تا هند وسعت یافت، و مسکوکاتی رامی بینیم که در دور ۀساسانی ، بخط یونانـی تـخاری و پهلوی یاناگری وپهلوی درین‌قسمت‌شرقی فلات ضرب شده اند . (٤)

وچون خسرو دوم ساسا نـی‌خراسان را از هفتالیان در حـدود ٦۱۳ م بگرفت ،وی بیادگار ا یـن‌فتـح مسکو کی را،که دارای ها لـۀ نور به دور چهرۀ اوبود ضرب‌کرد.وبابر مسکو کات عصر هفتالی نیز

---

(1) Parthva (2) Arsaces
(3) L'Iran Sous les Sassanides,P. 57
(4) Ariyana Antiqua. P 396/400

کلما ت خراسان خوتاو، و تکیـــن خراسان شاه، وخوره اپـزو ت و هپتل خوتاو ومرتان شاه را برسم الخط پهلوی می‌بینیم که در ربـــع اول قرن هفتم میـــلادی هنو ز اثـــر پهلوی را در زابلستان تادامنه های هندو کش ثابت میسازد و پیش ازایشان هم کیدار یان (کو شا نیا ن توچك) که درقرن چهارم میلادی بین هرات ودریای سند حکمرا نـــی داشتند ودربلخ هم سکه زده اند ،سه رسم الخط پهلوی ـ یو نا نـــی وبرهمی رابر مسکوکات خـــو د نوشته اند.مثلابریك سکه پیرو(۱) (حـــدود ۳۷۸م) خـــط برهمی وپهلوی وبریك سکه ورهـــران (۲) تنها پهلوی (حدود ۴۰۰ م)وبریك سکه پیرو چ (۳)همین نام به پهلوی وبریك سکه بهاسه (۴) هم برهمی وپهلوی ونیز برسکهٔ یك ستر ۱ پ نامعلوم شاپور سوم حروف پهلو ی مبهمی دیده میشود (مجلهٔ سکـــه شناسی ۱۹۳۸م ص۳۹)(۵)

چنین بنظر می‌آید که باقطع سلطه ساسانیان درحدود ۴۰۰م و اشغال این سرزمین ازطرف هونان سپیـــد یفتلی ،نفوذ خط پهلوی هم کمی یافته وبجای آن طوریکه درسنگ نو شته ها دیده میشود، زبان تخاری و خط شکستهٔ یونانی باقی مانده باشد .ولی همین هفتلیان که در غـــر ب مجرای هلمند بوده اند یا ز هـــم خط پهلوی را چنانچه گفتیم بـــر مسکو کات خودنوشته اند.

بایدخاطر نشان کردکه تا کنو ن هیچ کتیبه یی جز مسکـــو کـــا ت پهلوی در افغانستان بدست نیا مده است که علت آن هم نفو ذ طویـــل رسم الخط های آرامی ـ هند ی ـ یونانی درین سرزمین باشد که توام باسلطهٔ سیاسی و حکمرانی بـــوده است ، ومامی بینیم که اکثر کتیبه هارا شاهـــان و اربـــاب اقتـــدا رمـــی نوشتند ، وچون این مردم باآدا ب و فرهنگ غیر پهلـــوی مـــانـــوس بوده اند ، وسلطهٔ سیاسی ومستقیم ساسانیان هم مدت کمی دوام کرده، بنابرین تاکنون سنگـــ نـــو شتهٔ پهلوی رادرین دیار سراغ نداریم.

خط پهلو ی که مانند آرامـــی ازراست بچپ نوشته میشد ، بسبب محدودیت ۲۵ شکـــل حـــرو ف ونداشتن اعراب و حروف مصـــو ت

---

(1) Piro (2) Varahran
(3) Piroch (4) Bhasa
(5) Numismatic Supplement 1937-38, p 39

حرکی ناقص بود، وهم یك شکل بەچندین صوت خوانده میشد،وبسا
کلمات آرامی از ا لسنهٔ سا مـــی نیز دران بطور هزوارش دخیل شده
بودند ، بنابرین برای ضبط صحیح کلمات والفاظ کتاب دینی اوستا ،
رسم الخطی راکه دارای اعرا ب بود، بنام «دین دبیره »در قرن ششم
میلادی درست کردند، وکتا ب اوستا راکه درازمنهٔ قدیم شاید بخطو ط
میخی وآرامی وپهلوی نوشته میشد ،برسم الخط دین دبیره نوشتند ،که
قدیمترین نسخهٔ خطـی مکـشـو ف اوستا بهمین الفبا ، اکنـون د ر
کوپنهاگن دنمارك موجود است ،کەآنرا درسنه ۱۳۲۳ م نوشته اند .
(گاتها ٤٩)(۱)

چون پیروان کیش زردشــت ومومنین بکتاب اوستا در قسمت غربی آریانه تاحلول اسلام بوده اند ،وخط دین دبیره هم وسیلهٔ نگارش کـتاب مقدس ایشان بـود، بنابرین وجود رسم الخط اوستایی دین دبیره هـم درین سرزمین ، بعید نیست ، کەجمله (٤٤) حرف ونشا نه هـا ی صوتی داشت ، وبخو بی از عهد هٔ ضبط حرکات واعراب کلمات برامده میتوانست .

این رسم الخط از الفبا هـــا ی آرامی ــ پارسی ــ پهلوی ــ یونانی کەدر محیط رواج اوستا سوا بقـی داشت ، ترتیب شده بـود ، واز راست بچپ نوشته میشد . (شکل ۳٦)

(1) Poure Davoud, Holy Gathas 49 Bomby 1927

دورهٔ سه رسم الخط

دورهٔ اخیر رسم الخط مقارن‌ظهوراسلام را ازروی اسناد مکشو فـــه زمان رواج سه خط کوییم. زیـرادرسه قرن اول اسلامی آنـــا رو علایم سه خط رادر قسمت شر قی‌آریانه می بینیم ، که‌یکی یو نانـی شکسته ودوم شاره دانا وناگر ی‌مخلوط وسوم خط عربی ابتـدا یی بازیبایی باشد .

ازسوابق ونوشته های یونانی وشاره داناگری درمباحث کـذ شته ماباختصار صحبت کردیم ، ا یـن‌دورهٔ سه رسم الخط تا فتوح‌یعقوب لیث صفاری وسبکتگین و تنها یـت‌قرن سوم هجری دوام کرد، وبعد ازانکه کابل شاهان به‌ویهندوسوات‌پس نشستند ، وشهزاد ‌دن ا خیـر کوشانی هم در گردیز و گـومـل‌وزیر ستان به‌سلطهٔ غزنویان خاضع ومسلمان شیدند ، لهجهٔ تخاری بـارسم الخط یونـانی وآثـار زبـا ن سنسکریت پارسم الخط شاره دا وناگری نیز جای خودرا رسما به‌خط وزبان عربی ودری گذاشت .

جای تعجب است: کـه‌درنیمـــهٔقرن سوم هجری هنگامیکه یعقو ب لیث صفاری از زرنـج برخاست وزبان آنجا بشهادت تاریخ سیستان پارسی بود (ص ۲۰۹) واین پارسی‌برای ماا کنون هم روشن و مفهـو م است ، در کوهساران وزیرستـان‌لهجهٔ تخاری باحالتی که درکتیبه‌ها مشهود است مـوجود بـود، وصدسال بعددر عصر سلطان محمـو د بکلی مفقود ونابود گردید، و جای‌آنرا دری فصیـح دربارسا ما نیا ن وزبان دقیقی ورو دکـــی گر فت ، واثری ازلهجهٔشرقی‌تخاری ورسم‌الخط آن نماند !

بهر صورت رسم الخط هـــا ی‌هندی ـیونانی ـ پهلوی جای خو د رابرسم الخط عربی ماند، که‌دکتوراسرائیل و لفنسون درتاریخ لغا ت سامی آنرا مآخـو ذ از خط نبطـی‌متاخر داند وقدیمترین کتیبهٔ ایـن خط در جبل دروز حران (شام) برسنگی بالای دروازهٔ کلیسایی بزبان عربی ویونانی موجوداست ، که درسنه ۵٦۸م نوشته اند. و لی‌دردورهٔ اسلامی لوحهٔ قبریکی از حجا زیان‌عبدالله بن جبر درسنه ۳۱ هـ (موزهٔ مصر شکل ۲۷) و نوشتهٔ صخـرهٔبیـت المقدس ۷۲ هـ قـد یمتر ین

سنخ نوشته های همین خط عربی است. (۱)(تاریخ اللغات السامیه ۲۰۱)
درشمال وغرب افغانستان نفو ذخط عربی ازقرن اول اسلامی ظاهر است . بدین معنی که اکثر حکمرانان عربی دربلخ ومرو وهرات و زرنج بهمین رسم الخط سکه زده اند ، که ازانجمله درکرمان درسنه ۹۰ هـ ودر مرو درسنه ۹۰ هـ ودر بلخ درسنه ۱۱۷ و ۱۳۲ هـ و ۱۸۲ هـ و ۱۸۵ و ۱۸۷ ودرهرات در سنه ۱۹۳ و ۲۰۶ درزرنج سیستا ن در ۱۸٦ هـ سکه زده شده، که اکنون درموزه کا بل وبرتانیه و غیره مو جود نـد وطاهر یان پوشنگی هم درنشاپور درحدود ۲۰۵ تا ۲٤۰ سکه ها ی عربی دارند ویعقوب لیث صفا ر ی درحدود ۲۵۰ هـ وامیر ابونصر احمد بن محمد فریغونی جوزجان درحدود ۳۹۰ هـ وداود بن الیاس از آل بانیجور تخارستان درسنه ۲۳۲ هـ ومکتوم بن حرب ا میر اندراب در حدود ۳۵۹ هـ وامیر الپتکین درغزنه درسال ۳۵۹ هـ وامیر سبکتکین د ر پروان درحدود ۳٦٦ هـ بهمین رسم الخط عربی (نسخی یاکو فی)سکه زده اند .
ولی درقسمت شرقی آ ریا نـه نفوذ خط عربی ازدو کتیبهٔ مکشوفـه (نمبر ۲۰ و۲٤) سالـهای ۲٤۳ و۲۵۱ هجری که ازوادی تو چـی بدست آمده اند نمایان است. اگرچه فتوح عربـی در وادی هلمـند و ارغنـداب ودریـای کابل در قـرن نخستین اسلامی تکمیل شده بود ، وبا این پیروزیهای سیاسی عر ب ،دین اسلام ورسم الخط قرآن نیـز بدینجا رسیده بودولی نفوذ آن درکوهساران شرقی افغانستان خیلی

---

(۱) این کتیبه هارا از نمونه های اقدم خط کوفی دانسته اند ، و لـی درهمین عصر مقارن با کـوفـی ،رسم خط نسخی عربی هـم روا ج داشت ، چنانچه یك نامهٔ شخصـی که در مصر درسنه ٤۰ هـ نـو شته شده، ودو ورق را هداری مصر ی(پاسپورت) سال ۱۳۲ هـ بدیـن رسم الخط است (فن تحریر ازمحمداسحاق صدیقی ۲۰۹ طبع علی گر هـ ۱۹٦۲) از کتیبه های مکشوفـه و سکو کات شرقی فلات ایران بر می آید ، که اثر هردو خط عر بـی نسخی وکوفی در قرن اول هجر ی بدین سرزمین رسیده بـود، و دونمونه شکل ۲٤ مربوط به عصر یست که هنوز اصطلاح کو فـی ونسخی نبود .

بهر صورت تاکنون کلیدی برای خوانش چنین نقوش مبهم بد ست نیامده، وموسیو فوشه (۱) هم متردد است که آیا این نقوشی مربوط بدوره های قبل التاریخ خوا هد بود یانی ؟

ناگفته نماند که برخی اشکال حیوانی یا انسانی در دوره های بسیار مابعد برسبیل هوس وتفریح بربرخی کتیبه های قدیم کنده شده اند (مانند نقش های جدیدیکه برخرسنگ های جغتو وغیره نقر شده)ولی کندن چنین خطوط مثل منقورات درهٔ لغمان نمیتواند برای هوس رانی باشد، وحتما مطالبی دران بوده است که ما اکنون کلیدی برای دریافت آن نداریم وبنابرین زیاده ازین دربارهٔ آن چیزی نتوان گفت: وما درینجا تنها به عکس نقوش درهٔ الیشنگ لغمان وهزار سم سمنگان اکتفا میکنیم . (شکل ۱ـ۲)

---

(۱) FOUCHER

بعد تر مینماید ، زیراما درکتیبـهٔ مکشوفه از مسجد بمپور حوا لـــی کراچی (عالباديبل تاريخی) کـــه در سنه ۱۰۷ هجری ۷۲۵ م به امر مروان بن محمد مولی امیر المو منین ازطرف علی بن موسی نوشته شد ه و ۱۸ سال بعداز فتح محمدبن قاسم سپه سالار اموی دران بـلا داست، می بینیم که رسم الخط آن ز یبـا ومهـذب متمایل بکو فیست (تاریخ افغانستان بعداز اسلام ۱ ر۷۱۲) واین سخن بر نضج کلتور ورسم الخط عربی درانجا دلالت دارد (عکس نمبر ۲۸)

ولی خطوط هردو کتیبهٔ مکشوفه وادی توچی مربوط اوا سط قـر ن سوم هجری آنقدر ناپخته وابتدایی است که ناآشنایی کامل خطا ط و آغاز خوانش وخط نویسی نسخـی عربی رادرانجا میرساند.

چون ازین دو کتیبه تنها یکـی بادو متن عربی وسنسکر یت خود خواناست ، مامضمون آنرا که د ر۹ سطر و ۴۲ کلمه است باعکس آن (نمبر ۲٤) آورده ایم ومضمون عربی آن چنین است (۲٤۳ هـ)

«هذا ما امرعقد هذالتلاج حیی بن عمار تقبل الله منه صالح عمـله و غفرله سوء عمله . قدکتب یـــوم الجمعه لثلثة عشرة خلـو ن مـــن جمادی الاولی. سنه ثلثة و اربعیـن ومائتین . صلی الله علی محمدو آل محمد الطاهر(ین) » .

ترجمهٔ متن سنسکریت این کتیبه درشرح نوشته های سنسکر یـت داده شد. چون خط مخلوط شاره داناگری درین دورهٔ سه رسم الخـط رواج داشت ، مانمونهٔ حرو ف آنرادرینجا از مجلهٔ پاکستان قد یــم نقل میکنیم ، ودر حقیقت بتا ریـخ خاك پښتونستان کنونی ربط دارد ، که ساحهٔ شرقی آریانه باشد .(شکل ۲۹)

خط سغدی

درتاریخ آریانا ی کهن-مخصوصاسرزمین های شمالی آن - خط سغدی نیز جای دارد، که مرکز سغدیانه شهر سمر قند بود، وزبان سغدی هم یکی از زبانهای آریا یی‌آسیای میانه است، که‌با بعضی السنهٔ مروجه این سر زمین نزدیکی‌ها دارد .

زبان وخط سغدی بافتوح اسلامی‌ورواج خط عربی متروك گردید ، ولی نویسندگان دورهٔ ا سلا می‌آنرا می شنا ختند ، چنا نچه بوریحان بیرونی‌درآثارالباقیه‌وکتا بالتفهیم (۱) نامهای شهو ر سغد ی راضبط کرد ه ، برخی فر هنگ‌نویسان هم زبان سغدی را یکی از السنهٔ مترو که نوشته اند .

میان اوراقی که در آغاز قر ن‌بیستم در ترکستا ن چین کشف شد، اسناد متعددی نیز به ز با نی‌ناشناخته وجود داشت ،که‌به خطوط مختلف نوشته‌شده بود . یك‌سنگ‌نوشتهٔ‌سه‌زبانی‌نیز، به‌ترکی باستان وچینی ویك زبان دیگر در و یرا نه‌های قره بلغسون (مغو لستا ن شمالی) بدست آمده بود ، که‌بعدمعلوم شد ، زبان سومی همانست که‌در بعضی اوراق مکشو ف د رترکستان چین نیزبکاررفته‌است .
درحدود سال ۱۹۳۱م در ویرانه‌های قلعه یی بر کوه مغ (در پنج کنت ۱۲۰ کیلو متری سمر قند)مجمو عه‌یی ازنوشته هاکه رو ی چرم وکاغذ چینی‌وچوب‌بودبد ست‌آمد، که‌دران نام «دیواشتیچ » شاه سغد وسمرقندنوشته شده‌وذکراین‌شاه درمنابع عربی نیز هست که درمقابل هجوم تازیان پا یدا ر ی‌میکرد .

این اسناد بزبان وخط سغدیست‌که سکه ها یی هم بدان خط یافته‌اند ودر برخی از متون سغدی قطعات‌ادبی زیبا بازمانده ،مانند قطعا تی از داستان رستم و قسمت هایی‌از کتاب کلیله ودمنه بـز بـا ن سغدی .

ازجملهٔ این متون نوشته ییست‌ازکو ه مغ (شکل ۳۰)در نه‌سطر که‌ترجمهٔ آن چنین است :

---

(۱) آثار ،ص ۷۰ - التفهیم ۲۳۰

۱ـ خداوند پنج ۲ـ دیوا شتیـچ‌را ۳ـ هشت سال است ٤ـ ماه نیسان ٥ـروز خور روز ٦ـوکرفت‌اغو شمریك ۷ـ ازفرماندار ۸ـاوت ۹ـ پوست ونیز وارياك (۱).

این خط سغدی ازیـك شیـوهٔ تحریری خط آرا می مشتق اسـت ، ونیز احتمال می‌توان داد ، کـه‌اصلِ خط مزبور ، خط پهلوی کهن باشد.درخط سغدی‌نیزمانند پـهلوی‌برای مصو تهای کوتاه ، نشا نـهٔ خاصی وجود ندارد ، تنها سه‌حرف‌برای واکهای مصوت (فونیم) بلند هست (اـ و ـ ی). (۲)

مادر شکل سوم پیدا یش خطوط‌نشان داده ایم، که چگونه الفبا ی آرامی منبـع خطوط دیگر بوده‌است‌اکنون در (شکل ۳۱) که مقتبس از تاریخ زبان فارسی است ، اختلاف‌اشکال حروف رادر خطوط مختلف متفر ع از آرا می مـــلا حظـــه‌فرمایید .

---

(۱) یعنی : پادشاه سر زمین‌پنج‌: بواشتیچ درسال هشتم فرمانروایی خود ،درماه نیسان ویازد همیــن‌روز ...

درسطور دیگر اغو شمریـك واوت را اسم خاص شمرده اند ، و وارياك رایکنو ع پوست پرداخته.

(۲) دکتر پرویز ناتل خانلری‌درتاریخ زبان فارسی ۱ر۲۷٥ تا۲۹٤ طبع تهران ۱۳٤۸

۳

خط و کتاب دوره اسلامی

سوابق کتاب نویسی

مردمان قد یم پیش از اختـراع کاغذ که درسنه ۱۰۵ م در چیـــن روی داده، خطوط خودرا بـر موا دطبیعی مستعد نگارش مانند الوا ح سنگ والواح زر وسیم و بر گیـاه‌وپوستهای درختا ن والواح گلـــی پخته واستخوانهای حیوا نـات وصخره های کوهی ودیوار هـا ی ابنیه برمواد آهکی و گچی وچرمهای‌حیوانات می نوشتند وقدیمتر یـن نوشتهٔ خط چینی مربوط بدورهٔشاهان‌ین (۱) است کـه در قرن ۱۲ق ـ م باشد ، وبعد ازان اختراع قلم موبطابق سنت های چینی د ر عصـر منگ ـ لین (۲) پادشاه سازنـدهٔدیـوار چیـن بوده ، که‌در حـدود ۲۱۰ق‌ـم مرده است .(۳)

مر کز دوم مدنیت قدیم وا د ی‌نیل مصر است ، که دران هـم آثار خط وکتا ب نویسی قدیم انسا نی‌بدست آمده وکهن ترین لفا فـهٔ بردی آن متعلـق بسال ۲٤۰۰ق.م‌وخط هیر وغلیفی است که آنرا باقلم Calamus تراشیده‌از ساقهٔ پردرحدود قرن سوم ق.م می‌نوشتند ، وسیاهی را از زغـال‌آمیخته باآب وصمغ می‌سا ختند ، وبرا وراق بردی کتابت میکردند .وهمچنین دربقایای مدنیت آشو ر و بابل ،الواح گلی نوشتـه شـد ه‌مربوط ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ق ، م‌بدست آمـده ، وبیست ودو هزار لو حه‌مکتوبهٔ گلی ازکتابخانهٔ آ شـور ـ بانیپال (٤) متعلق به‌قرن هفتم ق.م‌است . وآثار مکتوبه اوراق برد ی (پاپیروس) یـونان قدیم هم‌به‌قرن‌چهارم ق.م میرسند ، ونـخستیـن اختراع کاغـذ بوسیلهٔ تسای ـلون(۵) چینی درسنه ۱۰۵م بـو د ه است . (٦)

درهند وایران وسـغد شمـا ل‌افغانستان ، نیز آثار نوشته های قدیم قبل وبعد از میـلاد فراوا ن‌یافته شده، ودر افغانستان نیـز سنت کتابت بوده‌است ، ومانمو نه‌های کتیبه نویسی قدیم رادر فصول سابق نشان دادیم ، واینك دلایلـی‌که وجود کتاب رادر ازمنهٔ قـد یم

---

(1) Yin (2) Meng-L'ien.

(۳) مجله هنر ومردم طبع‌تهران‌شماره ۳۸ـ آذر ماه ۱۳٤٤ش

(4) Ashur Banipal. (5) Tsai-Lun.

(٦) سوندال درتاریخ کتا ب ، ترجمهٔ عر بی ٤ تـا ۳۳ طبـع قاهره ۱۹۵۸م

در افغانستان وکشور های مجاور رآن نشان میدهد:
بریك مجسمهٔ او زاها ریس نیتیدرموزهٔ واتیکان روم ، مطالبی‌نوشته است که داریوش پادشاه هخامنشیاین شخص رابمصر فرستاد ، تا به کتابخانه ها کتاب بدهد، و جوانان‌رابدانها داخل کند. (۱)
کتز یاس (۲) که۱۷۵ سال (۴۱۵ـ۳۹۸ ق م) طبیب دربار پارس بود در پر سیکا (۳) گوید:
که‌وی کتاب خودرا اذروی دفترهای چرمی کتابخانهٔ شا هی (۴) ترتیب داده است .
درکتاب اردا ویراف نا مــه(۵)تا لیـف (حدود قرن۳ = قرن۹م) میگوید :
« اوستا وزند برپوست های گاوآراسته وبه آب زرین نوشته بود . که اسکندر رومی پتیاره بد بخـتبیدین بدکـردار آنـرا بـر آوزد و بسوخت » (۶)
قراریکه درنامه تنسر (۷) (ص۱۱) ومروج الذهب وکتاب ا لتنبیه والا شراف مسعودی و تاریـخ‌طبری‌آمده : این اوستای زرین خط بـر دوازده هزار پوست گاو نگا ر شیافته بود، که فردوسی ۱۲۰۰فصل نوشته برالواح زرین گوید . (۸)وابو منصور ثعالبی (حدود ۴۱۰ هـ ۱۰۱۹ م) مینویسد : که‌گشتا سپ‌دربلخ بود وزردشت کتابـی بـا و اورد، که آنرا بر پوسـت دوازده‌هزار گاو نوشتند ، وهر کلمه رادر پوست کنده ، قشری را از طـلادران قرار دادند. (۹)
حمزه بن حسن اصفهانی (۳۵۰هـ۹۶۰م) درایام ملوك اشکانی بعد ا ز اسکندر هفتاد کتاب را ذکر میکند، که درعلوم نجوم وطب وفلسفـه و

(۱) مجلهٔ هنر ۴۴، خر داد ماه۱۳۴۵ ش.

(2) Ctesias

(3) Persica

(4) Basilikai-Difterai   پور داود ـ یسنا ۸۱

(5) Arda Viraf Namah

(۶) ارداویرافنامه ۲۲ د کتــررحیم عفیفی ـ تهران ۱۳۴۲ش.

(7) Tansar's Epistle.

(۸) پور داود، گاتها ۵۰

(۹) ترجمهٔ فا رسی غـرر اخبارملوك الفرس وسیر هم از محمو د هدایت ۱۱۹ طبع تهران ۱۳۲۹ش

حوادث و کشاورزی) یونانی وقبطی ترجمه شده بود (۱) وهم ری از کتب پنجاه عدد کتبی که بر پوستها (جلود) نوشته شده بود درسنه (۱۵۰ هـ)خبر میدهد ، کەدرداخل شهر جی ازبنای قدیم‌ساروىه بدست آمد، وخط آنرا مردم قبلاندیده بودند وکسی دا نستند که درچه هنگام این کتابها رادرانجا گذاشته اند (۲) و لی ابن ندیم نوید :

که ابوالفضل بن عمید برخی‌ازین کتابها رادرسنه ۳٤۰ واندی بەبغداد فرستاد و من بچشم خودیدم و چندی ازان پیش شیخ ما ابوسلیمان اندرین وقت (۲۵۰ هـ)باقی بود . (۳)

مهوری بحواله کتاب اختلاف الزیجه مترجم ابو معشر منجم‌بلخی (حدود ۲۵۰ هـ ۸٦۳م) مینویسد :شاهان (فلا ت ایران) بصیانت‌علوم وبقای ان توجهی تمام داشتند وبغرض نگهداری کتب از حوا د ث جوی وزمینی ، اوراق پوست درخت‌خدنگ که آنرا توز گفتند ی، برای نوشتن کتب برگزیدند، که ازعفن‌وپوسیدگی محفوظ باشند، و در مقابل حوادث پایداری و پایندگی‌دارند .

چنانچه همین وسیلهٔ نویسندگی‌رادر هند وچین وممالك مجاور دیگر هم تقلید کردند (٤) . ومحمد بن‌عبدوس جهشیاری گوید: که مرد م فارس برچرم، ورق (پوست نازك)نوشتندی وگفتندی که کتا بها یی خودرا برچیزی کەدربلاد ما پیدانمی شود نمی‌نویسیم، (۵)

کتابها یی کەزردشتیان د ر علم‌نجوم وطب وطبایع بفارسی(قدیم) داشتند ویکی ازان کتابی بنام‌گشنج‌بود، بعدازانکه بامر سکندر بزبا ن رومی و قبطی ترجمه کردند،سوختانده شدند . ولی برخی ازان کتب ازترس این فعل سکندر ، بەهند وچین فرستاده شده بودند و نجات یافتند . (٦) و ابن ندیم‌ازتاریخ اسحاق راهب نقل مینما ید کەیکی از ملوك اسکندر یه شخصی‌راگماشت کەاین‌کتابهای علمی راباز

---

(۱) تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ۳۰ طبع‌برلین ۱۳٤۰ ق
(۲) همین کتاب ۱۲۷
(۳) الفهرست ۳۳٦
(٤) سنی ملوك ۱۲۷ والفهرست۳۳٤
(۵)کتاب الوزراء و الکتاب ۱۳۸قاهره ۱۹۳۸ م
(٦) الفهرست ۳۲۳ به نقل‌از کتاب النهمطان تالیف ابو سهل بن نوبخت .

فراهم سازد . وی پنجاه وچهارهزاروصدوبیست کتاب جمع کردوگفت . هنوز هم کتابهای سند وهند وچین وگرگان وارمن وغیره باقی مانده است. (۱)

این روایاتی بود دربارهٔ وجود کتاب درازمنهٔ باستانی د ر سرزمین ها، که ازانجمله دا ستان اوستا واحراق آن بامر سکندر ازنظر علمی (بقول گیرشمن) (۱) متزلزل است. ولی اگر انرا جعل و الحا ق هم بدانیم ، بازهم مفکورهٔ ایجا دکتاب رادر ازمنهٔ قدیم آ شکا ر میسازد ، که برخی از اسناد مثبت تاریخی نیز موید آ نست : مانند اسناد دورهٔ پارتهای آریایی یعنی نژادکه خراسانیان اصیل بو ده اند (۲۵۰ – ۲۲۶ق.م) وایـــن اسنادتحریری بـر چرم گاو والواح سفالی رنگین لعاب دار در نساو او رامان بزبان پارتی یعنی پهلوی شما لـی بدست آمده (۲) وبصورت را سـخ علمی وجود کتاب رادر خراسا ن قدیم ثابت میسازد وما میدانیم کـه بعد از اسکندر نخستین بار کتا ب اوستا بفرمان ولخش (٤) یابلا ش اول اشکانی پا رتی (۵۱ ـ ۷۸ م) فراهم آورده شد. (۵) چون ایـن آثار دورهٔ اشکانیان رابر چرمها ی گاو در نساو خراسان قدیم یا فته اند، پس داستان مورخان عرب ـ که اوستا بر چرم گاو نوشته شده بوداین فکر راتایید میکند. که اوستا ی فراهم آوردهٔ عصر بلاش اول را نیزبرچرم گاونوشته باشند.

دربارهٔ وجود کتاب دردور ههای قبل ازاسلام ، در سرزمین خراسان دلیل بسیار محکم تاریخی اینست: که درعصر امویان وعباسیان صدها جلد کتابرا ازپهلوی وا لسنهٔ هندی بعربی ترجمه کرده اند ، و ا کثر این کتابها به خراسان ویـا کتبخانهای خراسان تعـلق دا شتـه است .

مثلا ابن ندیم دربارهٔ احوال سمنیه(بودانیـان) وپیشـوا ی ایشا ن بوذا سف ازکتابی نقل نماید، کـه آنرا یکنفر خراسا نی نــو شتـه بود. (٦).

---

(۱) الفهرست ۳۳٤

(۲) Ghirshman ایران ازآغازتااسلام۲۷۲ ترجمه دکتور معین ـ تهران ۱۳۳٦ ش .

(۳) اشکانیان م، م دیاکونوو

(4) Vologeses

(۵) پورداود ـ گاتها ۵۱ بحواله دینکرت.

(٦) الفهرست ٤٨٤

درسنه ۲۰۷ هـ ۸۸۳ م راجـــه‌مهر وگ کشمیر وپنجاب به حا کم منصوره امیر عبدالله نوشت کـــه‌شخصی رابحضور م فرست کـــه بزبان هندی احکام اسلامی‌رابما آموخته بتواند. وی یك مرد هوشیار و شاعر مسلمان خراسان راکه چنـدزبان هندوستان دانستی بدر با ر راجه فرستـاد و بخـوا هـش ا و قرآن عظیم را بـز بان هـنـدی ترجمه کرد . (۱)

دردربارکابلشاهان نیز تا لیـف‌کتاب رواج داشت ، چنانچه بقـول البیرونـی یـکی از علـمای در بارکابلشاه اخیر انند پاله بن‌جیه پاله که او گره بوت نامداشت و مودب‌شاه بود ، کتابی را در علوم نجوم بنام شکهت پرت تالیف کرده بود(۲) .

همین البیرونی می نویسد :کـه‌نسب نامهٔ کابلشاهان کـه فر نها برین جا حکمرانده اند ، بر دیبایی‌نوشته شده و در قلعهٔ نغر کـوت محفوظ بود ، و من میخواستم آنرا ببینم ، ولی بنـابر عللی مـوفـق نشدم . (۳)

از کتابهای قـدیمی کـه دریـن‌سر زمین خبر داریم کتابی بود نزد خیذر بن کاووس مشهوربه **افشین**یکی از نجیب زادگان اسرو شنهٔ ماوراء النهر قاید معروف لشکر ی عصر معتصم‌عباسی(۲۱۸ـ۲۲۷هـ = ۸۳۳ ـ ۸٤۱م)که در در بار بغدادقدرت و نفوذ فراوان یافته بـــود و عاقـبت هـدف دسایس در باری‌و رقابت رجال آن عصر گردید وبه تبهمت بیدینی و زندقه محاکمه شدو او را در شـعـبـان (۲۲٦ هـ= ۸٤۰م)بـکشتـنـد و جـسد شی راسو ز ا نـیـد نـد و بـدجـلـه افگندند .

در اثنای استنطاق و محـاکمه ،یـکـی از علل اتـهـام او کتابـی مـذهب و مـرصع گـوهـر نشان‌بـود ، کـــه ر خـانـوادهٔ او از اجـدادش بـاقـی مـانـده بـــودوخوانـــدن آنـــرا دلیـل کفـر و بی‌دینی او شمرد ند وحکم بقتـل‌او دادنـد و طبـری کـــه صورت محـاکـمـه و سوالـهـای هیئت‌محاکـمـه را بـــه تفصیل آورده ،

---

(۱)عجایب‌الهندازبزرگ‌بن‌شهر یار حـــدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲م طبع‌لیدن .
(۲) کتاب الهند ۱۰۵
(۳)کتاب الهند ۳٤۹

در بارهٔ این کتاب گوید :محمدبن عبدالملك زیات وزیر که رئیس این هیئت استنطاق بودازوپرسید : این کتا بیکه به طلاو جواهر ودیبا آراسته یی و حاوی کفر بخداستچیست؟ افشین جواب داد : این کتاب‌ازپدر بمن میراث مانده ودرآن برخی از ادبیا ت عجم ضبط‌گردیده است که‌من فقط از بهرهٔ ادبی آن تمتع می‌برم‌وغیرازان‌بکلمات‌کفریهٔ آن غرضی ندارم چون در سابق آراسته وپیراسته بود، حاجتی بد فع پیراستگی های آن نداشتم وبرحالت سابق آنرا ماندم ، مانند کتاب کلیله و دمنه وکتاب‌مزدك که درخانهٔ تست ، و این دلیل خروج من از اسلام نیست(۱).

طبری گوید که در کتابخا نهٔ‌افشین کتابهای فراوان یافتند ،که در آن کتاب مجوسی و بسا کتب‌دینی بود که وی داشت .

این کتاب آراسته وپیراسته رادرادبیات دری «دفترافشین » یا «گوهر افشین » گفته ا ند . مختاری غزنوی (حدود ۵۰۰هـ ۱۱۰٦م)گوید :

گربدیدی هنر بذله پرگوهر تو
گوهردفتر خودبرفشاندی **افشین** (۲)

از آثار بسیار مستند نمو نهٔ‌قدیم کتاب‌درافغانستان، اوراق پوست درخت کتابیست که دربامیان در سنه ۱۹۳۰م در حصص شر قی هیکل ۳۵ متری بوداازطرف موسیو ها کن کشف شد وموسیو سیلون لوی آنرادر شماره‌مارچ ۱۹۳۲م ژورنال از یاتیك‌نشر داد وآنرا رسم الخط عصرکوشانی‌قرن ۳ـ٤ و نوشته های عصر گو پتا قرن ۷ ـ ۸م وبر خی‌بخط ختنی شمرد ، که زبان آ ن سنسکر یت ا ست‌ونوشته قد یمترین آن بقرن‌سوم تعلق دارد، که‌تاقرن ۸م میرسد،وبعقیدهٔ موسیو سیلون لوی در کتابخانهٔ این معبد قدیم بودائی این کتابهای پوست درخت موجود بود ، که آنرا درخودبامیان نوشته ویا از کتابخانه های دیگر باین کتابخانه نقل داده‌باشند و برخی ازین نوشته ها قطعات کوچك رساله های «ابهی‌دهر مه» متعلق به مذ هب

---

(۱)طبری ۱۰ ر۳٦٥

(۲) دیوان مختاری ٤۳۷ طبع‌جلال همائی ـ تهران ۱۳٤۱ ش

قدیمترین خط افغانستان دردوره تا ریخی

خط آرامی

مردم آرامی (۱) از حوا لی قرن ۱۵ق .م در وادیهای شما ل عربستان تمکن داشته ودولتهایی راتاشمال سوریه تشکیل داده بودند. ازنوشته های میخی قرن چهارد هم قبل المیلاد ثابت می آید ، که جمعی ازمردم سو تی (۲) آرامی درسوریه وحوالی دمشق میزیستند .درحالیکه برخی قبایل آرامی درمناطق جنو ب فرات تاکرانهای خلیج پار س پراگنده شده بودند . (تاریخ اللغات السامیه ۱۱۵) که درحدود ۵۸۶ق.م بعداز انحطاط قدرت فنیقیان، اموزتجارت راه خشکه بدست آرا میان افتاد ، ودر وادی دجله و فرا ت رسم الخط آرامی ، جای خط آشوری راگرفت که از هند تامصر پهنا نی یافت وحتی در عصر عروج آشوریان نیز ازبان آرامی باآشوری یکجا زبان تحریر ودفتر بود، چنانچه بر حواشی الواح مکشوفهٔ آشوری ،زبان آرامی هم دیده می شود .

(تاریخ فن تحریر ۱۹٤)

قدیمترین سنگ نوشته ها ی آرامی که تاکنون کشف شده، ازقرن هشتم قبل المیلاد است که ازتل سنجرلی (۳) شمال سوریه بدست آمده وبامر برزکب ملك شمال ۷٤٥ر۷۲٥ ق.م نقرشده است (٤) و لی بعداز قرن ٥ ق.م خط آرامی بد ین ترتیب شکل خاصی رابخود میگیرد، که سر وپهلوی حروف آرامی کشاده وزا ویه های آن گرد می شود . که این تبدیل اشکال د ر عصر هخامنشیان (۵۵۰ـ۳۳۰ق.م) درآن واقع میگردد . (٥)

در نقشه۳ انشعاب خطوط متعدد آسیایی را ا ز رسم ـ الخط آرامی بامطابقهٔ قرون قبل وبعداز میلاد ملاحظه میفرمایید ، کـه آنچه بتاریخ افغانستان قدیم وممالك مجاور آن ربطی دارد بعلامت × نشانی شده است .   (شکل ۳)

---

(۱) ARAMEANS

(۲) SUTI

(۳) SINJIRLI

(٤) تاریخ اللغات ا لسا میـه ۱۲۲

(٥) فن تحریر ۱۹٤

بزرگ بودایی (۱) است که مانند آن از گلگت هم بدست آمده است ، ولی در بین این پارچه های کتب خطی برخی از صفحات کتاب وینایا (۲) نیز موجود است که بمذهب کوچک بودایی (۳) تعلق دارد و برسم الخط گوپتا (٤) و سنسکریت باشد ، و چون از کتاب وینایا تنها ترجمه چینی باقی مانده و اصل سنسکریت آن در بین نیست ، بنابر ین کشف این پارچه های سنسکریت ازین کتاب خیلی اهمیت دارد ، واینك ما نمونه های خط این کتب قدیمهٔ کتابخانهٔ بامیان را در ینجا می آوریم (عکس ۳۲) که اصل آن در موزهٔ کابل موجود است .

در ماه حوت ۱۳٤۸ش هیئت باستان شناسی افغانی ضمن حفریات تپهٔ شترعلم (مرکز هنر گندهارا) در ننگرهار شرقی افغانستان ، در مجموعهٔ ستوپه های قدیم بودایی مجسمهٔ بودایی را یافت که سر آن شکسته است . بر پشت این مجسمه یك مجموعهٔ کوچك تعوید مانندی از پوست خرمای بهم پیچیده دیده میشود ، که باز کردن آن از همدیگر وکشف محتویات آن به توجه دقیق علمی نیازمند است و احتمال میرود نوشته یی در بین آن باشد .

---

(1) Maha Yana
(2) Vinaya
(3) Hina Yana
(4) Gupta

خط وکتاب درعصر اسلامی

سنت کتاب نویسی و تاسیس کتابخانه ، از ادوار قبل اسلام به عصر بعد از فتوح اسلامی نیزانتقال کرد، واز وجود کتابخانه ـ های بزرگ ازین وقت خبر هایی‌داریم . مثلا ابن طیفور احمد بن طاهر که‌از سلالهٔ ملوك خرا سا ن‌بود (٢٠٤ـ٢٨٠هـ = ٨١٩ـ٨٩٣م) ویکی از مولفان قدیم خرا سان‌بشمار میرود ، که ابن ندیم ٤٨ تالیف او را ذکر کرده‌است (١) وی‌در تاریخ بغداد روایت میکند : که عتابی شاعر معروف دورهٔ عباسی(متوفا ٢٠٨هـ ٨٢٣م) گفت : که برای نقل گرفتن کتب عجم درخزانهٔ کتب مرو بودم و این خزانه‌از عصر یزد گرد تاکنون قایمست ودرکتب عجم معانی موجود است . لغت از ما ومعانی از یشانست (٢)

عتابی سه باربه بلاد عجم سفرکرد و کتب خزانهٔ مروو نشا پور رابخواند ودر تـأ لیفات خود از آن‌کتب سود برد ، وپدر بار عبدالله بن طاهر پوشنگی پرورده شده(٣) و این خبر بخو بی میرساند که کتابخانه های بلاد خراسان‌بوجود کتب فراوان قدیم غنی‌تر بوده اند.

در آغاز ورود اسلام (قرن هفتم‌میلادی) مردم ولایات شمالی وشرقی افغانستان‌بشمول بامیان‌ـ کاپیساـ کابل‌ـلغمان‌ـننگرهارـکندهارا تا تکسیلادین بود ایی داشته‌وکتب‌دو مذهب کبیر و صغیر بود ایی رواج داشت و هنگامیکه هیون ـتسنگ در سال ٦٣٠م این ولایات‌را می‌دید ، وی ازشش سلسلهٔ کتب‌دینی ذکر میکند ، که اگر کسی همین شش دورهٔ کتب را میخواند آنوقت بمرتبهٔ‌بلندتر علمی‌میرسید که برای سواری خود فیلی با بدرقه‌یی (٤) همراه داشت و محفلی را برای مبا حثه تشکیل داده‌میتوا نست .(٥)

---

(١) الفهرست ١٤٦

(٢) ضحی الاسلام ١ر ١٨٠بحوالت تاریخ بغداد ابن طیفور ٧ ر ١٥٧

(٣) برو کلمن در تاریخ ادبیات‌عرب ٢ر ٣٦ .

(4) Surrounding Escort (5) Si-Yu-Ki 2/137 Calcutta 1958

پس مطابق بهمین روایات عربی‌وچینی میگوییم : که سنت کتاب نویسی و کتابخانه در افغانستان‌غربی و شرقی از ازمنهٔ قبل‌الاسلام بعصر اسلامی انتقال کرده بود وازکتب قدیمی که در خراسان تالیف شد، یکی **اخبار ماوراء النهر** است‌که مؤلف آن خراسانی بود و هم ابن ندیم کتاب **اخبار خراسان**قدیم را بخط مرد خراسانی دیده بود . ووی از کتاب دیگری‌که‌در شرح ملل وادیان هند تالیف شده ونسخهٔ آنرا در محرم ۲۴۹ ھ نوشته بودند خبرمیدهد و گوید : که یحیی بن خالد برمکی بلخی‌شخصی را برای آوردن عقاقیر بهند فرستاد وضمناًامرداد : که‌درباره ادیان هند هم اطلاعاتی فراهم آورد و این‌مرد همین کتابرا نوشت . (۱)

چنانچه گفتیم در آغاز قرن‌هفتم در افغانستان رسم الخط های یونانی ـ شره دانا گری ـ براهمی‌وپهلوی مروج بود، ولی با آغاز فتوح اسلامی (نصف اخیر قرن‌هفتم) رسم الخط عربی که قرآن به آن نوشته میشد ، از طرف‌غرب به خراسان رسید وبه مرور سه قرن تمام رسم الخطهای‌سابقه وادیان قدیم ، جای خودرا بدین اسلام و خط عربی گذاشتند .

رسم الخط عربی:

مادرشکل ۷ نشان دادیم ،که‌خط عربی‌ماخوذ ازخط نبطی متأخر و از ریشه آرامی است که در قرن‌پنجم رواج داشت و نمونهٔ قدیمتر این خط بر لوحهٔ بنای‌کلیسایی در مخروبهٔ زبد بین قنسرین و در پای فرات یافته‌شده، که تاریخ آن ۵۱۱ م باشد . و بزبان یونانی و سریانی نیزنامهای بانیان کلیسا نوشته شده است (شکل ۳۳) و در آغاز آن‌کلمه(الاله) عربی ونامهای شر حو ـ سعدو ـ سترو ـ شریحو دیده‌میشود.

اما خط بسیار شبیه به عربی‌در حران شمالی جبل دروز شام برسنگی بالای درب کلیسابزبان‌یونانی و عربی موجود است ، که تاریخ آن سنه۵٦۸ م است (شکل۳٤) و خوانش آن چنین است : «اناشرحیل بن ظلمو (ظالم)بنیت‌ذالمرطول سنت (سنه)٤٦٣ بعد مفسد خیبر بعم (بعام) » این‌نوشته نزدیکترین خطی است به

---

(۱) الفهرست ۴۸۳ـ۴۸۴

خطوط عربی قرن اول هجری (۱) و روشن میسازد که خط عربی پنجاه سال پیش از هجرت چطو نه بوده است .

چون کتیبه قدیمتری بقلم نبطی متاخر وشبیه به عربی بر مدفن امری القیس بن عمرو ملك حیره درنماره درسنه ۳۲۸م نوشته شده ، بنابر ین مستشر قان ، زمان پیدایش خط عربی قدیم را بین سال ۳۲۸ و ۵۱۱ در قرن چهارم و پنجم میلادی درشبه جزیره طور سینا میدانند. (۲)

در عصر نبوی خط عربی باهمان سادگی ابتدائی خود باقی بود، که نمونه های کهن تر عصر اسلامی آن در فرامین حضور پیامبر بنام ملوك موجود است و از آن جمله نامهٔ مبارك نبویست بنام نجا شی ملك حبشه که دم دنلوب مستشرق سکاتلندی اصل آنرا یافته ودر مجلهٔ آسیایی شاهی ا نکلستا ن(جنوری ۱۹۴۰م)نشر داد (شکل ۳۵) نامهٔ مبارك دوم به مقو قس عظیم قبط است که در کلیسای اخمیم صعید مصر بدست آمده ودرمجلهٔ الهلال قاهره در۱۹۰٤م طبع شده (شکل ۳٦) ـ سوم نامهٔ آنحضرت است به منذربن ساوی (شکل ۳۷) که از دمشق بدست آمده ودر مجلهٔ مستشر قین آلمان ZDMG جلد ۱۷ سال ۱۸٦۳ انتشار یافته (۳) و علاوه از ین دوکتیبه عربی در جنوب کوه سلع مدینه موجود است که بهمین نوع خط «انا علی بن ابوطالب»و نامهای پیامبر و ابو بکر و عمر نوشته شده و هم کتیبه یی ازحضرت عمر درآنجا دیده میشود(٤)

از نوشته های عصر نبوی قرآنی بود بخط حضرت علی، که برخی از اوراق آن ضایع گشته و تا حدود قرن چهارم هجری در خاندان امام حسن باقی بود و خود ابن ندیم آنرا نزدابویعلی حمزه حسنی دیده بود (۵)

قدیمترین نوشتهٔ سنگی عربی که تاکنون بدست آمده ، لوحهٔ سنگ مزاریست در موزهٔ قاهره، که درسنه ۳۱ هـ ٦۵۱ نقر شده، و خط آن هم همان نسخی ممز وج به کوفی نامزین است (شکل ۳۸) که آنرا چنین خوانده اند :

---

(۱) تاریخ اللغات السامیه ۱۹۱ـ ۱۹٤ دکتور اسرائیل و لفنسون ـقاهره ۱۹۲۹م

(۲) همین کتاب ۲۰۲

(۳) الوثایق السیاسیه ازدکتور محمد حمیدالله حیدر آبادی طبع قاهره ۱۹۵٦م ص ٤۵ـ۷۲ـ۸۱

(٤) همین کتاب ، مقدمه و۲۰۲ (۵) الفهرست ٤۲

سطراو ل : بسم‌الله الر حمـن‌الرحیم هذالقبر
سطر ۲ : لعبدالله‌بن‌خیر(جبر؟)الحجری(الحجازی؟) اللهم ا غفر له.
سطر ۳ : وادخله فی رحمة منك‌وآتنامعه
سطر ٤ : استغفرله اذاقراء هـذالکتب (الکتاب)
سطر ٥ : و قل امین وکتب هذاا
سطر ٦ : لکتب (الکتاب) فـی جمدی (جمادی)الا
سطر ۷ : خر(الاخره) من سنت(سنة) احدی‌و
سطر ۸ : ثلثین (وثلاثین)(۱)

کتیبهٔ دیگر قدیمتر در قبهٔصخره‌بیت المقدس درسال ۷۲ هـ ٦۹۱ م کشف شده (۲) وهم‌براوراق‌برد ی Papyri مصر نوشته ها ی عربی باخط یونانی مـو جو د است‌که‌در عصر ابو العباس الو لیـد بن عبدالملك خلیفه اموی (۸٦-۹٦هـ = ۷۰۵ -۷۱۵م) بر پوست درخت بردی نوشته شده و عبا رت‌ازبسمله وکلمهٔ توحید است و بخط یونانی ترجمهٔ آن بانام عبداللهالولیدامیر المومنین
Abdela Alovlit Amiral Moyminin

نوشته شده‌است (۳) و خـط‌عربی آن ممزوجی ازکوفی ونسخی متمایل به تو قیع است ، وا زیـن‌عم‌بر می‌آید که در اواخر قـر ن اول هجری (اوایل قرن ۸م) همین‌شیوهٔ ممزوج نسخی و کوفی دواج داشته است (شکل ۳۹) ونمو نـهٔ‌دیگر آن برسنگك علامت فا صلـه ۱۰۹میلی‌دمشق موجوداست کـه در عصـر Mile Stone

عبدالملك بن مروان (٦٥-٨٦ هـ)آنرا نوشته اند. (٤) (شکل ٤۰)

ازنوشته های خط عربی یکـی‌آنست که درخزانهٔ المامون کتا بـی بخط عبدالمطلب بن هاشم در چلدچرمی موجود بود، وخط آن بـه خط زنان می‌ماند . واین مطلب را ابـن‌ندیم ازکتاب مکه تالیف عمر بـن شبه Umar Bin Shabba متوفا ۲٦۲ هـ = ۸۷٦ م نقـل کـرده ، که‌یك نسخهٔ این کتا بـرابخط همین مولف خود ابن ند یم

---

(۱) تاریخ اللغات السـا میـه۲۰۳
(۲) همین کتاب ۲۰٤
(3) Arabic Papyri by Adolf Grohmann 1/11 Plate 1
(4) Muslem Calligraphy by M. Ziauddin Calcutta 1936.

دیده‌بود (۱) ازین برمی‌آید که‌در قرن اول پیش از اسلام باقری
سوم نوشتن کتابها بهمین حد رواج‌داشت و مراد از خط زنانه
شاید تحریر بدوابتدا یی ان‌یا شد(۲)وماز قول البلاذری میدا نیم
که‌زنان عصر نبوت خط مینوشتند به‌ازانجمله شفاء
Shaffa
بنت عبدالله عدویه از قبیله عمربن خطاب*درعصر جا هلیت هم
کتابت میکرد، وحفصه زوجه پیامبرازو خط آموخت (۳).
نسخ خطی زیاد قرن ۱ تا بخط کوفی قرن ۲-۳ ه منسوب
به‌ائمه اسلامی اند مثلا :۱- جزوقرآن منسوب به‌خط حضرت عثمان
۲- جزو قران منسوب بخط حضرت‌علی ۳- جزو قرآن منسوب بخط
حضرت علی ٤- جزوقران منسوب‌بخط امام حسن (هرچهار در
کتابخانهٔ خطی کابل برچرم اهو)(شکل ۴۱-۴۲- ۴۳-۴٤) ۵-جزو
قران برچرم اهو بارقم کتبه علی‌بن ابی طالب ٦- جزو قرآن دارای
رقم کتبه حسن ابن علی ابن ابی‌طالب فی‌سنه احدی ار بعین .
۷- جزو قرآن بارقم کتبه‌حسین‌ابن علی ۸- جزو قر آن بارقم کتبهٔ
علی بن‌الحسین بن علی بن‌ابی‌طالب۹-جزو قرآن بارقم کتبه علی‌بن
موسی* (هر پنج درکتابخانه مشهدبرچرم آهو)(شکل ٤۵)
اگرچه این نسخ قرآن در همین‌عصربه خط ائمه کرام منسوبند ،
ولی خط آن بابقا یای خطوط‌ طی که‌از قرن اول اسلامی با قیست
مطابقتی ندارد ، وچنین نوشته‌های دیگر قدیم هم موجود بود ،
چنانچه سبط ابن جوزی گوید : که‌یهودیان نامه یی از حضرت محمد
بخط حضرت علی نوشته سال ۷ه۶۲۸م پدر بار خلیفهٔبغداد آوردند،
که‌مبنی برمعافی یهود از ادای جزیه‌بود (٤) وهم‌یك عهدنامهٔ منسوب‌به
حضرت علی بایهودیان ، دراصفهان‌موجود بود، که‌مجعول بودن آن از
روی خط کوفی وسطور نسخی ثلث‌نما وهم از وضع انشاء سست و
رکیك آن که‌غلطی‌های فراوان نحوی‌دارد ثابت است (۵) (شکل ٤٦)

(۱) الفهرست ۷-۱٦۳
(۲) سبك شناسی بهار ۱ر ۹۵طبع تهران ۱۳۳۷ش
(۳) فتوح البلدان ۵۸۰
(٤) مسروری آرت پر شیا ۱۷۱۸بحواله مرآةالزمان ۳۰۰ ۳ نسخهٔخطی
موزه بر تانیا .
(۵) بیست مقاله قز وینی۱ر۱۳۱طبع‌بمبی ۱۳۰۷ش وسجلهٔایرانشهر
٤ر۴۲۹ طبع برلین ۱۳۰۵ش .

ابن ندیم گوید: که خالدبن ابی الهیاج، مصاحف وشعر واخبار را برای ولید بن عبدالملك می نوشت(حدود ۹۰ هـ ۷۰۸م) وهم اوست که نوشته های ایات سمت قبله مسجدنبوی را به خط زرین نوشته بود (۱)

درپرورش خط عربی دست مردم خراسان قدیم (افغانستان کنونی) نیز سهیم بوده است ، مثلاخاندان برمکیان بلخی به تهذیب و پرورش خط وخطاطان توجهی داشته اند ، وحتی ازیحیی بن خالد برمکی (متوفا ۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) اقوالی در دساتیرخط نویسی مروی است (۲) و در عصر عباسیان یك قلم خاصی بنام(الریاسی) شهرت یافت که پرورندهٔ آن وزیر معروف خراسانی فضل بن سهل ذوالریاستین (حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۵ م) بود، کـه درهمین سال بهمین خط در مروسکه زده است .وابن ندیم گوید: که خطریاسی یکی از زیباترین خط ها بود ، وازان اقلام دیگر بنام خط ریاسی کبیر وریاسی متوسط وقلم ثلث ومحقق ومنثور ووشی و رقاع ومکاتبات وغبار ونرجس و بیاض برامد (۳)

ازمطالعهٔ این اسناد چنین برمی‌آید: که خط عربی ازشکل ابتدایی نسخی شکسته در اوایل قرن دوم هجری (۹م)آهسته آهسته به کوفی نزدیکتر گردید و «سبك عراقی »که آنرا محقق و وراقی گفتندی در عصر عباسیان بوجود آمد ،وکاتبان ودر بار یان مامون به جودت خطوط پرداختند ، ومردم به آن تفاخر کردندی ، تاکه ازدستگاه برمکیان (بلخی) خطاطی بنام احمد بن خالداحول برامد، ودساتیر و قوانین خط نویسی را ترتیب نمود وبصورت عمومی (۲٤) قلم بوجود آمد. (٤)

رواج خط عربی (نسخی۔ کوفی)ویاممزوج هردو در خراسان از روی اسناد کتبی یعنی مسکوکات وسنگ نبشته های باقیمانده چنین شرح میشود :

---

(۱) الفهرست ۱۰
(۲) ادب الکتاب الصولی ٤۱طبع قاهره ۱۳٤۱ ق
(۳) الفهرست ۱۳
(٤) همین کتاب ۱۲-۱۳

۱ـ **مسکوکات** : امرای مسلمانان در نصف اول قرن اول هجری برمسکوکات روم و فارسیان بنام خود سکه زده‌اند ، چنانچه خالد بن ولید درسنه ۱۵ هـ ۶۳۵ م به‌تقلید سکهٔ رومی بانشان صلیب بحروف یونانی وشکل عربی در طبرستان سکه زد وهم معاویه برحاشیه دینار- های فارسیان که شکل شاه فارس وآتشکده دارد بسم الله و نام خودرا ضرب کرد، وبعد ازان در سنه ۲۸ هـ در قصبهٔ هر تک طبرستان سکه خط عربی ضرب بشد. وهم عبدالملک بن مروان بین سنه ۶۵ـ۸۶ هـ دینار های دمشق راتنها به خط عربی ضرب و رواج داد ،که ازانجمله یکی بخط نسخی کوفی آمیز درسنهٔ (۷۳ـ هـ ۶۹۲م) در دمشق ضرب شده است (۱) وبرهمین سنت در عصر خلفای اموی وعباسی برخی از امرای عربی در خراسان و سیستان سکه زده‌اند، ازان جمله مسکوکات والیان خراسان حمید بن قحطبه طایی ۱۵۱هـ ۷۶۸م و عبدالملک بن یزید خراسانی (۱۵۹ هـ ۷۷۵م) وجعفر بن محمد (۱۷۱ هـ ۷۸۷ م) وعلی بن عیسی (۱۸۰ هـ ۷۹۶م) وهرثمه بن اعین (۱۹۱ هـ ۸۰۶ م) وغسان بن عباد (۲۰۲ هـ ۸۱۷ م) موجود است (۲) وهم درهم غطریفی درسنه ۱۸۵هـ ۸۰۱م در کوشک ماخک بخارا بنام غطریف بن عطامامای هارون الرشید ضرب شده بود (۳) ومادر موزهٔ کابل سکه هایی بهمین خط عربی نسخی کوفی آمیز داریم که در سنه ۹۰ هـ ۷۰۸م درکرمان ومروو درسنه ۱۱۷ هـ ۷۳۵م و۱۳۲ هـ و۱۸۲ هـ ۷۹۸م و۱۸۵هـ ۸۰۱م و۱۸۷هـ ۸۰۲ م دربلخ ودر سنه ۱۹۳ هـ ۸۰۸م در هرات و درسنه ۱۸۶ هـ ۸۰۲ م درزرنج ودرسنه ۲۰۶ هـ ۸۲۱م در هرات ودرسنه ۲۱۷ هـ ۸۳۲م در زرگزه (جزق سیستان) و در سنه ۲۰۱هـ ۸۱۶ م درسمرقند ضرب شده‌اند (٤) ولی ازتمام نوشته های این مسکوکات روشن می‌آید ، که در اواخر قرن دوم هجری (۹م) خط شکستهٔ ممزوج نسخی کوفی آ میزبه طرف کوفی خالص متمایل است، چنانچه برسکهٔ فضل بن سهل ذوالریاستین که درسنه ۲۰۰هـ ۸۱۶م

---

(۱) تاریخ التمدن الا سلامی ۱ر۹۸ جرجی زیدان طبع قاهره ۱۹۰۲

(۲) زمباور در معجم الا نساب ۱ر ۷۷

(۳) تاریخ بخارا ٤٤

(٤) فهرست مسکوکات اسلامی موزهٔ کابل طبع دمشق ۱۹۵۳م

در مرو ضرب شده دیده میشود(۱)وهم ازطرف شاهان اسلامی ماوراء ـ النهر مسکوکاتی بخط کوفی ضرب شده، که ازان جمله سکه سا یـــر بن عبدالله شاه اسرو شنه(۲۸۰ﻫ)نصر بن علی ایلك است و بـرا ن نوشته اند: (ضرب هذاالفلس بفرغانه سنه ست وتسعین وثلثمائه)۳۹۶(۲)

از ملـوك خراسان سکـــه هـای طاهربن حسین (۲۰۵ ﻫ)وطلحه بن طاهر (۲۰۷ ﻫ) وعبدالله بن طا هر(۲۱۳ﻫ) وطاهر بن عبدالله(۲۳۰ﻫ) و محـــمد بـــن طـا هر (۲٤۸ ﻫ)شاهان آل طاهر خراسان موجو د است (۳) وهمچنین ازشاهان زرنج سیستان سکه های یعقوب بن لیث (۲٥٤ ﻫ)وعمرو بن لیث (۲٦٥ ﻫ)وطاهر بن محمد بن عمر و(۲۸۹ﻫ) ولیـث بن علی لیـث (۲۹٦ ﻫ) واحمد بن محمد بن خلف (۳۲۰ ﻫ) واز سامانیان بلخی سکه های احمدبـــن ا ســـد (۲۰٤ ﻫ) و اسماعیل بن احمد (۲۷۹ ﻫ) واحمدبن اسماعیل (۲۹٥ ﻫ)ونصربـــن احمد (۳۰۱ ﻫ) وغیره ، واز آ ل بانیجور بلخ واندراب وبامیان سکه های داود بن عباس (۲۳۲ﻫ)ومحمدبن احمد بن بانیجور (۲٦۰ﻫ)واحمد بن محمد بن احمد (۲۷۹ ﻫ)واحمدبن جعفر بن احمد (۳۷۲ﻫ)و ازآل فریغون جوزجان سکه ابو نصـــرمحمد بن فریغون (۳۷۷ ﻫ) و ا ز امرای اند راب سکه مکتوم بـــن حرب (۳٥۹ ﻫ) وسبهلان بن مکتوم (۳٦٥ ﻫ)واز غزنویان قدیم سکـــه های سبکتگین (۳٦۷ﻫ)والپ تگین (۳٥۱ ﻫ) موجودند، که ازمسکوکات قدیم دورهٔ اسلامی درخراسا ن بخط عربی کوفی شمرده میشوند . (٤)ورواج کامل خط کوفی رادرافغانستان روشن ومدلل می سازند .

۲ـ سنگ نبشته ها :

ازروی منقورات سنگی قدیم کـه درشرق افغانستان ووادی سنـــد تاکنون بدست آمده، چنین معلو م میشود : باو جود یکه نفوذ خـــط کوفی در حدود ۲۰۰ ﻫ ۸۱٦ م درقلب خراسان ثابت است ، و لـی

---

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۱۷ـ۱٤۸۰

(۲) مجلهٔ باستان شناسی شوروی عدد ۳ سال ۱۹٦۸ م ص ۲۲٤ طبع مسکو .

(۳) زمباور د ر معجم الانساب ۲۹۹

(٤) همین کتاب در صفحـــا ت متعدد .

در همین اوقات در اراضی شرقی یعنی وادیها ی پختیا و گومل و کورم تادریای سند خطی رواج داشت که شبیه تر بانوشته ها ی نسخی شکسته وابتدایی قرا مین نبوی وکتیبه های جبل سلع مدینه واوراق بردی مصر است[۷].

مثلا بر کتیبه های وادی توچی (شکل ۲۰ ر ۲٤) مربوط او اسط قرن نهم، که ذکر آن گذشت، خط نا زیبا ی نا مهذب نسخی شکسته دیده میشود ، در حالیکه همین خط عربی بشکل زیبا و مهذب متمایل به کوفی در کتیبه مسجد بمپور (شکل ۲۸) درسنه ۱۰۷ هـ ۷۲۵ م موجود است واز ین برمی آید که نفوذ خط کوفی به وادی سند بیشتر از وادیهای شرقی افغانستان رسیده بود .

سنگ نبشته های آرامی یاقدیمترین آثارخط در افغانستان تاریخی

تاکنون درخاك افغانستان نوشته‌هایی که قدیمتر از آثار رسم‌الخط وزبان آرامی دردورهٔ تاریخی باشد کشف نشده‌است . اگر چه‌ایـــن نوشته های آرامی مقارن رسم الخطیو نانی است وبه اواسط قرن سوم قبل‌المیلاد تعلـق میگیـرد، ولـی‌چون مبداء وریشهٔ آن درتار یـــخ تمدن وهنر آسیا قدیمتر است بنـابرین باید گفت: که روا ج خـــط آرامی درین سرزمین سا بق ترازخط یونانی وخرو شتهی ا ست و خرو شتهی هم از خط آرامی برآمد که‌از راست بچپ نوشته‌میشد .

باسط فتـوحات کـورو ش (۱)بزرگ (۵۵۰ر۵۲۹ ق.م) وبعدازآن درشهریاری داریوش (۲) (۵۲۲ ر ٤۳٦ ق.م) آثـارمدنیت‌هخامنشی تاماورای دریای سند شرقاً رسیده‌بود ودر آن جمله خط وزبان آرامی نیز شامل است ، که‌بقول شید ر(۳) دریکی از لهجه های آرامـــی شرقی بود، وآنرا «خط شاهنشاهی»هم میگفته اند.

ولی تاکنون کتیبه ای مر بو طبدورهٔ هخا منشیان در افغانستان کشف نشده است . ازطرف شرق‌نیز خط آرامی درحدود قر ن ۷ق.م بوسیلهٔ دریانوردان فنیقی و بابلی‌به‌جنوب هندرسیده بود که‌در آنجا مبداء رسم الخط دیوه ناگـری (٤)(یعنی رسم الخط خدایی یاشا هی) زبان سنسکریت گردید ،وگویا اثررسم الخط آرامی بر سر ز میـــن افغانستان هم از شرق وهم‌از غرب‌بود. وبنابرین قدیمترین لو حـــهٔ سنگی که بخـط آرامـی از تکسیـلابرآمده وتاریـخ آنرا بحد ود ۵۰۰ ق.م نسبت میدهند ،کهن تر یـن‌آثار این رسم الخط درسر زمیـــن شرقی دریای سند باید شمرد .این‌کتیبه قراریکه جون مارشل‌گوید : درنهایت اهمیت است وبر یـــك‌سنگ مرمر سپید مثمن نقرشده و چون جای پیدا یش آن دربقا یا ی‌آبادیهای عصر از یس او ل (۵) بوده بنابرین باید گفت که باهمین‌وضع شکسته‌وآسیب‌دیدهٔ‌خود پیش ازآغاز قرون میلادی درینجا د فن‌شد ه باشد ، حروف آن‌بـازبـا ن آرامی مشابـه آثـار قـرن چها رم‌قبل المیلاد است ، ولی معنی متن

---

(1) CYRUS
(2) DARIUS
(3) SCHEDER
(4) DEVA-NAGHRI
(5) AZES

افزایش جنبهٔ هنری وتزئینی درخط

خط ازمظاهر اجتماعی ز ند گانی انسانیست ومانند دیگر مبادی حیا تی باحرکات سیاسی و اقتصاد ی وروحی دستخوش تحو ل و ارتقاست .

درآغاز زندگانی کو چی گر ی وزراعتی وتشکیل مراتب ابتدا یی ملوك طوایف ، همواره خط بحیث یك ضرورت سادهٔ انسانی مروج می باشد، ولی درهنگام نضج واقتدار سلطنت این پدیدهٔ اجتما عی ومدنی انسانی مانند هنر ها ی دیگر مقام هنری را احراز می نماید، ودر صف هنرهای زیبا قد م می نهد .

ملت های آریایی نژاد آسیا ی وسطی ، سوابق در خشان مصوری ونقاشی برابنیه وکتابها داشتند ،نظایر آن بردیوار های نگارین بامیان وهده وتپهٔ سردار غزنه و آلـ ربگرام و پشاور و غیره در بقایای دورهٔ بودایی افغانستان در مد تده قرن نمایان است ، و هم بر بقایای ابنیهٔ مکشو فه از پنج کنت وسمرقند دیده میشود .

در خطو ط ابنیهٔ دورهٔ هخا منشی ایران استعمال رنگ وتز ئین ر ا یافته اند وچنانچه گذشت د رکتب زردشتی گویند که اوستا بر پوست گاو بخط خوش طلا نوشته شده بود. آثار دینی مانوی نیز نگارین ومصور بود ومورخان دو رهٔ اسلامی مانند ابن مقفع والبلاذ ر ی وابن ندیم وابن قتیبه و الصو لی وابن درستو یه ازبسا آ ثار هنری خطو ط وکتب مصور خو شخط خبر میدهند . (۱)

هنگام تشکیل خلافت عباسیا ن در اواسط قرن ۸م که عربها ازدریای نیل تاکنار های سند بر مملکت وسیعی حکم میراندند ومواریث هنری بیزنطین Byzantien وایران وهنر گندهارا وسغد ومانیان بایشان رسیده بود ،حتماازدیدن ابنیهٔ عالی نگارین و کتب ومواریث هنری این ملل متاثر می شدند . ابن ندیم وطبری و مسعودی از ارسال بتان ز یبا ی بامیان وکابل وداور و بست که بجواهر مر صع بودند ، بدر بار بغداد خبر مید هند، که مد تها این بتان رابرای تماشای مر دم در قصر خلیفه وبعد ازان سه رو ز در ادارهٔ مر کزی پلیس بغداد به نمایش عامه گذاشته بودند (۲)

---

(۱)سروی آرت پرشیا ۱۷۰۹ (۲)الفهرست ۴۸٦ ومروج الذ هب ۴ر۲

که‌مورد تعجب ودلچسپی مردم بودوآنرا مثل مسلمانان قرن اول‌اسلامی نمی شکستاندند .

چون مسلمانان بموجب روایا ت‌دینی خودنمی توانستند ،صورتهای انسانی رادر معابد خود نقش کنند،بنابرین برای تز یین مساجد ا ز هنر خطاطی ونقاشی اشیای بی‌جان بردیوار ها وابنیهٔ دینی خو د کار گرفتند ، واین حرکت هنر ی‌ساختن خط ازهمان اوایل دو ر ۀ عباسیان واواسط قرن ۸م آغازشده‌بود. زیرا عوامل اقتصادی ا ین دورهٔ نضج فیودالیزم تماما مساعدپرورش این هنربود .

درپرورش این هنر چنانچه گفتیم‌بازدست مردم خراسان سهیم بود، زیرا یحیی برمکی (متو فا ۱۹۰ هـ۸۰۵م) به‌خطاطی علاقمندی فراوان داشت واو بزرگترین خطاط در بارمامون احمد بن ابوخالد احـو لرا پرورش داد ،که‌برای خط عر بـی‌قواعدی راتر تیب کرد و خطو ط او بسیار زیبا و د لکش بود نـد .وهمچنین وزیر دیگر خـرا سا نی فضل بن سهل سر خسی بخطا طی‌توجهی داشت چنانچه در عصر ا و قلم الریاسی رواج یافت که مبد أالثث ومحقق ورقاع وغبار و غیـره گردید (۱).

توجه به‌تهذیب خط عـربـی وهنری ساختن آن ،بعد ازین فراو گشت وابن قتیبه (متـو فا ۲۷۹ هـ۸۸۹م)گویدکه خطاطان میکو شید . تاخط زیبا راباحروف قوی درسـت‌بنویسند (۲). والصو لی و ابـن درستو یه درقرن دهم درکتاب‌الکتاب‌مقاصد وقواعد خطاطی و اصو ل استیتک آنرا شر ح‌دادند ، وابوبکرالصولی که‌ادب الکتاب رادر ۳۲۵ هـ ۹۳۷م نوشت گوید : که خطـو طاحمد احول راکه به قسطنطنیه از طرف مامون فرستاده شده بود بـردر به‌صومعه آویخته بودند (۳) تـا زیبایی آنرا تما شاکنند ، وخلیفـه‌المعتمد در اوا خر قرن نهم‌نامه‌یی بامپراتور بیز نتین فرستاد آنقـد وزیبـا و خو شخـط بـو د کـه امپراتور گفت: « برهیچ چیـز ی‌از عرب رشك نمی‌برم جز این خط زیبا (٤) »

(۱) الفهرست ۱۳

(۲) ادب الکتاب ۲ طبـع لـیـد ن۱۹۰۰ م

(۳) ادب الکتاب ٤٥

(٤) همین کتاب ٤٥

خط عربی کوفی تزئینی در اروپا نیز بواسطهٔ مسلمانان فاتح اسپانیا ازراه فرانسه نفوذ کرده در کتیبه های تزئینی ابنیه جای گرفت وحتی بردیوار های ابنیهٔ دینی و صوامع مسیحی در ایتالیا واسپانیا وفرانسه ، آیات قرآنی را نیز بغرض تزئین بخط زیبای عربی نوشته اند. درب کلیسای بزرگ سنت پیتر St. Peter نیز بچنین نوشته آراسته بود ،ولی بعد ازآن آنرا ممنوع قرار دادند (۱) واینگونه تأثیر های هنری اهمیت تاریخی خودرا از دست نداده وارزش تزئینی آن درموزونیت Rhythm وتقارن Symmetry اشکال آن نهفته است (۲) که تاثیر های آن در هنر تزئین ابنیهٔ انگلستان هم نمایان باشد ، وبقول بر گس M.S. Briggs این تاثیرها ازراه فرانسه بانگلستان نیز نفوذ کرده بود . و پروفیسر لیتابی Lethaby آثار آنرا بر طاقچه های پشت محراب Retables واکثر کلکین های کلیسای و یست منستر Westminster در هنر تعمیری انگلستان نشان داده است . (۳)

و حتی تأثیر هنری خط کوفی بدرجه یی بود که پادشاه مسیحی مرسیا Mercia بنام اوفا Offa (۷۵۶-۷۹۶م) سکهٔ خودرا بدین خط زده بود، وبر صلیب برونزی آیرلیندی در قرن نهم میلادی بسم الله بخط کوفی دیده میشود ، وهم در ایتالیا بر شانهٔ راست تصویر حضرت عیسی خط کوفی نمایان است .(٤)

درعصر خلفای عباسی خط عربی ازحالت سادهٔ نسخی خود برآمده بوضع بسیار دلکش تزئینی وهنری کوفی متمایل گشت که یک نمونهٔ این تهذیب نخستین ۱۱ سطر کوفی مهذب ، بین نقاشی زیبا بر کتیبه مرمرین مسجد المهدی بغداد در ۱۵۵ هـ ۷۷۱ م موجوداست ، وبرخی نظایر آن که متعلق به ۱۷۵هـ ۷۹۱ م یا ۱۹۵ هـ ۸۱۰ م باشد در دربند رباکو ازطرف خانیکوف Kanikoff کشف شده است (۵) ودرخراسان هم درحدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م آثار

(1) S.P. Scott's History of the Moorish Empire III 29
(2) E. Herzfeld, Encyclopaedia of Islam 1-364, 365.
(3) The Legacy of Islam 178
(٤) همین کتاب ۱۱٤ر۱۵٤
(۵) مسلم کالگرافی ۲۱ از قدیم‌ترین نمونه این خط نسخهٔ قرآنیست در موزهٔ دمشق که بقول دکتر صلاح الدین منجد درسنه ۲٦۷ هـ نوشته شده‌است .

وعلایم کوفی بسیار خو شخط دیده‌میشود ،که ازانجمله یك پا رچــه ابریشمین بسیار نفیس مصــور ومنقوش خراسانی موزه لو وزپاریس است، که‌بران کلما ت (عزو اقبا للقا ئد ا بی منصــور بختکیــن اطال الله بقـ ...) نوشته اســت واین قاید عبدالملك بن نوح‌ســامانی‌در سنه ۳۵۹ هـ ۹۶۰م کشته شده بود(۱) ونوشته‌این پارچه ابر یشمین خراسانی نمایندهٔ رواج پختگی کامل‌خط کوفی درین سرزمین است . (شکل ٤۷)

درگنجینهٔ قرآن مشهد ر ضو ی‌در حوت ۱۳٤۸ نسخهٔ قرآنی بدست آمد ،که در اصفهان در سنه ۳۲۷ه‌بخط معقلی دارای زوایای گــر د نوشته شده وقدیمتــرین نسخــهٔ‌مکشوفهٔ قرآن درایــران شمــر د ه مــی شو د ،کـــه نو عی از خــط‌کوفی متمایل به نسخی است .ودر همین گنجینه مکشو فهٔ جدیدقرآنی‌وقفی ابو الحسن عرا قی د بیــر سلطان محمود بخط نسخی متما یل‌به ثلث موجوداست ونسخهٔ د یگر وقفی محمد بن موسی ٤۰۲ هـ بــه نسخ آغازی نوشته شده (۲) که از تمام این آثار باقیمانده به تحول حط عربی پی‌توان برد .

اکثرمحققانی که‌برهنرخطاطی‌ونقاشی‌آسیای میانه وایران تحقیق کرده‌اند گویند که اثرهنــر کتـابسا زی ونقاشی مانی ومانویان در خطا طی ونقاشی این سرزمین ظا هر است‌ونسخه های مکشو فهٔ مانویــان د ر تورفان وترکستان ودیگر موا قــع‌این اثر را بثبوت میرساند . (۳) و حتی از وجود یك نسخهٔ کتاب مانی‌یامنسوب باو درخزانهٔ غــز نه هم خبــری داریــم وایــن روایــت ر اابوالمعالی محمدبن عبیدالله درسنه ٤۸٤ هـ ۱۰۹۲م نوشته ا ست (٤)ولی بایدگفت :که هنر نــقا شی و مصوری کتاب همواره در ایــر ا ن‌وخراسان بوده‌است که ما از کتاب گوهر افشین وغیره درسا بق‌بحث‌کردیم وهم کتاب مصور شا ها ن ساسانی رامطهر بن طاهر مقدسی‌درکتاب البدو والتاریــخ (۳۵٦ هـ ۹٦٦م) ذکر کرده وعلی بن حسیــن‌مسعودی آنرادر (۳۰۳ هـ ۹۱۵ م) در استخر پارس دیده بود، که‌نسخهٔ‌آنرادر ۱۱۳ هـ ۷۳۰ م برای هشتم

---

(۱) سروی ۲۰۰۲

(۲) یادداشت نویسنده از روی‌اصل نسخه های مشهد رضوی.

(3 Persian Art 1820...Moslem Calligraphy 3

(٤) بیان الادیان ۱۷ــ۱۸ طبــع تهران

بن عبدالملك ازفارسی بـعر بـــی‌نوشته بودند. (۱) وبنابرین اسنا د نتوان گفت که‌مردم این سر ز میـن‌کتاب آرایی راتنها ازمانـو یــان آموخته باشند ، والبته الـری ا زهنر مانی در کتب منقو ش‌ومذ هب ومصور توان دید.

اما اثر هنرمانی یاهنر د یکـــربرخود خط کو فی تز ئینی کمتـر دیده میشود وممکن است آنرا خودمردم عراق وایران وخراسان‌بحالت نز ئینی درآورده باشند ، ز یـــرادراوراق مانوی (شکل ۴۸)خو د خط مانوی مزین ومشجر یا کـلـلدار وهندسی نیست ، بلکـه صفحـا ت وحواشی آنرا گل کاری یامصور ی‌کرده اند ، ولی خط نزئینی کو فی چنین است که خود حروف آ نـر ابأشکال دلکش تزئینی در آورده‌اند رمامی بینیم که این تمایل تز پیـن‌حروف کوفی در قرن نهم و د هـم آهسته آهسته نشو ونماکرده‌ومخصوصاًبرابنیه آنرا نوشته‌اندوشایددر کتابها یی که‌مرجع استفادهٔ مر دم‌بود ، آنقدر در تزئین حروف‌افراط نمیکردند .

مثلا سر لوحهٔ صفحات نخستین‌دو کتاب قدیم خطی کتاب الا بنیـه بخط اسدی طوسی (۴۴۷هـ ۱۰۵۵م)(شکل ۴۹) وتر جمان البلا غه بخط ارد شیر بن دیلمسپا ر قطبی‌درسنه۵۰۷ هـ ۱۱۱۳م (شکل ۵۰)هردوبه کلمات (بنام خداوند بخشا ینـد ه بخشا یشگر) آغاز می یابد ، و لـی تزئین حروف یکسان است‌که‌حرف(ش)کلمهٔ ۳-۴ را ازمتن بیرو ن کشیده وبالای آن بطور گلی‌آراسته‌اند، درحالیکه درمتن کتاب هیچگونه تز یین هنری مشهود نیست ، ولی‌تزئینات وتکلفات هنری در عیـــن حروف کتیبه های ابنیه در همیـن‌عصر موجوداست . که نمونهٔ آن‌در خراسان در کتیبه های کو فـــی‌مسجد خر گرد وبنای سنگ بست عصر سلطان محمود غـز نوی دیده‌میشود (۲)

در مسجد نایین شکل تزئینـی بلند زا و یـــه دار خط کوفی نمایان است که درسنـــه ۳۵۰ هـ ۹۶۰ م‌کتابت شده (شکل ۵۱) وبعد ازان درسنه۴۱۸ ۱۰۲۷م‌درمقبرهٔ‌پیرعلمدارآنقدر باگل وشاخ وبرگ و اشکال

---

(۱) التنبیه والاشراف ۹۲ طبـع‌قاهره ۱۹۳۸ م

(۲) سروی آرت پرشیا ۱۸۲۸

تزئینی آمیخته ،که انسان آ نــراتنها خطو ط واشکال زیبا و نظــر ربایی می پندارد (۱) (شکل ۵۲)وهمین شیوه منقش در قرن ۱۲ م برطاق مسجد مغا ك عطاری بخا رادر غایت پیچیدگی بنظرمـی‌آیـد . (۲)

درخطو ط ابنیه چنانچه دیدیم ، تزئین‌وامتزاج نقوش و گلها و خطـ های هندسی غالب بـود ولـی درکتابها که‌مورد خوانش و احتیـا ج عامه بودند، حتی المقدور ازسادگی‌وخوانا بودن خط کار گرفته اند ، و در ینجاست که کوفی از امتزا ج‌نسخی دربین کتابها انواع متعـد د دارد، وهم خطی بمیان آمده کـــه‌ابن ندیم آنرا فیرآموز (معرب پیر آمو زفارسی) خوانده است ، وازنام آن پیداست که‌دربیـن فارسی زبانان بوده ودنبالهٔ هر حرف آ ن‌بانیش قلم وبنازکی مو بـا حـرف دیگر پیوسته است و جنبهٔ تز ئینی‌آن غالب بـاشد ، کـه بـد ا ن مصحف می نوشتند . ونمو نهٔ یـك‌ورق قرآن باین خط در ذخایرمشهد رضوی موجوداست (۳) ودیگر کتاب‌صفات الشیعه تالیف شیخ صدو ق است که‌درسنه ۳٦۰ هـ ۹۷۰م تالیف‌شده وآنرا بهمین خط پیر آ مـو ز تزئینی ، نصربن عبدالله قز و ینی‌درسال ۳۹۱ هـ ۱۰۰۰ م نوشته(٤) که اکنون دریك مجموعهٔ شخصـی‌تهران است . (شکل ۵۳ و٥٤)

از قرآن خط‌کوفی سادهٔ آمیختـه‌بانسخی ذخایـر آستـان ر ضو ی مشهد وقفی ابوالقاسم منصور بـن‌محمـد هروی وزیر سلطان محمو د درسنه ۳۹۳ هـ ۱۰۰۲م (شکل ۵۵)وقرآن وقفی ابوالبرکات رازی٤۲۱هـ ۱۰۳۰(۵) (شکل٥٦) وهمچنین‌قرآن٤۱۸هـ ۱۰۲۷م که بخامهٔ عیسی بـن عبدالله بلخی (٦) نوشته شده (کتا بخـا نـهٔ میلا ن Milan پدیدمی آید ، که در اوایل قرن۱۱جنبهٔ هنری خط کوفی قرآنی متما یل به‌نسخی در کتابها کم بود و اگـرمیخواستند آنرا مزین سازند بطور مشکول‌می نوشتند . مانند خــط‌عثمان بن‌حسین وراق غـز نو ی

---

(۱) سروی هنر پر شیا ۱۷٤٤لوحهٔ ۲٦٦
(۲) ابنیه وآثار تاریخی اسلا م‌در اتحادشوروی تاشکند ۱۹٦۳ م
(۳) گنجینه قرآن ۲۸
(٤) کتاب وکتابخا نه هـا ۹ ومسلم کالگرافی ۸
(۵) گنجینه ۳۵
(٦)سروی هنر پرشیا ۱۷۲٤

٤٦٦ هـ (؟)ـ۱۰۷۳م (۱) گنجینه‌مشهد رضوی (شکل ٥٧) ولی بر ابنیه والواح آنرا زیباتر وبا شاخ وبرگ وخطوط هندسی و الف های کشیده وزوایای قائمه نوشته اند.وآثار اقدم این گونه خطاطی درغزنه بر قبور سبکتگین وسلطان محمود دراوایل قرن ۱۱ پیدا ست ،وحتی بر قبر محمود دو نوع بسیارزیبای کوفی ور قاع دیده میشود .(شکل ٥٨ و ٥٩)

غزنه که‌مرکز سیاست و ثقافت‌آسیای میانه در قرن ۱۱ــ۱۲ بود، ازنظر خطاطی نیز غنی‌ترین مراکز بشمارمی‌آید وعلاوه‌برنمونه‌های‌نسخه های قرآنی که در صفحات گذشته‌نشان دادیم مخطوطات خاص این مکتب قرآن نویسی موجودند ، که‌آیات قرآنی رابخط کوفی مزین هنری برزمینه مشجر گل کاری‌نفیس باتشعیر زیبای حاشیه بصورتی نوشته اند، که تمام‌صفحه‌گل کاریست و خط آیات قرآنی با سیاهی پختهٔ سایه دار خیلی برجسته بنظر می‌آید ، ونمونهٔ بسیار زیبای این مکتب غزنه قرآنیست‌که در رمضان ٥٦٦هـ جون ۱۱۷۱ م بخط ابوبکر بن احمد بن عبیدالله‌الغزنوی نوشته شده (شکل ٦٠) ودر موزهٔ مصر موجود است (۲) وهم‌نسخهٔ دیگر قرآن درمجموعه‌چستر بیتی Chester Beatty انگلستا ناست (۳) .که عیناً بهمین سبک نقاشی گلدار بر تمام زمینهٔ صفحات‌دارد،ولی‌خط آن‌کوفی‌متمایل به‌پیر آموزاست (شکل ٦١) وهمچنین قرآنی که‌درسنه ٥٠٥ هـ ۱۱۱۱ م دربست کنار هلمندنوشته‌شده (شکل ٦٢) (کتابخانهٔ ملی پاریس) بهمین سبک نسبتی دارد(٤) وهم قرآنی در گنجینه مکشوفه جدید مشهد رضوی بخط وتذهیب‌محمد بن عثمان وراق و مذهب غزنوی بدست آمده، که تاریخ‌وقف‌آن ٤١٤هـ است ویکی از آثار مغتنم مکتب خطاطی کوفی وتذهیب‌غزنه شمرده میشود .

درکتیبه ها ی تزئینی کوفی‌بعداز نوشته های مراقد سبکتگین ومحمود ، بسا الواح سنگی ونوشته‌های دیواری در غزنه. موجوداست ، مانند نوشته های کوفی دو منار غزنه که‌یکی بنام بهرامشاه (٥١١ـ

---

(۱) گنجینه ٤٩

(۲) سروی هنر پرشیا ۹۳۰وکالگرافی ٦

(۳) سروی ۹۳۱ کتاب و کتابخانه ۲۱

(٤) سروی ۹۲۷

۵٤۷ هـ ۱۱۱۷ـ۱۱۵۲م) و دیگری از سلطان مسعود علاءالدوله بن ابراهیم(۴۹۲ـ۵۰۸هـ۱۰۹۸ـ۱۱۱٤م)است وهم باستان شناسان ایتالوی درسالها ی بعد از ۱۹٦۰ م درعصرسلطان مسعود نمونه های ابیات دری رایه رسم الخط بسیار مزین کوفی بر سنگهای دیواری از زیر خاك بر آور ده اند (۱) که آنرامظا هر متکامل خط کوفی دراوا خر دورهٔ غزنویان توان شمرد (شکل ٦۳) والواح سنگی که از همین دوره دربست باقی مانده وهمچنان پارچه های نوشته های کو فی که بردیوار های قلاع غزنویان درلشکری بازار بست دیده میشود ، نیز از بقایای خطوط کوفی دورهٔ غزنویان است .

ازبقایای جامع اولیاء طرف شرقی بالا حصار غزنه ، محراب قد یمی است منقش وزیبا ، که باخط کو فی مزین گلدار وخط رقاع (دربین) مزین است وسنگی دران بخط ر قاع نوشته شده، که نام ظهیر الدو له سلطان ابرا هیم بران منقور است وازین برمی آید که در عهد سلطنت او (٤۵۱ ـ۴۹۲ هـ ۱۰۵۹ـ۱۰۹۸م) بناشده باشد (۲) رجوع کنیدبه شکل (٦٤) وخطو ط تزئینی کو فی گل داربهم پیچیده رباط شرف سرخس(۳) درحدود ٤۵۰ هـ (شکل ٦۵) نیز نمودار این سبك خط تز ئینی است .

از دو لوحهٔ سنگی قبوریکه دربست باقی است ۵۹۵و٦۱۱هـ ۱۱۹۸و ۱٤۱٤م ولو حهٔ قبر محمد بن اسمعیل غوری متوفا ۲٤ جمادی الاولی ۵۳۰هـ که ازهرات بدست آ مده(موزهٔ هرات) پدیدار است که خط سادهٔ کوفی متمایل به نسخی رابدون تزیین وگل پردازی نیز می نوشته اند و نمونهٔ آن در (شکل ٦٦)لوحهٔ مزار واقع هرات نشان داده شده است.

سیر تکامل تزئینی خطوط کوفی برا بنیه شکل غلو وافرا ط را بخود میگیرد ، که دردورهٔ سلجوقیان نمونهٔ آن بر قبرامام یحیی د ر جوزجان (شکل ٦۷) ومحراب او لیاء ومنار ها وسنگهای نقاشی شد ه قصر مسعود سوم در غزنه وبقایای ابنیهٔ لشکری بازار بست و چشت

---

(۱) کتیبه های کوفی قصرمسعود سوم در غزنه طبع ر و م ۱۹٦٦ م

(۲) ریاض الالواح ۱۳۸

(۳) دکتر عیسی بهنام ـ مجلهٔ هنر ۵۲ بهمن ماه ۱۳٤۵ ش تهران

ومسجد جامع هرات ازبنا ها یغیاث الدین محمد سام ومنا ر زیبای جام در قرن ۱۲ موجود اند(شکل ٦٨) که‌تکامل تز ئینی و نفاست هنری خط کوفی رادر دربارهای غزنو یان وغوریان نمایند گی میکنند وروشن می‌آید که سوا بـق‌هنری پیشی از دورهٔ تیموریان د ر افغانستان ،درتحت‌شرایط اقتصادی‌و اجتماعی هنر پرور سلطنت ها ی فو ی چگونه بوده‌است ؟

زیرا مادر همین عصر یك کتیبهٔخط عربی نامزین ونسخی شکسته را از بن‌چاهی در ویهنـد کتـ‌راتك بدست داریم ، کـه آنـرا در ٤٨٢ هـ ١٠٨٩م یکنفر فقیه‌جوزجانی‌ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن‌محمد دربنای چاهی نوشته‌است‌واگراین‌خطرا درپهلوی‌خطوط معاصرابنیهٔ مجلل سابق الذکر بگذاریم پدید می آید‌که ارزش هنری خطوط تماماً مرهون پرورش ارباب اقتدار بوده و ابنیهٔبنا کردهٔ رجال مقتدر ، مظـاهـر باشکوه هنـری خطا طا ن گشتـه‌است .

ازکتابهای قدیم زبان فارسی که‌تاکنون دردست است کتاب‌الا بنیه عن حقایق الادویه بخـط ا سـد یطوسی در ٤٤٧ هـ ١٠٥٥ م قدیمتر (شکل ٤٩) وکتاب شر ح تعر فـ‌مکتوب ٤٧٣ هـ ١٠٨٠م (مـوزهٔ کراچی) کتاب دوم (شکل ٦٩) وکتاب هدایة ا لمتعلمین مـکتو ب ٤٧٨ هـ ١٠٨٥م (کتابخا نه بادلیا ن‌اکسفورد)کتاب سوم (شکل ٧٠) دارای تاریخ معین تحریر شمـردهمیشوند ، که‌شیوه خط کتاب‌الابنیه بکوفی شبیه تر واسلوب دومـی وسومی به‌نسخی متمایل است . در حالیکه نسخهٔ خطی تر جمان البلاغه‌موزهٔ استانبول تـحر یـر ٥٠٧ هـ ١١١٣ م (شکل ٥٠)شبیه تر بـه‌کتاب‌الابنیه است . وازین پـد ید می‌آید کـه کاتبان در اختیار شیـوهٔتحریر تابع ذوق ورواج محیط خود بوده و در بین کوفی و نسخی شیوهای مختلف راپدید می‌آورده ا ند که بسهو لت قابل خواندن باشد .ودربین خط کتب، به‌تزئین ها وگل کاریهای فراوان هنری‌نمی‌پرداختند،الادر آغاز کتاب یاسر فصول کـه بایك سلیقه و ترکیب و تز ئیـن‌بسیار مشابه در آغاز هـردوکتاب الابنیه وترجمان البلا غه جمله (بنام‌ایزد بخشایندهٔ بخشایشگر) بخـط کوفی مزین کشش داری نو شـته‌اند. درحالیکه متون هردو کتـاب ازین گونه آرایش هـای هـنـر یعاریست . وتمایل کاتبان بـطر ف سلیقهٔ خط نسخی وسادگی آنست‌ودرنوشتن قرآنها هم حتی المقد ور

خوانا بودن آنرا رعایت کرده اند.واز پیچ وتابهای تز ئینی کو فی که بر ابنیه موجود است در نوشتن قرآن خود داری داشته اند. و اگر هم بتزئین وپیچ وتاب دادن خطی پرداختند درسر سور هاوپاره ها ومنازل قرآنی بوده است .

درهمین اوقاتست که خط نسخی در کتاب نویسی بسیار مستعمل است ومامی بینیم که بعد ازتر جمان البلا غه ۵۰۷ ﻫ ۱۱۱۳ م در حدود (۲۵) سال خط نسخی از آ میز ش کوفی بکلی تغییر شکل داده و نسخی خالص بمیان آمده است که در نسخهٔ تفسیر ابوبکر عتیق سور - بادی ۵۲۳ ﻫ ۱۱۲۸م بخط محمودبن گرگین تر کی دیده میشو د (نسخهٔ خطی اندیا آفس لندن طبع عکسی تهران ۱۳۴۵ ش (شکل ۷) ولی درنسخهٔ خطی المختصر مــن کتاب الو قــف تحریر عبد الله بن علی در ۵۲۶ ﻫ ۱۱۳۱م برای ابوبکرعتیــق بن محمد بن خسرو (کتاب خانه مرحو م محمد شفیع لاهوری)هنوزهم آثار کوچك کوفی در بین نسخی باقیست (عکس ۷۲) وبا یدیمو جب رسم الخط بسیار مهذب نسخی هدایة المتعلمین مکتو ب۴۷۸ ﻫ (نسخه بادلیان اکسفورد) رواج نسخی رادر کتب از اوا سطقرن پنجم هجری حساب کرد (شکل ۷۰) چون درحدود (۴۷۰ ﻫ) درجهٔ تهـذ یب وزیبایی نسخی رادر ین کتاب می بینیم ، باید خط نسخی متمایل به کو فی ۲۳ صفحه با قی ماندهٔ داستان وامق و عذرای عنصری (شکل ۷۳) رامربوط بدورهٔ نسخی + کوفی درحدود (۴۵۰ ﻫ) بدانیم که نماینــد هٔ یــك دو رهٔ خــط د ر افغانستانست (۱)

ازرسم الخط قر آنی که در سنه ۵۸۴ ﻫ بخط محمد بن عیسی بــن

---

(۱) این اوراق رامر حوم پر وفیسر محمد شفیــع لاهوری دربین دفتین کتاب کهنه المختصر مــن کتاب الوقف یافت و تشخیص کرد که ازنسخهٔ گم شدهٔ وامق وعذرای عنصریست ودرین ۲۳ ور ق کهنهٔ خطی ۳۵۳ بیت آن مثنوی محفو ظاست . برورق اول یك فهر ســت کتابهای مملو که صاحب سری زکی بن محمد بن علی عبدالحمیدالبامیا نی بخط تعلیق ابتدایی نوشته شده ،وباید که اصل نسخهٔ مثنوی هــم درافغانستان یا بامیان نوشته شده باشد، که در ملك همــین شخص بامیانی بود. اصل عکس این اوراق باشرح وتعالیق پروفیسر مرحو م در ۱۹۶۷ م ازلاهور طبع و نشر شده است.

آن تاکنون روشن نیست د کتـوربرنیت (۱) وپروفیسر کو لی(۲) آنـــر ا راجع به‌بنای قصـــر ی‌دانسته اند .

ولی برخی گویند که‌دربارهٔ جزای‌شخصی که آنرا بشکنانـد بـوده است (رجوع به‌عکس نمبر ٤)

بقول جون‌مارشل : کشف ا ین‌کتیبه میرساند که خط خرو شتهی از آرامی که بوسیلهٔ هخامنشیا ن‌در حدود ۵۰۰ق ،م بدین سرز مین رسیده‌بود برآمده است‌وتکسیلا هم‌بعداز آن مرکز سـرز مـین روا ج خرو شتهی بود .(رهنمای تکسیـلا۷۸ کلکته ۱۹۲۱) (۳)

دوقـرن بعد هنگامیکه آشوکـــا‌بادشاه بزرگ خاندان موریا ازهند برخاست (۲۷۳ ـ ۲۳۲ق، م) و درمدت چهل سال سلطنت خـــو د بر افغانستان شرقی تاوادی‌ارغنداب‌هم دست یافت ودیانت بو دا یی راهم انتشار داد، در عصر اوهنو زرسم الخط وزبان آرامی باقی بـود وسه سنگ نبشته مهم ازو در یـن‌سرزمین باقیست .

اول : سنگ نوشتهٔ یو نانـــی‌وآرامی که‌در مد خل شهر قدیـــم قند هار بر کنار جاده بر صخـــرهٔ کوه کنده شده ودرسنه ۱۹۵۸ م از زیرخاك برآمد ، که طول آن ۵۵سانتی وعرض ٤٥تا ۵۰ سا نتـی است . متن یونانی بالای کتیبـــه‌شامل ۱۳ ونیم سطر ومتن آرا می بائین هفت ونیم سطر است کـــه‌شیوهٔ خط آرامی‌آن‌باخطوط پاپیروس یاچرم مشابه است وهمچنین کتیبهٔ‌دیگر به‌رسم الخط یونانی در سنـه ۱۹۶۳ م درهمین قند هار کهنـــه‌بدست آمد که درموزهٔ کـــا بـل محفوظست .

موضو ع این دوسنگ نو شته‌همان مطالب اخلا قی است که در فرامین آشو کادر سر تاسر هنـدبه السنه ورسم الخط های مختلف نقر گردیده ، وکتیبهٔ قند هـــا ردرسال دهم بودایی شدن آشو کـا ۲۵۰ ق،م نوشته شده‌است .

---

(1) BARNET (2) COWLEY

(3) JOHN MARSHAL'S GUIDE TO TAXILA p 78.

تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان

از عصر قبل التاریخ تاکنون

تالیف

پوهاند عبدالحی حبیبی

یادښت

انسان په لسهاؤ زره کاله مخکښې د دنیا پر مخ پښې ایښې او د نورو حیواناتو تر څنګ یې ژوند کړی څود ژوند نخښې یې لږ را پاتې دي اود محدودو لوښو او افزارو له مخې یې پر ژوند څېړنه کېږي. دا ځکه چې دوی هغه وخت لاخط نه ؤ کشف کړی او لا د لیک په چل نه پوهېدل.

دخط له پیدایښت سره انساني ژوند زماني تسلسل ؤ موند او زړونسلونو نویو نسلونو ته خپلې تجربې پکښې ولېږدولې او د فردي ودې پر ځای بشري وده او پرمختګ پیل شول. همدا توښ دی چې د خط له پیدایښت سره د بشر تاریخي دوره پیلېږي او همدا دوره ده چې د بشر په ټولنیزه وده او ټولنیز ژوند کښې بنیادي ارزښت لري او د تمدن بنسټونه پکښې کښېښودل شول.

لکه د نورو هېوادونو غوندې د افغانستان تاریخي دوره هم په آریانا کښې د خط تر پیدایښت وروسته را پیلېږي او موږ اریو چې په خپل هېواد کښې د خط د پیدایښت او تکامل له تاریخ نه خبر شو.

د هېواد سترګو رمؤرخ، محقق او مفکر اروانباد علامه عبدالحی حبیبي ډېرش کاله

ورانديږ د دې تشې د ډکولو په غرض د "تاريخ خط ونوشته هاى كهن افغانستان" تاريخ و ليكه. ما هغه وخت د تاريخ په پوهنه كښې د دوى تر لاس او نظر لاندې د كار كولو وياړ درلود او د دې كتاب د اهتمام چارې مې په غاړه وې.

دا كتاب د تاريخ له تره غونې بيا تر ننه پورې په هېواد كښې د خط د ايجاد، بدلونونو او حتى صورې او شكلې بڼکلاو بهير ښيي او لوستونكي ته هراړخيز معلومات وركوي. همدا سبب و چې كتاب تر چاپ وروسته ډېر ژر ناياب شو او اوس خوېيي نسخې د سروګو ګړو غوندې ناويلتې دې او خلك پسې ګرځي.

ګران اسد الله دانش چې د ملي فرهنګ د بيا رغونې له پاره يې ځيله پانګه ځانګړې کړې ده له مانه و غوښتل چې د دې ګڼور كتاب خانې نسخه له يوې سريزې سره ورته وسپارم چې دى يې چاپ كړي.

زه د ده دا مينه او د ځيلو اسلافو د خدمتونو لمانځنه ستايم او دا دى د كتاب چاپي نسخه له ځيلې دې سريزې سره ورته سپارم چې خيره يې كړي. هيله ده علم ته ډېرې كسان د دې كتاب نه هركلى وكړي او د لوى استاد علامه حبيبي دالوى علمي اثر ولولي او ګټه ترې واخلي.

په درښت

حبيب الله رفيع

حيات اباد، پښتونخوا

۱۳۷۷/۱۰/۳۰

فهرست مطالب

سریزه

له ډیره وخته داسې غوښتل کیده چې په افغانستان کې دخط دپیداکیدلو اوسره اوښتلو یو مستند اومصور تاریخ ولیکل سي ، چې دتاریخ پلټونکي هم دخطونو دپیداکیدلو په واقعاتو او عواملو او اوقاتو خبر سي اوهم دډول ډول خطونو شکلو نه اوانځورونه وګوري .

داکار له دې سببه ګران و، چې علمي پلټنې لاګرده نه وې بشپړې سوې، اود مځکې له لاندې څخه دپخوانو خطونو ډېر لیکونه او پتې نه وې راایستل سوې .

په دې وروستنیو پیړیو کې داکار دغربي پوهانو له خوا ښه پرمخ ولاړ، او ډیر کښنل سوي سندونه په لاس راغلل چې دخط تاریخ ښه ځني څرګندیږي .

خط دانساني تاریخ اود مدنیت لمرڅرک دی ،او که انسان دا ښیګڼه نه درلودای، ډیر څه به ئې کم وو، اود علم نوم به هم نه وو. نو له دې جهته دافغانستان په تاریخ کې دخط دپخوانیو بیڼو پلټنه او څرګندو نه دتاریخ ټولنې یوه مهمه وظیفه ده .

داکتاب لومړی پلا د اجتماعي تاریخ مهم پلوڅه ناڅه ښکاره کوي . اوله تاریخه دمځې زماني څخه تاسي تردې وخته رارسوي .

داکتاب دافغانستان دګردوخطونو یوه لنډه اماجامعه تاریخچه ده، چې د ډیرو انځو رونو او عکسونو سره دافغانستان اکاډیمۍ د تاریخ اوادب ټولنې له خوا تاسي ته وړاندې کیږي .

(حبیبي)